



چهارده اسفند ۵۷ یادنامه دکتر محمد مصدق

بزرگ مرد ضد امپریالیست ایران

سخنرانی های:

آیت الله سید محمود طالقانی . مسعود رجوی .

سخنگوی سازمان چریکهای فدائی خلق ایران .

طاهر احمدزاده . هانی الحسن .

هدایت الله متین دفتری . و ...

۱۴ اسفند ۵۷

یادنامه دکتر محمد مصدق

چهارده اسفند ۵۷

یادنامهٔ دکتر محمد مصدق

مجموعه سخنرانی‌های :

آیت‌الله سید محمود طالقانی. دکتر شایگان. مسعود رجوی.
سخنگوی سازمان چریکهای فدائی خلق ایران. طاهر احمد-
زاده. هانی‌الحسن. هدایت‌الله متین دفتری و ...

به اهتمام جبههٔ دموکراتیک ملی ایران

فهرست مطالب

سخنرانان :

- ۹ مختصری دربارهٔ زندگانی و درگذشت دکتر محمد مصدق
- ۳۴ سخنرانی دکتر شایگان
- ۳۶ سخنرانی حضرت آیت‌الله سید محمود طالقانی
- ۵۱ سخنرانی مسعود رجوی
- ۶۳ سخنرانی سخنگوی سازمان چریکهای فدائی خلق
- ۷۳ سخنرانی طاهر احمد زاده
- ۷۶ سخنرانی هانی الحسن نماینده سازمان آزادی بخش فلسطین

() چهارده اسفند ۵۷

() یادنامهٔ دکتر محمد مصدق

() به اهتمام جبههٔ دموکراتیک ملی ایران

() شورای ناشران و کتابفروشان

پیامهای احزاب و جمعیتها

۱۳۰	پیام انجمن دفاع از آزادی مطبوعات
۱۳۱	پیام جبهه روزنامه‌نگاران ملی
۱۳۳	پیام سندیکای نویسندگان و خبرنگاران مطبوعات
۱۳۴	پیام کانون نویسندگان ایران
۱۳۵	پیام شورای ناشران و کتابفروشان
۱۳۶	پیام کانون وکلای دادگستری
۱۳۷	پیام خلق ارمن
۱۳۸	پیام کمیته هم‌آهنگی زرتشتیان
۱۳۸	پیام جامعه روشنفکران یهودی ایران
۱۳۹	پیام نشریه «عدالت»
۱۴۱	«استاد محمد تقی شریعتی
۱۴۲	پیام فریدون نریمان
۱۴۳	پیام ناصر نجمی
۱۴۳	پیام احمد مفتی زاده
۱۴۵	پیام خانواده استاد شهید نجات‌الهی
۱۴۶	پیام طرفداران جبهه ملی در استان هرمزگان
۱۴۷	پیام صنف دارندگان دکاکین گوشت‌گاو تهران
۱۴۷	پیام باهرة بهار (انصاری)
۱۴۸	پیام دکتر محب‌الله آزاده
۱۴۹	پیام داریوش سیروس پور
۱۵۰	پیام جمعیت آذربایجانیان
۱۵۲	پیام کارکنان بازرگانی کارون
۱۵۳	پیام کارگران و کارمندان شرکت ایران کاوه

پیام سازمان‌های دولتی و آموزشی

۱۵۷	تلگراف مقدم مراغه‌ای
۱۵۸	پیام کارکنان سازمان برنامه و بودجه
۱۵۹	پیام کارکنان وزارت امور اقتصادی و دارایی
۱۵۹	پیام مرکز آمار ایران
۱۶۰	پیام شورای مرکزی هماهنگی سازمان‌های دولتی و ملی
۱۶۱	پیام کارکنان وزارت کار
۱۶۲	پیام کارکنان صنعت آب و برق کشور

۸۷	پیام جبهه ملی
۸۹	پیام کمیته تبعید شدگان و زندانیان سیاسی دوران استبداد
۸۹	پیامی از طرف شهدای سیام تیر
۹۰	پیام دبیرخانه حزب ملت ایران
۹۱	پیام جمعیت آزادی
۹۷	پیام نهضت رادیکال ایران
۹۸	پیام گروه سیاسی باختن امروز
۹۸	پیام حزب پان ایرانیست
۱۰۰	پیام جمعیت مسلم آزاد
۱۰۳	پیام جامعه سوسیالیست‌های نهضت ملی ایران
۱۰۴	پیام حزب توده ایران
۱۰۷	پیام سازمان توفان
۱۰۸	پیام سازمان جوانان انقلابی
۱۱۰	پیام سازمان انقلابی
۱۱۲	پیام سازمان وحدت کمونیستی
۱۱۴	پیام گروه زنان مبارز
۱۱۵	پیام جمعیت زنان ایران
۱۱۶	پیام زنان
۱۱۷	پیام انجمن ملی مهندسين ایران
۱۱۸	پیام کمیته موقت تدارک سازمان ملی مهندسان ایران
۱۲۰	پیام جمعیت حامیان صلح
۱۲۰	پیام جمعیت ایرانی هواداران صلح
۱۲۱	پیام گارد محافظین دکتر مصدق
۱۲۳	پیام ارتش آزادیبخش خلقی ایران
۱۲۴	قطعه‌نامه مصوبه پرسنل نیروهای مسلح
۱۲۵	پیام همافران هوایی ملی
۱۲۶	پیام سازمان انقلابی زحمتکشان کردستان ایران
۱۲۷	پیام سازمان جنبش نوین رهائی‌بخش خلقهای ایران
۱۲۸	پیام کردهای مقیم مرکز
۱۲۸	پیام مردم چهارمحال بختیاری

مختصری
درباره زندگی و درگذشت

دکتر محمد مصدق

مظهر مبارزات آزادیخواهانه و استقلال طلبانه
ایران

- پیام کارکنان شرکت مخابرات ۱۶۴
پیام کارکنان وزارت راه و ترابری ۱۶۴
پیام کارکنان شرکت نفت ایران و ایتالیا ۱۶۵
پیام شورای انقلابها ۱۶۶
پیام شورای پاسداران انقلاب در وزارت کشور ۱۶۷
پیام سازمان هواپیمایی کشوری ۱۶۸
پیام جمعی از کارکنان وزارت دارایی ۱۷۰
پیام کارکنان مؤسسه خاکشناسی و حاصلخیزی خاک ۱۷۰
پیام وزارت کشاورزی و عمران روستایی ۱۷۰
پیام دانش آموزان مدارس ۱۷۱
پیام روزنامه مرد امروز ۱۷۲
پیام کمیته هماهنگی دانش آموزان پایتخت ۱۷۳
پیام فرهنگیان ناحیه ۵ تهران ۱۷۳
پیام جامعه فارغ التحصیلان ایرانی مقیم آلمان ۱۷۴
پیام کانون آزادی دانشکده علوم سیاسی و اجتماعی ۱۷۵
پیام جامعه فارغ التحصیلان پلی تکنیک تهران ۱۷۶
پیام سازمان ملی پزشکان و دندانپزشکان ایران ۱۷۷
پیام انجمن فیزیوتراپی ایران ۱۷۸

پیام شاعران

- پیمان آزادی م. آزر ۱۸۱
مرثیه درخت محمد رضا شفیعی کدکنی ۱۸۳
گذر از تاریکی سیاوش کسرای ۱۸۵
تسلی و سلام مهدی اخوان ثالث «م. امید» ۱۸۷
درختی که آزادی آردببار ابوالحسن ورزی ۱۸۹
تاریخچه الغاء استعمار نفتی شیخ احمد بهار ۱۹۰
مرگ قهرمان ۱۹۴
عدل مصدق ... جلال ارجمند ۱۹۶

قهرمان میمیرد و افسانه‌وار در دل ما جاودانی می‌شود

می‌شود خورشید وز افق دور

شعله‌بخش زندگانی می‌شود

من می‌خواهم در راه وطن شربت شهادت را بچشم.

من می‌خواهم در راه وطن بمیرم.

من می‌خواهم در قبرستان شهدای آزادی دفن بشوم.

من تا آخر عمر برای دفاع از وطن حاضر می‌باشم.

از سخنرانی مجلس چهاردهم

دکتر محمد مصدق در روز ۲۹ اردیبهشت ماه سال ۱۲۶۱ شمسی هجری در تهران متولد شد. پدرش میرزا هدایت آشتیانی وزیر دفتر استیفا در دوران ناصری و از رجال تجددطلب و پیروان امیرکبیر و مادرش ملک تاج خانم نجم‌السلطنه بنیانگذار بیمارستان نجمیه تهران و دختر عباس میرزا ولیعهد بهادر قاجار بود. پس از تحصیلات معمول در آن زمان پس از مرگ پدرش که در سال ۱۲۷۱ اتفاق افتاد در عنفوان جوانی متصدی استیفا‌ی خراسان به‌وی محول گردید. بعد از افتتاح مدارس جدید شغل آباء اجدادی را کنار گذاشت قسمتی از

«اکنون آفتاب عمر من به‌لب بام رسیده و دیر»
«یا زود باید برای بروم که همه ناگزیر خواهند»
«رفت. ولی چه زنده باشم و چه نباشم امیدوارم»
«وبلکه یقین دارم که این آتش خاموش نخواهد»
«شد و مردان بیدار کشور این مبارزه ملی را»
«آنقدر دنبال میکنند تا به نتیجه برسند. اگر قرار»
«باشد در خانه خود آزادی عمل نداشته باشیم و»
«بیگانگان بر ما مسلط باشند و رشته‌ای برگردن»
«ما بگذارند و ما را به‌رسوی که می‌خواهند»
«بکشند، مرگ بر این زندگی ترجیح دارد و مسلم»
«است که ملت ایران با آن سوابق درخشان»
«تاریخی و خدماتی که به فرهنگ و تمدن جهان»
«کرده است هرگز زیر بار این ننگ نمی‌رود.»
«امروز مبارزه بزرگی را ملت ما شروع کرده است»
«که هیچکس از ابهت آن غافل نیست، البته در»
«اینگونه جنبش‌های اجتماعی باید در مقابل»
«هرگونه محرومیت ایستادگی کرد و در برابر آن»
«آماده بود. هیچ مبارزه‌ای هر قدر کوچک و ناچیز»
«باشد به آسانی به نتیجه نمی‌رسد. تا رنج»
«نبریم گنج میسر نمی‌شود. در این راه نیز»
«سعی ناکرده بجائی نتوان رسید.»

نطق بیستم تیرماه هزار و سیصد و سی

در مجلس شورای ملی

اوقات خود را در خدمت اساتید زمان صرف فراگرفتن دانش جدید نمود. از صدر مشروطیت در جرگه آزادیخواهان قرار گرفت و باتفاق پسر عمش مرحوم میرزا حسن مستوفی‌الممالک و سایر آشتیانی‌ها و تفرشی‌ها و گرگانی‌های مقیم تهران انجمنی برای دفاع از آزادی بنام مجمع انسانییت در ردیف سایر انجمن‌های آن زمان تشکیل دادند که به‌عنوان نایب رئیس آن انتخاب شد. در دوره اول به‌نماینده‌گی اصفهان در مجلس شورای ملی انتخاب شد اما چون سنش کمتر از سی سال بود نتوانست کرسی وکالت را اشغال نماید. پس از خاتمه مشروطه اول و در دوره استبداد صغیر برای تحصیلات عالی به‌همسپار اروپا گردید.

نزدیک دو سال در مدرسه علوم سیاسی پاریس مشغول تحصیل شد و بعد به‌واسطه بیماری به‌ایران آمد و پس از مراجعت مجدد به اروپا در دانشگاه یکی از شهرهای سوئیس بنام «نوشاتل» به‌تحصیل علم حقوق پرداخت و قبل از جنگ بین‌الملل اول در علم حقوق دکتری گرفت.

پس از مراجعت به‌ایران بنا به دعوت مرحوم دکتر ولی‌اله‌خان نصر رئیس مدرسه علوم سیاسی در آن مدرسه به‌تدریس پرداخت و در همین دوران کتاب «دستور در محاکم حقوقی» را برای تدریس در آن مدرسه نوشت در این زمان رساله‌ای نیز بنام «کاپی‌تولاسیون و ایران» نوشت و خوانان الثای این رژیم استعماری گردید و سپس رساله‌ای بنام «شرکت سهامی در اروپا» منتشر کرد و به‌اتفاق عده‌ای به‌انتشار مجله علمی مبادرت نمود.

همزمان با انتخابات دوره سوم مجلس شورای ملی بدعوت شادروان علامه دهخدا به‌فعالیت در حزب اعتدالی که از احزاب مرفعی زمان انقلاب مشروطیت محسوب می‌شد پرداخت و پس از آنکه حزب اعتدال بر اثر مهاجرت در زمان جنگ بین‌الملل اول از بین رفت به‌حزب دمکرات ضدتشیکیلی گروید و در آن حزب (مخالف تشکیل مجلس در غیاب مهاجرینی که بعلت اعتراض به‌اشغال غیررسمی کشور در زمان جنگ هجرت کرده بودند) به‌فعالیت پرداخت و همگام با سایر اعضای حزب زمانی که قرارداد منفور ۱۹۱۹ میلادی در شرف انعقاد بود مبارزه دامنه‌داری را علیه عاملین این قرارداد استعماری شروع نمود. در سال ۱۲۹۴ شمسی هجری به‌عضویت کمیسیون تطبیق

حراجات وزارت مالیه که برای نظارت در امور مالیه تشکیل شده بود و اعضای آن منتخب مجلس سوم بودند انتخاب شد. در سال ۱۲۹۶ معاون وزارت مالیه و رئیس اداره کل محاسبات گردید و تا سال ۱۲۹۷ بعنوان معاون وزارت مالیه باقی ماند در این وزارتخانه با پشتیبانی ملت و باوجود کارشکنیهای مرتجعین گامهای مؤثری در راه بهبود وضع مالیه و مبارزه با نادرستی‌ها برداشت و باوجود توطئه‌هایی که برای ازبین بردنش نمودند بدون هراس عده‌ای از کارمندان نادرست و ناصالح دارائی را محاکمه و محکوم کرد ولی بالاخره پس از چهارده‌ماه تلاش در این سمت مجبور به‌استعفاء گردید.

در زمان کابینه قرارداد به‌اروپا رفت در سوئیس بود که قرارداد به‌امضاء رسید در آنجا اعتراضات خود را نسبت به‌قرارداد استعماری به‌جامعه ملل داد پس از سقوط کابینه قرارداد بعدی یعنی کابینه مشیرالدوله به‌وزارت دادگستری منصوب شد اما در بازگشت به‌ایران پس از ورود به‌بوشهر به‌درخواست اهالی ایالت فارس به‌فرمانفرمائی آن ایالت منصوب شد و تا کودتای سوم حوت (اسفند) ۱۲۹۹ در این سمت باقی ماند و با خدمات خود درجهت استقرار امنیت و جلوگیری از باجگیری متنفدین محبوب اهالی فارس شد و در این مدت همیشه با سه‌هزار و پانصد تن پلیس جنوب که در اختیار انگلیسیها بود کشمکشها داشت. پس از کودتا نخستین کسی بود که در برابر کودتا مقاومت کرد و آنرا نپذیرفت ولی چون تلاشهایی برای انصراف احمد شاه از رویه منفی و اقدام به‌مبارزه مثبت علیه کودتا و جلب نظر مردم سایر ولایات در این راه بجائی نرسید ناچار استعفاى خود را به‌احمد شاه اعلام نمود.

پس از استعفاء و بیرون آمدن از شیراز دستور توقیف او صادر شده بود و مراتب را ژاندارمهایی که مأمور این کار بودند نزدیک اصفهان به‌اطلاعه رسانیدند. بدین جهت مدتی به‌چهارمحل بختیاری رفت و تا سقوط کابینه ضیاءالدین در میان ایل بختیاری ماند. هنگام مراجعت به‌تهران به‌سمت وزارت دارائی منصوب شد اما قبول این سمت را موکول به‌رفتن آرمیتاژ اسمیت مستشار انگلیسی مالیه در آن وزارتخانه (که وجودش به‌علت قرار داد ۱۹۱۹ بود) و دانستن اختیارات لازم نمود. پس از رفتن مستشار قرارداد در عقب (آبان) ۱۳۰۰ مجلس اختیاراتی را که جهت اصلاح تشکیلات وزارت دارایی شرط

قبول وزارت قرار داده بود به او داد و او مشغول بکار شد. اما بعد از ۶۵ روز به واسطه اقدامات وی کابینه مجبور به استعفا شد و چون مرتجعین با به خطر افتادن منافع خود مانع ادامه کار وی بودند و در کابینه بعدی بمنظور ماست مالی شغل دیگری به وی پیشنهاد شده بود، چون مقام را فقط برای خدمت به مردم می خواست از قبول سمت جدید خودداری کرد. و در این دوران نخستین بودجه منظم را تهیه و تنظیم نمود و تصفیه دامنهداری را شروع کرد.

در تاریخ دلو (بهمن) ۱۳۰۰ بفرمانفرمائی ایالت آذربایجان منصوب گردید. این شغل را به شرط آنکه قشون در اختیارش باشد پذیرفت و عازم تبریز گردید اما در سرطان (تیر) ۱۳۰۱ چون وزیر جنگ وقت (سردار سپه) به امیر لشکر آذربایجان دستور داده بود که دیگر اطاعت از اوامر والی آذربایجان ننماید و مستقیماً تابع دستورات وزیر جنگ باشد استعفاء نمود و به تهران بازگشت.

در خرداد ۱۳۰۲ در کابینه مشیرالدوله به وزارت امور خارجه منصوب گردید و تا مهر ۱۳۰۲ در این سمت باقی ماند. در دوران کوتاه تصدی وزارت امور خارجه با مقاومت در مقابل ادعاها و فشارهای امپریالیسم انگلیس مانع دستیابی انگلستان به برخی از جزایر خلیج فارس از جمله ابوموسی و شیخ شعیب گردید و گذاشت دولت وقت پرداخت وجوه بسیاری را که کشور در ایران پیشرفت مقاصد استعماری خود خرج کرده بود و بعد بناحق از دولت ایران مطالبه می کرد قبول کند. در این هنگام سردار سپه نخست وزیر شد و چون مصدق این پیش آمد را مقدمه استقرار دیکتاتوری و استیلای ستم کامل میدانست از قبول وزارت در کابینه وی امتناع کرد و بلافاصله از طرف اهالی تهران به نمایندگی دوره پنجم مجلس شورای ملی انتخاب شد.

در دوران قبل از وکالت مجلس پنجم دکتر مصدق کتابها و رسالاتی علاوه بر آنچه قبلاً ذکر شد نوشت که عبارتند از:

- ۱- حقوق اسلامی و شیعه (تذ دکتوری به زبان فرانسه)
- ۲- قاعده تسلیم نکردن مقصرین سیاسی (بازبان فرانسه).
- ۳- مسئولیت دولت نسبت به اعمال خلاف کارمندان دولت.
- ۴- حقوق پارلمانی در ایران و اروپا.
- ۵- اصول و قواعد و قوانین مالیه.

علاقه او به کارهای علمی بخصوص در زمینه های حقوقی بمنظور تنویر و تجهیز افکار جوانان برای دفاع بهتر و حفاظت قانون اساسی و حقوق سیاسی و اقتصادی ملت ایران بود و به همین علت بالشتیاتی تدریس در مدرسه سیاسی را شروع نمود و کتب و رسالات خود را نوشت و نطق های پارلمانی را طوری تهیه می کرد که برای نسل های آینده آموزنده باشد. او به انتشار و تهیه کتابهای متعدد در طول حیات خود کمک های مادی و معنوی بسیار کرد سالها بعد کتابخانه شخصی خود را به دانشکده حقوق تقدیم نمود و حقوق نمایندگی دوره چهاردهم مجلس را برای خرید کتاب به آن دانشکده داد.

دکتر مصدق از بدو زندگی سیاسی خود همیشه یک خط مشی معین را تعقیب نمود که بعدها در مجلس چهاردهم خود او آنرا بدین مضمون شرح داده است:

«... من مأموریت موکلین خود را قبول نکردم و باین مجلس پا نگذاشتم مگر برای یک مبارزه مقدس و آن برای نیل به یک مقصود عالی است.

در سیاست داخلی برقراری اصول مشروطیت و آزادی و در سیاست خارجی تعقیب از سیاست موازنه منفی. این هدف من بوده است و هست و خواهد بود و تا بتوانم برای رسیدن به آن مجاهدت خواهم کرد.» نظری به زندگانی وی نشان میدهد که یکدم از این «مبارزه مقدس» باز نایستاده است.

در دوره پنجم مجلس شورای ملی بود که موضوع طرح ماده واحده ای برای تغییر سلطنت بطور غیر مترقبه با نقشه قبلی پیش آمد که مشخص بود نتیجه اش تعطیل مشروطیت و استقرار کامل دیکتاتوری و استبداد خواهد شد.

قبل از جلسه فوق العاده مجلس که بطور ناگهانی براساس توطئه قبلی بدون اطلاع مردم برای صبح روز نهم آبان ۱۳۰۴ شمسی هجری دعوت شده بود، وقتی مرحوم مستوفی الممالک دکتر مصدق را که از جلسه بی خبر گذاشته بودند در جریان گذاشت و اضافه کرد که «دیشب هم در منزل آقای مؤتمن الملک بودم و با آقای مؤتمن الملک و مشیرالدوله در این باب مشورت کردیم که آیا باین وضع امروز به مجلس برویم یا نه؟ آقایان صلاح نداشتند که امروز در مجلس حاضر شویم من چون در این مسأله تردید دارم خواستم در این مورد با جناب عالی مشورت

«... ما به مجلس بروم یا نه؟» دکتر مصدق در جواب می‌گوید: «به ... و سرباز سالها مواجب می‌دهند که یکروز بکار بیاید و از ... ما شش دفاع کند. به وکیل هم دوسال مواجب می‌دهند برای اینکه یکروز بکار مملکت بخورد و از قانون اساسی دفاع کند اگر ما امروز به مجلس نرویم به وظیفه نمایندگی خود رفتار نکرده‌ایم». بدینسان گروهی از مخالفان را قانع کرد و برای دفاع از آزادی و قانون اساسی به مجلس برد و در این جلسه بعنوان مخالف تغییر سلطنت چنین گفت: «آقایان می‌دانند بنده حرفم از روی عقیده است و هیچوقت تابع عوی و عوس و نظریات شخصی نیست و امروز هم روزی نیست که کسی در اینجا نظریات به خرج دهد و اگر کسی پیدا شود که نظریات مملکتی و ملتی و اسلامی خود را اظهار نکند بنده او را پست و بی‌شرف و مستحق قتل می‌دانم.» سپس مردانه نظر خویش را بیان کرد و درباره سردار سپه رئیس‌الوزرا که ماده واحده منتج به سلطنت او شد گفت: «... خوب آقای رئیس‌الوزراء سلطان می‌شوند و مقام سلطنت را اشغال می‌کنند آیا امروز در قرن بیستم هیچکس می‌تواند بگوید یک مملکتی که مشروطه است پادشاهش هم مسئول است؟ ... ایشان پادشاه مملکت می‌شوند آنهم پادشاه مسئول... و اگر سیر قهقرائی بکنیم و بگوئیم پادشاه است رئیس‌الوزراء و حاکم همه چیز است این ارتجاع و استبداد صرف است (خطاب به موافقین) حالا عقیده شما اینست که کسی در مملکت باشد هم شاه باشد هم رئیس‌الوزراء هم حاکم اگر اینطور باشد که ارتجاع صرف است استبداد صرف است پس چرا خون شهدای راه آزادی را بیخود ریختند. چرا مردم را بکشتن دادید می‌خواستید روز اول بیایید و بگوئید که ما دروغ گفتیم و مشروطه نمی‌خواستیم آزادی نمی‌خواستیم یک‌ملتی است جاهل و باید باچماق آدم شود... بنده اگر سرم را ببرند و تکه تکه‌ام بکنند و آقای سید یعقوب (۱) هزار فحش به من بدهد زیر بار این حرفها نمی‌روم...». به علت همین مخالفت در انتخابات مجلس مؤسسان اول که آزاد نبود انتخاب نشد اما در دوره ششم که هنوز انتخابات تهران آزاد بود مردم تهران بار دیگر او را به مجلس فرستادند.

۱- مقصود سید یعقوب انوار است.

و فرصت‌طلبان یک یک خود را می‌فروختند و آزادیخواهان واقعی و اصیل از پای درمی‌آمدند ولی دکتر مصدق در مجلس ششم از گفتن حقایق و دفاع از مسائل ملی هراس نداشت و هنگام معرفی وثوق‌الدوله رئیس دولت عاقد قرارداد استعماری و تحت‌الحمایگی ۱۹۱۹ میلادی به مجلس چنین گفت: «... وضعیات امروزه با دوره قرارداد طرف مناسبت نیست زیرا عناصر متنفذ مرعوب و عامه مبتلا به فقر گردیده‌اند و حکومت‌نظامی و سانسور مطبوعات و آزادنبودن اجتماعات که بهترین وسائل اختناق است به خود صورت عادی گرفته و وسائل فقر و تنگدستی از هر جهت فراهم گردیده است. چنانچه کسی از مرکز مملکت بخراهد به اطراف نزدیک برود باید چند روز برای گرفتن جواز معطل باشد...».

وباز در یکی از نطقهای خود در مجلس می‌گوید: «... این طاق-نصرتها اسباب خرج مردم می‌شود و مأمورین نظامی اسباب اذیت مردم را فراهم می‌آورند درحقیقت اعلیحضرت به این چیزها بزرگ نمی‌شوند... به هیچ چیز علاقه ندارم مگر اینکه حق را بگویم و از وطن و منافع مملکت و آب و خاک خودم و مردمی که نماینده آنها هستم دفاع کنم...».

در یکی از نطقهای تاریخی خود در مجلس دوره ششم راجع به «ساختمان زندانهای جدید و غیره» چنین می‌گوید:

«... ما می‌گوئیم می‌خواهیم امروز تمام چیزهای خودمان را شبیه چیزهای سایر ممالک بکنیم. درهرجا هرچه خوب هست همان را بکنیم و برای اینکار هم باید دویست هزار تومان خرج بکنیم تا محل دزدهای ما (زندان) شبیه به محل دزدهای سایر ممالک بشود. این کار دویست هزار تومان خرج دارد. خوب بنده می‌خواستم از آقایان وزراء بخصوص از آقای وزیر داخله سؤال کنم آیا ممکنست یک مخارجی را حذف کنید که مردمان صحیح‌العمل این مملکت مردمان درست این مملکت مردم وطن‌پرست این مملکت را هم مثل سایر ممالک کنید؟ ... مدت چند سال است که یک مبلغ زیادی همین نظمی برای خرج سانسور می‌گیرد (چیزی که برخلاف قانون اساسی و چیزی که پایمال کننده حقوق ملی است)، و خرج می‌کند. امسال چند سال است که همین نظمی یک عده اشخاص معلوم‌الحال را در دروازه می‌گمارد که هرکس می‌خواهد از دروازه بیرون برود تمام تاریخ خود

واعقابش را واجدادش را سئوال بکند. شما تحقیق کنید امروز در ممالک اروپا یک چنین چیزی که نیست سهل است در عصر ناصری- در عصر مظفری - در عصر محمدعلی میرزائی هم همچو چیزهائی نبوده است... یک مبلغی از خرج نظمیہ کسر کنید. اینجور مسائلی که حقیقتاً اسباب شکست ما است و این جور مواععی که در واقع اسباب جلوگیری از امور اقتصادی است بردارید... آنچه که مقدم است باید در نظر گرفت. مقدم اینست که ما یک کاری بکنیم که مردم از گرسنگی نمیرند. این عقیده بنده است. بنده عقیده‌ام اینست که شاه مملکت یاوزیر دربار مملکت یارئیس‌الوزراء مملکت اگر در یک اطاق بنشیند که سقفش چکه بکند و خیلی هم تزئینات نداشته باشد ولی ملت شکمشان سیر باشد و مردم وضعیثشان خوب باشد و راحت باشند آن بهتر است و افتخارات آنها بیشتر است... بنده مکلف هستم در این مجلس عقاید خودم را بگویم...»

بعد از اتمام دوره ششم مجلس چون دیگر پارلمان آزادی وجود نداشت و حکومت ترورو وحشت کاملاً مستقر شده بود و مصدق می- دانست تلافی آنچه را که در دوران وکالت در مجالس پنجم و ششم گفته است در می‌آورد برای جلوگیری از عرحادثه از اقامت در شهر صرف نظر کرد و به احمدآباد رفت و تا سال ۱۳۱۵ شمسی هجری در آنجا به امور کشاورزی پرداخت. در این سال برای معالجه به برلن رفت ولی چون تحمل دوری از وطن را نداشت بیشتر از یکماه و چندروز نماند و به ایران برگشت و بالاخره روز پنجم تیرماه ۱۳۱۹ که برای رسیدگی به امور خانوادگی از احمدآباد به شهر آمده بود نوبت انتقام از او هم رسید و بدست مأمورین مختاری رئیس شهربانی و دژخیم دیکتاتوری گرفتار شد وقتی صبح ششم تیرماه او را برای استنطاق به شهربانی می‌بردند مأمور مراقب دربین راه تبریک گفت و اظهار داشت که او تنها کسی است که قبل از ۲۴ ساعت مورد بازجویی واقع شده زیرا در زندان کسانی هستند که سالهاست بازداشت شده‌اند و هنوز به آنها نکرده‌اند که برای چه در زندان‌اند.

دربازجویی وقتی به مستنطاق گفت دلیل حبس مرا بفرمائید که کاری نکنم که باز به زندان مراجعت نمایم رئیس اداره سیاسی جواب داد که شما تقصیر ندارید ولی عجالتاً باید در زندان بمانید. وقتی اطلاع داد که می‌خواهند او را به بیرجند ببرند گفت:

«روزی که به من گفتید حسب الامر به شهربانی بیایم چون هر کس مورد سؤظن واقع شود شهربانی می‌تواند او را برای تحقیقات بخواهد بدون تأخیر و اینکه به خانواده‌ام بگویم مرا کجا می‌برند و با آنها وداع کنم امر دولت را اطاعت کردم حالا که یازده روز است مرا بازداشت کرده‌اید و به من نمی‌گوئید برای چه تقصیر گرفتارم من متمدن و امر چنین دولتی را به میل و رضا اجرا نمی‌نمایم و با تأثر شدید به عکس رضاشاه که در مقابل جای رئیس زندان موقت به دیوار نصب شده بود اشاره می‌کند و این بیت را می‌خواند:

ای زبردست زبردست آزار گرم تاکی بماند این بازار
چون حاضر نبود با پای خود برای عزیمت بسوی بیرجند حرکت کند از زندان موقت به زور به زندان بیرجند فرستاده شد و در این زندان با وجود بیماری شدید ممنوع‌الملاقات بود و اجازه هیچگونه کتاب یا روزنامه‌ای نیز نداشت تا آنکه در تاریخ یازدهم آبان ۱۳۱۹ دستور داده شد که به احمدآباد منتقل شود و تا ۳۰ شهریور ۱۳۲۰ هنگام اشغال ایران توسط متفقین در جنگ دوم جهانی و سقوط دیکتاتوری در احمدآباد زندانی بود.

دکتر مصدق همچنان در احمدآباد ماند تا آنکه مردم تهران در دوره چهاردهم او را بعنوان نماینده اول خود از شانزدهم اسفند ۱۳۲۲ به مجلس فرستادند. در نخستین روزهای همین مجلس باردیگر پرچم مبارزه را برافراشت و با اعتبارنامه سید ضیاء عامل سیاسی کودتای ۱۲۹۹ که پس از اشغال ایران، انگلیسیها او را مجدداً برای اجرای نقش جدیدی به منظور حفظ منافع خود به ایران بازگردانده و به دست سهیلی نخست‌وزیر وقت با دخالت در انتخابات یزد به مجلس آورده بودند مخالفت کرد و اسرار کودتا و سهم اثر انگلستان را در این ماجرا فاش ساخت، وی در مجلس اظهار داشت: «... آقا (منظور سید ضیاء است) در تلگراف شش حوت می‌نویسد: **باقشونی که تحت امر دارم هر مانع و مشکلی را به هیچ می‌شمارم...** معلوم نیست این قشون به چه ترتیب تحت امر او درآمد بسیار مشکل است که کسی صاحب منصب نظامی نباشد و مرکز اتکائی هم نداشته باشد و قشونی را که تحت سرپرستی «اسمایس» انگلیسی است مطیع خود کند و موقعی که وارد تهران شود قشون مرکزی مقاومت نکند و ساکت بماند و شاه هم تسلیم شود. اگر این قشون تحت امر آقا

بوده چرا رئیس آن خود را در عوض آقا گذاشت و بیانه‌ای مثل بیانیه خود آقا داد آیا میشود گفت که به کمک دسته قزاقی که تحت امر خارجی است می‌توانند انقلاب کنند و ملت را به راه راست دلالت نمایند؟

آیا بوسیله یک بیانیه پوک می‌توان انقلابی شد و یائینکه دعوی اصلاحات کرد کدام آدم بی‌بصیرتی است که باین حرفها گول بخورد اگر فرمایشات آقا اساس داشت و اگر نظریاتشان در خیر مملکت بود چرا رجال وطنپرست را توقیف و حبس نمود؟ اشخاص وطنپرست ملت را تحقیر نمی‌کنند و به افکار عمومی احترام می‌گذارند تا در بروز حوادث آنها را پشتیبان خود کنند و هرکس که به ملت خود احترام نکرد پشتیبان او جای دیگر است. به اتکای قوای خارجی قیام نمودن و بر روی هموطنان تیغ کشیدن و آنان را توعین کردن و حبس نمودن کار وطنپرستان و آزادمردان نیست. آقا را چه واداشت که پیرامون این عملیات برود و چه باعث شده بود که صالح و طالح را حبس کند در اصلاحات باید اشخاص بد را از کار خارج نمود و محاکمه و محکوم کرد اگر مقصود انقلاب بود. خوبست آقا توضیح دهد که در ایران زمینه چه انقلابی حاضر بود و باچه اشخاصی می‌خواست هادی انقلاب شود. روزگار ثابت کرد که نه مصلح بود و نه انقلابی و مأمور بود کابینه محلی تشکیل دهد تا از ترس او مردم به سردار سپه متجلی شوند و به او اهمیت بدهند تا او به مقصود خود برسد.

سپس راجع به دیکتاتوری که بر اثر کودتا بوجود آمد و روز نهم آبان ۱۳۰۴ در مجلس دوره پنجم آنرا پیش‌بینی کرده بود گفت: «... دیکتاتور با پول ما و به ضرر ما راه آهن کشید و بیست سال برای متفقین امروز ما تدارک مهمات دید عقیده و ایمان و رجال مملکت را از بین برد املاک مردم را ضبط، فساد اخلاق را ترویج و اصل ۸۲ قانون اساسی را تفسیر نمود و قضات دادگستری را متزلزل کرد برای بقای خود قوانین ظالمانه وضع نمود چون به کمیت اهمیت می‌داد برعهده مدارس افزود و چون به کیفیت اعتقاد نداشت سطح معلومات تنزل کرد. کاروان معرفت به اروپا فرستاد نخبه آنها را ناتوان و معدوم کرد. اگر به تدریج که دختران از مدارس خارج می‌شدند حجاب رفع می‌شد چه می‌شد؟ رفع حجاب از زنان پیر و بی‌تدبیر چه نفعی

برای ما داشت؟

اگر خیابانها اسفالت نمی‌بود چه میشد و اگر عمارتها و مهمان-خانه‌ها ساخته نشده بود به کجا ضرر می‌رسید من می‌خواستم روی خاک راه بروم و وطن را در تصرف دیگران نبینم. خانه‌ای در اختیار داشتن به از شهری است که دست دیگران است... بر فرض که با هواخواهان این رژیم موافقت کنیم و بگوئیم دیکتاتور به مملکت خدمت کرد در مقابل آزادی که از ما سلب کرد چه برای ما کرد؟ ... هیچ ملتی در سایه استبداد بجائی نرسیده است آنها که دوره بیست ساله را با این دوره که از آزادی فقط اسمی شنیده‌ایم مقایسه می‌کنند و نتیجه منفی می‌گیرند در اشتباهند زیرا سالها لازم است که به عکس العمل دوره بیست ساله خاتمه داده شود.

دیکتاتور شبیه پدری است که اولاد خود را از محیط عمل و کار دور کند و پس از مرگ خود اولادی بی‌تجربه و بی‌عمل بگذارد پس مدتی لازم است که اولاد او مجرب و مستعد کار شود یا باید گفت که در جامعه افراد در حکم هیچند و باید آنها را یک نفر اداره کند که این همان سلطنت استبدادی است که بود. مجلس برای چه خواستند و قانون اساسی برای چه نوشتند و یا باید گفت که حکومت ملی است و تمام مردم باید غمخوار جامعه و در مقدرات آن شرکت نمایند در این صورت منبعی و پیشوا مورد ندارد... و اضافه کرد که «آقا (در حال اشاره به سید ضیاءالدین) مثل نهر کوچکی است که برود «نامز» (۱) متصل باشد هر قدر که آب رود بیشتر برود بر توسعه نهر می‌افزاید و آب زیاد مساحت زیادی را فرا می‌گیرد اگر امروز با خاک میشود از عبور آب جلوگیری نمود بعد با سد آهنین هم نمیتوان جریان آب را قطع کرد...»

دکتر مصدق مصمم و با برنامه وارد مجلس چهاردهم شد و سه اصل را که عبارت بودند از «تجدید نظر و اصلاح قانون انتخابات» و «سیاست موازنه منفی» و «مبارزه با دزدی و اختلاس» سرلوحه این برنامه قرار داد و هیچگاه از برنامه مخصوص به خود عدول نکرد و در سرحد امکان در پیشرفت بسوی مقاصد خویش فداکاری کرد. او واضح سیاست موازنه منفی بود و به ابتکار و پیشنهاد وی

۱- رودخانه معروف انگلستان که آن را تمز یا نیمز هم میگویند.

قانون منع امتیاز نفت به خارجیان به تصویب مجلس رسید و در ضمن این کار و در هر فرصت دیگری این سیاست را برای ملت ایران و جهانیان روشن کرد: «... هرگاه تعقیب از سیاست مثبت کنیم باید امتیاز نفت شمال را هم برای مدت ۹۲ سال بدهیم و به این طریق موازنه برقرار کنیم. گذشته از اینکه ملت ایران برای همیشه و اکنون مجلس با این کار موافق نیست دادن امتیاز مثل اینست که مقطوع الیدی برای حفظ موازنه راضی شود که دست دیگر او را هم قطع کنند در صورتیکه هر مقطوع الیدی برای حفظ ظاهر هم که شده طالب دست مصنوعی است و آن مقطوع الیدی که بخواد مقطوع الیدین بشود خوبست خود را از مذلت زندگی خلاص و قبل از اینکه ید ثانی او قطع شود انتحار کند...»

در جای دیگری گفت که: «... ملت ایران آرزومند توازن سیاسی است یعنی توازنی که در نفع این مملکت باشد و آن «توازن منفی» است...» و بدین ترتیب معتقد بود که با ندادن امتیاز جدید به خارجیان و برهم زدن امتیازات سابق است که استقلال سیاسی و اقتصادی ایران تضمین خواهد شد و نه رویه حکومت‌های قبلی که در مقابل اعطای امتیازی به یک قدرت خارجی مجبور بودند برای اسکات قدرتهای دیگر امتیازاتی هم برای آنان قائل گردند. بدین طریق با اعمال سیاست موازنه منفی در این مجلس مصدق اولین گامهای خود را بسوی ملی کردن صنعت نفت در سراسر کشور برداشت.

مصدق در اجرای برنامه خود در این مجلس با اختیارات دکتر میلیسپو مستشار امریکائی وزارت دارائی مخالفت نمود و باعث لغو آن گردید و شدیداً خواستار محاکمه سهیلی و تدین به اتهام دخالت در انتخابات دوره چهاردهم مجلس و اختلاس و جوهری از صندوق دولت شد تا در ادوار بعد دیگر کسی را جرات دخالت در انتخابات نباشد و این حق ملی از دستبرد مقامات داخلی و خارجی مصون بماند. در این مورد با مقاومت شدید عناصری که بدست سهیلی نخست‌وزیر زمان انتخابات دوره چهاردهم و تدین وزیر کشور او به دستور استعمار به مجلس رخنه بودند و اکثریت داشتند و مجلس را بی‌آبرو می‌کردند روبرو گردید. اما، استعمار و نادرست گفت: «اینجا مجلس نیست اینجا دزدگاه است...» و در هر حال حاضر به شرکت در چنین مجلسی که حامی دزدان و خیانت‌کاران بود نبود تا اینکه روز پانزدهم اسفند ۱۳۲۳ قاطبه دانش...

جویان دانشگاه تهران یعنی متحدین همیشگی مصدق و روشنفکران و بازاریان و سایر دستجات مردم به منزل وی رفتند و خواستار مراجعت او به مجلس شدند موج جمعیت اتومبیل او را دربرگرفته و بسوی بهارستان روان شدند. افراد فرمانداری نظامی بدون هیچ مناسبتی بدستور سرتیب گلشائیان نامی که حاکم نظامی تهران بود و برخلاف قانون هنگامی که دانشجویان مصدق را بروی دست در بهارستان به مجلس می‌بردند شلیک کردند و دانشجویی کشته و تنی چند مصدوم شدند و بعد معلوم شد که قصد از تیراندازی از میان بردن مصدق بوده است. مصدق به مجلس بازگشت و فشار افکار عمومی و عمت دانشجویان باعث شد که مجلس تسلیم خواسته‌های دکتر مصدق و ملت شود و اجازه تعقیب دوزیر سابق صادر گردد. در نطق تاریخی خود پس از این جریان چنین گفت: «... من به ساحت مجلس شورای ملی همیشه احترام می‌کنم و نسبت به موکلین خود می‌خواهم انجام وظیفه نمایم. هرگاه برای انجام وظیفه نبود مرا چه کار که خود را دچار مخمصه و توطئه دستهای ناپاک نمایم. گویند که توطئه ۱۵ اسفند برای این تهیه دیده شده بود که من از بین بروم... نظامیان حق شلیک نداشتند و به مردم شلیک نمودند مرا نسبت به آنها ظنین کرد و از این متأسفم که من در آخر عمر می‌مانم و از این توطئه رضا خواجه‌نوری جوان ناکام و یک نفر بنا که بعد از تحقیق نام او را عرض می‌کنم فدای اغراض بعضی اشخاص شدند».

همچنین در این مجلس طرحی برای اصلاح قانون انتخابات پیشنهاد کرد و نیز بنابه پیشنهاد و بر اثر اقدامات وی استقلال مالی دانشگاه تأیید گردید و بدین طریق مهد تربیت جوانان از کنترل نظارت دائمی دولت‌ها خارج و مقدراتش بدست خود سپرده شد.

پس از پایان مجلس چهاردهم با وجود مبارزات شدید وی برای حفظ آزادی انتخابات و تحصن عده کثیری از مردم و جمعی از کاندیدان‌های انتخابات به رهبری مصدق در دربار بعنوان اعتراض به دخالت‌های همه جانبه دولت وقت در انتخابات - به علت عدم موفقیت در راه تضمین آزادی انتخابات نگذاشتند بنمایندگی دوره پانزدهم انتخاب شود و به احمدآباد رفت معذالک نامه‌ای که در همین دوره از مجلس در جواب نماینده اراک در آن دوره نوشته بخوبی نشان می‌دهد که او همیشه نگران آینده ایران و مبارزات ضد استعماری و ضد استبدادی ملت

ایران برای نیل به آزادی و استقلال بوده است. قسمتی از آن نامه به شرح ذیل است: «... گرچه بعد از تحصن در دربار و شکست ملت ایران در انتخابات دوره پانزده اینجانب سکوت اختیار کرده و کوچک ترین دخالتی در امور سیاسی نداشته و حتی از حضور در اجتماعات هم خودداری کرده ام ولی در مورد استیضاح جناب آقای (عباس) اسکندری که یک قضیه حیاتی است نمیتوانم مرقومه جنابعالی را بلاجواب گذاشته و از اظهار عقیده خودداری نمایم زیرا سکوت سبب میشود که مردم تصور کنند اینجانب موافق سیاست یکطرفی می باشم در صورتیکه ایرانی به دنیا آمده و ایرانی از دنیا می روم و به هیچیک از سیاستها بستگی ندارم.

یکی از مزایای دموکراسی آنست که مردم بتوانند بطور آزادانه اظهار عقیده کنند متأسفانه مریک از طبقات و صنوف مختلفه کشور را به جهاتی دعوت به سکوت می نمایند از قبیل اینکه دانشجویان فقط درس بخوانند و کشاورزان مشغول زراعت باشند وکیل در مجلس حرف نزنند و جار و جنجال ننمایند و احزاب سیاسی هم فقط افراد خود را وارد ادارات کنند و گاهی هم برای اینکه مردم اغفال شوند و نگویند احزابی در مملکت نیست در یکی از موضوعاتی که در دانشکده ها درس می دهند و در روزنامه ها می نویسند سخنرانی نمایند و صحنه سیاست ایران را برای آندسته از مردمی که خادم اجنبی هستند قرق نموده تا آنها بتوانند از عهده انجام وظایف خود برآیند...» در دوره پانزدهم بالاخره اقلیتی در مجلس پدید آمد که توجه دکتر مصدق را به خود جلب کرد. این اقلیت که از پشتیبانی معنوی او برخوردار بود از تصویب قرارداد الحاقی گس - گلشائیان جلوگیری کرد. هنگامی که پدیده های دیکتاتوری جدیدی در افق نمایان شده بود و در انتخابات دوره شانزدهم هژیر وزیر دربار دخالت مستقیم داشت دکتر مصدق برای آنکه توجه مردم را به این دخالتها جلب کند در بیست و دوم مهر ماه ۱۳۲۸ با جمعی از داوطلبان نمایندگی و مردم در تحصن معروف دربار شرکت کرد پس از مبارزه فراوان وی انتخابات دوره شانزدهم تهران ابطال گردید در همین اوان جبهه ملی نخست به رهبری وی تشکیل شد و در انتخابات بعدی تهران اکثریت وکلای تهران از اعضای جبهه ملی انتخاب شدند و یکبار دیگر بعنوان نماینده اول تهران به مجلس رفت. در دوره شانزدهم نمایندگان عضو جبهه ملی با وجودی که اقلیت

کوچکی بیش نبودند ولی به اتکاء و با پشتیبانی نیروهای ملت ایران و فشار افکار عمومی و با شهادت خاص رهبر خود توانستند مجلسی را که اکثر وکلایش از طریق اعمال نفوذ بدان راه پیدا کرده بودند به انجام خدمات شایسته ای بنفع ملت هدایت کنند.

در این مجلس طرحی برای الغای مصوبات مجلس مؤسسان دوم که برخلاف قانون اساسی بعد و در نتیجه انتخابات غیر آزاد بوجود آمده بود پیشنهاد کرد که البته از طرف اکثریت مردم مورد قبول واقع نشد سپس به عضویت و بعداً به ریاست کمیسیون نفت انتخاب شد این کمیسیون مکلف بود درباره نفت مطالعه کند و خلاصه مطالعات خود را به مجلس پیشنهاد نماید. در همین دوره با همراهی وکلای جبهه ملی فراکسیون وطن را تشکیل داد و بخاطر حفظ و نجات آزادی ملت ایران به مخالفت با حکومت رزم آرا پرداخت و ملی شدن صنعت نفت را در سراسر کشور سرلوحه کارهای جبهه ملی و فراکسیون وطن قرار داد و بالاخره در ۲۴ اسفند ماه ۱۳۲۹ قانون آن را که در کمیسیون تهیه و تائید شده به تصویب مجلس شورای ملی رسانید این قانون در تاریخ ۲۹ اسفند به تصویب سنا رسید و جنبه قانونی یافت.

پس از رزم آرا علاء به نخست وزیر رسیده بود کابینه علاء محلل بود و زمینه کار را برای نخست وزیر سیدضیاءالدین فراهم می کردند تا بیاید و مسئله ملی شدن صنعت نفت را به سبک خود منتفی سازد. در جلسه ۵ اردیبهشت ۱۳۳۰ به مجلس گفت: «مطابق اطلاعاتی که بمن رسیده باید عرض کنم ممکن است در آتیه خیلی نزدیکی حوادثی روی دهد که این کاری که شما کرده اید بکلی عقیم بماند چنین اطلاعات من است حالا اگر بین اطلاعات صحیح باشد شما اگر زودتر کار خودتان را تمام نکنید به مقصود نمی رسند و اگر صحیح نباشد باز انجام وظیفه کرده اید». فردای آنروز پیش بینی دکتر مصدق به وقوع پیوست و علاء استعفا کرد و مجلس در جلسه خصوصی باین امید که دکتر مصدق نظیر مورد دوره چهارم نخست وزیر را نخواهد پذیرفت و بهانه ای برای وی باقی نخواهد ماند به زمامداری دکتر مصدق در جلسه خصوصی ابراز تمایل کرد و سیدضیاءالدین وارد معرکه خواهد شد اما او پیشنهاد را بلافاصله و تنها به شرط تصویب قانون طرز اجرای ملی شدن صنعت نفت پذیرفت. این شرط نیز با توجه به روحیات زمان مقابل مخالفت نبود. قانون مذکور بتاريخ هفتم اردیبهشت در

شوری و دهم اردیبهشت در سننا به تصویب رسید. دکتر مصدق روز ۱۲ اردیبهشت ماه کابینه خود را به مجلس معرفی نموده و برنامه اصلی خود را بیان کرد:

۱- اجرای قانون ملی شدن صنعت نفت در سراسر کشور بر طبق قانون طرز اجرای اصل ملی شدن نفت و تخصیص عواید حاصله از آن به تقویت اقتصادی کشور و موجبات رفاه و آسایش عمومی.
۲- اصلاح قانون انتخابات مجلس شورای ملی و شهرداریها.
در خردادماه ۱۳۳۰ دکتر مصدق هیأت مدیره موقت شرکت نفت را تعیین و آنان را مأمور خلع ید کرد و روز ۲۹ خرداد ۱۳۳۰ خلع ید از شرکت نفت استعماری انگلیسی بعمل آمد. در تیر ماه همانسال بنابه شکایت انگلیس دیوان بین المللی لاهه مبادرت به صدور دستور موقت به منظور جلوگیری از عملیات دولت ایران و رفع مزاحمت از شرکت سابق نفت تا زمان رسیدگی نهائی به ترضیه صادر کرد. دولت دکتر مصدق بلافاصله در تاریخ ۱۷ تیرماه اعلامیه مورخ ۲ اکتبر ۱۹۳۰ میلادی ایران را که به موجب میثاق جامعه ملل صادر شده بود و مربوط به قبول و شناسائی قضاوت اجباری دیوان لاهه بود پس گرفت. صبح روز ۵شنبه ۱۴ مهرماه ۱۳۳۰ دکتر مصدق مصمم بود که درباره اخراج کارشناسان انگلیسی از مناطق نفت خیز در جلسه علنی مجلس توضیحاتی دهد ۶۵ نفر از نمایندگان حاضر شدند اما اقلیتی که برضد مصدق تشکیل شده بود به مجلس نیامد و جلسه تشکیل نشد مصدق خواست که در بزرگ مجلس را بازکنند و بطولی سردر مجلس رفت و خطاب به جمعیت کثیری که برای پشتیبانی از او اجتماع کرده بودند چنین گفت: «ای مردم. شما مردم خیرخواه و وطن پرست که در اینجا جمع شده اید مجلسید و آنجا که یک عده مخالف مصالح مملکت هستند مجلس نیست» و گزارش خود را به سمع مردم رسانید.

دولت انگلیس از ایران به شورای امنیت شکایت برده بود. دکتر مصدق در بیست و سه مهرماه در شورای امنیت حاضر شد و از حقانیت ایران و نهضت ملی آن دفاع کرد شورای امنیت قطعنامه شکایت انگلیس را مسکوت گذاشت تا دادگاه لاهه به شکایت اولی رسیدگی و راجع به صلاحیت خود اظهار نظر کند. در روز اول دیماه ۱۳۳۰ دولت دکتر مصدق اوراق قرضه ملی را منتشر ساخت که مردم

برای خرید آن استقبال همه جانبه و وسیعی نمودند و بدین ترتیب در رفع مشکلات مالی کشور که در محاصره اقتصادی بیگانگان قرار داشت دین خود را ادا کردند. دکتر مصدق در بهمن ماه انحلال کنسولگری های انگلیس و شعب شورای فرهنگی بریتانیا را در ایران که تبدیل به مراکز توطئه های ضد ملی شده بود اعلام کرد و در خرداد ماه ۱۳۳۱ به لاهه رفت و در حدود ۱۸۱ سند مبنی بر دخالت انگلیس در امور ایران به دادگاه ارائه کرد و روز ۱۹ خرداد به دادگاه چنین گفت: «هیچگونه امکان اخلاقی یا سیاسی وجود ندارد تا به استناد آن به دادگاه ملی کردن صنعت نفت ایران را مورد رسیدگی قرار دهد. من به لاهه آمده ام تا درباره ای جنبه های اخلاقی و سیاسی مبحث نفت برای دادگاه سخنانی بگویم من با وجود ضعف جسمانی و کسالت به لاهه آمده ام تا دریابید که ما تحت هیچگونه اوضاعی صلاحیت دادگاه را در این باب به رسمیت نخواهیم شناخت مانمیتوانیم خود را در مقابل آنچه ممکن است از تصمیم نامطلوب دادگاه و خطرات حاصله از آن برای ما بوجود آید به خطر اندازیم...»

در این اوان انتخابات دوره هفدهم به علت دخالت ارتش و ممانعت از ابراز تمایل واقعی مردم به کاندیداهای مورد اعتماد خود به دستور دولت متوقف ماند ولی چون تعداد وکلای انتخاب شده برای تشکیل مجلس کافی بود مجلس هفدهم افتتاح شد و دکتر مصدق پس از بازگشت به ایران و افتتاح مجلس هفدهم مطابق سنن پارلمانی استعفا کرد و باردیگر با رأی تمایل مجلس به نخست وزیر برگزیده شد و چون نمی توانست کابینه را مطابق میل خود تشکیل دهد طی نامه ی ذیل استعفا کرد:

«چون در نتیجه تجربیاتی که در دولت سابق بدست آمده پیشرفت کار در این موقع حساس ایجاب می کند که پست وزارت جنگ را فدوی شخصاً عهده دار شود و این کار مورد تصویب شاهانه واقع نشد البته بهتر است که دولت آینده را کسی تشکیل دهد که کاملاً مورد اعتماد باشد و بتواند منویات شاهانه را اجرا کند. با وضع فعلی ممکن نیست مبارزاتی را که ملت ایران شروع کرده است پیروزمندانه خاتمه دهد.»
چهل تن از نمایندگان بدون حضور در حدود سی نفر دیگری که در همان روز فراکسیون نهضت ملی را تشکیل داده بودند به نخست وزیر قوام السلطنه اظهار تمایل کردند. قوام پس از آنکه مأمور تشکیل

کابینه شد طی اعلامیه‌ای گفت: «... وای به حال کسانی که در اقدامات مصلحانه من اخلال کنند یا نظم عمومی را برهم زنند چنین کسان را بحکم خشک و بی‌شفقت قانون‌قرین تیرمروزی می‌سازم...»
کشتیبان را سیاستی دگر آهد. والبقه مردم نهراسیدند و مقاومت کردند و قیام مقدس ملی سیام تیر را بوجود آوردند. قوام مجبور به استعفا شد و مصدق روز ۳۱ تیر پیروزمندانه بازگشت و وزارت دفاع ملی را که عنوان جدید وزارت جنگ بود نیز خود عهده‌دار گردید. همانروز نیز دادگاه لاهه رأی به عدم صلاحیت خود داد و ایران در محاکم بین‌المللی عم پیروز گردید. سپس دکتر مصدق از مجلس تقاضای اختیارات شش ماهه کرد که مورد تصویب قرار گرفت و سپس تقاضای تمدید آن را برای یکسال دیگر نمود. این اختیارات منشاء و مکمل قوانین و اقدامات وسیع و همه‌جانبه مصدق برای بهبود وضع مردم گردید که متأسفانه اجرای این برنامه به علت سقوط حکومت ملی پس از کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ عقیم ماند.

بدنبال اخذ اختیارات در ۳۰ مهرماه ۱۳۳۱ دولت مصدق با انگلستان قطع رابطه سیاسی کرد و سپس مجلس شورای ملی برطبق یک طرح سه‌نویستی برطبق اصل پنجم قانون اساسی و تفسیر آن مدت دوره سنا را دو سال تعیین نمود و سنا خود بخود منقضی شد. هنگامی که گروهی از مردم می‌خواستند مجسمه‌ای از او بسازند آنرا بت‌پرستی دانست و مانع اینکار گردید. در ۲۵ آذر ۱۳۳۱ با تصویب مجلس تأسیسات تلفنی را در سراسر کشور ملی اعلام کرد و چون قرارداد شیلات با شوروی منقضی شده بود درخواست آن دولت را برای تمدید قرارداد رد کرد و شیلات را نیز ملی اعلام نمود.

در این دوران توطئه‌های عظیمی برای ساقط کردن حکومت ملی مصدق یکی پس از دیگری شروع شد و با پشتیبانی ملت عقیم ماند و در خارج از ایران نیز همه‌جا استعمار مانع توزیع و فروش نفت ایران بود و در عدن و ایتالیا و ژاپن از دادگاههای محلی تقاضای توقیف محصولات تانکرهای حامل نفت ایران شد و البته دادگاه حکومت مستعمره انگلیسی عدن اقدام به توقیف تانکر رزماری و نفت ایران کرد ولی محاکم ژاپن و ایتالیا حقانیت ملت ایران را تأیید کرد. توطئه نهم اسفند ۱۳۳۱ برای از بین بردن دکتر مصدق بوجود آمد و موفق نشد. سپس توطئه دیگری سرتیب افشارطوس رئیس

شهربانی حکومت مصدق را در اوایل اردیبهشت ۱۳۳۲ ربودند و به قتل رساندند.

با این همه به پشتیبانی ملت مصدق همچنان بکار خود ادامه داد. نظر به اینکه اقلیت مخالفی که بر اثر توطئه‌های استعمار به مجلس راه یافته بودند در مجلس کار حکومت ملی را فلج کرده بودند برای انحلال مجلس و تجدید انتخابات از مردم کمک خواست و فراندم کرد و قاطبه ملت رای به انحلال مجلس دادند وقتی همه این توطئه‌ها بجائی نرسید حکومت ملی مصدق پس از مدت بیست و هشت ماه طی کودتائی که توسط سازمان جاسوسی مرکزی امریکا «سیا» و انگلستان ترتیب داده شده بود روز ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ سقوط کرد و مصدق در یک دادگاه نظامی محاکمه شد. او دادگاه را صالح ندانست و رسالت خود را به عنوان نخست‌وزیر قانونی در بیان حقایق طی سخنان و مدافعات تاریخی که در این دادگاه دید و دلایل سقوط حکومت خود را چنین شرح داد:

«... می‌خواستند که دولت اینجانب هرچه زودتر سقوط کند و گمان می‌کردند که به دو جهت عمر دولت اینجانب زیاد نخواهد بود. اول اینکه بدون عواید نفت دولت نمی‌تواند مدت زیادی دوام کند. دوم - دولت ایران مجبور خواهد شد که در مراجع بین‌المللی حاضر شود و جواب بدهد و به محض اینکه در آن مراجع شکست خورد قهراً افکار عامه ایران با او مخالف می‌شود و بالنتیجه از بین می‌رود این کار شد و نتیجه معکوس درآمد در شورای امنیت دولت ایران غالب شد و در دیوان بین‌المللی هم طرف را محکوم نمود و بعضی اشخاص دیدند اگر به دولت مجال داده شود وضعیت اقتصادی ایران طوری خواهد شد که بدون عواید نفت هم کار مملکت بگذرد همچنانکه قرونی مملکت بدون عواید نفت خود را اداره می‌کرد.

اینجانب نمی‌خواهم عرض کنم که عواید نفت خدمت بزرگی به اوضاع اقتصادی مملکت و بالا بردن سطح زندگی مردم نمی‌کند بلکه می‌خواهم این را عرض بکنم که عواید نفت وقتی برای ما مفید است که آزادی و استقلال ما از بین نرود یعنی مملکت را با عواید نفت معامله نکنیم.

بعضی اشخاص (مقصود رهبران دولت‌های استعمارگر است) چنین تصور کردند اگر ما خود را از عواید نفت مستغنی کنیم دول

دیگری هم برای رسیدن به آزادی و استقلال به ما تاسی می‌کنند و در نتیجه آنها از عواید نفت و دخالت در امور آن دول محروم خواهند شد ... پس ایجاب می‌کرد که دولت اینجانب سقوط کند و چون از طریق مجلس اینکار عملی نبود قضیه نهم اسفند پیش آمد ولی نتیجه نداد.

در مجلس شورای ملی هم بین نمایندگان موافق دولت اختلاف افتاد و ممکن بود در آتیه نزدیکی بعضی از نمایندگان موافق نیز از موافقت با دولت عدول کنند مجلس از بین رفت پس یگانه علاج این بود که دستخطی صادر شود اکنون در مقام آخرین دفاع برمی‌آیم و عرض می‌نمایم بر طبق سوابق عهده هیچ نخست‌وزیری به حضور مجلس بدون استیضاح و بدون رأی عدم اعتماد مجلس از کار کنار نشده و یکساعت بعد از نصف شب ۲۵ مرداد ۱۳۳۲ که دستخط شاه ابلاغ شد بنا به هر یک از دو قول یعنی موافقین و مخالفین فراندوم مجلس شورای ملی وجود داشته است و اینجانب چه از نظر قانون و چه از نظر تنظیم لوایح قانونی و چه از نظر صلاح مملکت نخواستم که دست از کار بکشم و می‌خواستم قضیه نفت را که بسیار تشنه حل آن بودم شرافتمندانه حل کنم و به عوض آنکه نمی‌خواستند قرارداد شرافتمندانه‌ای با دولت اینجانب منعقد کنند. وضعیت اقتصادی مملکت طوری شود که بدون عواید نفت بتواند روی پای خود بایستد و آزادی و استقلال که برای هر فرد یا مملکت یک قضیه حیاتی است از بین نرود و گناه خود را در دادگاه چنین بیان کرد: «... تنها گناه من و گناه بزرگ و بسیار بزرگ من اینست که صنعت نفت ایران را ملی کردم و بساط استعمار و اعمال نفوذ سیاسی و اقتصادی عظیم‌ترین امپراطوری جهان را از این مملکت برچیدم حیات من و مال و موجودیت من و امثال من در برابر حیات و استقلال و عظمت و سرافرازی میلیونها ایرانی و نسلهای متوالی این ملت کوچکترین ارزشی ندارد و از آنچه برایم پیش آمد هیچ تأسف ندارم و یقین دارم وظیفه تاریخی خود را تا سرحد امکان انجام داده‌ام عمر من و شما و هر کس چند صباحی دیر یا زود به پایان می‌رسد ولی آنچه می‌ماند حیات و سرافرازی یک ملت مظلوم و ستمدیده است.

... چون از مقدمات کار و طرز تعقیب جریان دادرسی معلوم است که در گوشه زندان خواهم مرد و این صدا و حرارت را که همیشه

در خیر مردم بکار برده‌ام خاموش خواهند کرد و جز در این لحظه نمی‌توانم با هموطنان عزیز صحبت کنم بدینوسیله از مردم رشید و عزیز ایران مرد و زن تودیع میکنم و تاکید می‌نمایم که در راه پر افتخاریکه قدم برداشته‌اند از هیچ حادثه‌ای نهراسند.

رؤسای دادگاههای نظامی بدوی و تجدیدنظر سرلشکر مقبلی و سرلشکر جوادی نام داشتند. محکمه فرمایشی او را سه‌سه‌سال حبس محکوم ساخت لایحه فرجامی وی نیز در دیوان کشوری که به ریاست علی‌هیئت تشکیل داده بودند بدون ذکر دلیل بشکل مفتضحی رد شد.

مصدق سه‌سال در زندان سلطنت آباد و سپس لشکر دو زرعی زندانی بود و بسال ۱۳۳۵ بظاهر از زندان آزاد و یکسره به احمدآباد فرستاده شد. چند روز پس از رفتن به احمدآباد عده‌ای از چاقوکشان را به آنجا فرستادند و پس از مدتی صحنه‌سازی و عربده‌جویی وقتی که به اصطلاح قوای انتظامی دخالت کرد چاقوکشان بازگشتند و باین ترتیب دلیلی برای وجود یک گروهان نظامی در احمدآباد ترتیب داده شد و پس از مدتی از گردش او در حوالی دهکده نیز رسماً جلوگیری به عمل آمد و رفت و آمد او محدود به محوطه کوچک جنوبی باغ گردید. زندانی بودن و اینکه هیچگونه تماسی با ملت ایران نداشت همسپاران نگران آنچه در گوشه و کنار مملکت می‌گذشت بود و هرگاه فرصتی می‌یافت (که متأسفانه این فرصتها بسیار اندک بود) از نمودن راه آینده نهضت ملی ایران و مبارزات ملت ایران جهت نیل به آزادی و استقلال ملی فروگذار نمی‌کرد. در سال ۱۳۴۱ دومین جبهه ملی نخستین کنگره خرد را گشود مصدق طی پیامی که برای این کنگره فرستاد چنین گفت:

«... جبهه ملی هیچوقت نظری جز اعتلاء و عظمت ایران نداشته است و همیشه خواهان این بوده که هموطنان عزیز در سرنوشت خود دخیل شوند و باینگونه فداکاری وطن خود را به مقامی که داشت برسانند و این عقب‌ماندگی که در نتیجه بی‌کفایتی زمامداران گذشته نصیب کشور ما شده از بین برود و این آرزو به نتیجه نمی‌رسد جز اینکه افرادی شایسته و جوانانی هنوز به‌همه چیز نرسیده در مقدرات مملکت شرکت کنند و کشور ایران صاحب رجالی کاردان و فداکار بشود بدیهی است که این افراد وقتی می‌توانند شایستگی خود را

به معروض ظهور درآوردند که نیروهای ملی متشکل شود و هرکس بتواند در اجتماع برتری خود رانسبت به دیگری بمنصه ظهور برساند. بنابراین باید با اتحاد و هماهنگی کامل انتخاب افرادی برای عضویت در شورای جبهه ملی آمال و آرزوی افراد وطن پرست عملی شود و درهای جبهه ملی به روی کلیه افراد و دستجات و احزابی که مایل به مبارزه و از خودگذشتگی در راه واژگون ساختن دستگاه استعمار و استبداد هستند مفتوح گردد و منتهای کوشش به عمل آید تا کسانی که خواهان آزادی و استقلال ایرانند به جمع مبارزان بگردند...»

ولی چون معتقد بود که جبهه ملی باید بمنظور نیل به هدفهای نهضت ملی ایران «مرکز احزاب و اجتماعات و دستجاتی که برای خود تشکیلاتی دارند و مرامی جز آزادی و استقلال ایران ندارند باشد و اعضای شورای مرکزی از نمایندگان منتخب این جمعیتها تشکیل گردد تا در مقابل انتخابکنندگان خود احساس مسئولیت نمایند و نه از منتخبین کنگره که پس از پایان کارش دیگر موجودیتی نمی تواند داشته باشد و متوجه شده بود که اساسنامه مصوب کنگره فوق الذکر این مقصود را برآورده نمی نماید و می تواند سدی در راه نیل به هدفهای نهضت ملی باشد لذا طی مکاتباتی که با شورای مرکزی جبهه و دانشجویان و احزاب ملی و سازمانهای خارج از کشور جبهه ملی از زندان احمدآباد نمود مرتب تأکید کرد که «شورای مرکزی جبهه ملی احتیاج به افراد شجاع و وطن پرست دارد که به نمایندگی از طرف احزاب و دستجات از حقوق ملت ایران دفاع کند...» و جای دیگر نوشت که: «... جبهه ملی را باید مرکز احزاب کشور دانست که همه به یک اصل معتقد باشند و آن آزادی و استقلال مملکت است...» و بدینسان با وجود مشکلات همیشگی و محدودیت های زندان پس از تهیه و تصویب اساسنامه و آئین نامه ای که بالهام از نظر گرانبهایش تنظیم شده بود از داخل زندان سومین جبهه ملی را تشکیل داد و «استقرار حکومت ملی» را هدف اصلی و اساسی آن قرار داد و بدین وسیله یکبار دیگر رهنمون نسل معاصر و نسل های آینده نهضت ملی ایران شد و آنان را متوجه کرد که راه پیشرفت هدفهای ملی چه در حال حاضر و چه در آینده چه باید باشد.

در احمدآباد همیشه شدیداً تحت نظر مأموران و نظامیان بود و با کسی جز خویشان نزدیک حق ملاقات نداشت. وی همواره در مکاتبات

خود از احمدآباد به زندانی بودن اشاره می کرد و جوانان را به ایستادگی و کوشش در راه نهضت ملی ایران تشویق می نمود و همیشه مواظب آنچه در گوشه و کنار مملکت می گذشت بود و در دنبال کردن اوضاع جهانی علاقه خاصی نشان می داد و اگر چیزی درباره تاریخ نهضت یا فعالیت های وی منتشر می شد و بدست وی می رسید تا آنجا که قدرت داشت در توضیح یا تکذیب مطالب خلاف واقع می کوشید.

به علت ناراحتی هائی که پیشوای ملت ایران در ناحیه دهان و فک فوقانی احساس می کرد که معاینه و درمان آن در احمدآباد برای اطبا میسر نبود در اواخر آذرماه ۱۳۴۵ بابازگشت وی به تهران موفق شد و در بیمارستان نجمیه که تولیت آن باخرد او بود بستری گردید ولی کماکان تحت نظر بود و از ملاقات با مردم محروم. در بیمارستان پس از شستشوی سینوس سمت راست و تجزیه سلولهای آن توسط متخصصین تشخیص زمینه سرطانی در آن ناحیه داده شد و چون احتیاجی به ادامه اقامت در بیمارستان نبود بمنزل فرزندش در تهران منتقل و در آنجا نیز زندانی بود و فقط برای گذاشتن برق (کوبالت-تراپی) به اتفاق فرزند دیگرش و مأموران سازمان امنیت برخی از اوقات به بیمارستان مهر مراجعه می نمودند. ولی دیری نپایید که به علت خونریزی شدید داخلی ناشی از یک زخم معده قدیمی که پس از گذشت سالیان دراز مجدداً سر باز کرده بود - مصدق بزرگ روز یکشنبه ۱۴ اسفند ۱۳۴۵ ساعت یک ربع به هفت صبح هموطنان خود را برای همیشه ترک گفت و خرد و کلان را سوگوار کرد.

دسریحا گفت که ناصر رئیس جمهوری مصر خود را شاگرد و پیرو مکتب مصدق می‌دانست.

تادوره مصدق هیچ ملتی جرات نمی‌کرد برضد امپریالیسم قیام کند. مصدق بت‌شکن این «لعبه طرح» ملل دست‌نشانده امپریالیسم را از میان برداشت.

یکی از سفرای یکی از کشورهای امپریالیست روزی به مقامات ایرانی گفته است: «شما هنوز به قدر و منزلت مصدق پی‌نبرده‌اید، روزی برسد که قیام مصدق در سراسر جهان برضد سلطه بیگانگان شکل بگیرد و همه پیرو پیشوای بزرگ ایران شوند و پرچم استقلال به دست گیرند.» همین طور هم شد. ولی بدبختانه فرصت آن نیست که شرح این قیامها را که هر یک به طریقی از مکتب مصدق درس گرفته‌اند به عرض برسانم. عرض خود را با شعری که در جواب آزموده در ایراد به من گفت:

«به مصدق چکار داری و چرا از خود دفاع نمی‌کنی؟» قطع کنم. چنان پرشد فضای سینه از دوست که فکر خویش گم‌شد از ضمیرم

سخنرانی دکتر شایگان

خواهران و برادران دکتر شایگان در میان ماست و به علت کسالت نمی‌توانند صحبت کنند، من از جانب ایشان کلام ایشانرا برای شما می‌گویم.

برهزار مصدق روز دوشنبه ۱۴ اسفند ۱۳۵۷

در بیداری شرق و قطع نفوذ امپریالیستها، مصدق بزرگ خدمت عظیمی کرده است. تا دوره مصدق، امپریالیستها طبیعی می‌دانستند که هرچه بخواهند در ممالک مستعمره یا این مستعمره انجام دهند. در کشورهای شرق دیکتاتوری بومی از طرف خود می‌گذاشتند و به دست او هرکاری می‌خواستند انجام می‌دادند. یا پاره‌ای اوقات شرم را کنار گذاشته و از جانب خود، از مردم خود کسی را مأمور این کار می‌کردند.

مصدق این زنجیرهای شیطانی استعمار را شکست و پس از آن، اقدام از ممالک شرق شروع به برخاستن برضد امپریالیسم غرب کردند و از زیر سلطه غرب بیرون آمدند. در مسافرتی که برای مبارزه شرق با غرب به کشورهای دیگر، امریکا کردم، پیشوای مذهبی مصر

سخنرانی حضرت آیت الله طالقانی

برادران ، خواهران ، فرزندان گرامی ، امروز روز خاطره‌انگیزی است برای ملت ما ، همه در پیرامون تربیت شخصیتی مبارز و تاریخی جمع شده‌ایم . نام مرحوم دکتر محمد مصدق برای همه ملت ایران و برای تاریخ ما و نهضت ما خاطره‌انگیز است . نام دکتر مصدق همان اندازه که برای عشیاری بیداری نهضت ، مقاومت ، قدرت ملی ، خاطره انگیز است . بهمان اندازه برای دشمنان ما ، دشمنان داخلی و خارجی ، استعمار خارجی ، و عوامل استعمار داخلی وحشت‌آور و نگرانی‌آور است . دکتر مصدق ۱۲ سال پیش در حال تبعید در میان این قلعه و بیابان چشم از جهان فرو بست ولی قبر او ، مزار او ، نام او ، همه اینها برای دشمنان ملت وحشت‌انگیز بود . چه سالهائی که گذشت و مردم ما ، ملت باوفای ما ، ملت عوشار ما برای زیارت قبر او ، برای زنده کردن نام و نهضت او بسوی مزار او می‌آمدند و پلیس و مأمورهای دژخیم از زیارت کردن و فاتحه خواندن بالای قبر او وحشت داشتند و همه راهها را بر روی ما و همه ملت ما در این گوشه بیابان می‌بستند . چرا؟ مگر چه بود دکتر مصدق؟! دکتر مصدق خفته‌ی در خاک چشم از جهان دوخته ، چه وحشتی از او داشتند . دکتر مصدق مجموعه‌ایست ، نام او ، راه او ، روش او از مبارزه بیش از نیم قرن ملت ایران ، دکتر مصدق در پی نهضت‌های پیش از خود و ادامه‌ی نهضت‌های پس از وفاتش ، حلقه‌ای و واسطه‌ای

بود برای ادامه‌ی نهضت مردم ایران علیه ظلم و استبداد و استعمار و استبداد ، این نام و این مزار همیشه مورد توجه مردم ایران و دنیای آزاد و آزادیخواه بوده است و خواهد بود . امروز که ما در اطراف مزار او جمع شده‌ایم پیش از اجتماع ظاهری ما باید مرکز اجتماع فکری اندیشه‌ی انقلابی ملت ما باشد ما تاچندی قبل چنین روزی را باور نمی‌کردیم ، که همه ما از اطراف و اکناف در چنین مکانی باهم جمع بشویم و راه مصدق و راه روش مصدق را باز زنده‌تر کنیم . دکتر مصدق مجموعه‌ایست از سلسله‌ی حوادث و موج‌های قبل از خود و بعد از خود . ما و شخص مخلص شما ، با این وضع و حال مزاجم که اینجا نشستیم ، اگر هرچه بگویم و هرچه بیادم هست با همه ضعف حافظه کافی تییست .

شاید اگر همه سکوت کنید و در اندیشه فرو بروید و تذکرات گذشته را بیاد آرید این سکوت بیش از هزار زبان گویا باشد و وضع کنونی و آینده ما را تعیین کند . آنچه من میتوانم در این مکان و در این شرایط بشما ملت عزیز شرافتمند ایران بگویم فقط تذکره‌هایی است یادآور هائی است که شاید این تذکرات هرچه بیشتر ، نافع‌تر باشد . تذکرات شکست‌ها و پیروزی‌ها ، تذکرات راه‌های مستقیم و منحرف ، تلگراف غل شکست‌ها و پیروزی‌های ملت ایران که مانند امواج دریا ، گاه طوفانی میشد و گاه آرام ولی در عمق موج و متحرک بود . دکتر مصدق چرا پیروز شد؟ دکتر مصدق چرا به حسب ظاهر نه واقع شکست خورد؟ دکتر مصدق یعنی نهضت ملی و دینی ایران . چرا پیروز شد و چرا به شکست منجر شد . چرا این موج برخاست و دومرتبه آرام گرفت . آیه‌یی در آغاز سخنم بیان کردم با همه‌ی فشرده‌گی و کوتاهی و اعجاز‌آمیزی بیان غل شکست‌ها و پیروزی‌های ملت‌ها و مردم و امم است . تغییر و تحول و شکست و پیروزی ، عزت و ذلت و انهدام و سازندگی هم مربوط به چیست؟ به روحیات و اخلاق و روش‌ها و منش‌های ملت‌هاست . دو اراده‌ای است . اراده‌ی انسان اراده‌ی خدا و سنن جاریه الهی . تغییر با اراده انسان در خود انسان . تغییر نفسیات . اخلاق روحیات ، حیل ، اگر بهرجهتی تغییر کرد . سنن الهی هم آن ملت ، آن امت را در همان جهت تغییر می‌دهد

تغییر از عزت به ذلت ، تغییر از ذلت به عزت، تغییر از استقلال و سربلندی ، تغییر بسوی خفت و سرشکستگی. تغییر در جهت مذلت. تغییر ضعف ، همه اینها از زبان قرآن مربوط میشود به تعبیر انسانها .

چرا امروز ما عزت و بهروزی خود را جشن میگیریم . برای اینکه فرد فرد ما گروه‌های ما تغییر کرده‌اند ، از آن وابستگی‌ها ، خودخواهی‌ها خودپرستی‌ها در برابر استبداد قهار و استعماری که در تمام شئون زندگی ما در اقتصاد ما، در اجتماع ما در فرهنگ ما در اطراف ما رسوخ کرده بود، یک مرتبه هشیاری ، بیداری ، قاطعیت رهبری همه را بیدار کرد. این بیداری ، این هشیاری وقتی به اوج کمال خود رسید همه قدرت‌هایی که علیه ما بودند، قدرت - هائی که با همه قوا در سرکوب ما میکوشیدند ، اعم از قدرت قهار خارجی و داخلی شکست خورد و ما پیروز شدیم.

تغییر کردیم سنن الهی هم بیاری ما آمد . درگذشته هم همین - طور بود. زندگی گذشته حیات اجتماعی پستی بلندی‌ها، عزت و ذلت‌ها، پراکندگی‌ها ، اجتماعات ، نهضت‌ها، همه مربوط به هم بود و باید ماهرچه زودتر هشیاری و آگاهی خودمان را و تغییر نفسیات خودمان را توجیه کنیم، بشناسیم.

شخص دکتر مصدق چه بود ، فرد دکتر مصدق مردی بود تحصیل کرده ولی در زندگی اشرافی . در دربار با پیرامون دربار تغییر کرد و تحول پیدا کرد و مرد ملت شد. مرد اجتماع شد ، مرد نهضت شد همانطوری که قرآن درباره‌ی موسی بیان میکند و میگوید: «یا موسی ترا درست کردم ، خواستم که یکروزی بدرد من بخوری ، براه من و مشیت من».

دکتر مصدق مثل بسیاری از رهبران اجتماع در درون طبقه‌ی اشراف بود . بوجی آنها را از نزدیک می‌دید . ساخت و سازهای دربارها را از نزدیک مشاهده می‌کرد و همه اینها را دید . او گفت آن مقبولیتی که مردم از چنین قدرتها دارند در نظر او کاعش یافت و از بدن رفت و بوجی قدرت های نظامی ظاهری را همانطوریکه در درون دربار فرعون ، این مرد خودخواه ، مغرور ، ضعیفی و خدای خدای می‌کرد و ملتی را به اسارت و بردگی کشیده بود .

او هم از نزدیک دید و شناخت و شناخت . او توسعه پیدا کرد ، انقلابی شد ، بدرد مردم رسید و از نزدیک دید که مردم مقهور و ذلیل، چگونه مردمی هستند ، مردمی که جز هوس و هوی و جز خود - خواهی اطراف خود را نمی‌بینند. مرحوم دکتر مصدق در ابتدای کودتای رضاخانی که با همکاری استعمار قوی انگلستان از همان ده «آق بابا» نزدیک قزوین با همان لباس سربازی که می‌گویند جرئت نمی‌کرد در مقابل کنسول انگلیس صحبت کند . ولی او را پیدا کردند دیدند بدردشان میخورد ، دیدند برنامه‌شان را خوب اجرا می‌کند . دیدند انسانی است ، فردی است که در نهضت مرحوم میرزا کوچک خان خوب توانست بوسیله او و با پشتیبانی استعمار شکست بخورد . مردی است دارای روح نظامی و درعین حال طماع و خودپرست. بسیار خوب پیدا کردند بوسیله او کودتا کنند . چرا کودتا کنند . رضاخان برای چه کودتا کرد؟

دکتر مصدق رفیق مرحوم مدرس خوب فهمید که این کودتا عاقبتش برای این ملت فاجعه‌ای خواهد بود آن‌کس که استعمار انگلستان در بین همه‌ی مردم کشور انتخاب کرده برای اچه و چه برنامه‌هایی دارد ؟ برای اینکه تمام قدرتهای ملی و دینی را بکوبد . تمام عشایر را سرکوب کند و همه جناحها و گروههایی که درک و دردی دارند آنها را بکشد . یا خانه‌نشین کند، راه را برای چپاول و غارت انگلستان باز کند این برنامه آنها بود آنروز چه مردمی بودند که عاقبت چنین حکومت و سلطنتی را ارزیابی کند؟ عده‌ای معدود و اکثریتی متوجه نبودند و بعدها به‌عنوان امنیت و ثبات کشور بعنوان سرکوبی اشرار از اوحامایت می‌کردند و عده‌ای می‌فهمیدند ولی جرئت مقاومت نداشتند . در آن دوره‌ای که دو قدرت بزرگ روس و انگلیس ، هم در کشور ما راه نفوذ و راه پایگاهها و استفاده‌ها را می‌جستند در هیات حاکمه عده‌ای طرفدار روس بودند و عده‌ای طرفدار انگلیس در این بین که حقی ملحوظ نمی‌شد و آن چهره‌ای که به چشم نمی‌آمد مردم ایران بود. دکتر مصدق با همکاری مرحوم مدرس این راه را باز کرد و این چهره را نشان داد که نه روس و نه انگلیس بلکه ملت، این ملت است که باید سرنوشتش را بدست بگیرد و راهش را بیابد و پیش برود . مدرس در تبعیدگاه مرد و کشته شد . چه خاطراتی من از مرحوم مدرس بیادم هست که با پدر من روابطی داشت و نامه -

هائی که از تبعیدگاه می‌فرستاد بوسیله کاغذ سیگار که آنوقت معمول بود، از وضع خودش شکایت میکرد و درد دل‌هایش و راه و روشش را به بعضی از علما و مراجع دینی می‌فرستاد که من در تبعیدگاه هستم و می‌میرم ولی این راه را ادامه می‌دهم. دکتر مصدق و مرحوم مدرس دنبال چه موجی و چه تری بودند؟

سالها ملت ایران و ملل اسلامی و خاورمیانه خواب بودند. در این میان از همین سرزمین پاک ما و ملت هشیار ما مانند سید جمال‌الدین قیام کرد تا ملل اسلامی و مشرق زمین را بیدار کند. همان وقتی که اسلام و قرآن وسیله بی‌هوشی و بی‌دردی شده بود، این سید جمال‌الدین بود که به عمق اسلام و قرآن آگاه بود و با او اولین موج شروع شد.

آیت‌الله طالقانی با اشاره به سفر هیأت اعزامی جبهه آزادی‌بخش صحرا «پولیساریو» به ایران گفت:

مردمی که سالها با انگلیس و فرانسه جنگیدند و در میان صحرا و در محاصره استعمار بودند، چشم به انقلاب ایران داشتند. به مناسبتی در ملاقات من با این گروه، نام سید جمال‌الدین به میان آمد. گفتم: می‌شناسید گفتند: بله. ولی گفت سید جمال افغانی است! گفتم: اشتباه است، سید جمال‌الدین از ایران بود، خانه او در شهرش اسدآباد همدان باقی است و مردم ایران او را می‌شناسند. تعجب کرد گفت: پس همه نهضت‌های قدیم از ایران شما شروع شد گفتم: بله به همان جهت هم دشمنان ما بسیار نسبت بما کینه‌توز هستند.

آیت‌الله سپس نهضت تنباکورا پیش کشید و گفت: یک مرد عالم هشیاری در گوشه‌ای از اراک تمام جریانهای آنروز ملت ایران را زیر نظر گرفت و با وجود آنهمه دوری روابط، وقتی قرارداد «رژی» در دربار ناصرالدین‌شاه امضا شد همه خواب بودند، ولی او فهمید دنبال این قراردادها چه اسارتها بود، چه فریبها بود چه ذلتها بود با سه کلمه که امروز استعمال تنباکو در حکم معارضه با امام زمان است. تمام ملت از جا بلند شد، زن و مرد ایرانی علیه این قرارداد قیام کردند، قلیانها را شکستند. وقتی زنان ناصرالدین‌شاه از بردن قلیان برای شاه خودداری کردند ناصرالدین‌شاه به آنها گفت: شما

زن من هستید شما چرا بخاطر حرف یک شیخ قلیان را تحریم کردید؟ گفتند: ما زن تو هستیم ولی بحکم همان شیخ برتو حلال شدیم و اکنون او حرام کرد. ما هم بتو قلیان نخواهیم داد. این نهضتی بود که در عمق خانه‌ها در دهات و در گوشه و کنار دربار ناصرالدین‌شاه را با همان تظاهرات دینی اسلامی‌اش متزلزل کرد. برادرها! فرزندان! نهضت‌های ایران را با هشیاری ارزیابی

کنید، تعصب یک جهت بینی، یک بعد بینی همیشه ما را بیچاره کرده است. نهضت مشروطیت، از چه بود؟ با همه مخالفت‌ها و با همه اینکه یک عده از قشریون از نام مشروطیت وحشت داشتند، غیر از علمای بزرگ که در نجف و ایران بودند چرا شکست خورد؟ در میان آن خون‌هایی که ریخته شد و آن فداکاریها سرو کله‌ی رضا خان مستبد بیرون آمد. برای اینکه یک عده فرصت طلب، یک‌عده فراماسیون، یک عده غرب زده خودخواه، مشروطیت را خدشه‌دار کردند و مشروطیت که در انتخاب دولت و نماینده سرنوشتشان باید حق ملت باشد، به آلت و وسیله‌ای برای قدرتهای استبداد و استعمار داخل و خارجی شد. ساکت ماندیم و در مقابل ظلم و استبداد رضا خانی مردم زبانشان بسته بود. خلقهای ایران در حرکت بود و منتظر فرصت تا شهریور ۲۰ پیش آمد، ملت هشیار شد. آنکه در مقابل ملت شمشیری بود برسر همه، در مقابل اجنبی ذلیل و زبون بود، چقدر بدبخت بود، بخوبی یادم هست همانقدر که حاکم انگلستان اولین حمله را متوجه رضاخان کرد، بیچاره خودش را باخت.

و بهمین دلیل عرشب و روز در کاخ سعدآباد در هر گوشه‌ای از ترس بخود می‌لرزید، چندبار فرار کرد، از بین راه برش‌گرداندند مثل پسر خلفش می‌خواست صندوق جواهرات را با خودش ببرد که مثل یک بچه‌گره‌ی بیچاره پشت گردنش را گرفتند و بردند به جزیره موریس!

تازه مرد حسابی ناحبسی، تو شاه بودی که می‌بایستی در مقابل اجنبی ایستادگی کنی، بفرض که کشته می‌شدی، چرا در رفتی؟! آنهم با آن زبونی و بدبختی، بعد هم سدی رضاشاه کبیر! اگر در نمی‌رفت پس چه می‌شد. همانطور که پسرش هم در رفت. اگر ملت با تو بود چرا فرار کردی؟ اگر خطر اجنبی بود، تو باید با ملت جلوی اجنبی می‌ایستادی، پس چرا تو در رفتی؟ وقتی ملت فهمید رضاشاه کی

بود، حرکت شروع شد . جنگ بین الملل پیش آمد .

در این بین مردم دریافته بودند که باید نجات پیدا کنند ، شخصیت دکتر مصدق مانند یک پزشک ماهر انگشت روی نقطه‌ی درد گذاشت و گفت ما باید در دنیای شرق و غرب بی‌طرف باشیم، تزلزل را ابراز کرد. همان تزی که مرحوم ناصر، نهرو، سوکارنو همه دنبال کردند او گفت بدبختی ما همین انبارهای نفت ماست . ما نفت نمی‌خواهیم ، گرسنه می‌مانیم ولی آزادی و استقلال می‌خواهیم نهضت اوج گرفت . چه شد که اوج گرفت؟

در اینجا حضرت آیت‌الله طالقانی با ذکر آیه‌ای از کلام‌الله مجید، گفت:

وقتی که وحدت‌نظر بود، همه نیروهای ملی‌ودینی در یک مسیر حرکت کردند. مراجع‌دینی مانند آیت‌الله خراساری، آیت‌الله کاشانی، فدائیان اسلام، باهم شروع کردند و ملت را به حرکت درآوردند. هر کدام پناه خود و فدائیان اسلام جوان پرشور و مؤمن آنها راه را باز می‌کردند. موانع برطرف شد و انتخابات آزاد شروع گردید، صنعت نفت در مجلس ملی شد . فتوای مراجع و علما برای انتخابات و پشتیبانی از دولت ملی در تمام دهات و روستاها و در میان کارگران یک شعار شد ، یک حرکت و یک هدف بود . بعد چه شد و از کجا ضربه خورد ؟ ضربه از درون خودمان خوردیم . این یک تذکر است بیان واقعیات است تا موقعیت کنونی خودمان را درک کنیم .

برگشت می‌کنم به روحیات و نفسیات آن سال همانطوری که انواع میکربها در پیرامون انسان موجود است ولی از وقتی که بدن علیل شد ، جراحی پیش آمد، از همانجا بیماری نفوذ پیدا می‌کند و در روحیات و اخلاق انسان‌ها هم مسئله همینطور است عوامل استعمار و استبداد داخلی جاسوسها اطراف نیروها شروع به بررسی کردند ، نقطه ضعفها را پیدا کردند و به فدائیان اسلام گفتند که شما بودید که این نهضت را پیش بردید ، فدائیان می‌گفتند ما حکومت اسلامی می‌خواهیم . آنها به فدائیان اسلام می‌گفتند که دکتر مصدق بی‌دین است و به دین توجه ندارد و نمی‌خواهد خواست‌های شما را برآورده کند. به دکتر مصدق می‌گفتند که فدائیان اسلام جوانهای پرشور و تروریست هستند ، از آنها باید بپرهیزید . من

که خودم می‌خواستم بین اینها تفاهم ایجاد کنم دیدم نمی‌شود . امروز صحبت می‌کردم ، فردا می‌آدمم ، می‌دیدم چهره‌ها عوض شده باز خصومت ، باز موضع‌گیری .

مرحوم دکتر مصدق می‌گفت: نه من مرد مدعی حکومت اسلامی هستم و نه می‌خواهم همیشه حاکم و نخست وزیر شما باشم . مجال بدهید بگذارید ، من قضیه‌ی نفت را حل کنم . این جناح را جدا کردند . آمدند دوباره سراغ مرحوم آیت‌الله کاشانی با انواع نفسیات که این نهضت مال توست ، دکتر مصدق چکاره است ؟ او را نیز از دکتر مصدق جدا کردند یادم هست روزی که گفتگو بود در بین مردم که مرحوم آیت‌الله کاشانی حمایت از «زاهدی» می‌کند و توطئه‌ای در کار است . پنهانی رفتم منزل ایشان . او در اتاقش تنها بود، بریده‌ای از خربزه‌ای در دست داشت ، بعنوان تعارف جلوی من گرفت گفتم حضرت آیت‌الله دارند زیرپایت خربزه می‌گذارند . مواظب باش ! گفت: اینطور نیست من حواسم جمع است، گفتم من شما را مرد مبارزی می‌شناسم ، شما مزایا و سوابق خوبی دارید متوجه و هشیار باشید که تفرقه ایجاد نشود گفت: خاطرتون جمع باشد. با همین مسایل جزئی و کثرتها پناه بر خدا از غرور از هوای نفس . همانطوری که معتقدیم که شیطانی که قرآن توصیف می‌کند. از نقاط ضعف درونی انسان استفاده می‌کند. یکی نقطه ضعفش مال دوستی است. از همینجا استفاده می‌کند، یکی شهوت دارد، یکی جاه طلب است. همانطور که شیطانهایی که مظهر شیاطین درونی هستند ، جاسوسها و کارکشته‌ها ، درون گروهها و افراد می‌گردند و می‌گویند نهضت مال توست ، تو همه کاره‌ای آنها را بادش می‌کنند و مقابل هم قرار می‌دهند. آنها همه تذکار است .

کاشانی را هم از مصدق جدا کردند آن چند نفری هم که دور و بر دکتر بودند آنها هم در گوششان گفتند ، این دکتر پیرمرد است، عقلش کم شده . تو باید جای او را بگیری، باد به آستین او کردند، او را از یکطرف بردند. اما دکتر مصدقی که بایک حرکتش ، بایک فرمانش مردم اجابت می‌کردند، وقتی از درون ، این نیروها متلاشی شد با یک ضربه‌ی ۲۸ مرداد چنان فاجعه‌ای برای ملت ایران پیش آوردند ، یک عده لات ولوت، یک عده بدکارها پناه افتادند و در مقابل چند دینار اساسش را از بین بردند، خانه‌نشینش کردند و به

محاكمه‌اش کشاندند و به زندانش افکندند به این هم اکتفا نکردند و بعد از زندان سالها در این قلعه زندانی بود. یادم هست وقتی در زندان بودم احوال ایشان را می‌پرسیدم، می‌آمدند، میگفتند، دکتر تنه‌است و خانواده‌اش همیشه فرصت نداشتند و همیشه کنارش نبودند. گفته بود، یک کاری بکنید که مرا هم بیاورند پیش شما که با شماها باشم. ولی خودش را حفظ کرد و هدفش را حفظ کرد.

برادران! فرزندان! چقدر انسان باید تجربه بکند؟ کافی نیست؟ تجربه‌های گذشته کافی نیست؟ یک مقداری در خودبینی‌ها، گروه بینی‌ها، مردم‌بین باشیم. خدابین بشویم. خودمان را فراموش کنیم. آینده را بنگریم. ببینیم چقدر دشمنان در کمین ما هستند. نهضت دکتر مصدق دنیای خاورمیانه را تکان داد، دنبالش مصر انقلاب شد. الجزایر انقلاب شد ولی ما محکوم شدیم. ما متلاشی شدیم، باز غارتگران بین‌المللی بعد از ۲۸ مرداد آمدند، کشتند و بردند و خوردند جوانهای ما را پی‌درپی درمقابل سلسله‌ها قرار دادند. عده‌ای اوباش و دزد و جانی و پست را برحیات و زندگی ما مسلط کردند. در مصر و در مکه، نمایندگان الجزایر می‌آمدند و می‌گفتند: ما دنبال نهضت شما حرکت کردیم، شما چرا به این روز افتادید. من می‌ماندم که چی بگویم این تاریخ نهضت‌های گذشته ماست، این تاریخ دکتر مصدق ماست. گذشت ولی ملت‌ها را اگر به ظاهر زبانش را بریده بودند ولی به هزار زبان سخن گویا بود. پس از شکست حکومت دکتر مصدق، نهضت مقاومت ملی تشکیل شد، برای اینکه چراغ مبارزه خاموش نشود. از عده‌ای فرزندان شخصیت‌های ملی، دینی رهبری را بعهده گرفتند این نهضت ادامه پیدا کرد. چه بود، این نهضت از کجا شروع شد؟ از شخصیت‌های سیاسی عشیار و بیدار، شخصیت‌هایی که آگاه به سیاست‌ها و شیطنت‌ها بودند با پشتیبانی شخصیت‌های اسلامی، مذهبی، آیا می‌شود اینها را نادیده گرفت. از نهضت سید جمال‌الدین، تنباکو تا این زمان.

فرزندان، من نمی‌خواهم، مبارزه گروه‌های مختلف را نادیده بگیرم. شما که فرزندان من هستید. من دلم برای همه می‌تپد. در زندان از هر گروه که می‌شنیدم، خبر می‌دادند که مقابل تیرگذاشته‌اند.

مثل اینکه به قلب من تیر می‌زدند، ولی آیا می‌شود - شرایط کشور، اخلاق مردم روحیه‌هاشان و ایمانشان را نادیده گرفت؟

این کارگران، این کشاورزان و این توده‌های مردم که شمار - شان یکی است. از کجا جوشیده، از آن عملا ایمانی و اسلامی. عرب فقط ناقل اسلام بود، این ایران بود که اسلام را شناساند، همه دنیا این اهمیت و موقعیت و شخصیت مردم ایران را می‌شناسند. مرجع فلسفه‌ای هست، عرفانی هست، علمی هست در دنیای شرق و غرب معترفند که پایه‌ی اصلی‌اش از ایران بوده است.

بقول «جبران خلیل جبران» مصری علی «ع» این شخصیت بزرگ این نمونه عالی انسانی، در زمان خودش شناخته نشد تا مردم عوالمندی از ایرانیان و فارسیان برخاسته، تمیز می‌دادند علی را شناختند، منطق علی را فهمیدند و علی را تشخیص دادند.

این سابقه ما ایرانی‌هاست، در بین طوفان‌های دنیا سربلند برخاستیم و هیچوقت برای همیشه تن به ذلت و استعمارگری ندادیم. اگر بدنمان را به پردگی کشیدند. فکرها و قلب‌های ما به بردگی کشیده نشد.

اکنون ما ملت ایران قیام کردیم. بعد از ۱۵ خرداد، یک شخصیت دینی، یک مرجع مصمم و قاطع فریادش علیه رژیم بلند شد. اما وقتی که اکثریت مردم ما و رهبرهای ما جرئت نمی‌کردند انگشت روی درد بگذارند، که شاهنشاهی درد بیدرمانی است، این مرد بلند شد. گفت: این رژیم قانون اساسی نمی‌شناسد همانجائی که درد همه‌ی مردم بوده «قانون مشروطیت آلت دست رژیم استبداد سلطنت است». بقول دوستم آقای بازرگان: اعلیحضرتا! مشروطیت و قانون سازگار نیست. آن خودش را «اعلا» می‌داند. مردم حرکت کردند، جان دادند ۱۵ خرداد پیش آمد ولی ملت ایران به موضع درد انگشت گذاشته بود، دیگر ساکت ننشست شرایط تغییر کرد، خنقان زیاد شد، کشتار زیاد شد. گروه‌های مسلح به میدان آمدند، وظایفشان را انجام دادند. امروز یک مرحله بزرگ تاریخی را پشت سر گذاشتیم، مراحل دیگری در پیش داریم، دستگاه استبدادی و سلطنت منهدم شد ولی باز تجربه‌های سابق را باید در نظر بگیریم. در زمان دکتر مصدق، متأسفانه، یک قسمت هم گروه‌های راست و چپ، مردوی اینها درمقابل نهضت ایستادگی کردند. چپ نماها

یا چپ راست‌ها و یا راست‌نماها. همانوقت که ملت ایران فریاد می‌زد، سرنوشت خودمان را خودمان باید تعیین کنیم، نفت باید بر روی استعمار بسته شود که این پایگاه استعمار است. دیدید که چه شعارها پیش آمد شرق و غرب، نه روسیه از مصدق ما حمایت کردند و نه دیگران. ما ملتی هستیم که روی پای خودمان می‌ایستیم ما حمایتشان را نمی‌خواهیم، اما با ما دشمنی کردند تحریک کردند، توده‌ایهای نفتی درست شد من به آن اصلی‌هاشان جسارت نمی‌کنم. یک عده جوان هم آلت دست قرار گرفتند. می‌شعار پشت شعار، چه شعارهایی. و مصدق را متهم کردند طرفدار امریکاست متهمش کردند که اهل سازش است آیا این اتهامات به مصدق به این شخصیتی که در تاریخ امتحان خودش را داده می‌چسبند؟ نفت بسته شد. بروی استعمار ولی همان کارگران شرکت نفت که در دوره انگلیس‌ها سربزی بودند بلند شدند. پول نداشتیم، هرروز بهانه‌ای تازه: ما مسکن می‌خواهیم، ما تسمین می‌خواهیم.

آخر بگذارید یک مقداری نفس بکشیم، درمقابل این غول استعمار بگذارید، حواس ما جمع باشد، این نفت مال شماست هرچه می‌خواهید استفاده کنید، اما نشد. همینطور اختلافها را دامن زدند تا داستان ۲۸ مرداد پیش آمد خوب شد؟ بهره بردیم؟ نباید این تاریخ برای ما تجربه باشد؟ من وقتی به مسجد می‌آمدم یک مقدار شعار توده‌ای بود که ما می‌دانستیم دروغ است، ولی می‌گفتند کمونیست می‌خواهد مسلط شود که یک عده‌ای داد و اسلما سر دادند، این وسط چه شد؟ چه نتیجه‌ای گرفتیم؟ چند سال ذلت، چقدر قربانی دادن، ما باید متنبه بشویم.

امیدوارم که همه فرزندان، برادران و عزیزان ما باحسن نظری که شاید اکثریت بمن دارند، بعنوان یک پند، یک تذکار یک پدر رنجوری که اواخر زندگی‌اش را می‌گذراند که جز خیر و صلاح ملت را نمی‌خواهد، از این نصایح من کسی دلخور نشود. من صلاح همه را می‌خواهم من هیچ کنش یا محبت خاصی به هیچ گروهی ندارم، فقط ملت را می‌خواهم. این ملت شریف، این ملت رنجوریده. مواظب باشید دربین این چپ گرایی و راست گرایی بازهم دچار عوامل استعمار

و استبداد و اسرائیل و اینها نباشد باز همه‌ی ما کوبیده می‌شویم، مثل ۲۸ مرداد، بدتر از آن. دندان‌های آنها تیزتر شده و با همه دسیسه‌ها و با همه وسایل نظامی و غیرنظامی در کهن نشسته‌اند، هشیار باشید، این تفرقه افکنی‌ها، این موضع‌گیریها، این شعارهای بیجا را کنار بگذارید. همانطور که درانهدام سلطنت پهلوی کوشیدید، در سازندگی بکوشید. به اندازه کوهها بار مشکلات سیاسی و اجتماعی و اقتصادی در پیش داریم. این دولتی که فعلا مسئولیت خطیر را در پیش گرفته، بارها گفته‌ام، نه دولت ایده‌آل شما چپ - گرما، راست گراهاست و نه ایده‌آل من. اما ایده‌آل غیر از واقعیات است. و اینرا باید اعتراف کنید که اینها مخلصند هواپرست نیستند. مشکلات دارند. گاهی در جلسات، در گوشه و کنار در جلساتشان شرکت می‌کنم از شنیدن مشکلاتشان وحشت می‌کنم، انتقاد بکنید هرچه دلتان می‌خواهد، در انتخابات انتصابات درکارها انتقاد کنید، ولی باید همکاری کنید با محبت بکوشیم که این مشکلات را از پیش پا برداریم. رفتند و هزاران خرابی پشت سر گذاشتند، در همین اطراف کرج باغهایی است که الان دارد ازبین می‌رود. وضع ارتش ما متلاشی شده، اینقدر شعار تلاشی ارتش ندهید، خدا می‌داند که این شعار به مصلحت نیست. ارتش باید باشد. ارتش ملی، ارتش تصفیه شده، میلیونها خرج این ارتش شده، خرج این وسایل شده، آیا باید این را توی دریا بریزیم.

و بالاخره باید متخصصینی باشند که بشناسند نظام ارتش بد بوده، نه ارتش. مگر ما فراموش کرده‌ایم که نظام هواپیمائی (پرسنل هوائی) چه خونها دادند، چه حماسه‌ها، سربازانی که شبها به منزل من می‌آمدند، افسرانی که می‌آمدند، چه گریه‌ها، چه ناله‌ها اینها برادران من هستند، اینها فرزندان ما هستند. در یک نظام سراپا فساد، بالاخره هرکس دامنش آلوده می‌شود. هیچکدام نمی‌توانیم خودمان را تبرئه کنیم. همه باید استغفار کنیم. یعنی برگردیم. و بخدا برگردیم، یعنی به صلاح مملکت. ملت ایران!

باور کنید این مملکت مال شماست، هنوز هم نمی‌خواهید باور کنید، این کارخانه‌ها مال شماست. این منابع طبیعی مال شماست؟ ولی مهلت بدهید اینها براه بیفتد. این کارخانه‌ها بکار بیفتند.

زراعت سرو صورت پیدا بکند، اینها مال شماس است. این نظام و ارتش مال شماس است. دیگر درمقابل شما نیست. نخواهد بود. تصفیه خواهد شد. باشدت هم تصفیه خواهد شد.

اما همه که اینطور نبودند، ارتشی از حیث کیفیت قوی و از حیث کمیت فشرده برای تعیین کردن گارد ملی شهر و روستا. که همه پاسداران انقلاب و ادامه دهندگان راه انقلاب برای ما باشند. برادران، خواهران، فرزندان، امروز شرق و غرب دنیا چشمها به شما دوخته شده است.

زهرسو سراغ ما می‌آیند، این نهضت ما را معجزه می‌دانند. چندی قبل به ملاقات آیت‌الله خمینی رفته بودم پرسیدند باور می‌کردی این چنین روزی را گفتم، والله می‌گفتند معجزه است، معجزه قرن است. این اعجازی است که بدست شما صورت گرفته قدرش را بدانید از همه جای دنیا متوجه‌اند، و منتظرند ما چه می‌کنیم. امیدواریم که بتوانیم این مسئولیت عظیم تاریخی را نه درباره خودمان، بلکه برای سرنوشت دنیائی که در زیر سلطه است ما بتوانیم، در آنها هم مؤثر باشیم.

قدر خودتان را بدانید، همبستگی‌تان را حفظ کنید از خود - بینی‌ها بیرون بیانید. امیدوارم به لطف خدا بتوانیم مرچه بیشتر این نهضت را شکوفا کنیم. ما مردنی هستیم باور کنید می‌میریم ولی تاریخ ما. سرنوشت ما، مسئولیت ما نسبت به نسل آینده، باقی میماند. مبادا کاری بکنید که مورد لعن و نفرت آیندگان قرار بگیرد.

ما بالای تربت مرحوم دکتر مصدق، زیر این آسمان مطهر سوگند یاد کنیم که همه باهم هم‌عهدیم، سوگند یاد می‌کنیم که همه باهم، همه یکقدم، همه یکدل، همه یکزبان در راه نجات ملتمان بکوشیم و این نهضت را به ثمر برسانیم. همانطور که قرآن درباره‌ی مؤمنین می‌گوید. در بین خودتان بسیار رحیم، مهربان، دلسوز، در مقابل دشمن شوید، قوی، مقاوم مثل سد بایستید.

سقراط در شرایط مدینه فاضله‌اش می‌گوید حکام مدینه فاضله باید چنین باشند، بعدهم مثالی می‌آورد که باید بسیار نرم و مهربان باشند، بین خود، برای امت خود و درمقابل بدسگال باید پرخاشجو،

قوی و بی‌پاک باشند.

مرحوم دکتر مصدق درمقابل ملت مثل خاک خضوع میکرد، ولی همین پیرمرد که درمقابل مردم در مجلس، خانه‌اش خاضع بود، درمقابل این استعمار قوی انگلستان که سیطره‌اش تمام دنیا را گرفته بود، مثل شیر می‌غرید. ما هم هر فردی از کسانی که دارای خصلت عالی انسانی باشند و باتربیت قرآنی، باید این چنین باشیم بین خود مهربان، دلسوز، اما در راه عقیده باهم مخالفند دعوائی ندارد بیایند ببینند می‌توانیم باهم بسازیم صحبت می‌کنیم، ما هم همدیگر را قانع می‌کنیم، تو اینطور فکر می‌کنی. من اینطور فکر می‌کنم، ولی در اصل سرنوشت آیا نباید وحدت نظر داشت؟

من خسته شدم، شاید شما را هم خسته کردم ولی شاید مجالی بیشتر از این، خدا می‌داند تا چند مدت دیگر با این وضع مزاجیم در میان شما باشم آنچه که یادم بود، در خاطر بود از گذشته تاریخ از روابط تاریخ سلسله‌های تاریخ، نهضت‌ها تا به امروز آنچه که خودم در میانش بودم، آنچه که در تاریخ دیده‌بودم، در صدسال اخیر من باب تذکار عرض کردم، الان رسیده‌ام به یک سرفصل تاریخی دولت جدید. این افرادی که در رأس حکومت هستند امکان دارد نقایصی داشته باشند و راه شما با راه آنها بخواند اما آنها را می‌شناسید آدمهای مؤمن و معتقدی هستند، درستند، اخلاص دارند، پس باید نواقص را از بین برد و عوامل منیت را تشدید نکرد. یک باغبان معمولاً آفت‌های درخت را از بین می‌برد ولی درخت را حفظ می‌کند من یقین دارم با اینکه شما علی را خیلی دوست دارید اگر بیاید الان حکومت شما را قبول کند، همین مخالفتها پیش خواهد آمد. فرشته را از آسمان بیاورید همین است. سرنوشت‌های کل و تاریخی را فدای مسایل جزئی و خصوصیات اخلاقی خودمان نکنیم خداوند باز هم ما را یاری خواهد کرد و این بارهای مسئولیت را از دوش برخواهیم داشت. هوای بدی برای من نیست. چهره‌های درخشانی مقابل کنار قبر یک تاریخی هم نشسته‌اند، من هم می‌خواهم حرف بزنم از یکطرف می‌بینم خسته شدم. از همه شما می‌خواهم، خداوند همه ما را اصلاح کند. خداوند همه ما را بیدار کند. خداوند شمارا حفظ کند خداوند تاییدتان کند خداوند ما را اصلاح کند. خداوند همه ما را بیدار کند، تفرقه و اختلافات را از بین ما ببرد و همه

اختلافات با حسن تفاهم، با اخلاص و با نظر پاک بتوانیم برطرف کنیم، همه شما باز هم تکرار میکنم، فرزندان عزیز من هستید مثل فرزندان خودم، هیچ فرقی نمی‌کند. فرزندان من هم گوناگون هستند ولی پاره‌ی تنم هستند، با آنها همین رفتار را دارم که با شماها دارم، بعضی‌هاشان از یک جهت و یکطرف و یک فکر خاصی دارند، ولی من سعی می‌کنم، آنها را از اشتباه بیرون بیاورم. من اشتباه می‌کنم، آنها مرا از اشتباه بیرون بیاورند، شما می‌توانید یک خانواده سالم تشکیل بدهید، تا بحال یکی از دسائس بزرگ استبداد همین تفرقه افکنی بوده است. پدر نسبت به پسر و زن با شوهر و همینطور همه با هم. این کار استبداد و استعمار است و همه با نظر وحشت و بدبینی بهم نگاه می‌کنند، همه ما در یک خانواده هستیم باید با هم بسازیم. اختلافات در حد یک خانواده باشد نه بیشتر. یک خانواده نباید عمده‌گر را بکوبند ما باید عکس راه استبداد و استعمار قدم برداریم و عشیار باشیم و بدانیم که فرد فرد با هم برادریم پایین آیه که قرآن کریم به مردم عرب می‌گوید سخنانم را تمام می‌کنم:

ببینید ای عرب جهالت، همه از هم وحشت دارید، همه از هم می‌ترسید، یکمرتبه ایمانی آمد و عشیار شدید و همه با هم برادر شدید، صبحی طالع شد، دیگر همه از هم نمی‌ترسید و حالا با هم برادرید، بدانید که با هم برادرید، بدانید که با هم زندگی کنید، با هم بمیرید و سرنوشت خودتانرا باید به دست خودتان پی‌ریزی کنید.

سخنرانی مسعود رجوی

«بنام خدا و بنام خلق قهرمان ایران»

و بنام رهبر فقیدی که در اینجا آرمیده است. رهبری استوار، سرسخت و سازش‌ناپذیر که نخستین بار درس مبارزه با استعمار را در مکتب او آموختیم. آنکه در میهن خود غریب و در خانه‌اش در تبعید و در عین زنده بودن چونان شهید بسر برد.

در زمره نخستین و والامقام‌ترین شاعدان و شهیدان راه آزادی در زمره آنها که به مصداق این ندای آسمانی: الذین بوفون بعهده‌الله ولاینقضون المیثاق والذین یصلون ما امرالله به ان یوصل ویخشون ربهم ویخافون سوء الحساب. (سوره رعد).

کسانی که بعهده خود وفا می‌کنند و پیمان نمی‌شکنند و کسانی که پیوند می‌دهند هرآنچه را که خدا بوصل و پیوند آن فرمان داده است و از پروردگارشان خشیه دارند. و از زشتی حساب و زشت حساب بودن می‌هراسند.

آری! دکتر مصدق فقید پیشوای نهضت ملی ایران بپا خاسته بود تا ملت ایران و بل تمام ملل زیرسلطه جهانرا با حقوق تاریخی و میهنی خود در مسیر یک مبارزه رهائی‌بخش ضد استعماری پیوند دهد و در این راه چه آزارها و چه رنجها که ندیده و بدترین این رنجها، فشار و تلخکامی‌های ناشی از فتنه چپ و راست بود.

لکن علیرغم همه اینها، مصدق بزرگ هرگز پیمان نشکست و تن به سازش با امپریالیستها نداد و تا آخرین روز حیات همچنان بعهده‌ی که با خدا و خلق بسته بود وفادار ماند «سلام علیکم بماصبرتم فنعم عقبی الدار». سلام بر شما باد بدانچه که در آن مقاومت و شکیبائی ورزیدید و چه نیک فرجامید.

اکنون بگذار دشمنان و فرصت طلبان، استواری و سازش ناپذیری پیشوا را، لجاجت، یکدندگی و منفی‌بافی تعبیر کنند. این برجسبی است بسی پرافتخار و غرورآفرین که پیوسته نصیب آنهایی شده است که دست رد بسینه استعمارگران و عمال آنها زده و قاطعانه به آنها نه گفته‌اند. اما تا آنجا که به مردم قهرمان ایران مربوط می‌شود به ایستادگی و استقامت مصدق افتخار خواهند نمود. از ایزرو جای آنست که بدو خالصانه‌ترین درود انقلابی خود را نثار این آموزگار جنبشهای بزرگ ضداستعماری ملل اسیر و در زنجیر جهان کنیم. و همچنین درود بفرستیم به شهید پرافتخار- وزیر خارجه قهرمان دکتر مصدق - شهید دکتر حسین فاطمی، قهرمان ملت ایران. و نیز درود بفرستیم به شهدای پرافتخار سیام تیر.

بهمن مناسبت از کلمات تاریخی خود دکتر مصدق یاری بگیریم و درود بفرستیم باز هم به همه کسانی که بقول خود او «... در سیاست مملکت اهل سازش نیستند. و تا آنجا که بتوانند مرد و مردانه می‌ایستند و یکدندگی بخرج می‌دهند...» و درود می‌فرستیم باز هم به کسانی که بقول خود ایشان «... در راه آزادی و استقلال ایران عزیز از همه چیز خود می‌گذرند...»

و امروز ما دقیقاً بخاطر تجلیل از همین مردانگی و همت و علو طبع ضداستعماری نامورترین سیاستمدار ضداستعماری وارسته تاریخ ایران، که بمثابه سمبل شرف ملی میهن در دکتر مصدق متجلی است، در اینجا حضور یافته‌ایم. اگرچه اجتماع همزمان و یاران دیرین و فرزندان مصدق بر مزار پاکش در شب تاریکی که بر این میهن چیره بود تا صبح آزادی بتعویق افتاد. اما این اجتماع عظیم و اعتقاد شرکت کنندگان آن به حقانیت مبارزه ملی و ضداستعماری پیشوای فقید بار دیگر ثابت می‌کند که تمام تاریکی‌های جهان نیز نمی‌تواند حتی شعله یک شمع را خاموش کند.

چرا که این نور و روشنایی است که اصالت دارد و ظلمت و

تاریکی را در اساس، هیچ ریشه و اعتباری نیست. به این ترتیب به اعتقاد ما هر حقیقت، نشان و گواهی از وجود خداست که نه کهنه می‌شود نه آسیب می‌بیند و نه مسخر زمان و مرور ایام می‌گردد.

به این ترتیب این ناموس هستی است که: حق بالنده و آمدنی است و باطل میرنده و رفتنی که: «ان الباطل کان زهوقاً».

آری! این خواست خداست. سنت تاریخ و منطق هستی و اجتماع است. بنابراین پیشوای فقید را مخاطب قرار می‌دهیم: برخیز ای پیشوای عزیز و ریشه نونهالی را که با خون دل آبیاری کرده بودی به چشم بنگر. بنگر که نهال حق طلبی و آزادی را چگونه می‌رود تا همچون درختی طیب درسراسر این میهن سایه گسترد. شجره طیبه اصلها ثابت و فرعها السماء توتی اکلها کل حین باذن الله. (... سوره ابراهیم...)

همچون درختی پاکیزه با ریشه‌ای استوار در دل فرد فرد مردمان این میهن، به آسمان شاخ و برگ کشیده و هرازگاهی باذن پروردگار تکامل بخش، خود میوه می‌دهد.

پس برخیز ای پیشوای گرامی و ببین چگونه نمایندگان تمامی اقشار و طبقات مردم ایران بر مزارت از کران تا بکران گرد آمده‌اند تا خاطره و راحت را گرامی دارند.

اما اگر شما را فرصت آن نیست که از افقهای فرادست آخر وی فرود آید پس ما گزارشی نه‌چندان کوتاه از کارنامه خونین خود و خلق‌مان در سالهای پس از شما تقدیم می‌کنیم: پس از آن خرداد خونین که به تبعید آیت‌الله‌العظمی خمینی انجامید، با عزمی جزم انتخاب خونبار خود را که در حقیقت چیزی جز ارتقاء تاریخی و انقلابی، راه خود شما نبود انجام دادیم. این انتخاب را خود شما ضمن نامه ۳۰ تیر ۱۳۴۰ رهنمون شده و بالگو قراردادی نیروهای مجاهدین الجزایر نوشته بودید:

«ملتی هم هست که در راه آزادی و استقلال از همه چیز می‌گذرد و دیگران هم اگر علاقه به وطن دارند باید از همین راه بروند و آنرا انتخاب نمایند.»

همچنین تأکید کرده بودید:

«... آزادی و استقلال و آزادی ایران بجائی نمی‌رسد مگر به کمک مردمان از خود گذشته و جوانان هنوز به همه چیز نرسیده...»

سپس برنامه فروردین ۱۳۴۱ نیز در رابطه با انتشار کتاب الجزایر و مردان مجاهد پیام داده بودید که: «تصور می‌کنم انتشار این کتاب بیش از انتظار تأثیر کند و همه بدانید چه راهی را برای آزادی این مملکت باید درپیش گرفت...»

بنابراین در شبانگاه خونین خرداد ۴۲ انتخاب ما قطعی شده با یک انتخاب انقلابی و حسینی به این نتیجه رسیدیم که به قول خود شما: «... اگر قرار باشد در خانه خود آزادی عمل نداشته باشیم و بیگانگان بر ما مسلط باشند و مشتی را بر ما بگمارند و ما را بهر سوئی که می‌خواهند بکشند مرگ برچنین زندگی ترجیح دارد...».

از این لحظه ببعد، مردم و فرزندان شما رنجها و شکنجه‌ها تحمل کردند. و نیز شهیدانی بس والامقام در راه خدا و خلق تقدیم کردند. تا آنکه خوشبختانه به اتکاء کاروانهای بیشماری از شهیدان و تحت زعامت و رهبری حضرت آیت‌الله العظمی خمینی موفق شدیم، قدم اول مبارزه میهنی و ملی خود را که مبارزه‌ای برعلیه دیکتاتوری جنایتکار و کودتاچیان ۲۸ مرداد بود با توفیق پشت سرگذاریم.

در این مسیر بود که خلق به نیرو و نقش خود ایمان آورد سلاح برداشت، حقیقت وجود و نیروی خود را دریافت و غیرممکن محقق شده اهریمن گریخت و حق ظاهر گشت. ظلم، ثبات و خفقان، که همان گورستان آریامهری امنیت و بهشت رؤیائی سرمایه‌داران خارجی بود، درهم شکست. و اکنون مصمم‌تر از همیشه بیاری خلق قهرمانان می‌رویم تا درخت ناپاک استعمار را از بنیاد در این میهن، ریشه‌کن سازیم. و خدا کند که در این راه، یعنی راه خدا و خلق بتوانیم تا پایان بدون اعوجاج و انحراف پیش بتازیم.

خواهران و برادران گرامی!

در ادامه صحبت‌هایی که هفته گذشته در دانشگاه تهران داشتم، قرار بود که امروز برنامه مرحله‌ای و مواضع مجاهدین خلق ایران در قبال مسائل مختلف به تفصیل در اینجا اعلام شود. اما به علت ضیق وقت فعلا از اعلام برنامه مرحله‌ای صرفنظر می‌کنم، و فقط باختصاری کامل به تفکار چند نکته در ادامه صحبت‌های گذشته راجع به مواضع مجاهدین در قبال دولت حاضر و چند مطلب دیگر می‌پردازم.

قبل از هرچیز میبایستی تشکر و سپاسمندی عموم مردم و

از جمله خودمان را از حل مسئله پول آب و برقی که مردم محروم مصرف کرده‌اند و همینطور محاکمات عناصر جنایتکار رژیم پیشین در دادگاههای انقلابی مردمی و نیز تأکیدی را که مبنی بر اعاده حقوق طبقات مستضعف، کارگر و دهقان ایران شده است بعرض برسانم. انشاءالله که این تأکیدات هرچه زودتر جنبه اجرایی بخود بگیرد.

در مورد جمهوری اسلامی باید گفت: که اکنون حکومت اسلامی خواست اکثریت قاطع مردم ایران است و لذا تصویب آن در شکل رفرا ندیم پیش‌بینی شده از طرف دولت از پیش محرز است.

چیزیکه ما در اینجا در قبال جمهوری خواستار آن هستیم و مسئله بسیار مهم و حیاتی است که حقیقت اصیل و انقلابی اسلام و مکتب توحید البتّه منطبق با مقتضیات اجتماعی - اقتصادی شرایط کنونی ما در آن عرضه شود. این مهمترین و خطیرترین مطلب کنونی ماست. چرا که اصلی‌ترین درد و انگیزه مجاهدین همیشه درد مکتب و ایدئولوژی بوده و هم از آغاز بیک مبارزه انقلابی مکتبی تاریخی معتقد بوده‌ایم.

بنابراین چیزی که مطرح است حیثیت بین‌المللی اسلام و حیثیت تاریخی اسلام است کاملا روشن است که تمام جهان این روزها بر میهن ما چشم دوخته‌اند تا تجربه حکومت اسلام را آزمایش کنند.

چیزیکه ما می‌خواهیم این است که مبدا اشتیاق توده‌های مردم نسبت به اسلام و دلسردی منتهی شود، خلاصه اینکه ما می‌گوییم جمهوری اسلامی بله، ولی سوء استفاده ارتجاعی از اسلام نه.

اکنون ما فکر می‌کنیم که خصایص ضد استعماری ضد دیکتاتوری و ضد ارتجاعی این جمهوری که بایستی حافظ حق و حقوق تمامی مردم باشد که در سراسر کشور زندگی می‌کنند مبرم‌ترین خصایص این جمهوری است. که این جمهوری بخصوص باید در نهایت عدل و بلکه بیشتر، در نهایت قسط، تمام آزادیهای سیاسی و اجتماعی در مورد طبقات و نیروهای مختلف مردم اعاده کند.

همچنین تأکید بر نقش اجتماعی مستضعفین و طبقات محروم (کارگر و دهقان) جامعه را در صدر برنامه خویش قرار بدهد. والا

بدیهی است که برحسب بیان صریح سوره ماعون: اگر منع ماعون نموده و یا به اصطلاح آلات و ابزار زندگی و منابع آنها را منحصر به قشر و طبقه بخصوصی بکنیم تکذیب دین و تکذیب اسلام است. در همین رابطه لازم است خطاب حضرت علی به مالک اشتر را قرائت کنم. موقعی است که مالک به حکومت مصر برگزیده می شود: متن فارسی را می خوانم:

ص ۹۸۷ نهج البلاغه: «ولکن دوست داشتنی ترین امور برای تو باید موضع خالی از انحراف در حق طلبی باشد. و همگانی کردن همین حق در برابری، که بیشتر سبب رضا و خشنودی مردم می گردد. بر سر هر کار آنرا بگمار که به صلاح همه باشد هر چند برخواص گران نموده و از آن راضی نباشد. زیرا خشم همگان رضا و خشنودی چند تن را پایمال می سازد و خشم چند تن را در برابر خشنودی همگان اهمیتی نیست در میان مردم هیچکس و هیچ قشر و طبقه ای برای حکمران به اندازه گروه بالائی جامعه در هنگام دفاع گران بارتر، و در انصاف و برابری ناراضی تر، و در خواستهای بیجا پراصرارتر و به هنگام بخشش کم سپاس تر، و هنگام رد کردن خواسته های غیر منطقی - شان دیر عذر پذیرنده تر، و در پیشامدها و سختیهای روزگار کم - شکیباتر از آن قشر خاص بالائی نیست.»

اینجا حضرت علی (ع) ادامه میدهد: وانما عمودالدین وجماع المسلمین والعهده وللاعدا العامه من الامة.

«و همانا که جماعت مسلمان هنگام کارزار بر علیه دشمنان همان توده های مردم هستند. پس باید که حمایت و همگامیت با آنها و بجانب آنها باشد.»

۲- موضع ما در قبال دولت آقای مهندس بازرگان:

لازم به تذکر نیست که عملکرد انقلابی با هرج و مرج طلبی به اصطلاح آنارشیسم و باماجراجوئی (آوانتوریسم) هیچ مشابهتی ندارد. حد فاصل کیفی عظیمی میان برخوردهای هرج و مرج طلبانه یا ماجراجویانه و احیاناً خرابکارانه با برخورد مسئول و سازنده انقلابی وجود دارد. البته رژیم شاه طبیعتاً عمد داشت که این تفاوتها را عظیم را نادیده بگیرد و ما را خرابکار قلمداد کند. حال اینکه جنگ ما نهایتاً به خاطر صلح و سازندگی است و عقده مبارزه به خاطر نفس درگیری و مبارزه، هم نداریم.

به عکس، مطابق نقطه نظرهای توحیدی هدف ما از، مبارزه نهایتاً استقرار هماعنگی و وحدت هرچه بیشتر در همه زمینه های اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و عقیدتی است. بنابراین مبارزه فی - نفسه هدف نیست، بلکه تکاپویی است برای راندن اختلافات و تضادها به سمت وحدت.

بنابراین ما خودمان را در هر قدم سازنده مثبت، انقلابی و مردمی دولت حاضر طبعاً سهم و تائیدکننده می دانیم. البته به شرط اینکه به اصطلاح خرده کاری و ائتلاف وقت باعث عدم توجه به واجبات مهمتر و اساسی تر که قبلاً آنرا اعلام کرده ایم نباشد.

ثانیاً تفرقه اندازی و تفرقه را به هر شکل و به هر صورت محکوم می کنیم. و خواستار وحدت کلمه هستیم اما مسئله این است که وحدت چطور و در چه راهی ایجاد می شود؟ اگر مثالی بخواهیم بزنیم: وقتی دونفر باهم دعوا دارند وحدت آنها در مسیر حل این دعوا، در مسیر حل این اختلاف و در مسیر باز کردن این گره فی مابین است.

وحدت در مسیر چنگ زدن به قول قرآن به عروة الوثقی، ریسمان محکم و گسست ناپذیری که باز هم به قول خود قرآن ابتدا از کفر به طاعت (در شرایط فعلی اجتماعی از موضع گیری در مقابل امپریالیسم) شروع می شود. وحدت نیازمند یک زمینه عینی است، این زمینه از اینجا درمی آید که ببینیم گره اصلی ما در جامعه مان چیست.

اگر درست است که گره اصلی و بن بست اصلی امپریالیستها هستند پس بنابراین اگر در این راه حرکت کنیم هیچ اختلافی، جانی برای بروز نخواهد داشت. و من می خواستم مقایسه کنم با موقعی که شاه هنوز فرار نکرده بود نه اینکه جای درستی انگشت گذاشته شده بود، همه یکپارچه، یکدل و یک فکر بودند.

ثالثاً ما هیچگونه عجله و تندروی و به اصطلاح قصد یکشنبه طی - نمودن راه صدساله را نداریم. اهل نق زدن و ساده اندیشی عم نیستیم. برای ما بخوبی روشن است که ساختن یک جامعه توحیدی طراز اسلام رنجهای صدساله دارد. آیا مثلاً ما گفته ایم که باید یکبار به چنین جامعه ای برسیم؟ آیا گفته ایم که یکبار سرمایه داری ملی ما از بین برود؟ آیا گفته ایم که باید فعالیتها را سود آور برای بازاریان و اصنافیان جلوگیری گرفته شود؟

نه، ما مشکلات احیاء و نوسازی و تجدید سازمان کل کشور را

دقیقاً درک می‌کنیم و مرکس هم که درک نکند واقعاً غیرمسئول و غیراصولی است.

کما اینکه شما می‌توانید به مردم ایران بگوئید: نان نداریم، نفت نداریم، و خواهیم دید وقتی در راه درستی حرکت کنیم چطور مردم تحمل می‌کنند. چنانکه کردند در این چند ماه.

کما اینکه در مشروطه دیدیم. یونجه خوردند و مشروطه گرفتند. یادم می‌آید مثالی از مرحوم دکتر مصدق وقتی که پسرش منت می‌گذاشت شاه سابق، که: بله ما راه آهن کشیدیم و چنین و چنان کردیم (...دکتر مصدق گفته بود: ملت ایران ترجیح میداد یک طرح استراتژیکی برای امپریالیسم پیاده نشود. طرحی که در خدمت اجانب باشد. و از شمال تا به جنوب کشور را در گل، گام بگام پیاده حرکت کند) و این همان بیان حال ماست. اما، اما چیزعائی هستند که اصول هستند مثلاً رفتن شاه، چیزهائی هستند که نمی‌شود از آنها در اساس و در اصول کوتاه آمده اگر از آنها عقب بنشینیم مسیری برای وحدت باقی نخواهد ماند. و این چیز عقب‌نشستنی امروز همین امپریالیسم است. بر سر این هیچ تأخیری روا نیست و نمی‌شود ملتی در برابر آن صبر کند و دم نزند، چرا که مقدمه هر صبر و شکیبائی ابتدا از بین رفتن نفوذ اجنبی است. حالا نتیجه می‌گیریم بر اساس سه نکته‌ای که گفتم ما نه تنها خواستار از هم‌پاشیدن و تضعیف دولت شما نیستیم بلکه بهر طریق خواستار تقویت آن ولی در جهت ایفای نقش تاریخی و اسلامی‌اش هستیم. و در این رابطه تاکنون کوتاهی نکرده‌ایم و باز هم نخواهیم کرد اگرچه مناسبانه در همه جا پس‌زده شده‌ایم بنابراین اجازه بدهید صریحاً عرض کنم: ما در خطوط ضد امپریالیستی مطلقاً با دولت همکاری و حتی تابعیت نخواهیم داشت.

ملاحظه می‌کنید که ما نه تنها خطر عظیم و بلانقمت نیستیم بلکه فکر می‌کنیم اگر انشاءالله خودستایی نباشد رحمت و نعمتی باید محسوب شویم. اگر ما برای کسانی بلا محسوب می‌شویم آن امپریالیست‌ها هستند و بنابراین ما خواستار آن هستیم که دولت شما تمام اختیارات یک دولت مسئول، تمام اختیارات جامع لازم را بدست آورد به شرط اینکه در خطوط درست و اصولی حرکت کند. لابد می‌فرمائید که پس حرفتان چیست؟ حرف ما یک کلام بیشتر نیست ما می‌گوییم:

«لا یدق المؤمن من جهر مرتین» آدم با ایمان همچنین گروه با ایمان، همچنین ملت با ایمان، از یک سوراخ نبایستی دوباره گزیده شود. ای کاش می‌توانستم بیشتر تشریح کنم، چرا انقلاب مشروطه شکست خورد و به‌سازش منجر شد، آخر ما در فکر آینده هستیم می‌خواهیم از تجربیات سالهای ۳۰ تا ۳۲ درس بگیریم. می‌خواهیم این دولت به‌سرنوشت آن دولت دچار نشود. اگر دولتی باشد که بخواهد انشاءالله عبرت بگیرد. آخر امروز شما تمام امکانات را دارید. یک خلق بسیج شده، اتکاء به حمایت امام و یک رژیم و ارتش و از گون شده و اوضاع و احوال مساعد بین‌المللی. ما نمی‌خواهیم طوری بشود که شکست بخوریم. لحظه‌ای نگاه به سرنوشت کسانی که یا انقلاباتی که، در حقیقت قرآن چقدر خوب گفته است:

«الم تر الی الذین بدلوا نعمت الله احلقوا هم دار البرار».

«آیا ندیدید کسانی را که نعمت خدا را تبدیل به کفر کرده‌اند ناسیاسی کرده‌اند و قوم خودشان را به دارنابی و نیستی و فلاکت کشانیده‌اند». این سرنوشت تمام انقلابات و کسانی است که آنچنان باید به حق عمل نکرده‌اند. و از نعمتها استفاده نکرده و شکست خوردند، صادق است که بعد همان وضعیتی خواهد بود که در سال ۳۲ تا به امروز داشته‌ایم. بنابراین ما نگرانیمان را پنهان نمی‌کنیم:

«نگرانی که از سلطه مجدد امپریالیست‌ها، از ریشه‌کن شدن سلطه آنها، نگرانی از اینکه خون شهدای ما چنانچه باید مثمر ثمر نباشد و اجازه بدهید چند جمله از قیام ۳۰ تیر سال ۳۲ در سالروز دکتر مصدق را بخوانم. این دقیقاً بیان حال ماست که جای تأسف است که جمعی از برادران و فرزندان گرامی ما در واقعه ۳۰ تیر جان خود را در راه حفظ سعادت و عظمت مملکت ایران فدا کرده‌اند و با این فداکاری سرمایه و افتخاری جاوید برای خود و خاندان خویش اندوختند».

جای تأسف موقعی خواهد بود که خدای نخواسته ملت نتواند از این فداکاریهای بیدریغ فرزندان خود نتیجه‌ای که لازم است به دست بیاورد و این خونهای مقدسی که ریخته شده بهره‌ای که شایسته است تحصیل کند ملاحظه می‌کنید که نگرانی ما از چیست؟

بنابراین مواضع و مطالب ما جز موضع خیرخواهی، جز از موضع صلاح خلق ایران نیست و شاید اگر اشکالی است در همان پوست کنده حرف‌زدن است ولی تقصیر ما چیست؟ این شیوه را علی (ع) به

ما آموخت آنجا که در نهج البلاغه گفت:

«فعلیکم بالتناصح فی ذالک وحسن التعاون علیه».

«بر شماست که بقیه واجبات و حدودی را که من هنوز از ادای آنها فارغ نشده‌ام و بجایش نیاورده‌ام، مرا یادآوری کنید» (خطبه ۲۰۷).

فلا تکلمونی بما تکلم به الحبابیره ولا تحفظوا منی بما یتحفظ به عند اهل البادیه. ولا تخالطونی و لا تنظروا بی استتقا لافی حق قبیلی».

«با من اینطور صحبت نکنید که با دیکتاتورها صحبت می‌کنید و پیش من ظاهرسازی نکنید، مسئله‌ای را از من دور نکنید. آن‌چنانکه از مردم خشمگین و از سلاطین ستمگر و حکومت‌های دیکتاتور می‌پوشانند. با من با ظاهرسازی و صحنه‌پردازی برخورد نکنید. و گمان نکنید که حق گفتن برای من گران است، بعداً ادامه می‌دهد که کسی که شنیدن حق برایش مشکل است دیگر اجرایش چگونه و در همین رابطه باز هم برنامه به مالک اشتر چنین آمده است:

«باید برگزیده‌ترین مردم در نزد تو وزیر باشند آنان که سخن تلخ حق را به تو بیشتر بگویند و کمتر ترا و گفتار و کردار تو را که برای خدا نمی‌پسندند بستانند اگرچه سخن تلخ و کمتر ستودن آنها سبب دل‌تنگی است».

بنابراین چه صهییمیتی انقلابی و مکتبی بیش از اینکه راه حق و صحیح و درست به شما نشان داده شود. آیا اینها کافی نیست که برخورد‌های مسئولانه ما را اثبات کند و الا خوب کار ساده‌ای در پیش بود: مثل گذشته اصلاً ظاهر نمی‌شدیم، حرف نمی‌زدیم چرا که دولت‌ها را اساساً از بنیاد قبول نداشتیم و به همین دلیل مورد خطاب هم قرارشان نمی‌دادیم. اگرچه شاید در اثر کثرت فشارهایی که متوجه ماست راهی جز این هم در آینده برایمان باقی نماند.

مسئله دقیقاً این است: چند سطر از یک گزارش خارجی کمیته سنای آمریکا درباره فروش اسلحه به ایران را می‌خوانیم: نوشته است: «ایران برای ایالات متحده و متحدین غربی‌اش بعنوان یک کشور فوق‌العاده آینده از رهبری و ایدئولوژی سیاسی‌اش برای سالیان دراز با اعمیت باقی خواهد ماند». روابط همزیستی و وابستگی ایران به ایالات متحده منافع و مضار سیاسی برای هر دو کشور دارد. ایالات متحده قادر است اعظم نیروهای خود را بخصوص نیروی هوایی

راباطع وسایل یدکی، مهمات و حمایت لازم (در صورتیکه ایران بخواید آنها را برای مقاصدی جز منافع امریکا بکار برد) از حرکت بیندازد. توجه کنید که مسئله چه هست و چقدر حساس و خطرناک.

۴- در مورد برادران دلیر و ارتش‌مان باید بگوئیم که معلوم نیست چرا وانمود می‌کنند که گویا ما خواستار از بین بردن نفرات ارتش هستیم، هرگز اینطور نبوده، خون ارتش، خون ماست. این خونها بهم آمیخته‌اند، این خونها در هم یکی شده‌اند و ما امروز بهترین روابط را با افسران و سربازان دلیر ارتش داریم و ما بهیچ وجه خواستار کوچکترین تضعیفات برای خود آنها و برای خانواده‌شان نیستیم. مسئله چنانکه حضرت آیت‌الله طالقانی فرمودند: مسئله نظام ارتش است، نه مسئله یک فرد بخصوص و نه حتی مسئله یک فرمانده بخصوص. موضوع، موضوعی ما دقیقاً بر این مبتنی است که سیستمی ایجاد نشود که مجدداً همان دلایل وجودی ارتش در ۵۰ سال گذشته چنانچه حضرت آیت‌الله طالقانی فرمودند: یعنی در مقابل مردم خشونت، و سینه‌های آنها را آماج گلوله‌ها کردن و میدانها، میدان شهدا درست کردن تکرار شود. آیا این نقطه‌نظر که ما تقوا را بر تخصص ارجحیت قایل هستیم ضد اسلامی است و ضد ملی و خرابکارانه است؟ آیا این ضد ملی است پس چرا نباید قبول بشود چرا نباید رعایت بشود، از این سیاق صحبت زیاد است ولی به علت ضیق وقت مجبوریم برای فرصت دیگری بگذاریم. البته ما بسیاری از این مطالب و مهمترین خواسته‌هایمان را قبلاً به ترتیباتی بعرض عالیترین مقامات و مسئولین کشور رساندیم که امیدوار بودیم مؤثر باشد. بنابراین در آخرین صحبتها چیزی جز این ندارم که بگوئیم: بار پروردگارا: «تو شاهد باش که ما از سرخیزخواهی از سر صداقت مطلق بدون چشم‌داشت کوچکترین اجر و پاداش دنیوی (چنانکه آزمایش-هایمان را در میدانهای نبرد دیده‌ایم) صرفاً بخاطر رضای خدا و بخاطر رضای حق مهمترین گفتنی‌ها را گفتیم. اللهم فاشهد

نکته‌ای که در پایان باید اضافه کنم خطاب بدولت حاضر این است که مشکلات شما زیاد است ولی مسئولیتهای شما زیادتر است اما خود شما هم می‌دانید که اگر راه خدا را برویم، اگر تقوای فردی و اجتماعی و سیاسی داشته باشیم حتماً راه خروج از مشکلات و راه‌حلهای مناسب را پیدا خواهیم کرد.

«ومن بتق الله يجعل له مخرجاً ويرزقه من حيث لا يحتسب ومن يتوكل على الله فهو حسبه».

«کسی که تقوای خدا را داشته باشد راه خدا را و راه مردم را برود، برایش گریزگاههایی، راه‌هایی درست خواهد شد و از جاهائی امداد و کمکهای که خودش هم فکرش را نمیکرد پیدا می‌شود و کسی که به خدا و همچنین به مردم توکل کند همین برایش کافی است. اینجاست که بی‌تردید زمین و زمان بکمک شما خواهند آمد و غرق رحمت و آسایش خواهید شد. بمصدق «فانزل الله».

آنگاه سپس خدا به او آرامش فرستاد و کمکش نمود به شکرانی که دیده نمی‌شدند و کلمه خدا را برتر و بالاتر و کلمه حق‌پوشان را تهی و پست‌تر قرار داد چرا که کلمه خدا علیاً بالاتر است و خدا بر- هر چیزی حکیم و تواناست.

باز هم تکرار می‌کنم: «اللهم فاشهد».

در خاتمه از کمیته برگزارکننده مراسم و بخصوص شخص آقای دکتر متین‌دفتری که هم موقعی که ما زندان بودیم و هم در بیرون که موضعی مردمی دارند باید تشکر کرد. حقیقتاً هم که از نواده دکتر مصدق چیزی جز این انتظار نمی‌رفت.

سازمان مجاهدین خلق ایران

سخنرانی سخنگوی چریکهای فدائی خلق

با درود آتشین به همه شهدا و مبارزان راه آزادی و استقلال ایران

هموطنان مبارز:

امروز، چهاردهم اسفند، مصادف با سالروز درگذشت دکتر محمد مصدق رهبر صدیق، ثابت‌قدم، سرسخت و میهن‌پرست مردم ماست. دوازده سال پیش دکتر محمد مصدق رهبر ملی و ضدامپریالیستی مردم ایران پس از سالها زندان و تبعید در همین قلعه احمدآباد چشم از جهان فرو بست. در این چندسال که از درگذشت مصدق می‌گذرد. بعلت سلطه رژیم استبدادی و وابسته به امپریالیسم، ما قادر نبودیم در سالگردهای درگذشت دکتر مصدق مانند امسال شرکت کنیم. سازمان چریکهای فدائی خلق ایران امسال با شرکت در این بزرگداشت تاریخی، خاطره مبارزات دکتر مصدق را گرامی داشته و خدمات صادقانه این رهبر ملی را به خلقهای ایران ارج می‌نهد. ما در اینجا و در پیشگاه مردم ایران به دکتر مصدق و مبارزات ارزنده او درود می‌فرستیم.

هموطنان مبارز

در این فرصت، شمه‌ای از زندگی مبارزاتی دکتر مصدق را بازگو می‌کنیم تا بادرسی‌آموزی از آن دوران تاریخی، راه مبارزات آینده را روشن‌تر ببینیم.

دکتر محمد مصدق از ابتدای بقدرت رسیدن رضاخان، این عامل سرسپرده امپریالیسم انگلستان، به مخالفت با او پرداخت و به همین دلیل در دوران دیکتاتوری رضاخانی در بیرجند به حال تبعید بسربرد.

دکتر مصدق در سالهای ۲۹ تا ۳۲ با طرح شعار ملی کردن صنعت نفت مبارزات ضد امپریالیستی و رهائی بخش مردم ما را که لبه تیز حمله اش متوجه امپریالیسم انگلیس بود هدایت و رهبری کرد. دکتر مصدق در دفاع از منافع مردم ایران به مهم ترین اهرم غارت امپریالیستی که سلطه شرکت نفت انگلیس در ایران بود یورش برد. در آن هنگام امپریالیسم انگلستان توسط شرکت نفت انگلیس تمام شئون کشور را در زمینه های اقتصادی، اجتماعی و نظامی زیر تسلط خود داشت و در حقیقت دولتی در داخل دولت خود تشکیل داده بود. نفوذ امپریالیسم انگلستان و عوامل داخلی آن در اذهان ایرانیان آنچنان بود که مردم کوچک و بازار می گفتند.

برگ درخت بدون سیاست انگلستان از درخت نمی افتد.

مبارزات درخشان ملی کردن نفت در سراسر کشور به رهبری دکتر مصدق این طلسم را در اذهان ایرانیان شکست و قدرت افسانه ای امپراطوری بریتانیا را نزد ایرانیان خوار و خفیف کرد.

دکتر مصدق در مجلس شانزدهم در سال ۱۳۲۹ طرح ملی کردن صنعت نفت را در سراسر کشور مطرح کرد. او در این هنگام با استفاده از تضادهای امپریالیستها و با استفاده از تنفر عمومی مردم نسبت به انگلستان و خواست مردم در قطع نفوذ امپریالیسم انگلیس از ایران توانست با همه تسلطی که عوامل انگلستان در دربار ارتش داشتند، قانون ملی شدن نفت را در ۲۹ اسفند از مجلس بگذراند. این مجلسی بود که اکثریت کرسیهای آنرا عوامل دست نشانده امپریالیسم اشغال کرده بودند. در دوران سه ساله ای که به کودتای ننگین ۲۸ مرداد منتهی شد مبارزات مردم ایران به خلقید از شرکت نفت انگلیس و بستن سفارتخانه و کنسولگریهای دولت انگلستان منجر شد. در این دوران رهبران حزب توده با تبعیت کورکورانه از سیاست احزاب دیگر کشورها و با طرح شعارهای انحرافی به وحدت نیروهای خلقی آسیب رساندند. برخی از متحدان مصدق در جنبه ملی نیز در حساسترین شرایط، مصدق را تنها گذاشتند و در واقع به او و به آرمان مردم

خیانت کردند. چه رهبران حزب توده و چه سازشکارانیکه در رهبری جنبه ملی نفوذ کرده بودند هیچکدام پس از سرنگونی دولت ملی دکتر مصدق به مبارزه ادامه ندادند و با فرار و تسلیم طلبی خود راه را برای شکست جنبش و تثبیت رژیم کودتا هموار کردند.

در دوران ملی کردن نفت، مردم ایران علیه تمام توطئه های عوامل امپریالیسم انگلستان بپا خاستند و با مبارزات پیگیرانه خود نهضت ضد امپریالیستی خلق را بارور ساختند. مصدق با بردن مسئله نفت در میان توده ها مفهوم سلطه امپریالیسم و رابطه استعماری را برای مردم آشکار ساخت و درک اجتماعی و اقتصادی مردم را در شناخت امپریالیسم تکامل بخشید. در آن دوران که مبارزات دمکراتیک و ضد امپریالیستی مردم ایران به اوج خود رسیده بود، مردم ما در ابعاد وسیعی در سرنوشت خود شرکت کردند. اقشار وسیعی از توده های شهری، اصناف، بازاریان، کسبه، کارگران، زحمتکشان، روشنفکران و تاندازه ای دهقانان در این مبارزات شرکت کردند.

شکوفائی فعالیتهای دمکراتیک که در فعالیت احزاب و جمعیتها و اتحادیه های کارگری و شوراهای دهقانی و سازمانهای دانشجویی، فرهنگیان و زنان متبلور شده بود، در تاریخ ما بی سابقه بود. روزنامه های بسیاری در تمام زمینه ها شروع به انتشار کردند. همه اینها موجبات بالابردن درجه رشد و آگاهی مردم ما را در مبارزه ضد امپریالیستی و طبقاتی فراهم ساخت.

دکتر مصدق که دیدگاه ناسیونالیستی داشت متأسفانه به مفهوم مبارزه طبقاتی عقیده نداشت. این دیدگاه در برخوردش نسبت به مسائل جامعه اثر می گذاشت و از جمله برخوردی که او با ارتش طبقاتی کرد نمایانگر همین دیدگاه اوست. او تصور می کرد اگر ارتش ضد خلقی را «تصاحب» کند می تواند آنرا در جهت هدفهای ملی بکار گیرد. به همین دلیل اختلافش با شاه جلا در بر سر حق انتخاب وزیر جنگ منجر به استعفای او و روی کار آمدن قوام السلطنه و بالاخره قیام قهرمانانه مردم درسی ام تیر شد. اما دیدیم که حتی در اختیار گرفتن وزارت جنگ یا وزارت دفاع نیز مسئله ای راحل نکرد و ارتشی که کلا بعنوان ابزاری ضد خلقی در دست طبقات حاکمه و در خدمت امپریالیسم بسود پاتصفیه چذدین نفر از امرای ارتش «اصلاح» نشد. و دیدیم که چگونه بالاخره همین ارتش با کمک و دستور امپریالیستها و سازمان جاسوسی

سیا کودتای خائنانه ۲۸ مرداد را بوجد آورد و تمام دستاوردها و ره آوردهای مردم را نقش بر آب کرد. متأسفانه همین برداشت نادرست از ارتش ضد خلقی در بعضی رهبران جنبش و در دولت موقت کنونی بخوبی دیده میشود و تذکرات و رهنمودهای سازمانها و جریانهای انقلابی و از جمله سازمان چریکهای فدائی خلق ایران درباره بازسازی ارتش و ایجاد ارتش خلق نادیده گرفته می شود و پافشاری این نیرو - ها را روی این اصل اساسی، کوشش برای «بیدفاع گذاردن مردم در مقابل هجوم بیگانگان» تلقی می کنند. و یابعضی ها مغرضانه شایع می کنند که گویا سازمان چریکهای فدائی خلق ایران می خواهد ارتش را بکلی از بین ببرد و همچنین مخالف بوجد آمدن قوای انتظامی است. و یاینکه می خواهد با از بین بردن ارتش درجه داران و افسران را بیکار کند و آنان را بیخانمان سازد. همه اینها شایعات مغرضانه است که بر علیه منافع خلق و کلیه سازمانهای انقلابی و نیروهای مترقی پراکنده می شود. ما معتقدیم که از نیروهای اضافه ای که در ارتش سابق و دستگاههای اداری رژیم سابق بدون استفاده و باطل مانده اند، باید در راه سازندگی ایران آزاد و دمکراتیک - به بهترین وجهی استفاده شود. و هیچیک از احاد و افراد خلق نباید بیکار باشد. ما معتقد به - ایجاد ارتش خلق هستیم باید چنین ارتشی برای پاسداری از انقلاب بوجد آید تا عوامل رژیم خائن سابق و امپریالیسم و در رأس آن امپریالیسم آمریکا دوباره بر ما مسلط نشوند. تا دوباره فاجعه کودتای ننگین ۲۸ مرداد تکرار نشود. تا کودتای بنگلادش و شیلی و امثالهم بیکبار دیگر در ایران تکرار نشود. ما معتقدیم که ارتش خلقی باید با شرکت کارگران و دهقانان، سربازان، درجه داران، همافران و افسران جزء و میهن پرست و همه نیروهائی که در انقلاب شرکت کرده و صداقت و وطن پرستی خود را به مردم و به انقلاب مردم نشان داده اند تشکیل شود. ما معتقدیم سیستم ارتش نباید بر اطاعت کورکورانه که آنرا به یک نیروی سرکوبگر امپریالیسم و ارتجاع داخلی تبدیل می کند استوار باشد. بلکه باید بر خلاقیت سربازان، درجه داران، همافران و افسران جزئی که روحیه وطن پرستی و مردم دوستی خود را در جریان مبارزات گذشته نشان داده اند، استوار باشد. بهمین دلیل است که ما معتقدیم که فرماندهی این ارتش باید از دل شوراهای سربازان، درجه داران، همافران و افسران جزء بیرون آید.

اگر جوانان امروزی تجربه ۲۵ سال پیش را خود ندیده اند اما اما آقای بازرگان و عده ای از همکاران ایشان که خود قربانی توطئه ارتش ضد خلقی بوده اند باید بخوبی بیاد داشته باشند که چگونه ارتشی که در رأس آن خود دکتتر مصدق قرار داشت موجبات سرنگونی حکومت ملی دکتتر مصدق را فراهم کرد و هزاران نفر میهن پرست را بکشتن داد و تمام دست آوردهای مردم را در ملی کردن نفت دوباره از بین برد و باردیگر نفت ما را به تاراج غارتگران امریکائی، انگلیسی و فرانسوی داد. اما می بینیم که باز همان اشتباه گذشته تکرار می شود و ارتش که نیروی سرکوبگرش دهها بار بیشتر از زمان مصدق است و مستشاران امریکائی و اسرائیلی اساس آنرا ساخته و پرداخته اند و نحوه تشکیل و سازماندهی و تجهیز آن طوری است که تنها به درد حفظ منافع امپریالیسم و سرکوب جنبشهای انقلابی منطقه می خورد امروز به همان شکل با تغییرات جزئی حفظ می شود و فرماندهان سابق آن تنها با اعلام همبستگی با مردم چهره ملی به - خود می گیرند.

دکتتر مصدق با رهبری جنبش ملی که در آن هنگام به بزرگترین جنبش ضد امپریالیستی خاورمیانه تبدیل شده بود در ضربه زدن به منافع امپریالیسم انگلیس یعنی امپریالیسم حاکم در منطقه نقش بسزائی داشت و به جنبشهای ضد امپریالیستی جهان کمک شایانی رساند. این نهضت نقطه عطفی بود برای رشد جنبشهای آزادیبخش منطقه. نتیجه آنکه ما شاهد پیروزیهای برای جنبشهای رهائی بخش مصر، عراق و الجزایر در سالهای بعد بودیم.

پس از کودتای ننگین ۲۸ مرداد و تسلط امپریالیستها و عوامل داخلیشان نفت ملی شده ایران توسط کنسرسیوم بین المللی به تاراج رفت در حالیکه آرزوی دکتتر مصدق این بود که درآمد نفت ایران به - مصرف بهبودی و بهروزی وضع مردم و فراهم نمودن تحصیلات و بهداشت مجانی برای عموم و بازسازی اقتصاد کشور برسد. اما دیدیم که چگونه غارتگران و انحصارات خارجی، ثروت ملی و نیروی کار مردم ما را طی ۲۵ سال به غارت بردند و در عوض تانک و توپ

و مسلسل بهما تحویل دادند که آنهم به مصرف کشتار ده‌ها هزارتن از عم‌میهن‌انمان طی ۲۵ سال گذشته بخصوص در یکسال اخیر انقلاب ایران شد. و یا در جهت کشتار مردم مبارز ظفار و مردم قهرمان فلسطین بکار گرفته شد. یعنی فقط منافع امپریالیسم را حفظ کرد.

در اینجا لازم است تأکید کنیم که بنظر سازمان چریک‌های فدائی خلق ایران برای احیای قانون ملی شدن صنعت نفت در سراسر کشور یعنی آرمانی که دکتر مصدق بخاطر آن مبارزه کرد، ضروری است که بهره‌برداری مستقل از کلیه منابع زیرزمینی ما، یعنی بدست گرفتن کلیه عملیات اکتشاف، استخراج، تصفیه و فروش نفت و گاز و سایر منابع زیرزمینی بعمل آید و درآمد حاصله از آن صرف بهبود زندگی کارگران، دهقانان و زحمتکشان و ساختن زیربنای اقتصاد کشور گردد.

دکتر مصدق در بیدادگاه ضد خلقی رژیم، که پس از ۲۸ مرداد سرعربندی شد، با دفاع از آرمان‌های ملی مردم ایران و محکومیت و زندانی شدن در زندان جمشیدیه و سپس در قلعه احمدآباد، در مقابل تسلیم‌طلبی و ضعف و زبونی اکثریت رهبران جبهه ملی، شایستگی، صداقت و ایمان خود را به خلق‌های قهرمان ایران نشان داد.

مصدق به مردم ایمان دشت و این ایمان را تا آخرین لحظه حیات خود حفظ کرد. این جمله مصدق که «مرجا ملت است آنجا مجلس است» گواه صادقی برایمان خلل‌ناپذیر او به مردم است. مصدق در اواخر زندگی سراسر مبارزه‌اش تحت تأثیر انقلاب آزادیبخش الجزایر، اعمال قهر انقلابی خلق را در مقابل قهر ضدانقلابی دشمنان خلق برای پیروزی بر امپریالیسم و عوامل داخلی آن ضروری دانست و آنرا به مردم ایران توصیه کرد. تجربیات مردم ایران و جهان نشان داده و می‌دهد که قهر ضدانقلابی و ارتش مزدور را تنها با قهر انقلابی می‌توان پاسخ داد، تجربیات اخیر مردم ما نیز مؤید این اصل است که تنها زبرد مسلحانه خلق است که میتواند توطئه‌های امپریالیسم و ارتجاع را در هر شرایطی نابود سازد.

دکتر مصدق در مبارزات ضد امپریالیستی و دمکراتیک معتقد به وحدت و همکاری نیروهای انقلابی خلق که برای آزادی و استقلال ایران مبارزه می‌کنند بود. او در رهنمودهای مکرر خود بخصوص در سال‌های آخر زندگی پرافتخارش روی این نکته تأکید کرد و اعلام

داشت که بر همه نیروهای مستقل خلق که در راه آزادی و استقلال ایران مبارزه می‌کنند فرض است که صرف‌نظر از اعتقادات مسلکی مرامی و مذهبی در مبارزه علیه امپریالیسم و ارتجاع متحداً مبارزه کنند.

هموطنان (خواهران و برادران مبارز)

سازمان چریک‌های فدائی خلق ایران از این آرمان مصدق پشتیبانی می‌کند و معتقد است که در مبارزات دمکراتیک و ضد امپریالیستی مردم ایران که هدف آن، قطع نفوذ کامل امپریالیسم در تمام زمینه‌های اقتصادی، سیاسی و نظامی و فرهنگی بسط آزادی-عای دمکراتیک در تمام شئون جامعه و بهبود زندگی کارگران، دهقانان و زحمتکشان است، باید تمام نیروهای مستقل خلقی صرف-نظر از اختلاف مرامی و مسلکی و مذهبی در جهت اهداف دمکراتیک فوق متحد، همسر و همجهت گردیده و به مبارزه خود تا پیروزی نهائی ادامه دهند.

مقصود ما از تأکید بر واژه مستقل آنست که سازمان چریک‌های فدائی خلق ایران با جریاناتی که دنباله‌رو احزاب و دولت‌های سایر کشورها هستند همکاری نخواهد کرد. ما تنها و تنها به خلق ایران متکی هستیم و همبستگی خود را به سازمان‌های انقلابی جهان مانند سازمان آزادیبخش فلسطین و جنبش آزادیبخش خلق عمان و جنبش‌های انقلابی اعلام می‌داریم.

سازمان چریک‌های فدائی خلق ایران در این مکان به توطئه‌های نفاق‌افکنانه‌ای که از طرف عناصر ارتجاعی و ناآگاه انجام می‌شود و در پاره‌ای از شهرستانها به‌گونه حمله به نمایشگاه‌های عکس‌شدهای فدائی خلق متجلی می‌گردد، و مآلاً در صفوف متحد خلق تفرقه می‌اندازد اشاره کرده، نظر همه معتقدین به حفظ دست‌آوردهای انقلاب را جلب می‌نماید. ما بعنوان یک سازمان انقلابی با تمام توان خود از وحدت درون جبهه خلق دفاع می‌کنیم و ایمان داریم اختلافاتی را که در درون صفوف مردم دامن زده می‌شود (که اکثراً از ناآگاهی است) باید از طریق صلح‌آمیز حل کنیم، به‌عمره مبارزان انقلابی توصیه می‌کنیم با حفظ منانیت و شکیبایی انقلابی، مانع توسعه اختلافات درون-

خلقی که به نفع امپریالیسم جهانی و عوامل مزدور رژیم سابق تمام می‌شود و جبهه ضد انقلاب را تقویت می‌کند گردند.

هموطنان مبارز و انقلابی

سازمان چریکهای فدائی خلق ایران از این فرصت تاریخی استفاده کرده و باردیگر رئوس برنامه حداقل خود را که در این مرحله مشخص از انقلاب اهمیتی خاص دارد به سمع شما هموطنان مبارز انقلابی بویژه کارگران، دهقانان و زحمتکشان می‌رساند. ما معتقدیم که انقلاب ضد امپریالیستی و دمکراتیک مردم ایران باید تا پیروزی نهائی بر امپریالیسم و ارتجاع ادامه یابد و نیروهای انقلابی وظیفه دارند که بار آنرا بدوش بکشند.

ما معتقدیم حال که رژیم سابق شاه سرنگون شده حاکمیت خلق وجود نخواهد داشت مگر آنکه نهادهای دمکراتیک یعنی شوراها، کارگران، دهقانان، کارمندان، دانشگاہیان، فرهنگیان، پیشه‌وران، سربازان و درجه‌داران و همافران و افسران جزء، بازاریان، روشنفکران و شوراهای محلی بوجود آیند و در اداره امور شرکت کنند. معتقدیم که مطبوعات باید از هر نظر آزاده بوده و وسایل ارتباط جمعی نظیر رادیو تلویزیون بصورت دمکراتیک اداره شده و منعکس کننده خواسته‌های همه اقشار و طبقات درون خلقی بوده و در جهت ادامه انقلاب و محو کامل سلطه امپریالیسم و ارتجاع و تأثیرات فرهنگی آن بخدمت گرفته شوند.

سازمان چریکهای فدائی خلق ایران لغو کلیه بدهیها و تعهدات مالی کارگران، دهقانان، پیشه‌وران و کارمندان را به بانکها و سایر مؤسسات دولتی خواستار است.

ما خواستار اخراج همه مستشاران نظامی خارجی و لغو کلیه کلیه قراردادهای بویژه قرارداد نفت با کنسرسیوم بین‌المللی و صادره کلیه اموال خاندان پهلوی و همه غارتگران و سرمایه‌داران وابسته رژیم سابق هستیم.

ما خواستار تأمین مسکن مناسب و مجانی برای کارگران و زحمتکشان شهر و روستا هستیم.

ما خواستاریم که ساعت‌کار کارگران بر طبق قوانین بین‌المللی

کار به ۴۰ ساعت در هفته تقلیل یابد.

سازمان چریکهای فدائی خلق ایران تأمین آزادیهای دمکراتیک را برای تمام زنان و مردان ایرانی و به رسمیت شناختن آزادیهای فرهنگی و قومی و حقوق ملی همه خلقهای ایران را خواستار است.

هموطنان گرامی و مبارز

ما امروز با تفکرات و عقاید گوناگون در اینجا گرد هم آمده‌ایم تا خاطره مردی را گرامی بداریم که در زندگی مبارزاتی‌اش باتکیه بر توده‌های زحمتکش ارکان امپراطوری انگلستان را به لرزه درآورد. کسی که آنتونی ایدن نخست‌وزیر اسبق انگلیس پس از ۲۸ مرداد درباره او چنین گفت:

«خبر سقوط مصدق از اریکه قدرت زمانی بمن رسید که با همسر و پسر در کشتی در میان جزایر یونان در دریای مدیترانه مشغول استراحت بودیم. پس از مدتها آنشب خواب بسیار راحتی داشتم،» همه ما بانگرش‌های مختلف متفق القول هستیم که مصدق چهره ای ملی، مبارز و درخور احترام است. او چهره‌ای بود که توانست اقشار و طبقات و گروه‌های خلق را صرف نظر از تنوع ایدئولوژی و عقیده‌شان در مبارزه ضد امپریالیستی متحد کند و دشمن واقعی خلق را به توده‌ها نشان دهد. او مردی بود که زیرستم قرون سربلند کرد و فریاد خلقهای ستمدید ایران را در کلام خود متجلی ساخت.

اکنون که به تجلیل و بزرگداشت این مرد بزرگ تاریخ برخاسته‌ایم بجاست که از وفادارترین هم‌زمین او شهید دکتر حسین فاطمی نیز یاد کنیم. خاطره او را گرامی داریم و به او درود فرستیم. بجاست که یکبار دیگر به همبستگی نیروهای درون خلق که یکی از آرزوهای مصدق و یاران واقعی او بود تأکید کنیم.

درود فراوان به دکتر محمد مصدق رهبر ملی و قهرمان ضد امپریالیستی مردم ایران

درود به روحانیت مترقی و مبارز به رهبری آیت‌الله خمینی و آیت‌الله طالقانی

... و تمام شهدای خلق که خونشان درخت انقلاب را بارور
... کرده است.

مستحکم باد پیوند تمام نیروهای انقلابی خلق که ضامن پیروزی
دامن برامپریالیسم است.

سازمان چریکهای فدائی خلق ایران

دوشنبه ۱۴ اسفند ۱۳۵۷

سخنرانی طاهر احمدزاده*

بنام خدا

وقتی که ارتجاع و استعمار می‌خواستند نهضت مشروطه را سرکوب بکنند، برای آن توجیهی لازم بود و این بود که عوامل استعمار و استبداد به «عکاه» در فلسطین مقر رهبران بهائیان رفتند و از آنجا لوحی صادر شد خطاب به بهائیان ایران و خطاب به مشروطه خواهان ایران که ای بهائیان قدر مشروطه را بدانید که می‌توانید در پناه آن اندیشه‌های بهائیت را ترویج کنید، ای رهبران مشروطه، ما بهائیان از شما سپاسگزاریم که مشروطه را برقرار کردید.

این لوح محرمانه به ایران آمد و در شاه‌عبدالعظیم محرمانه تکثیر شد و شبانه بردرودیوار تهران چسبانده شد و صبح نیروهای ارتجاعی و استبدادی به حرکت درآمدند که، حالا معلوم شد که مشروطه را بهائیان برای ما فراهم کردند، برای مردم چنین شبیه‌ای ساختند و ارتجاع با استفاده از این شبیه توانست نیروهای خلاق و انقلابی را، مجاهدینی مانند ستارخانها و باقرخانها را خلع سلاح کنند تا بعد تقی‌زاده‌ها و فراماسونرها به جای رهبران واقعی مشروطه بنشینند!

* باظهار تاسف قسمتی از ابتدای سخنرانی آقای طاهر احمدزاده، در نوار ضبط شده بود.

اما تجربه. اما تجربه دیگر، در نهضت ملی، همانطور که،
 «الله» ممالقانی اشاره کردند، نیروهای ارتجاعی مدتها نشستند از
 یک محفل ارتجاعی نامه‌ای با جوهر قرمز برای کلیه علما و روحانیون
 در تمام کشور فرستادند با امضای کمونیسم، که ای روحانیون بزودی
 شما را با شال گردنتان به تیرهای چراغ درتوی خیابانها به دار خواهیم
 زد، و دیگر اینکه کسی از دوستان خود من که در ایام قبل از ۲۸ مرداد
 در کرمان رئیس دارائی بود، تعریف می‌کرد که وقتی به‌خانه‌ام می-
 رفتم در یک بعد از ظهر گرم و خلوت دیدم کسی باریش قرمز و عرقچین
 به سر در کوچه‌ای دارد شعار می‌نویسد. فکر کردم که شعار را باید
 معمولا جوانان بنویسند، این چه شعار می‌نویسد! شعار را تمام کرد
 و خارج شد، وقتی رسیدم دیدم شعارش این بود، «بزودی بساط
 اسلام پوسیده را جمع خواهیم کرد» اینها مقدمه بود تا کودتای
 خائنانه ۲۸ مرداد را که به دست سازمان جاسوسی امریکا برای مادرست
 شده بود، به نام حفظ اسلام برای ما تدارک ببینند.

اما تجربه سوم، در زندان قصر، در زندان قزل قلعه، در زندان
 اوین، زندانی که جو مقاومت بود، مظهر مقاومت ملت ما بود، ساواک
 می‌خواست این جو مقاومت را به جو تسلیم، به جو ندامت تبدیل کند.
 یکی از شیوه‌های آن این بود که عناصر مشکوک را بنام زندانی
 سیاسی به داخل زندان می‌فرستاد، یکی بعنوان یک عنصر مارکسیست
 یکی بعنوان یک عنصر مذهبی، عنصر مارکسیستش، سنگ مارکسیسم
 به سینه می‌زد، گویا از خود مارکس مارکسیست‌تر است! عنصر
 مذهبی‌اش، سنگ مذهب به سینه می‌زد، گویا از خود محمد(ص)
 مذهبی‌تر است! اما این صحنه‌آرایی از دو طرف برای این بود که
 عناصر دگم و بی‌اطلاع چه مذهبی و چه مارکسیست در دام این توطئه
 بیفتند و نتیجتاً جو زندان را از جو مقاومت به جو تسلیم و ندامت
 تبدیل بکنند و آنوقت عناصر آگاه و متعهد مذهبی یا مارکسیست
 تلاش فراوان می‌کردند تا بتوانند جلوی این توطئه ساواک را بگیرند،
 این سه تجربه.

هم‌اکنون انقلاب ایران، انقلابیکه امپریالیسم رابه وحشت انداخته،
 صهیونیسم را به وحشت انداخته، اینها بیکار نمی‌نشینند. شما فکر
 کنید که در این شرایط چگونه می‌توانند توطئه بکنند؟ آیا امکان دارد
 که به نام شاه، به نام زنده‌باد شاه و زیر شعار زنده‌باد شاه توطئه

هنگامه؟ دیگر امکانش نیست، اگر توطئه‌ای از این بی‌بعد صورت بگیرد،
 بدست عناصر مرتجع مذهبی است، زیر لوای امام خمینی رهبر
 انقلاب ایران. این عمل ارتجاع و استبداد خود را ممکن است
 زیر لوای پرچم انقلاب ایران و زیر لوای رهبر انقلاب ایران پنهان
 کنند و از آن طرف ممکن است عناصری وابسته به امپریالیسم درجه‌به
 مارکسیسم، از آن طرف به جریان‌ات دامن بزنند. اما عناصر آگاه و
 انقلابی از هر دو طرف متعهدند، مسئولند که برای این انقلاب دلشان
 بسوزد، ثمرات این انقلاب را با تمام وجودشان پاسداری بکنند،
 انقلاب را در جهت مردمی، در جهت خلقی هدایت بکنند. همانطور که
 رهبر ما امام خمینی در شهر قم دوسه روز قبل فرمودند که، این انقلاب
 را محرومان، مستضعفین و زحمتکشان به وجود آوردند، این انقلاب
 متعلق به اشراف نیست، این انقلاب متعلق به طبقات بالا نیست،
 بنابراین ثمرات این انقلاب باید عاید زحمتکشان، محرومان و مستضعفین
 گردد. می‌بایست مسیر انقلاب را در این جهت حفظ بکنیم و از آن
 پاسداری بکنیم.

من دیگر عرضی ندارم و در این غروب ویرسز مزار دکتر مصدق
 به روح شهدا درود می‌فرستم، به همه شهدا، آنها که در زندانها زیر
 شکنجه شهید شدند، آنها که در سحرگاهها تیرباران شدند، آنها که در
 میادین و خیابانها به رگبار مسلسل بسته شدند، به روح همه درود
 می‌فرستم و در آخر به روح دکتر مصدق رهبر نهضت مبارزه ضد استعماری
 شرق، این پرچمدار آزادی و استقلال ایران، این مظهر مقاومت ملت
 ایران در برابر امپریالیسم درود می‌فرستم. والسلام وعلیکم.

سخنرانی هانی الحسن نماینده فلسطین

بسم الله الرحمن الرحيم

«قال جاء الحق ودمق الباطل ان الباطل كان ذموقا»

برادران مبارز، امروز ما برای بزرگداشت خاطره رهبر مبارز دکتر محمد مصدق در اینجا جمع شده ایم. هستند کسانی که هنگام مرگ فقط گواهی مرگ برایشان صادر می شود و مردانی هستند که بامرگشان تولد تازه ای می یابند. مردانی هستند که بامرگشان اثری از خود به جا نمی گذارند. و بزرگ مردانی هستند همچون مصدق که برفراز تاریخ ایستاده است و جای پایشان در تاریخ برای همیشه باقی است. آنها می میرند. لیکن ما آنها را در میان خود می بینیم و بایادشان زندگی می کنیم.

من بعنوان یک فلسطینی نمی توانم مصدق را فراموش کنم. کسی که در دهه پنجاه در مقابل امپریالیسم انگلیس و امریکا قد علم کرد، در دورانی که امریکا خود را آماده می کرد تا خلاء ناشی از بریتانیا را پر کند، من بعنوان یک فلسطینی نمی توانم از یاد ببرم. مردی که اینک یادش در خاطر هر فلسطینی زنده است. چرا که عرتحولی در ایران چه مثبت و چه منفی تاثیر خود را در تمامی منطقه بجای می گذارد.

نبرد مصدق در ایران، نیرویی که زمینه مبارزه ناصریسم را برای ملی کردن کانال سوئز. در سال ۱۹۵۶ فراهم کرد. مصدق در اوایل دهه ۵۰ مهمترین مبارزه دولتهای صادر کننده نفت را با انحصار نفتی و دولتهایشان رهبری کرد. مصدق در برابر شاه ایستاد. او به دنبال پارلمانی بود که در برابر هیچ طاغوتی سرخم نکند. مصدق مرد قانونی بود که مردانه در برابر پایمال شدن قانون بدست دیکتاتوری ایستاد. مصدق جبهه ملی را تشکیل داد و انگلیسیها را در ۱۹۵۶ بیرون راند و شروع به تصفیه ارتش از مزدوران و دست نشاندگان کرد و موفق شد شاه را از کشور فراری دهد. جبهه های نبرد شجاعانه مصدق در خارج، امپریالیسم و در داخل، دربار بود. او موفق شد علیه امپریالیسم بجنگد، اما نتوانست بر آن پیروز شود. چرا؟ زیرا دشمن رانده شده خارجی، امپریالیسم امریکا و انگلیس موفق شد تا با استفاده از شکافی که در میان نیروهای سیاسی آنروز ایجاد شده بود جای پاییی برای خود باز کند تا دیکتاتور توری یکبار دیگر بازگردد تا هزاران نفر را به خاک و خون بکشد و سی سال دیگر به حیات خود ادامه دهد.

ای مبارزان قهرمان، وفاداری به راه مصدق در ادامه انقلاب او است. انقلاب خلق ایران به رهبری امام خمینی دامه تظله انقلابی است که از خطراتیکه نهضت مصدق با آن روبرو بود جان سالم بدر خواهد برد و برعهه لازم است تا متحد شوند تا دشمن از شکاف و اختلاف میان نیروها استفاده نکند.

ای مصدق. این ملت ایران است که پس از دوازده سال که از وفات تو می گذرد، آرزوها و خواستههای ترا تحقق می بخشد. اگر دیروز مبارزه تو زمینه تولد مصر ناصریسم را فراهم کرد، امروز انقلاب عظیم ملت ایران زمینه ساز سقوط ساداتیسم در مصر و آزاد سازی قدس شریف و قدم گذاشتن در راه نابودی امپریالیسم در منطقه و آغاز دوران جدید در این گوشه از جهان است.

ای رهبر بزرگ آرام بخواب که در تهران، تبریز، مشهد و در سراسر ایران، امریکای وحشی و دیکتاتوری شاهنشاهی سقوط کرد و فروریخت.

ای ملت بزرگ ایران اکنون چنانکه برادر ابوعمار گفت، انقلاب فلسطین خط مقدم جبهه نبرد شما است. ما و شما در کنار هم گام

برمی‌داریم و دو انقلاب چهارم واحدی بخود گرفته‌اند تا منطقه را به تمامی از صهیونیسم و امپریالیسم رها سازند. شما در مبارزه خود درس فداکاری و انقلاب به جهان آموختید و با عقیده و ایمانتان نیروهای مسلح شاه را شکست دادید و امروز وظیفه همگی شماست که درس وحدت و همبستگی داخلی و گفت و شنود دموکراتیک را به جهان بیاموزید. امروزه خلق فلسطین با توطئه‌ای به رهبری ایالات متحده، آلمان غربی و صهیونیسم مواجه شده است. امروز ما درس‌الگرد مصدق باشما و با انقلاب ایران و رهبر بزرگ آن امام خمینی پیمان می‌بندیم که ما هرگز راه‌های میانه را نخواهیم پذیرفت و با امپریالیسم آمریکا سازش نخواهیم داشت و با صهیونیسم همزیستی نخواهیم کرد.

زنده باد انقلاب عظیم ایران - زنده باد ملت ایران

زنده باد خلق مبارز فلسطین و انقلاب تا پیروزی ادامه دارد

سخنرانی دکتر هدایت‌الله متین دفتری

احمدآبادیها، امروز شما مهمان دارید و مهمانانی بسیار گرامی، اینها عمه و همه که اینجا هستند فرزندان دکتر مصدق‌اند، همان کسانی که در عمه سخنرانیهای خود، به آنها، فرزندان عزیز من خطاب می‌کرد. امسال بعد از دوازده سال پس از درگذشت او بالاخره توانستند برای بزرگداشت او بر مزارش حاضر شوند. خوب یادتان هست سال گذشته حتی ما هم نتوانستیم به اینجا بیاییم، ولی در طلوع آزادی فرزندان او، نمایندگان انقلابیون ملت ایران، نمایندگان کارگران، کارگران صنعت نفت، کارگران آب و برق، اعتصابیون کلیه ادارات، جوامع مختلف سیاسی، جوامع مختلف صنفی، مدافعین از حق و حق‌طلبان، همگی و همگی در اینجا هستند و مقدمشانرا ما گرامی می‌داریم. امروز افتخار داشتیم که نماینده مردم مبارز، نماینده مردم فداکار فلسطین که پس از شکست ما، پس از کودتای ننگین ۲۸ مرداد، قیام عظیم خود را به تنهایی و بدون پشتیبان علیه امپریالیسم آمریکا شروع کردند، این افتخار را داریم که در اینجا در میان ما بود. این افتخار را داریم که بزرگمردانی که در زندگی خود از هیچ چیز نهراسیدند، فداکاریها کردند، تا ما امروز بتوانیم در اینجا حاضر باشیم، در اینجا حاضرند و مقدم همه‌گیشان را ما گرامی می‌داریم. انقلاب ما امروز به مرحله مهمی از تاریخ خود رسیده است. انقلابیکه به رهبری قائد عظیم‌الشان ایران حضرت آیت‌الله خمینی

پیروز شد و در نتیجه ریشه‌های نظام فاسد شاهنشاهی، نظام فاسدی که خون فرزندان ما را روز پس از روز بر زمین می‌ریخت و در شکنجه‌گاه‌هایش از هیچ جنایتی دریغ نداشت برای اینکه ما را ساکت کند، برای اینکه ما را برده اجنبی و امپریالیسم کند، این نظام ریشه‌کن شد.

امروز باید عرض کنم و باید بیا الهام از حضرت آیت‌الله طالقانی عرض کنم، بیش از همیشه ضرورت اتحاد و همبستگی و یکپارچگی و اقدام مشترک تمام نیروهای اجتماعی و سیاسی انقلابی ما که در این جنبش عظیم شرق شرکت داشته‌اند، به چشم می‌خورد. ما فقط از اولین سد مبارزات خود، یعنی ریشه‌کن کردن آن نظام گذاشته‌ایم، ولی همانطور که مصدق بزرگ بارها و بارها گوشزد می‌کرد، دشمن نیمه‌کار همیشه بیدار است و مترصد.

امروز بیش از پیش ما احتیاج داریم که متحد باشیم و بطور مشترک و متحد تصمیم‌گیری کنیم تا امپریالیسم، امپریالیسمی که پشتیبان آن نظام فاسد بود از صحنه سیاست شرق دور شود. خلقهای ایران مرحله اول پیکار انقلابی خود را علیه استبداد داخلی و حامیان امپریالیست خارجی‌اش پشت‌سر گذاشته‌اند.

در این پیکار همه طبقات و قشرهای مترقی جامعه، کارگران و دهقانان رانده شده و دیگر زحمتکش‌ان در صف مقدمشان قرار داشتند، با وحدت عمل بی‌سابقه‌ای علیه دشمن مشترک برخاستند. این وحدت عمل نشان دهنده آرمانهای مشترکی است که برای تمامی طبقات و قشرهای پیشرو جامعه ما اهمیتی اساسی دارد. از اینرو هرگونه انحصارطلبی و تعصب فکری و عقیدتی که بخواهد از اهمیت نقش عریک از نیروهای شرکت کننده در این انقلاب بکاهد یا آنرا نادیده بگیرد، در وحدت عمل ملت ایران شکاف ایجاد می‌کند. ناگفته‌پیداست که دستاوردهای هر مرحله از این انقلاب مردمی باید در جهت رفع ستم از طبقاتی که بیش از دیگران تحت فشار و ظلم قرار داشته‌اند، بکار رود و این امر جز با مشارکت خلاق توده‌های ستمدیده ممکن نیست.

از آنجا که امکان یورش سازمان یافته عوامل استبداد و حامیان خارجی آنها را در اشکال و صور گوناگون هیچگاه نباید از نظر دور داشت و از اینرو حفظ وحدت نیروهای مردم ضرورت عینی دارد.

از آنجا که شرکت توده‌های مردم در راه سازندگی جامعه نوین و حفظ دستاوردهای انقلاب تنها از طریق عمل سازمان‌یافته میسر است و مردم ستمدیده ما در سالهای طولانی و سیاه اختناق از حق هرگونه تشکل اصیلی محروم بوده‌اند.

از آنجا که ریشه‌کن ساختن استبداد تنها در سرنگونی مظاهر آن خلاصه نمی‌شود و مستلزم مبارزه پی‌گیر با فرهنگ استبدادی از طریق ارتقاء آگاهی سیاسی توده‌هاست.

از آنجا که گسستن وابستگی همه‌جانبه کشور به امپریالیسم در گرو مبارزه‌ای انقلابی و طولانی است و این مبارزه تشکل توده‌های مردم را در سازمانهای سیاسی طلب می‌کند، بنابراین ایجاد جبهه دموکراتیک وسیعی که بتواند حداکثر نیروهای مردمی را در راه تحقق نهائی حاکمیت مردم، استقلال و دموکراسی سازمان دهد، ضرورتی آشکار و انکارناپذیر است. این جبهه دموکراتیک و ضد امپریالیستی گسترده طبیعتاً در مسیر تکاملی مبارزات گذشته ملت ایران، بویژه نهضت ضد استعماری مردم مین ما در زمان ملی‌کردن صنعت نفت به رهبری دکتر مصدق قرار دارد.

اگر در مراحل آغاز این مبارزات اخیر برای جمعی این امید پیدا شد که «جبهه ملی ایران» خواهد توانست چنین ضرورتی را پاسخگو باشد، نحوه غیردموکراتیک تشکیل این سازمان، قدرت‌گرایی، انحصارطلبی، فقدان تداوم آرمانی و عدم اعتقاد رهبری آن به مبارزه دموکراتیک و نقش توده‌های مردم، و بخصوص جدا شدن رهبری از توده‌ها و جریان مبارزه اصیل، خیلی زود نشان داد که این امید بیهوده بوده است.

اینک با توجه به ضرورت ادامه مبارزه دموکراتیک در قالب یک جبهه سیاسی که بتواند همه عناصر و سازمانهای ملی و انقلابی را که در سالهای سیاه استبداد به اشکال گوناگون در داخل و خارج کشور مبارزه کرده‌اند، دربرگیرد، جمعی از معتقدان به محتوای مترقی و دموکراتیک میراث تاریخی نهضت ملی ایران، میراث مصدق و مبارزات انقلابی سالهای اخیر بر آن شده‌اند که از همه گروه‌ها و کسانی که به مبارزه دموکراتیک و ضد امپریالیستی در این مرحله از انقلاب معتقدند و جز نیروی لایزال مردم ایران هیچ تکیه‌گاه دیگری ندارند بخواهند که در جبهه‌ای دموکراتیک و ملی گرد هم آیند.

به این منظور یک هیأت تدارک برای ایجاد ارتباطهای لازم در جهت سازمان دادن این جبهه تشکیل گردیده است. این هیأت خواهد کوشید با رعایت کامل موازین دموکراتیک، کار هماهنگ کردن همه نیروهای شرکت کننده در این جبهه را که جبهه دموکراتیک ملی ایران نام خواهد داشت در حداقل زمان به انجام رساند.

جبهه دموکراتیک ملی ایران، با توجه به خواستهای مبرم تمام طبقات و قشرهای مترقی در این مرحله از مبارزه، طرح زیر را به عنوان محور اتحاد نیروهای درون جبهه به همه رزمندگان پیشنهاد می کند:

در مبارزه متحد و آشتی ناپذیر نیروهای خلق برضد نیروها، سازمانها و نهادهای سیاسی، نظامی و فرعنگی استبداد و وابسته به امپریالیسم اجرای خواستهای زیر ضروری و فوری است:

۱) انجام رفراندومی فوری صرفاً به منظور تثبیت حقوقی طرد کامل و قطعی رژیم سلطنتی برای همیشه (این رفراندوم از نظرخواهی برای نوع و ماهیت حکومت باید جدا باشد). تعیین نوع حکومت و محتوای آن پس از طی مدتی کافی که ضمن آن امکان توضیح و بحث و تعاطی فکر برای همه تعلقات فکری و فلسفی در جهت ارائه نوع حکومت مطلوب و مفید برای کشور مهیا باشد، از طریق دیگری باید انجام شود. کلیه نهادها و عواملی که بنحوی مانع ارائه و تبلیغ آزادانه نظریات و یا باعث القاء غیردموکراتیک افکار از طریق ترس و فشار میشود به عنوان نهادها و عوامل ضد انقلابی باید طرد گردد.

۲) انتخاب فوری شورائی از نمایندگان کارگران، کارمندان، اصناف و سایر قشرهای مترقی جامعه بنام «شورای هماهنگی انقلاب» و قبول حق نظارت این شورا بر اعمال دولت موقت در همه مراحل بویژه در مراجعه به افکار عمومی، برگزاری انتخابات و در تشکیل مجلس مؤسسان. ایجاد هم آهنگی کامل بین دولت و کلیه سازمانها و ادارات و ارگانها و احزاب سیاسی کشور از طریق این شورا.

۳) رسیدگی فوری به خیانتهای مسؤلانی که اموال ملت را غارت کرده، دست ستم و آدمکشی بر هموطنان خویش گشوده، و عامل اجرای سیاستهای ضد ملی و ضد آزادی حکومتهای بیگانه بوده اند، در هر سطح و بدون استثناء ولو غیاباً در دادگاههای خلق بطور علنی و اجرای فوری این احکام.

۴) هیأت تدوین کننده قانون اساسی آینده باید تحت نظارت

«شورای هم آهنگی انقلاب» از میان افراد باصلاحیت کلیه طبقات و اقشار بطور آزادانه انتخاب شود. همه گرایشهای فکری میباید امکان تبلیغ آزادانه نظرات خود را درباره قانون اساسی داشته باشند. ۵) به رسمیت شناختن حق شرکت کارگران و کارمندان در اداره و کنترل کارخانهها و ادارات از طریق انتخاب شوراهای کارگری و کارمندی.

۶) تامین آزادی کامل اتحادیهها، سندیکاها، جمعیتها، کانونها و احزاب سیاسی.

۷) محو بنیادها و نهادهای ضد انقلابی ارتش و احتراز و جلوگیری از بازسازی آن بطوری که محلی برای سپاهگیری حرفه ای در فرهنگ انقلابی ایران باقی نماند. جلوگیری از خلع سلاح نیروهای انقلابی و ایجاد ارتش خلقی (بجای هر نیرویی نظیر گارد ملی و سپاه پاسداران انقلاب) تحت نظارت شورای هم آهنگی انقلاب، از طریق تشکیل کلیه افراد مسلح سازمانهای انقلابی و افراد داوطلب. ۸) مبارزه برای رفع هر نوع تبعیض در جامعه: رفع تبعیض نسبت به زنان در برخورداری از حقوق برابر با مردان و رفع تبعیض در کار به هر شکل، و لغو فوری کلیه قوانین محدود کننده حقوق آحاد کشور.

۹) قبول و تأیید حقوق فرهنگی و خودمختاری داخلی خلقهای ایران در جهت حفظ تمامیت ارضی و یکپارچگی کشور. حمایت از حقوق فرهنگی و دینی و سنتی اقلیتها و تضمین کامل برای حفظ این حقوق.

۱۰) لغو قطعی و همیشگی سانسور و تامین آزادی کامل و استقلال مطبوعات و رادیو تلویزیون، جلوگیری از دخالت عناصر و ارگانهای محدودکننده آزادیها به هر بهانه (حتی موقتاً)، مشارکت کلیه نیروهای سیاسی و مبارزه در تبلیغ و ارشاد توده مردم در سراسر کشور از طریق وسایل ارتباط جمعی بدون حصر و استثنا و نظارت بر کار آزادانه رادیو و تلویزیون توسط نمایندگان شورای هم آهنگی انقلاب با همکاری نمایندگان این دستگاه.

۱۱) رفع ستم اقتصادی از کلیه دهقانان و کارگران کشور. در دورنمای این برنامه پیشنهادی حداقل، نابودی نظام سرمایه داری و وابسته از طریق نابودی حاکمیت امپریالیسم و کلیه مظالم

وابستگی به آن در تمام ارکان اقتصادی، سیاسی، نظامی و فرهنگی و بازسازی بنیادهای دموکراسی و ایجاد مبانی نوین تولیدی و اقتصادی در کشور قرار دارد.

در این دورنما، قبول مسئولیت آگاهانه، پذیرش دشواریها و لزوم وحدت و یکپارچگی نه تنها منتفی نیست بلکه از اهمیت بیشتری برخوردار است.

مردم ما، پس از رهایی از سلطه بی‌امان نظامی مستبد و یک-پارچگی ملی و بازسازی وضع اقتصادی کشور از طریق جلب مشارکت کلیه نیروها و اقشار و طبقات مترقی جامعه نیاز حیاتی دارند. در این دورنما بایستی با همبستگی آگاهانه کلیه سازمانهای ملی و انقلابی، برنامه‌ای کامل و حساب شده را در جهت امحاء کامل و قطعی نفوذ امپریالیسم در همه زمینه‌ها پیاده کرد.

به یقین، ارتجاع و تفکر ارتجاعی به شکل‌های گوناگون در کلیه شئون فرهنگ و تربیت اجتماعی کشور نفوذی عمیق دارد. نفوذ امپریالیسم نیز در این ارتجاع داخلی ریشه دارد. محو آثار و مظاهر ارتجاع بدون بازسازی فرهنگ نوین دموکراتیک ممکن نیست و هر نوع تفکر ارتجاعی می‌تواند پس از ضعف و فتور در صف متشکل خلق، مقدمات بازگشت و احیاء نفوذ امپریالیسم را فراهم کند.

بازسازی فرهنگی و تربیت سیاسی ملت بدون مبارزه‌ای طولانی با کلیه نهادها و باورهائی که باندارک و تبلیغات و طرح قبلی امپریالیسم در افکار مردم ریشه دوانده، عملی نیست. این مهم فقط با فراهم کردن شرایط آزادانه برای تعلیم و تربیت و تشکل و تجرب و تعاطی افکار و عقاید برای مدتی طولانی، حاصل خواهد شد.

هیأت نذارک جبهه دموکراتیک ملی ایران

پیامهای احزاب و جمعیتها

پیام جبهه ملی ایران

بنام خدا

هم میهنان:

خدای را سپاس که به ملت ایران آن توان و پایداری عنایت کرد
تا بماند و پیکار کند و پیروز شود .
خدای را سپاس که پس از بیست و پنج سال تاریکی و خفقان
و وحشت ، در دوازدهمین سالگرد درگذشت پیشوای عالیقدر نهضت
ملی ایران در مزار پاکش گرد آمده ایم و برای نخستین بار آن سان
که شایسته و درخور اوست ، می‌کوشیم تا ادای وفاداری کنیم .
راستی در این است که ملت حق شناس ایران در روزگار اختناق
که سیطره امپریالیسم با به خدمت داشتن دستگاه استبداد، سرتاسر
ایرانزمین را فرا گرفته بود و سخن از مصدق به میان آوردن و از
راه او سخن گفتن ، برابر بود با غرقه در خون شدن به ضرب گلوله
و یا جان دادن در سیاهچالهای زندان و زیر شکنجه ، مجاهدان و
مبارزان و پویندگان راه نهضت ملی ایران عاشقانه به استقبال
مرگ می‌رفتند و از حرمت و شرافت ملی و عظمت رهبری جنبش
پاسداری می‌کردند و امان نمی‌دادند تا نام مصدق که دربرگیرنده همه
ارزشهای ملی و فرهنگی و تاریخی مردم بود به فراموشی سپرده
شود .

دروغ به ملت بپا خاسته ایران که به دنبال مبارزات پی‌گیر و
خونین خود به پیروزی عظیم رسید و سلام گرم به شما رزمندگان

پیام کمیته تبعیدشدگان وزندانیان سیاسی دوران استبداد

بادرود فراوان به‌دکتر محمد مصدق مبارز بزرگ ضدامپریالیسم
و معتقد به‌دموکراسی، مبارزه را در راه استقرار دموکراسی تا محو
تمام آثار امپریالیسم و ارتجاع ادامه خواهیم داد.

پیام شهدای سی‌ام تیر

بنام خدا

ای ابرمرد تاریخ ... ای قهرمان ... ای انسان آزاده که با
رسالتی عظیم به‌بزرگی کوهها و به بیکرانی اقیانوسها بمنظور احقاق
حق ملتی بزرگ و اصیل گام در راه جهادی مقدس نهادی.
گرچه آنروز دشمن ناجوانمردانه و با دستکاری عوامل دست -
نشانده و شناخته شده خود در برابرت ایستاد و کوشید تا پیکارت
را عقیم گذارد ولی ملت آزاده ایران تورا که هرنفست رهگشای نسل
جوان بود و نیز رهنمودهایت را فراموش نکرد و دهها و صدها بار
سی‌ام تیر را تکرار کرد اینک پای در راهی نهاده است که تو سالها
پیش آغازگر آن بودی. اکنون ببین که چگونه قیام راستین خلق
ایران از همه طبقات از کودک دبستانی تا پیران سپیدموی جوان
از دست داده الله‌اکبر گویان در برابر پس ماندگان استعمار نهالی را
که کاشتی با خون خود آبیاری میکنند، تا بجای بتهائی که نمایانگر
مبتذلترین نوع بردگی و استثمار بودند مجسمه مردان آزاده و رهبران
قومی خود را در قلبها برپا دارند و مدینه فاضله خود را بنیاد نهند.
دروود بر توای مصدق قهرمان.

از طرف خانواده‌های شهدای سی‌ام تیر

عینکچی

آگاه و بیدار دل ایران که در نخستین روزهای به‌ثمر رسیدن انقلاب
برای نشان دادن احساسات حق شناسانه و انسانی خود بر سر
تربت پیشوای درگذشته خود آمدید تا به جهانیان نشان دهید ملتی
هستید وفادار و پای‌بند به پیمان، تعظیم بر شما دلاوران که استمرار
مبارزه را در قله رفیع انقلاب باز یافتید.

با رو آوردن به نهضت ملی ایران که در سازمانهای گوناگون
شکل یافته و به پیروزی از خواست مصدق زیر نام جبهه ملی ایران،
به صورت مردمی و گروهی صنفی و حزبی تمرکز یافته‌اند هم‌اکنون
در کنار مزار پیشوای خود، هم‌آوا با شما مردم رشید ایران سوگند
یاد می‌کنند.

اصل استقلال ایران را همه‌گاه مقدم بر همه خواسته‌های خود
قرار دهند و هیچ‌گاه در هیچ شرایطی تسلیم و فرمانبردار عیج ابر -
قدرتی نشوند.

سوگند یاد می‌کنند اکنون که مردم ما در میهن خود به همه
وابستگی‌های سیاسی و اقتصادی و اجتماعی فرهنگی پایان داده‌اند،
از حقوق انسانی و آزادیهای فردی و اجتماعی به‌طور کامل دفاع
بعمل آورند.

سوگند یاد می‌کنند که در ایران زندگی انسانی مبتنی بر عدالت
اجتماعی را در تمام شئون حیاتی ملت تامین نمایند.

سوگند یاد می‌کنند که برای آزادی بشر و رهائی همه ستمدیدگان
استعمارزده، در خط عدم تعهد و مبارزه پردوام علیه امپریالیستها
در سرتاسر جهان پیکار نمایند.

جبهه ملی ایران در این برهه تاریخی و سرنوشت ساز، در این
مکان مقدس و پرشکوه، از همه مردم ایران همه حزبها و سازمانهای
سیاسی می‌خواهد که با شناخت اصول مشترک مبارزاتی و پیدا
کردن نقاط مردمی هرچه بیشتر، تشکل و اتحاد و هماهنگی خود را
فزون‌تر از همه زمانها گسترش داده و برای همیشه ریشه‌های باقی -
مانده درخت شوم استعمار و استبداد را ریشه‌کن نمایند تا با تفضل
الهی و اراده ملی، زندگی شکوهمند انسانی هر سرزین تاریخی و
اسلامی ما برپا گردد.

چهاردهم اسفند ماه ۱۳۵۷

جبهه ملی ایران

پیام دبیرخانه حزب ملت ایران

پاینده ایران:

ای آفریدگار پاک!
تو را پرستش می‌کنم و از تو یاری می‌جویم

هم میهنان:

این نعمتی‌ست که انسان، در طول حیات کوتاه خود، دور رهبر بزرگ را دیده باشد، با دو رهبر باایمان همراه و همصدا شده باشد، و در سپاه دو رهبر دلیر و سرسخت جنگیده باشد. و این افتخاری‌ست برای حزب ملت ایران، که در حد توان و ایمان، در خدمت این دو رهبر بزرگ و اندیشه‌های وطن خواهانه و انسانی ایشان بوده است.

ملت ما، با دو چهره‌ی تابناک، دو مظهر پیکار با ستم، و دو نگین خورشیدی، تاریخ عصر حاضر جهان را جواهرنشان کرده است. حزب ما، حزب ملت ایران، انسان صمیمانه سالیان سال در سنگر استوار مصدق جنگید که نام حزب و نام افراد حزبی، خاکسار خاکسارانه به ذرمی تبدیل شد، و نام «مصدقی» بر همه‌ی حیات حزب و وابستگان حزب، پرتو انداخت، و ما در حرارت همین پرتو، در کنار همین آتش، و در درون همین سنگر، زندگی کردن آموختیم و جنگیدن و وفادار ماندن.

در تمامی این سالها که نام مبارک مصدق، خشم و نفرت شاهیان و خائنان را برمی‌انگیخت، «مصدقی بودن» شناسنامه‌ی ما بود، و «مصدقی بودن» شناسنامه‌ی مردمی‌ست که به رهبران وطن خواه و ملت‌گرای خویش، هرگز پشت نمی‌کند و ارادت به ایشان را هرگز از قلب خود نمی‌راند.

ما به راستی قسم که عاشقانه به مصدق نگرستیم، عاشقانه سردرپی او نهادیم، و سخنانش را که نور رستگاری از آن می‌تابید - حرف به حرف - باطلائی ایمان نوشتیم و به دیوار زندان‌هایمان کوبیدیم.

هرگز نشد که در ارادت خویش به مصدق شک کنیم و نشد که برای لحظه‌ی این ارادت را انکار کنیم.

اینک آن بیدار دل اینجاست.

و ما، باز هم در خدمت اندیشه‌های او هستیم و باز هم سرباز سپاه او. و خویشتن را بی‌نیاز از آن می‌بینیم که میثاق گذشته با او تجدید کنیم. پیمان ما همان پیمان استوار قدیمی‌ست، و نشکسته است تا نو شود، و قدمت از قدرتش چیزی نکاسته است. و اینک، همچون عتیقه‌ی پیوند خورده با خاک است که گذشت زمان آن را گرانبهاتر می‌کند و اعتبارش را بیشتر.

و این نکته گفتنی‌ست که در راه سربلندی آفرین امام خمینی رفتن، برای ما، راه مصدق را دوام بخشیدن بود، و جان نثارانه در خدمت خمینی بودن، برای ما، چیزی جز خدمت به حق نیست... و مصدق نیز چیزی جز پرتو درخشانی از حق نبوده است.

دبیرخانه حزب ملت ایران
چهاردهم اسفندماه ۱۳۵۷

پیام جمعیت آزادی

یاد آزادیهای دموکراتیک زمان دکتر مصدق را گرامی داریم

در دوازده سال پیش دکتر محمد مصدق در زیر فشار شدید دستگاه پلیسی رژیم استبدادی شاهنشاهی و در شرایط خفقان درگذشت.

مصدق یک دموکرات و آزادیخواه پیگیر بود و یادش و نامش در تاریخ مبارزات مردم ما همیشه باقی خواهد ماند. مبارزات ضد-امپریالیستی و ضد استبدادی او همراه و همپای نیاز آزادیخواهانه مردم، پوزه یکی از قدرتمندترین نیروهای امپریالیستی دوران خود، امپریالیسم انگلیس را به خاک مالید. سخن بر سر این نیست که درگذشته‌ای دور، انسانی بنام مصدق بعنوان تظاهر نیاز امپریالیستی توده‌های مردم، سیاستهای استعماری را به زانو درآورد و سپس بدست جهانخواران امپریالیست به بند کشیده شد، گرامی داشت

خاطره مصدق این آزادیخواه رادیکال ، بزرگداشت مبارزه بخاطر آزادیهای دموکراتیک ، مبارزه علیه استبداد و خودکامگی و سلطه زور و امپریالیسم جهانی است . از اینرو سخن برسر اینستکه توده بپاخاسته امکان رویارویی با بزرگترین قدرتهای غارتگر جهانی را دارد ، لیکن حفظ دستاوردهای آزادیخواهانه و ضد امپریالیستی ، مبارزه با بازگشت استبداد و سلطه زور و خودکامگی بمراتب مشکلتر است . همه میدانند که فریاد رسای مصدق در ملی کردن صنعت نفت جهانگیر شد و چه بسیار مبارزان را باین راه خوانده و مؤثراً خلق های جهان را علیه تجاوز غارتگرانه استعماری و امپریالیستی فرا خواند . اما شاید نسل امروز نداند که خلق بجان آمده ما ، آسان و بسی آسان این دستاورد گران را از کف داد و بورطه استبداد وحشی محمد رضاشاهی و غارت امپریالیسم جهانی کشانده شد . بیش از ۲۵ سال استثمار وحشیانه سرمایه ، سرکوب آزادیخواهان و آزادیهای دموکراتیک نتیجه نابودی دستاوردهای گرانقدر مردم ما در طول مبارزات دوران مصدق بود . صنایع نفت ملی ، از امپریالیسم انگلیس خلع ید شد ، لیکن استبداد ، ستم و تجاوز در پایگاه ضد مردمی آن در دربار باقی ماند ، سرمایه هائی خارجی و مالکیت امپریالیسم در اشکال مختلف ادامه حیات داد . و نتیجتاً امکان بازگشت آن گذشته کماکان وجود داشت . چنین بود که رادمردی سترگ ، مبارزی سرسخت و بادرایت قربانی کمبودهائی شد که تنها به درجه آکامی ذهنی و اراده انسانی مربوط نبود .

شاید این سخن گزافه نباشد که مصدق میبایست شکست میخورد تا تجربه جدید به همگان نمایان سازد که باوجود سامانه های استبدادی و پایگاههای اعمال قدرت امپریالیستی ، پیروزی کامل مبارزات دموکراتیک ممکن نیست . استبداد سامانه های استبدادی نمی تواند زمینه پاگیری دموکراسی و آزادی شود و از آن بالاتر این سامانه ها قاتل آزادی و آزادیخواهی است . اگر سالگرد مرگ مصدق موقعیتی را فراهم آورد که یکبار دیگر به آن تجربه بزرگ بیاندیشیم و اگر این گردهم آئی بتواند زمینه تجربه اندوزی از مبارزات درخشان سالهای ۳۰ باشد ، آنگاه می توانیم به جرأت بگوئیم که زندگی مصدق و مرگ او ، زندگی و مرگ انسانی است در خدمت مبارزه بخاطر عدالت واقعی - اجتماعی ، مبارزه با سرمایه داری

جهانی و استبداد گونه گون و هوشیاری مبارزان . بگذارید بگوئیم که تا این لحظه هرگز مردم ما دورانی را آزادتر و دموکراتیکتر از دوران حکومت مصدق بیاد ندارد . این سؤالیست که برای هر مبارز راستین راه آزادی و استقلال ، هر انقلابی راه برابری مناسبات - عاری از ستم طبقاتی مطرح است که چگونه پس از اینهمه جزر و مدهای سیاسی و اجتماعی هنوز دوران مصدق آزادترین شرائط سیاسی را ایجاد کرد و مصدق هنوز بعنوان آزاده ای دموکرات ، دموکراتی رادیکال و پیشروئی آزادیخواه مورد احترام خاص و تجربه آموز مبارزان دموکرات و انقلابی ایرانست .

از مصدق و فعالیت های ضد استعماری او فراوان گفته شده و فراوان گفته خواهد شد آنچه که امروز ، در شرائط فعلی کمال اهمیت را داراست اینستکه ، از آزادی و آزادیخواهی ، از احترام به نظر مخالف و تحمل آن ، از آزادیهای دموکراتیک و بازهم از آزادیهای دموکراتیک بگوئیم . اگر ضعف مبارزات دوران مصدق ، در عدم پیگیری ضد سرمایه داری ، خرابکاری های توده دوستان - دنباله رو ، عدم اتحاد دموکراتیک نیروهای مترقی ، فساد و استبداد فکری نیروهای مبارز و عدم همگامی برای نابودی پایه های ستم و استثمار بوده است بیاد داشته باشیم که مصدق و مبارزات مردم در زمان او قربانی این کج رویها ، نادانیها ، چپ نمائیها شده است . اگر امروز آن مسائل وجود ندارد مسائلی که همسنگ آنست و می تواند همچنان مبارزه توده ها را منحرف کرده ، بورطه نابودی بکشاند موجود است . عدم تحمل نظر دیگران از طریق دیگر ، جلوگیری از آزادی عمل و بیان تحت لوای ایدئولوژیک اینبار از طریق دیگر ، پراکندگی نیروهای چپ و مجرد پایه های قدرت ارتجاعی منظر در ارتش و پلیس دهها عامل فساد آفرین زندگی از سر گرفته یا به زندگی خود ادامه میدهد . اگر در گذشته تفرقه افکنی بفساد انجامید ، این بار تفرقه و تسلط طلبی تحت نام و لوای دیگر میتواند فساد جدید ایجاد کند . از اینرو شعار ما جمعیت آزادی در شرائطی که می بینیم پرقدرتترین و وسیعترین نیرو با اتهام خرابکاری ، وابستگی و استفاده از نیروی اکثریت عظیم کوشش دارد به تجدید دموکراسی کمر بربندد و خود به تنهایی و با استفاده از نیروی اکثریت رفق و فنق امور کند اینستکه با بزرگداشت مصدق و مبارزات مردم ،

حزب آزادیخواه ایران

در جوار مزار بزرگ رادمرد آزادیخواه ایران شادروان دکتر محمد مصدق، حزب آزادیخواهان ایران، عهد و میثاق خود را باتمامی نهضت‌ها و جنبش‌های آزادیخواهانه ملت ما تجدید و تأکید می‌نماید درود به روان پاک شهدای انقلاب مشروطیت،

سلام به نهضت ملی ایران به رهبری پیشوای عالیقدر، دکتر محمد مصدق،

تعظیم و تهنیت به انقلاب ملی اسلامی ما به رهبری زعیم عالیقدر جهان تشیع حضرت آیت‌الله خمینی.

ملت ایران امروز به سوی ساخت ایرانی مبتنی بر منشور آزادیبخش توحید، نبوات پیامبران الهی در مبارزه با شرک و استبداد، عدالت و پیشوانی برحق جامعه براساس اکثریت، با تکیه به خدا و روئی به قیامت پیش می‌رود.

ما با اعلام همبستگی کامل به این معماری بزرگ و تاریخ ساز، پشتیبانی کامل و بی‌دریغ خود را نسبت به دولت ملی و برحق مهندس بازرگان اعلام می‌داریم. ارائه راه‌حل‌ها و راه‌نمایی‌های لازم و انتقادات سازنده، الفبای طرفداری و همکاری ماست و در این زمینه تذکرات زیر را در مورد برنامه دولت انقلاب ضروری میدانیم:

۱- رسیدگی کامل به وضع مفسدین و خیانتکاران به کشور بطور سریع، قاطع و از راه محاکمات علنی و عادلانه.

۲- حفظ حرکت انقلابی و استفاده از روحیه آن در بازسازی زیربنای اقتصادی کشور در جهت تأمین منافع اکثریت مردم.

۳- انتصابات سریع و عادلانه در کلیه وزارتخانه‌ها و مؤسسات دولتی و پاکسازی انسانی آنها بادر نظر گرفتن نظرات و پیشنهادات کارمندان و کارگران.

۴- ادامه سیاست حمایت از ارتش ملی ایران به موازات تصفیه و تجدید ساختمان آن.

۵- انجام رفراندوم دموکراتیک به طریقی که کلیه افراد بالغ کشور بتوانند آزادانه نظر خود را در مورد نوع حکومت آینده ابراز دارند.

از این نظر لازم است قبل از شروع رفراندوم، اصول جمهوری

به پاسداری از دموکراسی و به ایجاد اتحاد و همگامی نیروها برای گسترش آزادیها و حقوق مردم بپردازیم. تفرقه افکن کسی است که حق آزادی عمل و بیان را محدود میکند و نه آن‌کس و نیرو که به تجدید آزادیها اعتراض میکند. اکثریت نیز می‌تواند تفرقه افکن باشد و امروزه شاهد سرکوب و تفرقه افکنی تحت نام و با توجیه اکثریت و اعتقادات مذهبی هستیم. فراموش نکنیم که مبارزات دموکراتیک امروز ادامه مبارزات گذشته و ضمناً ادامه مبارزات مصدق و توده‌های مردم در زمان اوست.

ما بر این اعتقادیم که هیچ حکومت موقت انقلابی بدون شرکت بلافاصله و بلاواسطه کارگران و زحمتکشان نمی‌تواند حکومت انقلابی و مردمی باشد، ما بر این اعتقادیم که سوراها و انجمنها و کمیته‌های خودگردان مردمی تنها ارگانهای تعیین تکلیف مسائل سیاسی و اجتماعیند، ما میدانیم که انقلاب به دستور و فرمان صورت نمی‌گیرد و بادستور و فرمان رهبر یا رهبران بانجام نمی‌رسد و انقلاب سیاسی مردم ادامه دارد چرا که ارتش سلسله مراتبی و ارتجاعی، پلیس و تظاهرات استبدادی و بسیاری نمودهای کهنه و ارتجاعی بزندگی خود ادامه میدهد. ما طالب دموکراسی واقعی، دموکراسی که تعیین تکلیف مستقیم توده بدست توده و در روند خودآگاهی توده صورت می‌گیرد هستیم ما موافق رفراندوم واقعی - لیکن نه رفراندوم انتخاب میان سلطنت مشروطه و جمهوری اسلامی می‌باشیم. صراحت و شهامت ابراز نظریات شرط اول احترام به دموکراسی است و ما می‌گوئیم که برای آزادیهای واقعی دموکراتیک و احترام به حقوق اقلیت و مبارزه با استفاده سرکوب‌گرانه از رأی اکثریت نیز مبارزه میکنیم.

مصدق هراشتباهی که داشت، دچار این اشتباه نشد که با تجدید دموکراسی میتوان به عدالت اجتماعی رسید و یاد او را ما با خواست مبارزه برای آزادیهای سیاسی دموکراتیک همپا گرامی میداریم. اتحاد برای گسترش حقوق و آزادیهای توده.

درود بر مصدق

همه قدرت بدست توده‌ها

جمعیت آزادی

۹ اسفند ماه ۵۷

به عنوان قدمی در این راه حزب آزادیخواه ایران بانظرمتخصصین شرع و عرف، قانون اساسی پیشنهادی خود را برای سیستم جمهوری اسلامی تهیه و در هفته آینده منتشر خواهد ساخت. امید است کلیه دستجات سیاسی و دانشگاهی نظرات خود را در مورد این طرح ابراز دارند .

۶- با پیشروی به سوی انتخابات مجلس مؤسسان اهمیت تشکل هرچه بیشتر احزاب و گروههای مشابه المرام به صورت یک جبهه واحد فزونی می یابد. حزب آزادیخواه ایران با کلیه احزاب و دستجاتی که انقلاب مشروطیت ایران را سرآغاز ، نهضت ملی ایران را پاسدار و انقلاب ملی اسلامی ایران را متمم قیام ملت برعلیه استبداد ، استعمار و فساد میدانند و به اصول:

تمامیت ارضی و استقلال کشور،

عدم وابستگی به سیاست های خارجی،

حاکمیت ملی و حکومت اکثریت - و نه استبداد اکثریت ،

حکومت قانون و منشور حقوق بشر،

معتقدند آماده مذاکره جهت تشکیل جبهه واحد است.

از کمیته برگزار کننده این مراسم و سران نهضت ملی ایران خواهانیم که برای دعوت و تشکل این جبهه واحد اقدام نمایند تا در انتخابات مجلس مؤسسان برای تنظیم قانون اساسی جمهوری اسلامی و سپس انتخابات مجلس شورای ملی از تشکلت آرائی که ممکن است خدای ناکرده بروز کند جلوگیری گردد.

درود مجدد به روان پاک دکتر محمد مصدق رهبر نهضت ملی ایران ، درود به شادروان دکتر حسین فاطمی شهید، یار وفادار مصدق درود به روان دکتر علی شریعتی ، پرچمدار نهضت مقاومت ملی .

بنام خدا

بعد از بیست و پنج سال استبداد و اختناق و محو آزادیها و منع تشکیل اجتماعات و حتی برپایی اینگونه مراسم یادبود، امروز ملت ایران که به پیروزی بزرگی دست یافته و شاهد آغاز دوران بازسازی انقلاب اصیل و مردمی خود میباشد این امکان را یافته است در این مکان که شاهد سالهای رنج و خاموشی رهبر عالیقدر و مبارز آشتی ناپذیر با استعمار و استثمار بوده گرد هم آید و بتلافی آنهمه سکوت و اختناق فریاد تأییدی خود را نسبت بمبارزات ضد امپریالیستی شادروان دکتر محمد مصدق بگوش جهانیان برساند.

در تمام دوران طولانی رژیم مختنق و مطرود گذشته ارتباط آزاد اندیشان آگاه و مبارزان راه آزادی و استقلال ایران هیچگاه با رهبر عالیقدر خود و علیرغم سختگیریها و تعقیبهای پلیس قطع نگردید و نهضت رادیکال ایران همواره این ارتباط و بهره گیری از راهنماییها و برداشتها و اندرزهای ارزنده این رهبر بزرگ را حفظ نموده و از آن بهره ها گرفته است . اکنون باز وظیفه دینی و ملی و اجتماعی و سیاسی خود میدانند در کنار این مزار مقدس یکبار دیگر تعهدات و اهداف آن رادمرد بزرگ را بیان داشته و خود را در راه به ثمر رسانیدن آنها ملزم نمایند .

ما تعهد میکنیم که از همه آزادیهای مردم ایران بطور کامل و خدشه ناپذیر حراست کنیم، ما تعهد میکنیم که با هرگونه استعمار و با هر شیوه ای که به استثمار امکان خودنمایی بدهد بمبارزه برخیزیم ، ما تعهد میکنیم که از تمامیت و تجزیه ناپذیری کشور تاحد فداکاری و جانبازی دفاع نمائیم، ما تعهد میکنیم برای سازماندهی حکومتی صالح و عادل و آزاده و بر مبنای مشارکت جدی و واقعی مردم از هیچ کوششی دریغ نوزیم، ما تعهد میکنیم که حراست از دستاوردهای راستین انقلاب اسلامی ملت ایران را که بحق مکمل نهضت ملی ایران به رهبری آن رادمرد بزرگ است و همت خود قرار داده و قول میدهیم که برطبق خواسته آن رهبر

بزرگ در ایجاد وحدت عمل میان سازمانهای سیاسی اصیل و ملی به مجاهدت خود ادامه دهیم و از هرگونه سازش و فرصت طلبی پرهیز جوئیم.

درود به روان پاک دکتر محمد مصدق رهبر بزرگ نهضت ملی ایران
نهضت رادیکال ایران

گروه سیاسی باختر امروز

(وابسته به جبهه ملی ایران)

دوازدهمین سالگرد درگذشت پیشوای خود دکتر محمد مصدق را به مردم مبارزیکه تحت تعالیم عالیه آن رهبر اندیشمند بر رژیم طاغوتی و اهریمن فساد و قباوسی پیروز شده‌اند صمیمانه تسلیت عرض نموده به تربت پاک پیشوا سوگند میخوریم که تا آخرین نفر - تا آخرین نفس - راه مصدق را ادامه دهیم.

پیام حزب پان ایرانیست

هم میهن

امروز پس از گذشت سالها ، به انگیزه بزرگداشت خاطره‌ی مردی در اینجا گرد آمده‌ایم ، که در یکی از تیره‌ترین ایام زندگی ملت ایران ، پرچم رزم ضد استعماری این ملت بزرگ را برافراشت . بدنبال یکصد و پنجاه سال تجزیه‌ی سرزمینهای ایرانی ، غارت و چپاول منابع عظیم این ملت سکوت و بالاخره همگامی و همکاری هیأت‌های فاسد حاکمه با عوامل تجزیه ، غارت زدگی و

استعمار ملت ایران، دگر بار ایرانیان بپا خاستند و نبردی عظیم و همه جانبه را علیه‌ی همه‌ی نیروهای جهانخوار و همه‌ی نیروهای چپ و راست ، براه ناسیونالیسم ملت ایران آغاز کردند.

درفش این مبارزه‌ی بزرگ میهنی که پان ایرانیست‌ها با همه‌ی وجود و توان خود در کنار دیگر نیروهای مبارز ملی و در صف نخستین آن قرار داشتند به کف مردی سپرده شده بود که تاریخ و سرنوشت او را برای انجام این رسالت بزرگ برگزیده بود.

ملت ایران نه فقط میخواست نفوذ استعمار انگلیس را از سرزمین خود براندازد ، بلکه خواهان همه‌ی حقوق تاریخی و غارت - شده خود بود .

ملت ایران ، در میان کارشکنی‌ها و تفرقه افکنی‌های هیأت فاسد حاکمه و نیروهای سرسپرده‌ی چپ و راست استعمار ، اعلام داشت: مرگ بر امپریالیسم، روس ، انگلیس و امریکا .

امروز نیز پس از گذشت نزدیک به سه دهه ، پان ایرانیست‌ها بهمان راه روان‌اند. ما اعلام میداریم که از نظر ملت ایران ، همه‌ی قراردادهای اسارت آور ارضی ، سیاسی ، اقتصادی و نظامی که میهن بزرگ و یکپارچه‌ی ایرانیان را به تجزیه و ضعف و زبونی کشیده است ، هیچگونه ارزشی ندارد. ما بار دیگر با صدای رسا اعلام میداریم که ملت ایران خواهان کلیه‌ی حقوق از دست رفته‌ی خود میباشد .

درود بروان مصدق مبارز راه سرفرازی ، بزرگی و وحدت ملت ایران. درود به روان رزمندگان حزب پان ایرانیست که در راه مبارزه‌ی ملی شدن صنایع نفت ایران، به افتخار شهادت نائل آمدند. شادباد، شادباد، شادباشید ، ای شهیدان راه ایران که بقرنها در دل دشتها، کوهها و دریا‌های میهن بخون خود کفن پوشیده و خفته‌اید . نام شما و یاد شما ، افتخار ماست و درس زندگی ما .

ایران بزرگ - آرمان بزرگ میخواهد
پاینده ایران

پیام جمعیت مسلم آزاد

مصدق ، رهبری بزرگ و سرمشقی برای جهان سوم

خاطره‌ای از روحیه ضد استعماری دکتر مصدق
اکنون ، چه باید کرد؟

دکتر مصدق ، رهبری بود که ایران را ، این نام شکوهمند و پرارزش را بگوش جهانیان رسانید و مردم و دول جهان متوجه شدند وطن ما ، آن بیغولۀ گمنام و مخروبه استعمارزده‌ای که سلسله مزدور پهلوی ، آنرا قلمداد کرده بود نیست ، آری دکتر محمد مصدق - پیشوای پرافتخار و شریف ایران را هنگام ارزیابی شخصیت‌های درجه اول جهان ، بایستی براساس خدمت بالا شناخت و معرفی کرد ، رجلی بود که ملتی و کشوری را :
اولا - به‌درستی بجهان شناسانید و کشوری را که تقریباً گم شده بود شناسنامه‌ای پرافتخار برایش تهیه کرد .

ثانیاً - با شهامت و صلابت و درایت در برابر استعمار انگلستان و استثمار شرکت‌های نفتی ایستاد و از هیچ تهدیدی نترسید و با هیچ فریب و کلکی نتوانستند منحرفش کنند ، و با دامن پاک و تاکتیک صحیح ، صنعت نفت ایران را ملی کرد .

ثالثاً - کشورهای اسلامی و سایر کشورهای مشرق زمین را تکان داد و نهضت‌های ملی آنانرا به پیروزی ، امیدوار کرد ، حرکت - های انقلابی الجزایر ، مصر ، فلسطین ، عراق ، اندونزی ، هند و غیره را سرعت بخشید و سرمشق ، داد و این بود راز کینه‌ای که استعمار - گران و صهیونیست‌ها و نوکر رذل آنان ، شاه سابق ، با او داشتند و دیدیم که باوجود ضربه‌ای که با کودتای ننگین ۲۸ مرداد در ایران و تجاوز مزورانه و بیشرمانه ۱۶ خرداد ۴۶ به فلسطین و سوریه و مصر ، و به دنیای عرب و اسلام و مشرق زدند (البته ضربات دیگری هم میدانید وارد آوردند) ولی نتوانستند ملل اسلامی و شرقی را خفه کنند و درحال ذلت و ضعف نگاهدارند چونکه رجالی چون محمد مصدق و جمال عبدالناصر و احمد سوکارنو و یاسر عرفات و لعل نهر - با فداکاری و هوشیاری و با همکاری مردم و با استفاده از رویه موازنه منفی در سطح جهانی - مردم را بسیج کردند و در سطوح

مبارزه ، نگاهداشتند ، و بالاخره رهبرانی چون امام خمینی و حضرت آیت‌الله طالقانی و سایر رهبران مبارز اسلامی و سیاسی رشته جهاد مقدس را در ایران بدست گرفتند و همگام با سازمان آزادی - بخش فلسطین و امثال آن ، پیروزیهای شادی بخش کنونی را علیه استعمار و استبداد و صهیونیسم ، بکف آوردند .

پیروزی «راء مصدق» در ۲۷ سال قبل ، حساسیت عجیبی در استعمارگران و شکنجه‌گران آنها در ایران ، بوجود آورده بود و نام «ملی کردن» همچون عقرب جراری بود که آنان را میگزید و بیاد دارم بسال ۱۳۳۵ که مرحوم عبدالناصر کانال سوئز را ملی کرد و جمعیت مسلم آزاد اعلامیه مفصلی در توجیه و تأیید آن منتشر کرد و نگارنده ، زندانی و دادگامی شدم در هنگام پرونده خوانی ملاحظه شد که دادستانی ارتش یعنی سرلشکر آزموده با خط قرمز در زیر جملات پائین ، علامت گذارده است :

«دراین زمان که ملی شدن منابع ثروت ، مورد توجه ملل جهان سوم قرار گرفته ، اکنون که جمهوری متحد عرب ، کانال سوئز را ملی کرده است...» و آزموده و بختیار و اربابان آنها با تاکید به این جملات ، نشان دادند که تاچه حد با «ملی کردن» ها کینه دارند و از آن میهراسند .

رابعاً - اعتقادات اسلامی دکتر مصدق عمیق بود لذا علاقه شدیدی به نجات اراضی مقدس اسلامی داشت ، در سنوات سیاسی که این رجل حقیقی در احمدآباد محبوس بود ضمن یکی از نامه‌هایی که برای ایشان فرستادم کتاب سرگذشت فلسطین را هم اهداء نمودم و چیزی نگذشت که چکی بوسیله آقای دکتر غلامحسین مصدق فرستاده و طی نامه‌ای خواستار شدند که باآن تعداد زیادی سرگذشت فلسطین بخرم و به مردم بدهم تا بخوانند و از جنایات اسرائیلی‌ها و حامیانش ، و از ستم‌دگی و قهرمانی مسلمانان عرب فلسطینی ، آگاه شوند و هم‌اوپوکه هیئت نمایندگی سیاسی اسرائیل را از ایران اخراج کرد . البته شواهد از علایق اسلامی دکتر مصدق هست که در کتابی که باید منتشر شود و ذکر خواهد شد و این حقیقت ، علیرغم کوششی است که استعمارگران از سی و چند سال پیش برای بیدین قلمداد کردن وی بکار میبردند و خنده‌آور است و شاید باور نکنید که در همان سی و چند سال قبل ، یک آخوندنمای متنفذ میگفت و

مینوشت که چون دکترای دکتر مصدق در رشته علم حقوق میباشد، پس او بیدین است! از این تلاش‌هایی که از همانوقت شروع شد معلوم میشود انگلستان از همانوقت برای بدنام کردن دکتر مصدق، باین تشبثات دست می‌زده چون باتوجه به:

- سوابق کارهای سیاسی و اجتماعی مصدق از ابتدای انتخاب شدن رضا پهلوی از طرف محافل استعماری بمنظور تاراج کردن ایران.
- نقشه‌های درازمدت استعمارگران و کوشش آنان برای بی‌اثر کردن رجال آگاه و مخلص و دلسوز، لازم میدانسته‌اند که ذهن عامه مردم را معشوش نمایند و متأسفانه دیدیم که از همین طرحهای شیطنانی و اغفالگرانه، نتایج مطلوب را در جهت غارت و کشتار مردم ایران و فلسطین و عراق و لبنان و الجزایر و غیره، و چپاول میلیاردها لیره و دلار از ملل ایران و فلسطین و عربستان سعودی و غیره، بدست آوردند و چقدر باستقلال و آزادی این ملل، و به ناموس و شرف و دین و اخلاق آنان لطمه‌ای شدید وارد کردند، اما خدا را شکر که بالاخره در ایران و در موارد متعدد دیگری، شکست خوردند و این پیروزیها و شادی‌های ما، و این امکانی که برای تجلیل از دکتر محمد مصدق پیدا کرده‌ایم. نمونه‌ای از آنست.

صریحاً می‌گوییم و اعتراف می‌کنم که ما مردم ایران، حق مصدق را مراعات نکردیم و در دوران چندین ساله تبعید و فشاری که به این رجل مخلص و شکیبا و خدمتگزار به جهان اسلام و به مردم مشرق زمین، روا داشتند (اگرچه اختناق از حد گذشته بود)، میبایست ما تکان مؤثری می‌خوردیم و نمی‌گذاریم رژیم پلید پهلوی بوسیله تعدادی ساواکی و عده‌ای از گروه‌بانه‌های کذائی به محاصره او ادامه دهند. هم‌اکنون پیام نگارنده اینست که با تجلیل و تقدیر از این قهرمان، و با سرمشق گرفتن از صلابت و شجاعت و استقامت او، و با حفظ همبستگی ما همه مبارزانی که رژیم چندش‌آور و ننگین سابق را بگور فرستادیم، گذشته را جبران خواهیم کرد و دست - آوردهای مقدس و گرانبغری را که با خون عزیزان خویش حاصل شده است محافظت مینمائیم، و اکنون که از حکومت و سلطه فواحشی که از نام تمدن بزرگ و از اسم اسلام، سوء استفاده می‌کردند، رها شده‌ایم، با بیداری و شکیبائی، بقایای آن حکومت را ریشه کن می‌نمائیم و سعادت و استقلال و آزادی و ترقی خود را

در سایه جمهوری عدل اسلامی تأمین میکنیم.

دروود بر روان دکتر مصدق - مستدام باد پیروزی مردم ایران
برهبری امام خمینی - پاینده باد ایران مستقل و آزاد - برقرار باد
همبستگی ما با کشورهای غیرمتعهد و ملت‌های اسلامی - نابود باد
استعمار و استبداد و صهیونیسم.

شیخ مصطفی رهنما
بانی جمعیت مسلم آزاد

پیام جامعه سوسیالیست‌های نهضت ملی ایران

در دوازدهمین سالروز درگذشت رهبر مبارزه‌ی ضد استعماری ملت ایران، دکتر محمد مصدق، خاطره‌ی او را گرامی می‌داریم و بر مزارش گرد می‌آئیم تا پیمانی را که برای پاسداری آزادی و مبارزه با استبداد و امپریالیسم با او بسته بودیم تجدید کنیم.

در سپیده دم پیروزی انقلاب ایران نام بی‌زوال او را با صدای بلند بر زبان می‌آوریم به این امید که پرچم انقلاب همچنان افراشته بماند و باد مسموم خشک اندیشی‌ها و انحصار طلبی‌ها شکوفه‌ی انقلاب را نخشکاند. درست در این سپیده دم پیروزی انقلاب است که باید راهی را که او رفعت ببیماییم و آن سرمشق آزادگی و دموکرات منشی را دلیل راه خویش قرار دهیم، چرا که آنچه انقلاب ایران را بیش از هر چیز دیگر تهدید می‌کند خشک اندیشی و انحصار طلبی است. بزرگان راستین سرمشق‌هایی هستند که در هر زمانه از جهتی می‌توان از آنان الهام گرفت و رودخانه‌هایی هستند که می‌توان از هر جایشان آب برداشت. دکتر محمد مصدق آن بزرگمرد راستین درست مظهر نیازکنونی انقلاب ایران است:

زهر بهر دشمن و مهر بهر دوست.

و اینک نسل جوانی که تنها تصویر او را دیده است از نسل گذشته می‌پرسد: خانه‌ی دوست کجاست؟ و پاسخ این است: در قلب همه‌ی فرزندان راستین خلق و نیز در احمد آباد.

جامعه‌ی سوسیالیست‌های نهضت ملی ایران

۱۴ اسفند ماه ۱۳۵۷

پیام حزب توده ایران

دروود به خاطرۀ تابناک دکتر محمد مصدق

هم‌میهنان گرامی! هواداران راستین راه مصدق، مبارزان ضد-امپریالیست!

چهاردهم اسفند ماه همه نیروهای ضدامپریالیست و مبارزایران سالگرد درگذشت دکتر محمد مصدق، رجل برجسته جنبش ضد-امپریالیستی ایران و پیشوای نهضت ملی‌شدن نفت را، برای نخستین بار در شرایط آزادی برگزار می‌کنند.

دکتر محمد مصدق یکی از بزرگمردان تاریخ معاصر ایران است که بیش از نیم قرن درمواضع ضداستعماری و دموکراتیک استوار ایستاد و برای تأمین استقلال ملی و سربلندی و آزادی مردم ایران رزمید. خاطرۀ او برای همه مبارزان و انقلابیون، صرفنظر از وابستگی سازمانی و ایدئولوژیک گرامی است.

حزب توده ایران از نخستین روزهای تأسیس خود با دکتر محمد مصدق و یارانش در سنگر مبارزه پیوند یافت. ما در صف واحدی علیه عمال سیاه ارتجاع و استعمار انگلیس به سرکردگی سید ضیاء رزمیدیم و پیروز شدیم. ما مشترکاً علیه مستشاران مالی خرابکار آمریکایی به ریاست میلیسیو رزمیدیم و پیروز شدیم؛ ما متحداً برای ویران کردن کامل پایه‌های استبداد دربار خیانت پیشه پهلوی و تأمین دموکراسی در کشور و به‌خاطر پاکسازی دستگاه دولتی از عناصر فاسد و عمال امپریالیسم و ارتجاع‌کوشیدیم و به موفقیت‌های ارزنده‌ای رسیدیم. در زمان نهضت ملی‌شدن نفت نیز باوجود دشواری‌ها و به‌رغم تلاش پلید خرابکاران و عمال امپریالیسم که زهر عدم اعتماد در صفوف نهضت می‌پاشیدند، در لحظات حساس در کنار هم قرار گرفتیم، گام به گام به هم نزدیکتر شدیم، تا جایی که در مرداد ۱۳۳۲ به همکاری وسیع و درک متقابل دست یافتیم و پس از کودتای خائنانۀ ۲۸ مرداد در رنج‌ها و سختی‌های ناشی از آن شریک شدیم. شادروان حسین فاطمی، یاروفادار مصدق و فرزند شایسته خلق ایران در آن روزهای دشوار در آغوش حزب توده ایران پناه جست و خون پاک او با خون سیامک‌ها و

و مبشری‌ها و دهها مبارز توده‌ای دیگر درآمیخت.

بزرگترین درس تاریخ پرفراز و نشیب نبردهای گذشته همین جاست: «وجود دشمن مشترک، اتحاد نیروهای ضدامپریالیست را الزماً ایجاب می‌کند. این نیروها خواه ناخواه در عرصه سیاست با یکدیگر تماس می‌یابند. اتحاد آنان امری منطقی و ضامن پیروزی است. عدم تفاهم و تفرقه آنان غیرمنطقی، جدا از زندگی و عامل شکست است.»

ما خاطرۀ همکاری‌های پرثمر با مصدق و یاران صدیق او را همواره گرامی داشته‌ایم و گرامی می‌داریم و به نوبه خود آماده‌ایم که این همکاری‌ها را در سطح به مراتب وسیع‌تر ادامه داده و بر پایه تفاهم عمیق و بر مبنای استراتژیک و دراز مدت استوارکنیم. امسال سالروز مصدق در شرایطی برگزار می‌شود که مردم قهرمان ایران زیر رهبری حضرت آیت‌اله خمینی به بزرگترین پیروزی ضد استعماری و دموکراتیک دست یافته‌اند. رژیم جبار و دست‌نشانده پهلوی سرنگون شده و افق وسیعی برای تکامل سالم جامعه ایران گشوده شده است. این پیروزی بزرگ خلق - الساعه نیست، حاصل قهرمانی‌ها و فداکاری‌های عظیمی است که مردم ایران طی دهها سال نبرد نابرابر با امپریالیسم و ارتجاع داخلی به انواع اشکال ازپیش برده‌اند. مبارزات امروز دنباله مستقیم مبارزات گذشته است. به این معنا در پیروزی کنونی مردم ایران دکتر محمد مصدق سهمی به‌سزا دارد. واگرچه امروز یادبودش را بر مزار او برگزار می‌کنیم، این بزرگمرد ضدامپریالیست و دموکرات به‌پاس خدمات ارزنده‌اش زنده و در نهضت کنونی حاضر است.

جنبش ضدامپریالیستی و دموکرات ایران برای رسیدن به پیروزی راه دشوار و پررنجی را پشت سر گذاشته است و تجربه‌هایی بس غنی اندوخته است. بزرگترین این تجربه‌ها اینست که دشمن‌را دست کم نگیریم. درست است که دنیای امروز نسبت به ۲۵ سال پیش تغییر اساسی کرده و تناسب نیروها به‌طور کیفی به سود نیروهای صلح، سوسیالیسم و علیه امپریالیسم برگشته است، ولی با این حال دشمن قوی و حیله‌گر است و با تمام قوا علیه مردم ایران توطئه می‌چیند. فعالیت متشکل خرابکارانه و مسلحانۀ ساواک و مأمورین سیا و اسرائیل تنها بخش بسیار

جزیی و فقط سایه‌ای از توطئه‌های بزرگ امپریالیسم جهانی به سرکردگی امپریالیسم آمریکاست. تجربه تلخ گذشته به ما هشدار می‌دهد که بیدار باشیم و برای بازگشت ناپذیر کردن پیروزی‌ها متحداً بکوشیم.

دوران سازندگی دوران دشواری است. باید چنان برنامه دقیق و سیاست دموکراتیک روشنی داشت که نیروی همه طبقات و اقشار ضد امپریالیست و مترقی جامعه را تجهیز و متحد کند. پیروزی انقلاب ایران تاکنون حاصل اتحاد عمل نیروهای انقلابی بوده و تحکیم پیروزی‌های به‌دست آمده و ادامه پیروزمندانه انقلاب به‌طریق اولی موکول به اتحاد گردان‌های گوناگون انقلابی است.

حزب توده ایران که همواره منادی اتحاد نیروهای ملی و دموکراتیک بوده، در این لحظه حساس تاریخ کشور دست دوستی خود را به سوی همه نیروهای ضد امپریالیست دراز می‌کند. ما اتحاد این نیروها را در درجات گوناگون امری ضرور می‌دانیم و معتقدیم که لحظه آن فرا رسیده است که جبهه متحدی برپایه برنامه روشن و مشترک برای پاسداری انقلاب و ادامه پیروزمندان تشکیل شود. ما برنامه خود را برای چنین جبهه‌ای تنظیم کرده‌ایم و برای هر نوع گفت و شنود خلاق و سازنده آماده‌ایم. بگذار نیروهای انقلابی ایران در محیطی سالم، کارآمد و دوستانه هم‌دیگر را دریابند. همکاری آنان در عرصه سطحی باشد به سود انقلاب و تفرقه به زیان آنست.

هواداران راستین مصدق! دوستان عزیز!

نقشی که شما در نبرد ضدامپریالیستی و دموکراتیک ایفا کرده‌اید ارزنده است. حزب توده ایران به همراه شما و همصدا با شما به روان پاک مصدق درود می‌گوید و برای شما در نبرد ضد-امپریالیستی و دموکراتیک موفقیت‌های بیشتری را آرزومند است.

کمیته مرکزی حزب توده ایران

۸ اسفند ۱۳۵۷

پیام سازمان توفان

۱۴ اسفند سالروز وفات دکتر محمد مصدق رجل سیاسی و مبارز ایران فرا رسیده است. پایداری و استقامت مصدق در مبارزه بر علیه سیاست استعماری دولت انگلستان در مسئله نفت، و پافشاری بر روی شعار ملی کردن صنایع نفت در سراسر کشور او را به حق از اعتبار و محبوبیت در بین اقشار وسیع مردم برخوردار ساخت. نهضت ملی کردن صنایع نفت که در بطن مبارزه ضداستبدادی و ضد امپریالیستی مردم در آن دوران شکل گرفت و به ملی شدن صنایع نفت انجامید، بر اثر توطئه‌ها و نقشه‌های آشکار و نهان عوامل استعمار داخلی و خارجی و عدم هشیاری و اعتقاد دولت ملی در مسلح کردن مردم و تکیه بر آنها، سرانجام از پای درآمد و شاه متواری دوباره بقدرت رسید. در این ایام که انقلاب ایران بابیرون راندن شاه، نفی سلطنت و رژیم شاهنشاهی به استقرار یک دولت ملی انجامیده است، بهترین پیام و ارزنده‌ترین درود به روان پاک مصدق کرشش در بکار بردن تجارب گرانبهایی است که منجر به سقوط دولت ملی وی بدست شاه خائن و اربابان اوشد.

امروز جای این مرد بزرگ و همه درگذشتگان و شهدای راه آزادی و استقلال ایران در میان ما خالیست. آنها رفتند اما نام و مبارزه آنها همواره ماندنیست.

یادش گرامی و خاطره‌اش جاودانه باد

سازمان مارکسیستی لنینیستی توفان

۱۴ اسفند ماه ۵۷

پیام سازمان جوانان انقلابی

هموطنان عزیز: سلامهای گرم ما را بپذیرید.

امروز سالگرد درگذشت یکی از عزیزترین مردان تاریخ مبارزات ضد ارتجاعی و ضد امپریالیستی میهن خود را گرامی میداریم. دکتر محمد مصدق نه تنها در تاریخ مبارزات ضد امپریالیستی میهن ما نقش عظیم داشته بلکه مبارزات و عقاید او جای ویژه‌ای در مبارزات ضد ارتجاعی و ضد امپریالیستی دنیا بویژه خاورمیانه داشته است. در چنین روزی که یاد بزرگ مرد تاریخ ایران را زنده میداریم در روزی که به درستی آنرا آستانه‌ی پیروزی انقلاب عظیم ایران به رهبری امام خمینی نام نهاده‌ایم و رگهای جوشان این پیروزی را خون شهدای عزیز پرکرده است واقعاً جای عزیزان شهید راه آزادی و استقلال ایران خالی است.

زندگی و مبارزات دکتر مصدق پیروزیها و شکست او پر از درس و رعنمود برای ما ادامه دهندگان راه آزادی و استقلال است. مصدق بما آموخت که مرحله از زندگی باید توأم با مبارزه برای آزادی و استقلال باشد. هیچ چیز در دنیا عزیزتر از آزادی و استقلال نیست. او گفت «اگر قرار باشد در خانه‌ی خود آزادی عمل نداشته باشیم و بیگانگان بر ما مسلط باشند... مرگ بر چنین زندگی ترجیح دارد و مسلم است که ملت ایران با آن سوابق درخشان تاریخی و خدماتی که به فرهنگ و تمدن جهان کرده است مرکز زیر بار این ننگ نمیرود».

مبارزات مصدق بما آموخت که مبارزه علیه امپریالیسم باید همراه با مبارزه‌ی قاطع و آستی‌ناپذیر علیه ارتجاع داخلی یعنی دربار باشد. او لحظه‌ای از افشاگری و مبارزه علیه مرکز و ستاد ظلم و ستمهای داخلی یعنی دربار پهلوی غافل نشست. او بموقع و بدرستی توده‌ی مردم را متوجه منبع اصلی بدبختیهایشان نمود. و این درس مهم بود که نسل مبارزان بعدی در اتحادی بی‌تظیرونابودی رژیم منفور پهلوی را سرلوحه برنامه‌ی خود قرار دادند و تا نابودی آن اسم پیروزی برانقلاب خود نهادند.

مصدق بما آموخت که مبارزه را تا به آخر ادامه دهیم و مرکز

در نیمه راه بازنیایستیم. او ایمان داشت ملت غیور و بالیمان ایران بعد از او مبارزه بخاطر استقلال و آزادی را تا پیروزی ادامه خواهند داد. او گفت «چه زنده باشم و چه نباشم امیدوارم و بلکه یقین دارم که این آتش خاموش نخواهد شد و مردان بیدار کشور این مبارزه‌ی ملی را آنقدر دنبال میکنند تا به نتیجه برسند».

مصدق بما آموخت که چگونه باید از طریق شناخت و تشخیص عمده و مبرمترین تضاد موجود جامعه و تعیین شعاری راستین توده‌های میلیونی مردم را بسیج نمود تا ضربه‌ی مهلک و تعیین کننده بردشمن وارد نموده و او را نابود کرد. دکتر مصدق بعد از سالیان دراز مبارزه‌ی پر حماسه بموقع بمنظور ضربه‌ی نهائی به امپریالیسم انگلیس شعار ملی کردن صنعت نفت درسراسر کشور را مطرح نمود. برگرد این شعار توده‌ی عظیم مردم بیخواستند و سلطه‌ی امپریالیسم انگلیس را در ایران نابود نمودند.

مصدق بما درس فداکاری را در راه آزادی کامل وطن آموخت. او گفت «من میخواهم در راه وطن شربت شهادت را بچشم من میخواهم در راه وطن بمیرم... من تا آخر عمر برای دفاع از وطن حاضر میباشم».

مبارزات مصدق بما آموخت که مبارزه برای استقلال میهن به آسانی بدست نمیآید. وقتی ضربه‌ی مهلک به امپریالیسم عمده در کشور خود وارد میکنیم. این امپریالیسم بعناوین مختلف سعی میکند که قدرت از دست رفته‌ی خود را باز یابد و از هیچگونه جنایتی در این راه فروگذار نیست. و درسی مهمتر از این: هنگامیکه امپریالیسم عمده در کشور ضربه میخورد و سلطه‌ی آن نابود میشود امپریالیستی دیگر امپریالیستی نخواستند و چه بسا باندازه‌ی کافی شناخته نشده با رنگ و نقاب فریبنده سعی مینماید جای امپریالیسم قدیم را بگیرد. و این آنچه‌ی است که با کودتای ننگین ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ اتفاق افتاد. ما از آن درس عبرت لازم را گرفته و امروز آماده‌ایم با نثار جان خود از وقوع چنین اتفاق شومی بطور حتم جلوگیری کنیم.

ما سازمان جوانان انقلابی با تمام خلقهای زحمتکش ایران عهد می‌بندیم که از تجارب غنی تاریخی آموزشهای لازم را گرفته و در پیشبرد امر انقلاب آنها را بکار ببریم. ما به روان پاک بزرگ مرد

تاریخ ایران - دکتر مصدق - و خون شهدای راه آزادی و استقلال
قسم میخوریم که تا پیروزی نهائی و تا رهائی کامل ایران از یوغ
استعمار و استثمار از پای ننشینیم.

- درود به رهبر عظیم‌الشان امام خمینی .
- جاودان باد خاطره میهن پرست کبیر مرد آزاده دکتر مصدق .
- جاودان باد خاطره شهیدان راه آزادی و استقلال .

سازمان جوانان انقلابی
۱۳۰۷/۱۲/۱۰

پیام سازمان انقلابی

گرامی باد خاطره دکتر مصدق

دوازده سال از خاموشی دکتر محمد مصدق رهبر ضد استعماری
و ضد امپریالیستی میهن ما میگذرد . در شرایطی عالی که انقلاب
عظیم سیاسی ایران به رهبری امام خمینی رژیم مزدور و ضد خلقی
محمد رضاشاه خائن را سرنگون کرده برامپریالیسم آمریکا ضربه‌ی
سختی وارد ساخته شرایط را برای کسب استقلال کامل و رهائی
از چنگ هر امپریالیستی مساعد نموده و بند بردگی و اسارت را از
دست و پای توده‌های میلیونی درسراسر ایران از هم گسسته است
این مراسم را برگزار میکنیم .

بزرگداشت خاطره‌ی دکتر مصدق آموختن از تجربه‌ی مبارزاتی
است که مصدق برای سالهای طولانی پرچم آنرا بدوش داشت .
تجربیهایی که امروز هم از اهمیت خاصی برخوردار است و برای
تحکیم دستاوردهای انقلاب پیروزمند کنونی باید از آنها استفاده
نمود .

دکتر مصدق میهن پرست بزرگی بود که در راه رهائی وطن با
عشق و علاقه عمیقی که به ایران داشت پرچم استقلال خواهی را
برافراشته نگهداشت و علیرغم شعار نادرست «ملی کردن صنعت

نفت جنوب» شعار درست و ضد امپریالیستی ملی کردن نفت در
سراسر ایران را مطرح نمود و ملت ایران را در کسب این پیروزی
تاریخی رهبری کرد . این پیروزی بزرگ الهام بخش مبارزات ضد-
استعماری خلقهای خاورمیانه نیز گردید و مصدق رهبر محبوب ملل
شرق شد .

با کودتای امپریالیستی و خائفانه‌ی ۲۸ مرداد و سقوط دولت
ملی دکتر مصدق جنبش ضد امپریالیستی و دموکراتیک کشور
ما وحشیانه سرکوب شد و مصدق نیز تحت فشار و شکنجه، زندان
و تبعید قرار گرفت . ترور و اختناق بیدادگری و دیگر عملیات
جنایتکارانه رژیم وطن فروش شاه و ساواک نتوانست در اراده‌ی
دکتر مصدق خللی وارد سازد . مصدق همچنانکه خود بارها میگفت
امید داشت و به این امید خود یقین داشت که آتش آن نهضت عظیم
ضد استعماری را امپریالیستها و مرتجعین داخلی هرگز نخواهد
توانست خاموش سازند .

دکتر مصدق اکنون درمیان ما نیست تا آنچه را که پیش بینی
میکرد مشاهده نماید . اما انقلاب عظیم کنونی بدون شک وصایا و
آرزوی دکتر مصدق را عملی خواهد ساخت و ایرانی آزاد ، مستقل و
مترقی بنا خواهد نمود و از اینرو باید در راه ریشه‌کن کردن نفوذ
کامل آمریکا ، شوروی ، انگلستان ، صهیونیسم اسرائیل و هر
امپریالیست دیگری پافشاری نمود . توده‌های میلیونی مردم
ستم‌دیده و زحمتکش بویژه طبقه‌ی قهرمان کارگر کشور ما بعنوان
گردان شکست ناپذیر میهن پرستان ضمن گرامیداشت خاطره‌ی
مصدق بزرگ قاطعانه بخاطر امر تحکیم و توسعه‌ی انقلاب مبارزه
کرده و آنرا ادامه خواهد داد .

گرامی باد خاطره‌ی دکتر مصدق مبارز بزرگ ملی و ضد امپریالیست
موفق باد انقلاب ضد امپریالیستی و دموکراتیک جامعه ما
مستحکم باد وحدت نیروهای استقلال طلب ایران

سازمان انقلابی

۱۳۰۷/۱۲/۱۲

بیاد مصدق

بمناسبت دوازدهمین سالگرد درگذشت رادمرد بزرگ دکتر محمد مصدق از او در آستانه پیروزی این انقلاب سیاسی که شاه خائن و سلطنت منفور پهلوی را ساقط کرد یاد میکنیم.

مصدق، آزادیخواه ضد امپریالیست پس از مبارزه علیه دیکتاتور رضاخان سالها در زندان و تبعید بسر برد و پس از شهریور ۲۰ و فرار رضاخان در دوره چهاردهم مجلس نماینده اول تهران شد و مبارزه ضد امپریالیستی و دموکراتیک خود را ادامه داد.

پس از آنکه امپریالیسم توطئه ترور شاه را در ۱۵ بهمن ۲۷ بوجود آورد و باین بهانه قلمها را شکست و دعانها را بست و عناصر ضد امپریالیست و دموکرات را بزندان انداخت. در سالهای ۲۸-۲۹ گسترش نارضائی مردم نهضتی را با شرکت توده‌های عظیم مردم به رهبری مصدق بوجود آورد که ارکان تسلط استعمار انگلیس را بلرز درآورد. این نهضت بالاخره به ملی شدن صنعت نفت و نخست وزیری دکتر مصدق منجر گردید.

در دوران نخست وزیری مصدق مردم و نیروهای مختلف از حقوق دموکراتیک بیسابقه‌ای برخوردار شدند و گامهای بزرگی برای قطع نفوذ استعمار برداشته شد.

امپریالیستها که هنوز ایادیشان و در رأس آنان شاه نابود نشده بودند به توطئه‌های بسیار برای سرنگونی مصدق و گرفتن دستاوردهای مبارزاتی مردم دست زدند. مصدق اعتقاد داشت که ارتش نقش بزرگی در این توطئه‌ها دارد و از اینرو کوشید بخاطر جلوگیری از بخش عمده‌ای از این توطئه‌ها کنترل ارتش را بدست گیرد. شاه خائن مقاومت کرد و مصدق را مجبور به استعفاء نمود ولی ملت در ۳۰ تیر ۳۱ بپاخواست و پس از دادن کشته‌های بسیار مصدق را باز به نخست وزیری برگزید اما ارتجاع چون ماری زخمی جمع شد تا در فرصت مناسبی باز زهر خود را در کام خلق ما فرو ریزد و از آنجا که تمام ارکان ارتجاع داخلی و امپریالیسم درهم ریخته نشد باوجود تصفیه نسبی ارتش، در ۲۸ مرداد با توطئه

سیا ارتش ضد خلقی توانست دیکتاتوری شاه دست نشانده را در ایران مستقر کند و مصدق و بسیاری از آزادیخواهان را به زندان بیفکند و به کشتار عناصر ضد امپریالیست چون دکتر حسین فاطمی و افسران قهرمانی مانند سخائی و سیامک و روزبه دست زند. البته نباید فراموش کرد که سکوت دولی که ادعای سوسیالیست بودن میکردند نیز از عوامل این پیروزی امپریالیسم بود.

مصدق اعتقاد داشت که ایران به ارتش بزرگی احتیاج ندارد و قصد داشت آنها را از یک ابزار ضد مردمی به ارتش کوچک و متناسبی برای دفاع از سرحدات تبدیل نماید ولی در اثر کارشکنی ایادی استعمار باین مهم موفق نگردید و از آنجا که ارتش بطور ریشه‌ای استحاله نیافت تصفیه جمعی عناصر ناپاک و خودفروخته آن نتوانست از کودتای ضد مردمی ۲۸ مرداد جلوگیری و اینبار امپریالیسم انگلیس و امریکا را بر سر نوشت مردم ما مسلط گرداند. از آن زمان امپریالیسم همچون سرطانی برمه شئون کشور مسلط گردید و در همه ارکان جامعه ما ریشه دوانید و ابزارهای سرکوب را توسعه بخشید تا جایی که با خرج نزدیک به صد میلیارد دلار ارتش ضد خلقی و دیگر ابزارهای سرکوب چون ساواک و ژاندارمری و پلیس را سازمان داد و ایران را به انبار مهمات و پایگاه ضدانقلاب در منطقه تبدیل کرد.

خلق ما علیرغم شکنجه و زندان و اعدام از کارگر و دهقان و دانشجو و روحانی سالها مبارزه کرد تا سرانجام این مبارزه تبدیل به سیلی خروشان شده بساط سلطنت کتیف پهلوی را سرنگون نمود.

اما در آستانه این پیروزی بزرگ فراموش نکنیم که شاه خائن عامل امپریالیسم جهانی و در رأس آن امپریالیسم امریکا و یاران او تنها مهره‌هایی بیش نبودند. امپریالیسم که در برابر قدرت توده‌های خلق عقب نشینی کرده دست از توطئه برنخواهد داشت. عوامل ارتجاع و سلطنت طلبان دیروزی در صفوف خلق راه یافته‌اند و خواهند کوشید با حمله به پایدارترین نیروهای ضد امپریالیست زمینه را برای تسلط کامل امپریالیسم فراهم آورند.

برای پیشگیری از این توطئه نیروهای چپ باید با حفظ موازین و هویت سیاسی تشکیلاتی خود با یکدیگر متفق شده و بعنوان

پایدارترین نیروهای ضد امپریالیست با همکاری نیروهای دموکرات و ضد استعمار به مبارزه ادامه دهند و دستاوردهای انقلاب سیاسی را نگاهداری نمایند .

تنها با انحلال ارتش ضد خلقی و تشکیل ارتش مردمی از سربازان و درجه داران و افسران انقلابی و نیروهای انقلابی خلق و حفظ و گسترش شوراهای انقلابی و استقرار حاکمیت زحمتکشان میتوان از تکرار تجربه ۲۸ مرداد ۳۲ و تجاربی چون کشتارهای شیلی و اندونزی اجتناب کرد .

پیروزی بیداد مبارزه انقلابی خلقهای ستمکش میهن ما نابود باد امپریالیسم جهانی بسرکردگی امپریالیسم امریکا گسترده بیداد اتحاد عمل نیروهای دموکرات و ضد امپریالیست ایران جاودان باد خاطره کلیه شهیدان راه استقلال و آزادی

سازمان وحدت کمونیستی

۱۴ اسفند ۱۳۵۷

پیام گروه زنان مبارز

دوستان و رفقای مبارز:

بزرگداشت سالروز درگذشت دکتر محمد مصدق پیکار جوی صدیق و آشتی ناپذیر راه استقلال و دموکراسی را مغتنم شمرده همراه با دروذهای بی پایان برخاطره آن رادمرد ، پیوند خود را با آرمانهای والای وی مستحکمتر ساخته ، و سوگند می خوریم:

با الهام از رزمندگی و رشادت خرنین عمه شهدای راه رمانی خلق و با اتکاء به نیروی عظیم زحمتکشان برای تحقق نهائی آزادی استقلال ، عدالت اجتماعی و محور هرگونه استعمار و ستم ملی ، طبقاتی قومی و جنسی جان برکف و دوشادوش همه نیروها و عناصر آگاه و مبارز بجنگیم .

گروه زنان مبارز

هوادار جنبش نوین انقلابی

پیام جمعیت زنان ایران

۱۴ اسفند سالروز وفات رهبر نهضت ضد امپریالیستی ایران دکتر محمد مصدق است . او را از آنجهت رادمردی بزرگ در تاریخ ایران بشمار می آوریم که علیه استعمارگران انگلیسی که سالیان سال ثروت های ملی ما را چپاول و غارت میکردند و سلطه استعمار - گرانه خود را بر میهن ما استوار گرداندند ایستاد و علیه آنان مبارزه نمود و نفت این ثروت بزرگ میهن ما را ملی کرد، او در این مبارزه بتوده های مردم تکیه کرد و پیروز شد . این واقعیت را امروز هم شاهدیم که چگونه ملت مبارز ایران تنها با اتکاء به نیروی خویش تحت رهبری صحیح آیت الله خمینی پوزة نظام شاهنشاهی را بخاک مالید .

دکتر مصدق درست بخاطر ملت دوستی و میهن پرستی بود که مورد غضب استعمارگران قرار گرفت و از آنجا که او را سر راه چپاولهای خویش میدیدند کودتای ننگین ۲۸ مرداد را ترتیب دادند و حکومت ملی او را ساقط کردند ولی تاریخ نشان داد که دکتر مصدق فرزند این ملت بود و بعد از او نیز هزاران هزار فرزند بیدار و میهن - پرست این آب و خاک تن به اسارت اجانب نداده و با مبارزات پیگیر خود بالاخره رژیم استبدادی وابسته به بیگانگان را بسزیر کشیدند و حکومت ملی خویش را به روی کار آوردند .

ما همراه ملت غیور ایران یاد این رادمرد بزرگ را گرامی میداریم و مطمئنیم که فرزندان بیدار این سرزمین همچون او پاسدار میهن و ملت خود خواهند بود و علیه نفوذ و سلطه امپریالیستها چه آمریکا، چه شوروی و چه انگلیس تا باخر خواهند جنگید .

گروه تدارکی ایجاد «جمعیت زنان ایران»

پیام زنان

امروز پیروان مصدق - دوستداران مصدق - پیوندگان راه مصدق در کنار مصدق‌اند. تجربه نشان داد که مصدق علیرغم کوششهای لجوجانه نظام استبداد در قلب ملتش زنده است.

تاریخ ثابت کرد که فشار - شکنجه - زندان و مرگ حتی اگر سالهائی بس دراز و طولانی اعمال شود نمیتواند مردم را از نیل به آزادی و دموکراسی که در سایه آن بر خورداری از کلیه حقوق انسانی برای افراد ملت تضمین شده باشد، بازدارد. و قدرت‌ها اگر در زمان فرمانروایی خود بتوانند دورانی چند برخواست‌های منطقی - انسانی - اجتماعی و سیاسی مردم قلم بطلان کشند دیر یا زود محکوم بشکست و سقوط خواهند بود. از این گذشته نه چندان دور پند بگیریم و راه پرنشیب و فرازی را که سالهاست زن و مرد خرد و کلان عارف و عامی - گارگر و دهقان - طیب و حقوقدان - کاسب و بازرگان با هم پیموده‌ایم بپایان ببریم.

امروز در کنار آرامگاه بزرگ مرد تاریخ خود یکبار دیگر باعم عهد کنیم که برای بازسازی ایران نو که در آن تمام افراد ملت اعم از زن و مرد بدون هیچگونه تبعیض بتوانند از حقوق انسانی و مدنی عدالت اجتماعی و برابری سیاسی بهره‌مند شوند متحد و متفق بجلو گام برداریم.

درد زنان و مادران ایران به روان دکتور مصدق پیشوای آزادی و آزادگی ملت ایران.

پیام انجمن ملی مهندسين ايران

بیاد مصدق

امروز چه‌ادم اسفند مصادف با دوازدهمین سالگرد وفات دکتور محمد مصدق پیشوای بزرگ ملت ایران است. خلق ید از شرکت نفت ایران و انگلیس و بالفتیجه کوتاه کردن دست امپریالیسم از منابع طبیعی این سرزمین، امپریالیسم را برآن داشت تا برای انداختن کودتای تنگین ۲۸ مرداد نهضت ضد امپریالیستی و ضد - استبدادی مردم ایران را بشکست انجامد.

از آن‌پس رژیم سرسپرده امپریالیسم جهانی کوشید که با به بند کشیدن رهبر این مبارزات کل مبارزه را سرکوب نماید. سکوت ارتجاع درمقابل مصدق و مبارزات او شیوه دیگری بود جهت دور نگهداشتن نسل جوان از محتوای مبارزاتی او، ولی از آنجائیکه مصدق تجسم آشکار اراده خلق در مبارزه علیه امپریالیسم و ارتجاع بود، و از آنجائیکه اراده خلق را هیچوقت نمیتوان برای همیشه منکوب کرد، مردم ایران در هر زمان و هر جا که توانست به اراده خود عمل نماید از مصدق و راه مصدق تجلیل نمود.

بنابراین بزرگداشت از دکتور مصدق بزرگداشت اراده خلق ایرانیست، بزرگداشت از مصدق بزرگداشت تاریخ مبارزات خلق ما و بزرگداشت آرمانهای ضد امپریالیستی و ضد ارتجاعي است.

ما بخصوص در این روزها که خلق مبارز ایران موفق به طرد استبداد محمد رضا شاهی گردیده است و در جهت قطع کامل ایسادی امپریالیسم به پیش میرود به روان پاک دکتور محمد مصدق رهبر بزرگ مبارزات ضد امپریالیستی و ضد ارتجاعي دورود میفرستیم. ما به روان کلیه شهدای راه آزادی دورود فرستاده و راه آنها را دنبال خواهیم نمود.

پیروز باد مبارزات خلق ایران علیه امپریالیسم و ارتجاع
(انجمن ملی مهندسين ايران)

بنام خدا

در آسمان بی‌ستاره ملت ایران که تاریکی اش بردل‌های خلق ستم‌دیده سنگینی میکرد و قضا را دست غارتگر اجنبی و نوکران فرومایه‌اش بر مقدرات مردم میهنمان حاکم گردانیده بود، خورشید وجود مردی درخشیدن گرفت که پرتو جاودانه‌اش فراسوی مرزهای ایران زمین را درنوردید و بردل‌های مردم محروم حرارت و گرمی بخشید و مشت گرم‌کرده ملت را چنان برده‌ان آلوده به خون خصم فریبکار کوفت که روباه مکار امپریالیسم انگلیس را راهی جز ترک صحنه سیاست ایران و قبول شکستی عظیم باقی نماند. او قلب خسته تاریخ ایران را توان بخشید و ضربان آن را به آنچنان شتابی رساند که درخشنده‌ترین برگ تاریخ ایران را به جهان عرضه نمود. مصدق سرزمین نفرین شده ایران را از چنگال طاعون تفرقه و ضعف و تباهی نجات بخشید و برای نخستین‌بار طعم میوه نهال یگانگی و توانائی ملتی را با کام او آشنا کرد. مصدق هویت راستین آزاده و مبارز ایرانی را به جهان شناساند و کوته فکری منادیان بندگی و ضعف ملت ایران را برملا ساخت. او باریکه آب‌های اعتراض و پرخاشگری را برود عظیم خشم و اتحاد ملتی از بند رها گشته مبدل ساخت و پرچم حقانیت و پیوند و یکدلی خلق میهنمان را پس از قرن‌ها سرفرونی برفراز قله‌های پیروزی برافراشت. او چون خون در رگهای ملتش جاری شد و پایمردی و آزادگی و حق‌طلبیش را در وجود آنان بودیعه گذاشت. حماسه وجود مصدق و آنچه او برای ایران کرد هرگز تالو اعجاز خود را در صفحات تاریخ این ملت از دست نخواهد داد.

آنچه او کرد و آنچه او به ملتش آموخت چون چشمه آب روانی به روزگاران خلق ستم‌دیده را سیراب خواهد کرد گواینکه تقدیر را دست منحوص خصم ملت ایران چند صباحی براین چشمه غالب گردانید. آنچه مصدق از خود به‌یادگار گذاشت دگرگونی بنیادهای فرهنگی و خودشناسی ملتی است که برای نخستین‌بار فشردن مشعل پیروزی را در دستهای پرتوانش تجربه میکرد و این بنیاد-

های نوین اساس برآوردها و استراتژی امپریالیسم زورمند خدعه‌گر را برهم زد. مصدق تبلور راستین شرف و آزادگی و مبارزه و عشق به میهن در وجود انسانی برتر بود. او نخستین تجربه موفق تاریخ است در آزمایش نهضت‌های رهائی بخش در کشوری که ترک اعتیادشان از زهری که امپریالیسم برکامشان میریخت دنیا را هرگز باور نمی‌آمد و این تجربه را با علمی‌ترین درجه موفقیت در رهائی خلق محروم و ستم‌دیده ایران رهبر بزرگ ملت حضرت آیت اله خمینی با درهم ریختن و واژگونی کامل بساط امپریالیسم و منادیان آن تکرار نمود. پیوند مصدق با مردمش جاودانه بود گرچه ناجوان-مردانه نامردمانی پیوند او را به ظاهر با ملتی که جز اویش نبود بریدند و قلم‌های حق طلب را بشکستند و فریادهای جاوید مصدق را خفه کردند. اما فریاد تل‌های شکسته ملتی هرگز در بند ستم اسیر نگشت و در خوفناکترین یورش‌های دیو ستم و استبداد بر آزادی و مردمی نام مصدق را هرگز از یاد نبرد.

اینک ای یاران من گوش کنید، که صدای اوست، که میخواند ملتش را و بیاد می‌آورد پیوندش را و میثاقی که ملت خویش را به ضمانت آن نهاده است و این صدای اوست در بیدادگاه امریمن:

«من مطمئنم که نهضت ملت ایران خاموش شدنی نیست و هرگز فراموش نکنند که سرنوشت افراد درمقابل حیات و استقلال ملل بی‌ارج و بی‌ارزش است و تنها آرزویم اینست که ملت ایران اهمیت نهضت ملی خود را بخوبی درک کنند و بهیچ صورت از تعقیب راه پرافتخاری که رفتند دست نکشند.»

پیام جمعیت حامیان صلح

فرصت را مغتنم شمرده - در مراسم بزرگداشت مصدق رجل برجسته ملی ایران که الهام دهنده ملل اسیر علیه امپریالیسم بود، پیوند خود را با آرزوهای ضد استعماری این مرد بزرگ متذکر می‌شویم. ما معتقدیم که امر صلح از مبارزه علیه استعمار و امپریالیسم جدا نیست. و باور داریم که تثبیت صلح و دوستی در سرتاسر جهان امپریالیسم تجاوزگر را مهار خواهد کرد و موانع سرکوبی نهضت‌های ضد استعماری خواهد شد و متقابلاً مبارزه علیه استثمار و امپریالیسم به صلح یاری خواهد رساند. از این رو یاد مصدق را به‌عنوان مردی که عمل و اندیشه‌اش نه‌تنها در ایران بلکه در جهان امروز در امر ترقی و صلح سهم بسزایی داشته، گرامی می‌داریم و با سایر گروه‌ها و همه ملت ایران در تجلیل و بزرگداشت این چهره ملی هم‌صدا می‌شویم!

جمعیت حامیان صلح
۱۴ اسفند ۱۳۵۷

پیام جمعیت ایرانی هواداران صلح

در این روز تاریخی که طبقات و اقشار مختلف مردم ایران بخاطر بزرگداشت مبارز بزرگ - دکتر محمد مصدق بپا خاسته و بار دیگر پیوند و پیمان خود را در مبارزه ضد استبدادی و ضد استعماری تجدید میکنند، جمعیت ایرانی هواداران صلح نیز که همواره از ارشاد و راهنمایی‌های گرانبهای آن پیشوای ملی برخوردار بوده، و سیمای محبوب و امضای مؤثرش در تائید و پشتیبانی امر صلح ذینت بخش روزنامه مصلحت (ارگان جمعیت صلح) بود، اعلام میدارد که چون روزگار گذشته همگام و عمامنگ با تمام مردم مبارز ایران در راه حفظ صلح جهانی و حمایت از ملل جنگ زده و محو آثار استبداد و استعمار از هیچ مجاهدتی فروگذار ننماید. درود بر دکتر

محمد مصدق که در راه استیفای حقوق ملت ایران از تهدید جنگ - افروزان نهراسید.

درود بر رهبر انقلاب و همه رهبران و رهروان مبارزه مردم ایران که این بار نیز از تهدید کشتی‌های جنگی سوداگران جنگ نترسیدند. آفرین بر خلق نجیب و دلاور ایران که مباشر بی‌آبروی امپریالیسم را منکوب و مخدول کرد.

پرتوان باد نیروی لایزال ملت آزاده و صلحدوست ایران در راه سازندگی وطن عزیز و محو آثار استبداد شوم شاهنشاهی و استعمار یغماگر.

دبیرخانه جمعیت ایرانی هواداران صلح
همبسته شورای جهانی صلح

پیام کارد محافظین دکتر مصدق

درود زنان و مادران ایران بروان دکتر مصدق پیشوای آزادی و آزادی ملت ایران - درود به‌روان تابناک راحمد بزرگ و قهرمان مبارزات ضد استعماری و ضد استبدادی ملت ایران و پیشگام و راه‌گشای نهضت‌های ملل ستمدیده جهان سوم علیه ظلم و بی‌دادگری هموطن در این روزهای انقلابی و سرنوشت ساز وظیفه ملی و میهنی ما حکم میکند به پاس جانبازی شهداء قهرمان و فداکاریهای ملت محروم و ستمدیده ایران در راه نیل به آرمانهای رهبر فقید و مبارز خود از انقلاب خونین ملت ایران با جان و دل پاسداری کنیم و در این راه از تجربه تلخ و دردناک کودتای ننگین ۲۸ مرداد که سرآغاز تمام خیانتها و جنایات و از دست دادن استقلال و آزادی و محرومیت و اسارت و زجر و شکنجه ملت ایران بود عبرت بگیریم و پامحاکمه خائنین و افساء نمودن حقایق کودتائی که بدست معبودی افسر خائن و مزدور و خود فروخته به بیگانه و توطئه‌ایکه در سفارت آمریکا علیه ملت ایران طرح گردید و با همکاری اراذل و اوباشهای مزدور و چاقوکشها و فواحش صورت گرفت این ننگ را از تاریخ

ملت ایران پاک ساخته و هرتوطنه را در نطفه نابود سازیم و نگذاریم همان افراد با ریاکاری و حیله و تغییر چهره در صفوف انقلاب رخنه نموده و بار دیگر به ملت و دست آوردهای انقلاب خیانت نمایند .

اکنون که در پرتو نبرد قهرمانانه ملت ایران سربلند و پیروز بر مزار مقدس رهبر ارجمندمان حضور داریم همه همکاران و محافظین جانباز و فداکار شادروان دکتر مصدق و وظیفه و مسئولیت ملی و وجدانی دارند که شجاعت و شهامت و ازجان گذشتگی رهبر فقید خویشان این ابرمرد تاریخ را در روز ۲۸ مرداد برای ثبت در تاریخ بازگو کنند و شهادت دهند تا ملت ایران بداند که این قهرمان مبارز با چه رشادت و شجاعتی تا آخرین لحظه استقامت و پایداری نمود و با وجود خیانت عده‌ای نامرد و خائن و جانی و خود فروخته زیر باران گلوله‌های توپ و تانک و مسلسل و سوراخ سوراخ شدن اتاق مسکونیش و کشته شدن دهها محافظ جانباز و فدائی لحظه‌ای در استقامت و پایداری و نبرد علیه مهاجمین بیگانه پرست تردید بخود راه نداد و اظهار میداشت که من باید در راه مبارزه ملت ایران در همین مکان شهید شوم و هرگز تسلیم نخواهیم شد .

براستی هم تسلیم نشد و شاهد صادق اعلامیه‌ای است که باوجود تمام فشار و تهدید مهاجمین خون آشام در آن لحظات خطرناک و وحشت‌آور از طرف آقایان دکتر شایگان و مهندس رضوی و مهندس حسینی و مهندس زیرک زاده و نریمان صادر گردید و دکتر محمد مصدق خود را نخست وزیر قانونی اعلام و سنگر مبارزه را رها ننمود .

ملت ایران هرگز درس شجاعت و ایمان و فداکاری و عشق‌بوطن و صداقتی را که دکتر مصدق بملت داشت فراموش نخواهد کرد زیرا راه مصدق راه وطن دوستی و افتخار و عزت و شرف انسانی است .

نماینده گارد محافظین دکتر محمد مصدق
سروان مهران فشارکی

پیام ارتش آزادیبخش خلقی ایران

درود بی‌پایان ما به قهرمان مبارزات ضد امپریالیستی ایران دکتر محمد مصدق . ما وابستگان به ارتش آزادیبخش ملت ایران یاد این چنین مردی بزرگ را که همواره از شعارهای آشتی‌ناپذیر ضد-امپریالیستی و دموکراتیک خود عدول نکرد گرامی میداریم . انسان مبارزی که میرفت تا تمام شئون اجتماعی را در جهت مناسباتی دموکراتیک دگرگون کند . انسانی که تا آخرین لحظات زندگی یک آن دست از مبارزه برنداشت .

چرا ؟ چون در عمل دیده و معتقد شده بود . تاریخ مبارزات خلقهای غارت شده و ستمدیده جهان بیانگر این حقیقت است که هیچ منطق درستی و هیچ حق مسلمی بدون مبارزه پیگیرانه و باسانی بدست نمی‌آید .

ما وابستگان به ارتش آزادیبخش خلقی ایران راه دکتر محمد مصدق را در کنار اهداف خویش میپوییم و در جهت ایجاد مناسباتی دموکراتیک در ارتش که تمامی پرسنل آن در تمام روابط داخلی ارتش نظارت فعال داشته باشند و ارتش امپریالیستی و ارتجاعی را تبدیل به ارتش خلقی کند مبارزه خواهیم کرد و تا رسیدن به این هدف مردمی ازپای نخواهیم نشست .

پیش بسوی ایجاد یک ارتش کاملاً خلقی در سراسر ایران .
درود برون پاک دکتر محمد مصدق قهرمان ضد امپریالیستی
میهن ما
پرتوان باد مبارزات متحد تمام نیروهای ضد امپریالیستی
میهن غنی و مقدس ما .

«ارتش آزادیبخش خلقی ایران»

بادرود به روان پاک دکتر محمد مصدق رهبر
نهضت ملی و ضد امپریالیستی ایران و باسناد
به گفته اش که ارتش ملی من حتی با ۵۰ هزار
نفر ارتشی کفایت خواسته هایمان را بیان
می داریم.

قطعنامه مصوبه پرسنل نیروهای مسلح

ما پرسنل اسلامی نیروهای مسلح در گردهمایی ۲۶/۱۱/۵۷ در
دانشگاه صنعتی بادر نظر گرفتن ساخت و شکل بنیادی در ارتش از رژیم
گذشته که همانا حافظ منافع امپریالیسم و مزدوران داخلی آنها
به این نتیجه رسیده ایم که به هیچ نحو چنین سیستم مرتجعی
بدون تغییر اساسی و بنیادی قادر نخواهد بود حافظ منافع ملت و
نگهدارنده سنگرهای انقلاب مردم باشد بنابراین پیشنهادات زیر
را جهت برقراری یک ارتش ملی به دولت موقت انقلابی ارائه
میدهیم:

۱- انحلال کامل ارتش کنونی و خلع ید و محاکمه کلیه امرا و
افسران و درجه داران مرتجع و تشکیل ارتش انقلاب ملی.

۲- ایجاد کمیته های انقلابی توسط کلیه پرسنل که موضع
مردمی آنها قبلاً شناخته شده است و تحت نظر هیئتی متشکل از
رزمندگان پیشتاز و روحانیت مترقی انجام وظیفه نماید.

۳- انتخاب شورای انقلابی توسط کمیته های یاد شده در بند
۲ و تعیین عناصر مبارز برای حفظ و حراست از پادگانها و کمک -
رسانی به سنگرهایی که در سطح شهر و روستاها توسط مبارزین
انقلاب حفظ میگردند.

۴- کمک گرفتن از دست آوردهای سازمانهای مسلح پیشتاز
که تجربه تئوری و عملی مبارزاتی دارند جهت سازماندهی و
مستحکم تر نمودن شکل بندی ارتش ملی.

۵- با توجه به عناصر ضد انقلابی که در مرحله امکان کار -
شکنی و درگیری مستقیم با نیروهای انقلاب را دارند لذا احتیاج

مبرم به ضمانت اجرایی جهت استقرار خواسته های بحق خود را
داریم.

۶- تسریع در مسلح نمودن عناصر انقلابی بعنوان پشتوانه ای
جهت جلوگیری از اعمال نفوذ عناصر ضد انقلابی.

پرسنل انقلابی نیروهای مسلح اعم از وظیفه و کادر

پیام همافران هوایی ملی

دکتر مصدق کسی بود که نخستین بار برای گندزدائی ارتش
امپریالیستی و استبدادی قیام کرد. مردم کشور ما با حماسه خونین
۳۰ تیر سال ۱۳۳۱ شاه خائن را بزانو درآورد ولی طولی نکشید که
امپریالیسم آمریکا با کودتای ننگین ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ دکتر مصدق
را حبس و تبعید کرد.

ما عمافران که به اعتراف همه مردم طلایه داران انقلاب ایران
هستیم در این روز بزرگ از آن پیشوا به نیکی یاد میکنیم و یقین
میدانیم روح آن مرد بزرگ شاید بیش از همه کسانی خرسند باشد
که توانستند با سرکوب کردن ارتش امپریالیسم با آرمان عالی و
دیرین پیشوا جامعه تحقق پوشانند.

مصدق گفت ملت هرجاست مجلس آنجاست.

دیکتاتور گفت هرجا من هستم ، ارتش آنجاست.

ما میگردیم ملت هرجا، ما آنجا و هرجا ما ملت آنجا.

همافران مرکز

پیام سازمان انقلابی زحمتکشان کردستان ایران

امروز برمزار مردی بزرگ گرد آمده‌ایم که خاطره مبارزه ضد امپریالیست‌تیش سالهای متمادی در اذهان خواهد ماند. او از آن جهت گرامی بود که به دو خصلت عمده آراسته بود: ضدامپریالیست و ضد استبداد.

از دوران او آزمودیم حزب توده فرصت طلب را که همواره جز دنباله روی مطلق و در نتیجه لطمه زدن بجنبش کمکی به مبارزه مردم نکرده است و در آن زمان تنها کارشان مبارزه با حکومت مصدق بود. از دوران او آموختیم خیانت‌های جناح‌های مختلف اجتماعی را مثل آیت‌اله کاشانی و غیره در دوران او دیدیم ترور هم‌رزم قهرمان دکتر مصدق را یعنی دکتر حسین فاطمی را که بدست نابکاری چون «عبد خدائی» انجام شد.

آموختیم که خلق چگونه ضربه مهلکی بر امپریالیزم زد و چگونه اعمال قدرت کرد اما هیئات که قدرت اجرایی نداشت. آری مبارزه مردم ما یک نقص بزرگ داشت:

در آن زمان جنبش به آن حد از تکامل نرسیده بود که با درک ضرورت جنگ خلقی مسلح را برای دفاع از یورش امپریالیزم آماده سازد. این چنین بود که ضد خلق پیروز شد.

سازمان انقلابی زحمتکشان کردستان ایران همراه با تمام خلقهای ستمدیده و رزمنده ایران خاطره این رادمرد بزرگ‌گرامی می‌دارد و بخاطر مبارزه ضد امپریالیستی و ضد فنودالیستی از پیروزی‌هایش می‌آموزد و از نقصهای جنبش در آن زمان درس می‌گیرد.

پیگیری و هشیاری تمام رزمندگان ضد امپریالیست و آزادیخواه ضامن پیروزی انقلاب است.

برقرار باد حاکمیت خلق.

مستحکم باد همبستگی مبارزه خلقهای ستمدیده ایران.

پیروزی‌تان را در مبارزه بر علیه امپریالیزم و استبداد آرزو می‌کنیم.

سازمان انقلابی زحمتکشان کردستان ایران

کومه‌های شورشگری زحمت کیشانی کوردستانی نیران

پیام سازمان جنبش نوین رهائی بخش خلقهای ایران

درود بی‌پایان بروان پاک دکتر محمد مصدق که برای اولین بار در خاورمیانه و بلکه در تمامی دنیای عقب نگهداشته شده بر علیه امپریالیسم جهانی این غول سیاه جنگ افروز اعلان جنگ داد و در جهت این برآمد خون سیاه ملت ایران را که امپریالیسم جهانی بشفیع خویش می‌برد تا بتواند خون سرخ ملت‌های ستمدیده را بمکند قطع کند و در این راه تا هنگامیکه قدرت داشت جنگید.

دکتر محمد مصدق بزرگ مردی بود که دگرگونی عمیقی در شیوه مبارزات ملت ایران بنیان‌گذارد و همه نیروهای مبارز آموخت که رمز پیروزی اجتماعی در وحدت و رعایت اصول دموکراتیک وحدت است و عدم وحدت جنبش را به شکست یا انحراف خواهد کشاند. وی آگاهانه با عمل خویش آموخت که وحدت باین مفهوم نیست که متحد به حریم دموکراتیک اتحاد تجاوز کند و پس از پیروزی بی‌توجه به متحد یا متحدینش راه خویش را از آنها بکلی جدا کند و در امر نفی فوری منافع متحدان خویش برآید. دکتر محمد مصدق آگاهانه با عمل خویش آموخت که هیچ عنصر آگاهی نمی‌تواند و نبایستی غیرطبقاتی فکر کند و در جریان مبارزات انقلابی بی‌تردید چه بخواد چه نخواد حافظ منافع طبقه معینی خواهد بود.

دکتر محمد مصدق به تمامی نیروهای مبارز سراسر جهان عقب نگهداشته شده آموخت که امپریالیسم جهانی در مقابل اتحاد حق - طلبانه توده‌ها قدرت پوشالی‌ای بیش نیست.

پس بیاییم و این غول را با تمامی منافعش در تمام شئون اقتصادی، سیاسی - نظامی و فرهنگی کشورمان بزیر افکنیم. حق باتوده‌هاست پس پیروزی با ماست. درود بی‌پایان بروان پاک دکتر محمد مصدق. درود بر شهدای راه رهائی خلقهای ایران. مرگ بر امپریالیست جهانخوار. مرگ بر بقایای ارتجاع داخلی.

«سازمان جنبش نوین رهائی بخش خلقهای ایران»

پیام کردهای مقیم مرکز

مردم گردپرور قهرمانشهر (کرمانشاه سابق) روحانیون مترقی - کارکنان مبارز صنعت نفت - دانشجویان و دانش آموزان مجاهد - فرهنگیان و استادان آگاه و بازاریان فداکار و کشاورزان و عشایر دلیر و سایر طبقات و اقشار ، سالگرد درگذشت پیشوای ملت و قهرمان نهضت عظیم ملی شدن نفت ایران یعنی (مصدق کبیر) را جاودانه گرامی میدارند .

و بخون پاک شهدای کرد قیام پرشکوه سیام تیرماه ۱۳۲۰ پیمان می‌بندد که همواره در راه آزادی - استقلال و جمهوری اسلامی ایران به رهبری ابرمرد جهان اسلام و مجاهد کبیر امام خمینی با سایر هموطنان در سنگر جبهه انقلاب اسلامی ایران پویا باشند .

از طرف کردهای مقیم مرکز - فرجاد

پیام مردم چهارمحال بختیاری

در طول تاریخ بسیار پیش آمده است که ملتی تجسم و تبلور آرمانهای ملی خود را در وجود یک شخص دیده است - در قرون اخیر امیرکبیر نمونه بارزی از این ابرمردان تاریخ ایران است - دکتر محمد مصدق نیز قهرمان ملی ایران از زمان مشروطیت تا به امروز میباشد - امروز که ۱۲ سال از درگذشت این بزرگمرد تاریخ ایران میگذرد و مردم دلیر و غیور بختیاری و مردم حق شناس چهارمحال به روان پاک او درود میفرستند و آرزو میکنند که آرمانهای مقدس و ملی او در انقلاب شکوفان امروز راهنمای ملت ایران باشد .

ما که برای بزرگداشت مصدق در اینجا گرد آمده ایم درحقیقت برای تجلی و بزرگداشت آزادی و آزادگی و استقلال با همه هموطنانم فریاد میزنیم که «راه مصدق راه ملت است» زیرا مصدق دست استعمار انگلستان را در آستین رضاخان بخوبی تشخیص میداد دکتر مصدق در راه تهران چند روزی در اصفهان اقامت میکند و به

پیشنهاد یکی از سران ایل بختیاری که در آن زمان حاکم اصفهان بوده است از عزیمت به تهران منصرف میگردد . مسلم بود که کودتاچیان مصدق مرد مبارز ملی ایران را در تهران مانند همه میهن - پرستان توقیف خواهند کرد شادروان دکتر محمد مصدق این دعوت را می‌پذیرند و در این زمان است که مدت سه ماه مهمان مردم وطن پرست چهارمحال و بختیاری بوده‌اند و این مردم قهرمان مبارز ملی آینده کشور ایران را چون جان خود عزیز میدارند و امروز افتخار میکنند که توانسته‌اند از این بزرگمرد تاریخ معاصر ایران در خانه خود پذیرائی کنند و او را از گزند کودتاچیان مصون دارند .

مردم وطن پرست و آزاده چهارمحال و بختیاری هرگز این خاطره شیرین را فراموش نخواهند کرد . امروز که همه مردم ایران بخاطر بزرگداشت همه آرزوها و آرمانهای ملی خود نفس آزادی و استقلال و سربلندی ملت یادبود شادروان دکتر محمد مصدق را گرامی میدارند . یادآوری گوشه‌ای از زندگی نامه مصدق که نیز قسمتی از تاریخ عزیز میباشد در اینجا بی‌مناسبت بنظر نمی‌رسد .

کودتای ننگین و شوم اسفند ۱۲۹۹ که بدست عمال استعمارگر انگلستان بوقوع پیوست مسلماً علیه منافع مردم ایران بود و درست از این تاریخ است که دیکتاتوری دودمان پهلوی آغاز میگردد . باوقوع این کودتا تاریخ کشور ما ورق میخورد از طرفی محواستقلال و خفقان آغاز میگردد و از طرف دیگر جانبازی و فداکاری مردم میهن پرست ایران شروع میشود . بدون شک دکتر مصدق در این برهه از تاریخ ایران از درخشانترین چهره‌های قهرمان مبارزه با استبداد و استعمار است . قبل از کودتا دکتر مصدق والی فارس بوده و همه مردم آزاده و میهن پرستان این سرزمین خدمات ملی‌شایان او را بیاد دارند - عمال کودتا قصد داشتند از محبوبیت این قهرمان ملی در فارس سوء استفاده کنند ولی دکتر مصدق با استعفاء به احمد شاه کنارگیری خود را از این مقام به کودتاچیان اعلام میدارد .

بسیار بجاست که از یکی از صدیق‌ترین و وفادارترین یاران مصدق یعنی دکتر شاپور بختیار یاد کنیم . چه از یکی از افراد خطه چهارمحال و بختیاری بوده و جای او در میان جمع ما خالی است دکتر شاپور بختیار و مهندس حسینی با دوتن از یارانشان کسانی بودند قهرمان ملی ایران را در اینجا به امانت بخاک سپردند .

درود بی‌پایان همه خلق‌های مبارز ایران نثار روح دکتر محمد مصدق - درود مردم چهارمحال و بختیاری بروان پاک قهرمان ملی ایران مصدق بزرگ .

از طرف مردم چهارمحال و بختیاری
اسد بختیار

پیام انجمن دفاع از آزادی مطبوعات

سالروز درگذشت بزرگ مردی را بملت ایران تسلیت می‌گوئیم که قرنی باید تا روزگار قهرمانی چون او زنجیرگسل امپریالیسم بیاورد .

در تعظیم خاطره قهرمانی شرکت می‌کنیم که با همی بلند ، اراده‌ای آهنین و استقامتی خلل ناپذیر بران شد تا بند استعمار نو را از پای ملت‌های خاورمیانه خاصه ایران وطن‌گرامیش بازگشاید . امروز پس از چهارده سال که دودمان جنایت بار پهلوی از ترس زنده شدن نام و یاد مصدق، اقامه تعظیم‌خاطره او را با تمام نیروهای اهریمنی خود جلو می‌گرفت، برای اولین بار همه سازمانها، گروه‌ها، انجمن‌ها و تمام افراد و احاد ملت ایران توانسته‌اند در بزرگداشت مراسم سالروز درگذشت خدمتگزار بزرگ خود شرکت کنند .

انجمن دفاع از آزادی مطبوعات هم زنده نگاهداشتن خاطره آزادگی و دموکرات منشی مردی را که در تمام مراحل نبرد جانفرسا علیه استعمار و استبداد آزادی مطبوعات را از افتخارات دولت‌های ملی میدانست ، وظیفه خود دانسته و با تقدیم این پیام در مراسم پرشکوه تجلیل از خاطره بزرگ مردی که راه و رسم گسستن زنجیر استعمار نو از دست و پای ملت‌های ستمدیده خاورمیانه را بتمام ملت‌های این منطقه حساس آموخت، شرکت می‌کند .

انجمن دفاع از آزادی مطبوعات

حسن صدر

بنام خدا

پیام جبهه روزنامه‌نگاران ملی

بنام شهدای راه حق و آزادی

و بنام پیشوا و قهرمان مبارزات ملل استعمارزده شرق ، دکتر محمد مصدق خواهران و برادران ارجمند !

به زیارت آرامگاه سردار پیر و رهبر مبارز شهیدی آمده‌اید که در این گوشه انزوا در سکوتی روحانی و ملکوتی دوازده سال است روی در نقاب خاک گشیده .

مصدق شهید مرد ، و با شهادت و مرگ درعین آنکه دست و پنجه نرم میکرد ، انس و الفتی دیرین داشت ، این انس و الفت از آن روز آغاز شد که دولت انگلیس برای تسلط هرچه بیشتر برهمه‌ی شئون اقتصادی ، سیاسی و نظامی ایران و سبقت جوئی درمداخلات ناروای روسیه ، طرح توطئه‌ای میریخت تا قدرت و سلطنت را از خاندان لایالی قاجار منتزع و به نوکری بی‌سواد و گوش بفرمان انتقال دهد .

مصدق زیرک و پیش‌بین که با هوشیاری خاص خود به رموز سیاست آگاهی کامل داشت پرچم مخالفت با این توطئه امپریالیستی که تهدیدی مسلم برای مشروطیت و آزادی و استقلال ایران بود برافراشت و با این نقشه‌ی خائفانه به پیکار برخاست .

سرشت پاک او که آمیخته با عشق و علاقه به استقلال میهن و حمایت و دفاع از منافع ملت بود طبعاً مبارزه با اجانب و قلندری چون رضاخان ، ایجاب مینمود و این مبارزه با شهادت ملازمه داشت بویژه در هنگام ملی کردن صنعت نفت و خلع ید و قطع رابطه با دولت مخیمه که شریان حیات و شیشه‌ی عمر بریتانیای کبیر با تکیه به سروی ملت ، در دست پیشوای توانای ما فشرده میشد .

مگر شهادت فقط در این است که انسان مبارز در میدان جنک و یا برخورد مسلحانه یا شلیک مسلسل از پای درآید؟!

به خدا سوگند و به خون شهیدان ، که مرگ با آزار و شکنجه - های مداوم روحی - از طپیدن در خون با یک یا چند گلوله ، دردناکتر

است ، مرگ مصدق شهادت با شکنجه‌های روانی بود!
باتوجه به این مقدمه است که مصدق وصیت کرد ، جنازه‌اش را
در کنار شهدای سی تیر به خاک بسپارند تا ذرات وجودش با خاک
پاک سربازان گمنام راه آزادی و استقلال ایران تاپایان جهانی
همبسته و همراه باشد .

مصدق در مبارزات ملی ضد استبدادی و ضد استعماریش ،
همواره به نیروی ملت اتکاء داشت و از مردم الهام میگرفت ، آنگاه
که اقلیتی مزدور و منفور وطن فروش ، میخواستند در چهاردیواری
مجلس ، صدای حق طلبانه‌ی او را خاموش کنند ، از مجلس بیرون
می‌آید ، و به مردم روی می‌آورد و میگفت : « آنجا که مردم اند مجلس
است » .

اکنون پس از ۲۵ سال بجای آنکه پیشوا به مردم روی آرد ،
ملت حق شناس ایران به پیشوا و رهبر راستین خود ، در احمدآباد
روی آورده‌اند تا مبارزات دامن‌دار و ارزشمند او را ارجی به سزا
بگذارند و پیروزی مبارزاتی را که او بنیاد گذارش بود و با ایثار
خون مزاران شهید پاکباخته تحقق یافته است به روح بزرگش تبریک
بگویند!

هجوم جمعیت و حضور اقمشار جامعه در این مکان مقدس ،
بمنظور بزرگداشت سالگرد شهادت - آری شهادت - ابرمردی است
که شاه خائن از زنده و مرده‌ی او بیم داشت و از شنیدن نام مصدق
از حسد به خود می‌پیچید و از ترس بخود می‌لرزید .

بسیب همین ترس شاه از زنده و مرده‌ی او بود که پس از
انتقال مصدق از زندان به احمدآباد امسال تنها سالی است که مأموران
پنهان و آشکار و ژاندارم و ساواک در پیرامون احمدآباد سنگر
نگرفته‌اند .

محبوبیت و مقام والا و ارجمند مصدق در بین جوامع ایرانی و
ملل از بند رسته جهان و اعتراف دوستان و جهانیان ، حتی دشمنان
به عظمت اندیشه و مبارزه و حقانیت و نبوغ سیاسی او عقده‌ای
در دل و خاری در چشم شاه و جهانخواران پشتیبان شاه بود .

همواره با گذشت زمان و آگاهی نسل جوان به ارزش مبارزه
ضد استعماری و استبدادی او نام مصدق آوازه‌ای بلندتر و ابهت
و درخششی فزون‌تر مییابد .

هموطنان عزیز و مبارز ، آمده‌اند تا یاد این ابرمرد تاریخ ایران
را - اگرچه زنده جاوید است زنده کنند و احترام پیشوائی او را
پاس بدارند ، جبهه روزنامه‌نگاران ملی که در عبارزات مطبوعاتش
همواره پیرو راستین و با قدم و قلم مجری اهداف و آرمانهای ملی
وی بوده ، شهیدان نامداری چون شادروان دکتر حسین فاطمی و
کریمپور شیرازی در این راه داد است ، با شرکت در این آئین
بزرگداشت وفاداری خود را به راه مصدق و به آرمان مصدق اعلام
داشتند و سوگند خود را نسبت به خواست‌های حق طلبانه‌ی او که
خواست همی ملت ایران است تجدید میکنند! درود به روان شهیدان
راه آزادی .

درود به روح مصدق کبیر پیشوای ملی

پیام سندیکای نویسندگان و خبرنگاران مطبوعات

برگزاری مراسم سالروز فاجعه مرگ شادروان دکتر محمد
مصدق فرصتی است مغتنم برای ملت خدانشناس ایران که بیش از
ربع قرن پیش به رهبری آن بزرگ مرد تاریخ معاصر ایران علیه
امپریالیزم خونخوار مبارزه کرد تا یاد و خاطره او را برای نخستین
بار آشکارا گرامی بدارد اما این آرامیداشت خاصه از لحاظ سندیکای
نویسندگان و خبرنگاران مطبوعات مفهومی بس متعالی دارد زیرا
در یاد دارد که در دوران نخست وزیری زنده یاد دکتر محمد مصدق بود
که مطبوعات ایران از قید و بندهای عصر دیکتاتوری پهلوی رهایی
یافتند و در آن عصر شوم افراد و آحاد ملت ما امکان یافتند که با
آزادی کامل به نشر افکار و عقاید ملی خود بپردازند .

دریغا که با غروب دولت ضد امپریالیستی آن آزادمرد مطبوعات
نیز بار دیگر به اسارت دیکتاتوری درآمد اما اینک که ملت آزاده و
شریف ایران در پی یک انقلاب ضد استبدادی و ضد استعماری
و بدنبال واژگون کردن رژیم دیکتاتوری و اختناق پهلوی یاد دکتر
محمد مصدق را گرامی میدارد ، برای ما مطبوعاتی‌ها نیز مجالی تازه

پیام شورای ناشران و کتابفروشان منطقه دانشگاه

«آزادی موهبتی است که همه کس قدر آن نداند.»
اجتماع امروز نشاندهنده اشتیاق خلق ما به یگانگی و یکپارچگی است. ما بر مزار مردی گرد آمده ایم که مظهر مبارزات ضد امپریالیستی در تاریخ معاصر ماست. ما بر مزار فرزانه ای جمع آمده ایم که با تمام وطن دوستی و ملت خواهی اش درس شکست جنبش خلقی ما را در خود دارد.

ما با تکیه بر موضع ضد امپریالیستی و دموکراتیک دکتر محمد مصدق از اقصای و طبقات مختلف در اینجا جمع شده ایم تا بار دیگر اشتیاق و آرزویمان را برای امحاء کامل آثار ارتجاع و امپریالیسم در میهن مان و ایجاد جامعه ای دموکراتیک و نوین بیان داریم. ما در این جا درس تاریخی شکست نهضت ملی دکتر مصدق را بار دیگر یادآور می شویم و خواستار آنیم که برای حراست از انقلاب ارتش خلقی تشکیل شود.

شورای ناشران و کتابفروشان منطقه دانشگاه برای جاودانه کردن خاطره روز ۲۱ بهمن پنجاه و هفت، که روز تجربه جنگ مسلحانه خلقی در تاریخ معاصر ماست، پیشنهاد می نماید ۲۱ آذر به خیابان ۲۱ بهمن تغییر نام داده شود. باشد که با دیدن هرروزه تابلوی خیابان ۲۱ بهمن، ضرورت ادامه انقلاب و خاطره شهدای مبارز را از یاد نبریم.

شورای ناشران و کتابفروشان منطقه دانشگاه

است که یکبار دیگر مبارزه او را علیه امپریالیسم و بخاطر آزادی مطبوعات بستائیم و همچنین از همگام و هم فکر او شادروان دکتر حسین فاطمی مدیر شهید روزنامه باختر امروز یاد کنیم که در کنار شادروان دکتر محمد مصدق بما آموخت که روزنامه نگار ایرانی باید تا سرحد ایثار جان در راه آزادی ملت خود و ضدیت با امپریالیسم و دیکتاتوری مبارزه کند.

سندی کای نویسندگان و خبرنگاران مطبوعات

پیام کانون نویسندگان ایران

کانون نویسندگان ایران افتخار دارد که در مراسم دوازدهمین سالگرد درگذشت دکتر محمد مصدق بنیان گذار مبارزات ضد امپریالیستی ملت ایران شرکت کند.

در شرایطی که انقلاب شکوهمند و دموکراتیک و ضد امپریالیستی ملت ما با وارد کردن ضربه های کاری و قاطع بر پیکر استبداد وابسته به امپریالیسم در آستانه پیروزی نهائی قرار گرفته است و در این گرد همائی باشکوه بر آرامگاه مردی که عشق به آزادی و دموکراسی و سازش ناپذیری در برابر نفوذ بیگانگان آرمان بزرگ زندگی اش بود، بار دیگر پیمان خود را برای مبارزه قاطع و انعطاف ناپذیر در راه آزادی و دموکراسی و طرد هرگونه نفوذ و سلطه امپریالیستی از میهنمان، با ملت عزیز ایران تجدید می کنیم و همگام با همه نیروهای انقلابی مردم برای پاسداری از دستاوردهای انقلاب ایران خواهیم کوشید.

پیام کانون وکلای دادگستری

هیئت مدیره کانون وکلای دادگستری بنمایندگی وکلای داد - گستری ایران به روان پاک دکتر محمد مصدق رهبر بزرگ و گران - قدر ایران درود میفرستند.

دکتر محمد مصدق استاد حقوق ، مدرس و مؤلف متون حقوقی ، آموزگار واقعی کسانی بود به اعتقاد راسخ باصول دموکراسی و حکومت قانون را ترویج و تبلیغ کرده و در طول سالیان دراز در جهت تجهیز اقشار وسیع مردم میهن ما کوشش و مجاهدت کردند و انقلاب شکوهمند ملی را در مسیر پیروزی رهنمون گشتند .

ایمان راسخ و اعتقاد استوار به حقانیت مردم خمیرمایه تمام اقدامات و مبارزات درخشانی بود که در طول متجاوز از پنجاه سال خطوط زندگی سیاسی شرافتمندانه دکتر محمد مصدق را ترسیم کرده است .

پایمردی در احترام به نهادهای اصیل حکومت قانون منبعت از اراده مردم و دخالت مستقیم مردم در تعیین سرفوشت خود خط اصلی حرکت مصدق در تمام حیات اجتماعی و سیاسی بارور او بود او همواره چه در پشت تریبون مجلس و چه در مسند نخست وزیری و چه در پشت میله های زندان گوشه تبعیدگاه این اصول را ترویج و تبلیغ کرد .

مصدق همواره در برابر فساد و زور و ظلم و خشونت ایستادگی کرد، حضرات را بهیچ شمرد بملت روی آورد و از ملت نیرو گرفت و به مقابله مردانه با دشمنان آزادی و استقلال ایران برخاست . او بعنوان رهبری آگاه و دوراندیش در پیشاپیش صفوف ملت جنبش عظیم ملی شدن نفت را رهبری کرد و بزرگترین ضربه را بر پیکر امپریالیسم انگلیس وارد ساخت و بهمه ملل تشنه آزادی و استقلال نشان داد که میشود و میتواند امپریالیسم را به زانو درآورد .

در کار زدودن آثار سیطره استعمار و استبداد استقلال و اعتبار قوه قضائیه را اعاده کرد. استقلال کانون وکلای دادگستری یکی از آثار اقدامات گسترده ای بود که حکومت ملی دکتر مصدق در کار ساختن ایرانی آباد و آزاد در همه شئون حیات ملی انجام داد. ما امروز بیش از هر وقت عظمت مقام این رهبر گرانقدر را لمس

میکنیم . سیمای شریف و نجیب دکتر مصدق بعنوان رهبر گرانقدر مبارزات ملی و ضد استعماری و ضد استبدادی همواره بر تارک تاریخ افتخارات ملت ایران خواهد درخشید .
نام مصدق و یاد او در دل نسل ما زنده و جاوید است راه او الهام بخش همه مبارزان طریق حق و عدالت خواهد بود .

افتخار جاویدان بدرقه نام او یاد او

پیام خلق ارمن

بانقلابیون بخاک و خون خفته ای که اینک بپا خاسته اند ... به رهبر «همواره زنده ای» که روح مبارزش یکباردیگر بپا خاسته است . خلق های قهرمان ایران بپا خاسته اند که از پای ننشینند . آنها آمده اند تا در این میعادگاه میثاق و پیمان تجدید کنند و براه راهبر روند . راهی که آینده نگری دکتر مصدق پیش پای رهروان تاریخ گذارده است . راهی که به رهائی خلق های بزنجیر کشیده ایران و جهان خواهد انجامید .

خلق ارمن که صدای زنجیرهای اسارتش و ناله یک ونیم میلیون تن شهیدان راه آزادیش همچنان در طنین است دروهای خود را بر رهبر «همیشه زنده» خلق های پیکارگر ایران تقدیم میدارد .
رزمندگان زنده یاد ارمن که در جنگ های ضد استبدادی ایران و ارمنستان جان باخته اند اکنون به توسط برادران و خواهران خود پروان پاک دکتر مصدق درود میفرستند .

از طرف کارکنان روزنامه آلیک

زرتشتیان پیشرو و آزادیخواه ایران در آستانه دوازدهمین سالگرد درگذشت رهبر بزرگ و پیشوای مبارز ملت دکتر محمد مصدق به روان پاک آن شادروان درود میفرستند و دست کلیه برادران و خواهران مبارز پویای راه آن رادمرد بزرگ تاریخ میهن خود را بگرمی میفشارند و سوگند یاد میکنند که در راه تحقق آرمان‌های آن پیشوای بزرگ یعنی آزادی و استقلال ایران در کنار سایر هم‌میهنان به پیکار و کوشش ادامه دهند.

کهنه هم‌آهنگی زرتشتیان
با انقلاب ملت ایران

پیام جامعه روشنفکران یهودی ایران

با درود بی‌پایان به روان تابناک دکتر محمد مصدق رهبر فقید نهضت ملی و ضد استعماری ملت ایران خاطره همه زنان و مردانی که در راه آزادی و سربلندی ایران عزیز مبارزه کرده‌اند گرامی میداریم.

وجود مصدق روشنگر چراغ امید ملل ستمدیده جهان در مبارزه علیه استعمار و استبداد بود. چراغی که روشنائی آن با انقلاب برحق ملت ایران علیه ظلم و استعمار باوج روشنائی خود رسید و قلب آزادگان جهان را در پرتو خود روشنائی تازه‌ای بخشید.

برمزار این مرد راستین و فرزندان خلف ملت ایران سر تعظیم فرود می‌آوریم و میثاق خود را در وفاداری به آرمانهای مصدق بزرگ تجدید میکنیم.

جامعه روشنفکران یهودی ایران

بنام ملت قهرمان ایران

با سری پر از شور ملی و آزادگی در اینجا گرد آمده‌ایم تا به بشریت اعلان داریم که دکتر محمد مصدق رهبر آزادهی نهضت ملی ایران و همه مصدق‌های تاریخ ملت ما جاودانه زنده‌اند. ۲۵ سال تجاوز بحریم حقیقت تاریخ از طرف دار و دسته غارتگر و خائن محمد رضا پهلوی نتوانسته جاودانگی خاطره رادمرد بزرگ نهضت ملت ایران را پایمال کند.

در اینجا گرد آمده‌ایم تا با قلبی آکنده از عشق به میهن و مردم زحمتکش و غیرتمند آن، با صدای بلند اعلان داریم: عوامل رژیم منفور پهلوی و اربابان آن، و کلیه دشمنان ملت و میهن، در هر لباس که باشند، با هر چهره‌ای که ظاهر شوند، در مقابل نیروی لایزال خلق مصمم و آگاه، زیون و ناچیزند، شکست میخورند و میرنده هستند. این جبر تاریخ است. ملتی که برتوان خود متکی است و عرق ملی در رگهایش جوشان است، وحدت فشرده دارد، مصممانه برای کسب استقلال و آزادی و رعائی ملی پای بمیدان نبرد گذاشته، چون سیلی خروشان بر سر نیروهای اهریمنی و ضد ملی فرود می‌آید و آنرا نابود می‌کند. پیروزیهای نهضت ملی ایران و دکتر مصدق و پیروزی انقلاب ملی - اسلامی کنونی بر رهبری امام خمینی، گواه عظیمی بر این مدعاست.

امروز برمزار رهبر نهضت ملی ایران گرد آمده‌ایم که با سربلندی اعلان کنیم انقلاب پیروزمند کنونی ادامه نهضت ملت ایران برای مقابله با استبداد و سرسپردگی امپریالیسم و اجانب میباشد. درخت تنومند نهضت ملی ملت ایران بر رهبری دکتر مصدق که با خون دهها هزار شهید در توده‌های زحمتکش آبیاری شده ضربه قاطع بر پیکر امپریالیسم انگلیس و کمپانی‌های نفتی وارد آورد و در ادامه این مبارزه جلوی توطئه‌های امپریالیسم تازه نفس آمریکا، این میراث خوار استعمار انگلیس، نیز ایستاد و زمانیکه امپریالیستهای آمریکا و انگلیس خواستند با تحریم خرید نفت، اقتصاد ایران و در نتیجه مقاومت مردم را در هم شکنند، مصدق با الهام از روح رزمجوی توده‌های ستمدیده و ملت رنج کشیده اقتصاد

بدون نفت را پیشنهاد کرد و در لحظه‌ای که مشکلات مالی اجراء این برنامه را با خطر شکست روبرو کرد، مصدق بملت روی آورد و قرضه ملی چاپ نمود. روز خرید قرضه ملی یک روز پرافتخار در تاریخ ملت ماست. در این روز تاریخی کودکان با تقدیم اندک پس‌انداز خود، زنان با دادن انگو و انگشتر خویش، پیشه‌وران با تقدیم بخشی از سرمایه، کارگران، دهقانان و کارمندان پارانه دسترنج کار، و عرکس با دادن آنچه می‌توانست بدهد، جنبش‌خیز قرضه ملی را یاری رساند و مصدق با تکیه به این از خودگذشتگی ملت توانست اقتصاد بدون نفت را، بکوری چشم ابرقدرتهای آمریکا و انگلیس به پیش برد. ایستادگی مصدق در مقابل جهانخواران و دشمنان ملت و ایمان او به نیروی لایزال ملت انهام بخش عمه‌مبارزان راه آزادی و استقلال میهن است.

امروز بعد از ۱۲ سال برای اولین بار ملت توانسته است بر مزار دکتر محمد مصدق گرد آید و خاطره این رادمرد تاریخ ایران را گرمی دارد. این موعبت به شکرانه پیروزی انقلاب ملی - اسلامی ملت ایران بر عبیری امام خمینی نصیب ما گردیده است. دعها هزار شهید قهرمان با نثار خون خود این پیروزی را ممکن ساخته و بهمه ما امکان دادند که یاد خدمتگزار عالیقدر ملت را گرمی داریم.

امروز روزی است که با شهیدان راه آزادی و استقلال و آزادی عهد و میثاق ببندیم که تا برآورده شدن تمام آرزوها و خواسته‌های ملی و دموکراتیک این غیرتمندان، راعشان را ادامه دهیم. ما امروز در مقابل توطئه‌ها و جنایات بقایای رژیم منفور محمد رضاشاه و امپریالیستهای گوناگون قرار گرفته‌ایم. اما ملت ایران توطئه‌ها و نقشه‌ها و برنامه‌های امپریالیستها و نوکران بومی آنها را مسلماً در عم خواعد شکست و راه را برای تحقق خواسته‌های ملت و رهبر عالیقدر امام خمینی، که تحقق دموکراسی اصیل، استقلال کامل و عدالت اجتماعی است، باز خواهد گشود. ما مصممیم که تا آخرین نفس در کنار ملت غیرتمند خود بایستیم.

جاویدان باد خاطره دکتر محمد مصدق

پیروز باد نهضت ملی - اسلامی ایران بر عبیری

امام خمینی

خلیل حقیقت

بنام خدا

پیام استاد محمّد تقی شریعتی

واما الزبد فیذهب جفاء و اما ما یبفغ الناس فی الارض
قدرتمندان وابسته به امپریالیسم که بوسیله زور و زر بر
اریکه فرمانروائی تکیه زده‌اند، و پایگاه مردمی ندارند، با تمام
قوا می‌کوشند که در راه روشنگران جامعه و قهرمان بیدارگر ملی،
موانعی ایجاد کنند، تا نتوانند رسالت خود را ادا کنند و به‌توده‌های
محروم و مستضعف آگاهی و رشد بخشند.

زیرا بخوبی دریافته‌اند که پیشوای اندیشمند مسئول، میتواند
با راه گشائی، رعنمون همگانی شود، و آنانرا به جهش فکری و
دارد. و چونان اعرمی است که ملتی را به جنبش و حرکت درمی‌آورد.
تاریخ شاهد گویائی است که همواره، روشنگران متعهد،
رویاروی صاحبان قدرت قرار گرفته‌اند، نتیجتاً از همه مزایای
اجتماعی محروم بوده‌اند، بلکه پیوسته در گوشه‌های زندان درخیمان،
و یا آنکه محکوم به مرگ می‌شدند.

نکته قابل توجه، که درس عبرتی نیز هست این است که
همیشه در طول تاریخ، طاغوت‌های زمان که قدرت‌های شیطنانی را
دراختیار دارند و بدان می‌تازند، چنان کاخ جبروت آنها سست بنیاد
است، که با اندک نسیم هشیاری که اندیشه توده‌ها را نوازش
می‌دهد از هم فرو می‌ریزد، ولی قهرمانان بیدارگر ملی اگرچه از
زور و زر بی‌بهره بوده‌اند اما به قدرت اندیشه‌های تابناک دل‌های
مردم ستم‌دیده را روشن می‌کنند، و همیشه پیروزی با آنان است که
همیشه در پیشانی قرون درخشندگی دارند.

آری: قدرت‌های پوشالی ستمگران تاریخ مانند کف روی آب
است و آگاهان خدمتگزار که به سود مردم گام می‌زنند، پایدار و
جاودانه‌اند.

طاغوت زمان که شیفته زر و زور بوده، خواست با تزویر به
سیمای برجسته عصر ما زنده یاد دکتر محمد مصدق تبار غرضی و
اتهامات ناروا بیفشاند، تا این قیافه آشنا که نمایانگر قهرمان ملی
و بیدارگر توده‌های خواب آلود بود، به‌دست نسیان سپرده شود اما
از آنجا که ناموس طبیعت، حق را پایدار و پیروز می‌خواهد و باطل

را سرافکنده و مغلوب پس از سالها ملت حقشناس و آگاه ایسران سالگرد درگذشت این مرد راستین و رهاگر و مبارز را که با رهبری داعیانۀ خویش ، استعمار را شکست داد و استبداد را رسواساخت باشکوه برگزار می‌کند و یکبار دیگر با او و آرمان‌هایش تجدید عهد می‌نماید، تا بجهانیان بفهماند که آزاده مردی که جز به ملت خویش نیندیشید و جز بخدمت آنان کمر نبست، همیشه در دل مردم جای دارد ، و هرگز بزرگی روح و والائی مقام رهبری وی فراموش نخواهد شد ، و در سینه همه انسانهای آزادیخواه خاطره نهضت پرارج وی نقش بسته است .

روحش شاد و یادش گرامی باد
محمد تقی شریعتی

پیام از طرف شادروان سید محمود نریمان

پیام و درود بی‌پایان ما به روان پاک مصدق بزرگ ابرمرد تاریخ ایران ، رادمردی که برای نخستین‌بار مکتب آزادی و آزادی-خواهی را در ایران گشود و سبب گردید تا ملت رشید و قهرمان ایران بیست و پنج سال پس از کودتای خائنانه ۲۸ مرداد ، با قیام مردانه خود کاخ فرعونى محمد رضا پهلوی را ویران و او را روانۀ دیار اربابان نماید .

روانش شاد که شاگردان مکتبش ایسران عزیز را از سلطه استعمارگران و عمال خیانت پیشه آنان نجات بخشیدند .
از طرف بازماندگان سربلند و مفتخر یاور هم‌رمز مصدق بزرگ .
شادروان سید محمود نریمان

فریدون نریمان

پیام از ناصر نجمی یار شادروان دکتر محمد مسدق

ای مرد بزرگی که در اینجا خفته‌ای، نام بی‌زوال تو ...
تاریخ مبارزات ضد استعماری و نهضت‌های رهانی بخش ایران ...
درخشید ، من بنام یک یار وفادار و صدیق و رعو مکتبی که در وطن ما گشودی تا ملت رنج کشیده و ستم‌دیده ایران بتواند دور از هرگونه استعمار و اعمال نفوذ بیگانه سرنوشت و حق حاکمیتی را خود در دست داشته باشد و نگذارد حقوقش بتاراج و یغما برود ، بروح تو درود می‌فرستم و سپاس‌هایم را نثار تو میکنم . نسل امروز هیچگاه مبارزات تورا که علیرغم هرنوع کارشکنی و تسوطفه ، و دسیسه‌های وابستگان به سیاست خارجی در شرایطی نابرابر آغاز کردی از یاد نمیبرد ...

ای سترگ مرد ایران ، ای آغازگر جنبش‌های ملی ایران ، ما مردمی که در اینجا گرد آمده‌ایم در برابر روح بزرگت سرتعظیم فرود می‌آوریم و عهد و میثاق خودمان را برای دنبال کردن راه مقدس تو تجدید مینمائیم . ما همچنان خود را شاگرد صدیق مکتب درستی و صداقت و وطن‌پرستی تو میدانیم و هیچگاه از خط مشی که تو در برابر چشمان ما قراردادی منحرف نخواهیم شد . درود بر روان پاکت ای مصدق ، ای پیشوای بزرگ مبارزات آزادی بخش ملت ایران روانت شاد و یادت گرامی و عزیز باد .

پیام احمد مفتی‌زاده

بسم الله الرحمن الرحيم

ومن الناس من يعجبك قوله في الحياة الدنيا ، و يشهد الله على ما في قلبه و هو الدالخصام . و اذا تولى سعى في الارض ليفسد فيها و يهلك الحرث والنسل ، والله لا يحب الفساد . و اذا قيل له اتق الله اخذته العرة بالاثم ؛ فحربه جهنم و لبئس المهاد . و من الناس من يشرى نفسه ابتغاء مرضاة الله ؛ والله روف بالعباد .

چه موجودی است عجیب و نامحدود این انسان! چه مرز ناشناس و تجدیدناپذیر است این موجود! افراد بی‌شمار هر نوعی را میتوان در قالب یک مقیاس (یاتعریف) جا داد: اما چه افرادی از این جای دار پدید می‌آیند که فاصله‌های مابین شخصیت آنانرا با هیچ معیاری نمیتوان سنجید! از انسان، هابیل میخیزد و قابیل نیز؛ ابراهیم پرورش می‌یابد و نمرود هم؛ و تمام مقطعیهای تاریخ انسان، صحنه‌های نمایش این مظاهر نیکی و پلیدی است؛ و مرتب تاریخ است که با ظهور این مظاهر تکرار میشود؛ آنچنانکه در برهه‌های از زمان، محمد مصدق می‌آید و در برابر محمد رضا شاه سفاک و خودکامه قیام میکند! و شاهان ستمگر میکشند و میسوزانند و ویرانی بار می‌آورند تا مگر فریاد بیدارگر لرزاننده، تخت بیدادگری را خفه کنند، و ارکان ستم را استوار سازند؛ لیکن: فاما الزید فیذعب جفاء و اما ماینفع الناس فیمکت فی الارض. و تو - مصدق - مرد جاودان و همیشه زنده تاریخ - در برابر بیداد خانواده خون آشام پهلوی قیام کردی و ملتی را بیدار نمودی. اما قابیل زمان، بشیوه تاریخی شاهان کشتارها کرد و دستگاه ترور و اختناق ساواک را سدی گردانید مابین ندای آزادیبخش تو و گوش دل تشنگان آزادی. اما بشارت باد ترا مصدق، و بشارت باد همه پیشروان آزادیخواهی را که: اگر ستمگران را، زور و زر و تزویر دستاویز بقا است، ندای تو و هم‌زمان ترا، نهاد هستی و سرشت انسان، تضمین‌نامه غلبه و پیروزی است!

و اینک مصدق عزیز ما از کردستان - سرزمین همیشه در پیکار با بیدادگران - همراه هزاران انسان دل پر از احترام و لُبان لبریز از قدردانی، گرداگرد خانه گرامی جاودانگیت گرد آمده‌ایم تا ترا نوید دهیم که: ملت ایران، کشتارها و شکنجه‌ها و زجر و داغهای قابیل زمان را تحمل کرد و از راهی که نشانش دادی رو نگردانید! و اینک آن نهال آزادی که کاشتی و با خون جوانان وطن آبیاری کردیم، پرورش و باغبانیش را قاعد زمان امام خمینی، آنچنان تعهد کرد که شکوفا شد و بارور گردید؛ و زود خواهد آمد آن زمانیکه، شاخه‌های آن، همه جای ایران را فرا گیرد؛ و آثار انواع بیدادها را از همه‌جای این سرزمین بزداید.

و تو را کافی است ای جاودانه مرد تاریخ، حیات ابدی

پرافتخارت؛ و ما را نشانی از سپاس و قدردانی است تقدیم صمیمانه‌ترین درود و سلام، و تلاوت سوره فاتحه: ...

احمد آباد . احمد مفتی زاده

پیام خانواده استاد شهید نجات‌الهی

هرگز نمیرد آنکه دلش زنده شد بعشق

ثبت است بر جریده عالم دوام ما

نام نامی و پرافتخار شادروان دکتر محمد مصدق با خطوط برجسته طلائی در تاریخ درخشان ایران عزیز موشح و مزین بوده و هیچگاه فراموش نخواهد شد - دکتر مصدق با حس وطن پرستی و ایمان و شجاعت و جهاد و عشق سوزان با استقلال و اعتلاء و عظمت ایران عزیز مبارزات دلیرانه و قهرمانانه خود را برضد دشمنان ایران شروع نمود . در طی ۷۰ سال زندگی غرورآفرین و فروزان سیاسی خود برای حفظ استقلال ایران و مبارزه با اجانب فداکاری و جانبازی نمود. هیچگاه تهدید و تطمیع اجانب و رگبار مرگبار مسلسل مستبدین نتوانست روحیه این قهرمان دلیر تاریخ را متزلزل نماید. در راه حیات ایران و برای آزادی و اعتلاء ایران عزیز جان باخت . دکتر مصدق حق می‌گفت و حق می‌پرستید . حق مطلق یار و نگهدار او بود و نامش زنده جاوید ساخت . شادروان دکتر مصدق مست عقیده راسخ و ایمان و مغرور بوطن پرستی خود بود. مانند مؤذنی که برمناره مسجد بانگ الله اکبر می‌زند. حق می‌گفت و حق می‌نوشت و فریاد آزادی و حرمت و از هم گسستن زنجیرهای استعمار و استبداد و رهائی از قید اجانب میزد و بجوانان پرشور ما معنی آزادی و آزادگی و شرط و غیرت و راستی و مردانگی و مبارزه باظلم و ستم آموخت . من اجازه می‌خواهم ازطرف شهدای غرقه بخون و گلگون کفن کردستان که در راه آزادی و اعتلاء ایران عزیز جان باختند . بنام کلیه اکسراد دلیر و شهید کردستان که کوه و دره و

دست هنوز بخون آنان رنگین است . بنام خانواده استاد شهید نجات‌الهی که با خون گلگون آریائی راه پرافتخار دکتر مصدق را در پیش گرفت و بدانشجویان و جوانان بزرگترین درس فداکاری و جانبازی را آموخت درمقابل روح پاک دکتر مصدق این قهرمان دلیر و جسور و غیور تاریخ سر تکریم و تعظیم فرود آورده و می‌گوییم . کل‌های سرخ و لاله‌های خونین شهدای ما یادگاری از فداکاریها و جانبازیهای دلیرانه تو است - امروز کردستان همیشه شیران و معبد حق و آتشکده عشق و فروزنده مهر ایران عزیز است و به آزادی حق می‌ورزند . ریشه‌های تنومند درخت استقلال ایران عزیز با خون گلگون دریادار بالیندرها - استاد شهید نجات‌الهی‌ها آبیاری‌گردیده . شعله عشق بااستقلال ایران و آزادی کامل برای کردن در فانوس سینه ما روشن بوده و این نور الهی با پف تجزیه طلبی خاموش نخواهد شد . درود برروان پاک قهرمان دلیر و غیور تاریخ ایسران دکتر محمد مصدق جاوید و سرافراز استقلال ایران و رزمندگان دلیر آن - درود برکلیه شهدای گلگون کفن ایران عزیز .

پیام طرفداران جبهه ملی ایران هرمزگان

صفحات تاریخ معاصر ایران نامی برتارک خود دارد که مایه افتخار ملت ایران است . مصدق کبیر مبارز شکست ناپذیر ضد - استعمار، برافروزنده مشعل مبارزات ملل شرق مدافع راستین خلق محروم ، هادی رهروان راه آزادی یادش گرامی باد . اگر شرایط تاریخی مانع از آن شد که در سال ۱۳۳۲ پیروزی ملت ایران دوام یابد و دسیسه‌های استعمارگران و نفاق و خیانت دست نشانندگان باجیره و بی‌جیره امپریالیسم نهضت ملی ایران را به شکست کشانیده امروز پیروزی مجدد ملت ایران در سطحی وسیعتر و با عمق بیشتر به‌صورت انقلابی همه‌گیر استعمارگران را بیرون‌رانده و دست‌نشانندگان را محکوم به نابودی ساخته است یاد راد مرد بزرگ تاریخ ایران را گرامی بداریم از انقلاب ایران نگهبانی کنیم و راه مصدق را ادامه دهیم .

طرفداران جبهه ملی ایران در استان هرمزگان - علی‌کمالی

بنام خدا

ملت شریف ایران پس از مبارزه‌های همه‌گیر برهبری حضرت آیت‌الله‌العظمی امام خمینی توانست تاج و تخت شاه خائن‌راسرنگون کند و از منافع ملی میهن عزیزمان دربرابر غارتگران بین‌المللی بخصوص امریکا حفظ و حراست نماید در این بهار آزادی جای راد - مرد بزرگ دکتر محمد مصدق که پرچمدار مبارزه علیه استعمار و دفاع از میهن بود خالیست . جای او خالی است که ببیند برادران وخواهران شجاع ما چگونه باخون خود نهضت بزرگ ضداستعماری را تارسیدن به‌پیروزی شعله‌ور نگهداشتند . ما بسیار خوشحالیم که پس از ۱۲ سال میتوانیم برای اولین بار سالروز مرگ این رادمرد بزرگ را با شکوه تمام برگزارکنیم .

اتحادیه مغازه‌داران و فروشندگان گوشت گاوی تهران درحالیکه خاطره دکتر محمد مصدق را همواره زنده نگاه میدارد همچنانکه امام خمینی فرمودند به مبارزه علیه اجانب و بیگانگان و برای عدالت اجتماعی ادامه خواهد داد - جاویدان باد خاطره دکتر محمد مصدق رهبرنهضت ملی ایران .

اتحادیه صنف دارندگان دکاکین گوشت گاوی تهران

ای مصدق ای رهبرکبیر در طلوع خورشید آزادی جای تو خالی

یاد تو و نام تو همیشه در قلب ملت و تاریخ گرامی است . ای قائد اعظم‌ای دکتر مصدق تاریخچه الغاء استعمار نفتی و استعمارگری با نام تو قرین است . ملت ایران اعم از زن و مرد - خرد وکلان راه رهایی را به هدایت تو یافتند .

زنجیر بردگی و اسارت ایرانی را تو ازهم گسستی . ای مصدق بزرگ امروز همه دراین‌جا گرد آمده‌ایم تا درود بی‌پایان خود را نثار روح پرفتوت بنمائیم و از اکرامی که در حق

ما باتمام رسانیدید و برای رهایی از استعمار رهنمون ما گشتی
سپاس فراوان نثارت کنیم. آری زمان هم رهایی از بند استعمار را
عدایت تو مدیونند.

دراین بیست و پنج سال زن ایرانی با دانش اندوزی و فراگیری
فنون رزمی همسنگر و هم‌رزم برادرش کوشید و امروز این انقلاب
بزرگ را مکمل آن انقلاب ضد استعماری نمود. دراین بیست و
پنجسال در بئر رساندن انقلاب نقشی بسزا داشت و چنان
درخشندگی خود را عرضه کرد که دیگر هیچگاه جامعه ما نمیتواند
از این فروغ امیدبخش برای روشنتر کردن فردای خود صرف نظر کند.
ما زنان متحد خلق ایران نیز یاد دکتر محمد مصدق آن رادمرد
بزرگ تاریخ ایران را که پنجاه سال تمام برای تأمین استقلال ملی
و سربلندی و آزادی مردم ایران جنگید گرامی میداریم.

باعره بهار (انصاری)

در اوایل سال ۱۳۳۲ تلگرافی از مشهد به آقای دکتر حسن
امامی رئیس مجلس شورایی وقت و آقای دکتر شایگان یا آقای
دکتر معظمی (کاملاً نظرم نیست کدام یک) مخابره و پیشنهاد کردم.
بمناسبت خدمات ارزنده جناب دکتر محمد مصدق، همانطوریکه به
میرزا تقیخان لقب امیرکبیر داده شده، از طرف مجلس رسماً عنوان
نخست وزیر کبیر، بایشان داده شود.

امروز که جمعی والاتر از مجلس در اینجا تشکیل شده:
پیشنهاد خود را مجدداً به پیشگاه ملت مستقیماً تقدیم میدارم و
تصویب لقب (نخست وزیر کبیر) را برای مرحوم دکتر محمد مصدق
تقاضا دارم.

دکتر محب‌الله آزاده

بنام خدا

دروود و سپاس بی‌پایان بر رادمردی آهنین اراده ۴۸ ساله
برای ابد در تاریخ سیاسی ملت‌های دنیا ثبت شد و افکار ما را
والایش باعث عظمت و بزرگی ایران عزیز گردید.

من بنام یک مسلمان ایرانی و بنام یک خدمتگزار بسیار
کوچک این آب و خاک با احساس غروری بی‌نهایت در این روز
بزرگ مفتخرم که از طرف قاطبه کارکنان صنعت گاز کشور ما موریت
یافته‌ام احساسات بی‌شائبه و پاک همکاران خود را با صدای رسا
و بلند بگوش هموطنان رسانده و فریاد زخم: ای مصدق کبیر -
ای پیشوای بزرگ آزادی و استقلال ما همه با هم دست در دست
یکدیگر در اینجا گرد آمده‌ایم تا بزرگیت را ارج نهیم و بتو درود
فرستیم.

ما کارکنان صنعت گاز همراه با دیگر برادران و خواهران در این
روز بزرگ همبستگی در این گردهمائی شرکت نموده‌ایم تا بیاری
نام تو و پیرو افکار انسانیت همبستگی نیروهای مسلمان و ضد-
امپریالیست را در جهت نابودی بقایای ارتجاع و قطع کامل سلطه
و نفوذ امپریالیسم توان بیشتری بخشیم.

ای مصدق کبیر - ای کسیکه نامت پشت امپریالیسم را در
دنیا بلرزه درآورده بود ما کارکنان صنعت نفت که بیشتر از همه
مدیون تو هستیم امروز بر مزار مقدست سوگند یاد میکنیم که
با تمام نیرو با الهام از نام بزرگت راه مقدس و ولایت را ادامه
میدهیم و نمیگذاریم سرمایه‌های این مملکت بدست اجانب و اعمال
طاغوتی آنان به‌یغما برده شود.

ما برهبری زعیم عالیقدر اسلام پیشوای بزرگ شیعیان امام
خمینی تا آخرین قطره خون در راه تحقق بخشیدن به انقلاب مقدس
تو در کنار سایر هم‌میهنان خواهیم بود - روانت شاد باد.

داریوش سیروس‌پور

بسم الله الرحمن الرحيم

پیام جمعیت آذربایجانیان

ولا تحسن الذين قتلوا في سبيل الله اموالنا بل احيا عند ربكم يسرزقون

هرگز نمیرد آنکه دلش زنده شد بعشق

ثبت است در جریده عالم دوام ما

پیام بنام آذربایجان بنام مردم دلیر و مردپرور زادگاه ستارخان و باقرخان و خیابانی و ثقة الاسلام از طرف جمعیت آذربایجانیان بنام مردمی که در طول تاریخ در تمام قیامهای ملی همیشه پرچمدار نهضت‌های ملی مخصوصاً در نهضت ملی شدن صنعت نفت بر رهبری مصدق قهرمان بوده‌اند و درخشش اخیر در ۲۹ بهمن ۵۶ قدم اول شروع مبارزه با مردم رشید تبریز بوده می‌باشد.

حضرت علی (ع) پیشوای رادمردان و آزادیخواهان جهان میفرماید بر آن رهبر ملی آفرین باد که چون خداوندان تاج و تخت و دیکتاتورها را در پرتگاه ظلم و بیداد می‌بیند از خشم و قدرت آنها نهراسد و فرمان خدا و مصالح مردم را بر همه چیز مقدم دارد . گام بردارد - پیش برود - و بساط طاغوتی و ظلم را درهم کوبد - ای مصدق چنین بودی مصدق کیست؟ مصدق نماینده استوار مبارزه یک ملت است . وارث سنتهای کوشش - شورش - قیام - انقلاب یک ملت است - انتقال دهنده این سنتها در صورت نو و بدیع و درخور زمان است - مرد قرن پیشرو مظهر نهضت ملی و ضد استعماری ایران است مصدق بدنبال یک شورش مردمی پس از قرارداد ننگین گاستان و ترکمنچای بدنبال میرزا ابوالقاسم قائم مقام برضد بیگانگان بدنبال آراه سازی و خلاقیت سیاسی فرزندان تو، های محروم ایرانی میرزاتقی خان امیرکبیر بدنبال قیام و مبارزه بی‌امان مردم برهبری علماء برضد امتیازات بدنبال ستارخان و باقرخان وثقه الاسلام و خیابانیها قیام کرد - مصدق مردی است که به جنگ سلطه فرعونگی

و اقتصادی و سیاسی استعمارگران پیش از شهریور سال ۲۰ و بعد از آن رفت و بقیامت از دست دادن همه عمر و جوانی خود با پذیرفتن زندان و تبعید و استبداد رضاخان گاریچی و پسر جلادش رفت - مصدق مرد قرن ماست قرن حرکت - قرن جنبش و قرن انقلاب علیه استبداد قرن نهضت برضد استعمار و استثمار است .

مصدق فرزندی ملتی است پرتوان - پرتاقت ملتی که از قرار و آرام بریده و به شورش و انقلاب پیوست ملتی که افزون از یک قرن است موج‌وار می‌خروشد بالا می‌رود پائین می‌آید ضربه می‌زند آری مصدق فرزند این ملت و این قرن است .

مصدق می‌گوید **هرجاملت است آنجا مجلس است .** مصدق خود را در آغوش طوفان قرار می‌دهد طوفانی که مخلوق خلق است - در فراز و نشیب از مردم جدا نمی‌شود از مردم پیش و پس نمی‌افتد از خشم و دیکتاتورها از زور استعمارگران و عمال جیره خوارش اندیشه ندارد طی یک قرن همواره رخ در رخ دشمن دارد و نمی‌خواهد از وی بت درست کند و بت و بت تراشها را نفرین می‌کند . رهبر را زبان مردم و ترجمان اراده آنان میدانند در میدان مبارزه می‌ماند و به یمن این ناپایداری ریشه حیات خویش را به حیات جاویدانی ملت گره می‌زند از زندان در تبعید و در قلعه احمد آباد در محاصره سر - نیزه‌ها باز هم با مردم بهر طریق که امکان دارد حرف می‌زند - نمونه آن نامه‌هایی است که مکرر بنام این‌جانب که فرزند او هستم در راه مصدق کشته شد و در ۲۸ مرداد به غارت رفت . ۲۵ سال بنام مصدق مبارزه را ادامه داده‌ام می‌باشد . انقلاب عظیم اخیر ملی بر رهبری زعیم عالیقدر امام خمینی دنباله نهضت ملی مصدق بوده است . با الهام از مبارزات گذشته مصدق و استفاده از اعتماد به جبهه ملی به رهبری دکتر مصدق سهم بزرگی در پیشبرد انقلاب دارد . و جبهه ملی باید وظیفه خود را در سازندگی انقلاب با رسالت تاریخی و اصلاتی که دارد با سازمانی متشکل و رهبری قوی عهده‌دار باشد . درود بروان پاک تو ای مصدق قهرمان و بت شکن که مبارزات

تو همیشه الهامبخش یاران تو و ملت حق شناس ایران بوده و خرابه بود.

دروود برتو ای مصدق مهربان که در قدرت و در زندان و در تبعید دوستان و طرفدارانت و ملت مستضعف را فراموش نکردی و در همه حال در فکر رفع آلام و گرفتاریهای آنها بودی و رسم رهبری و پدر ملت بودن را به همه آموختی و زحمات و مبارزات احدی را فراموش نمی کردی و نمونه ای از حکومت علی (ع) بودی و معنی آیه شریفه ان اکرمکم عندالله اتقیکم را عمل نمودی باشد که یارانانت نیز چنین باشند.

از طرف جمعیت آذربایجانیان - جلال غنی زاده

سلام گرم ملت قهرمان آزاد شده ایران به پیشموی بزرگ و منادی ضد استعمار دکتر محمد مصدق

گرامی باد جانفشانیها و دلیریهای پنجاه ساله آزاد مرد تاریخ ایران که در تاریکترین روزگار سیاه استعمار چون مشعلی فروزان راه گشای آزادیخواهان و استقلال طلبان ایران و جهان بود. تاریخ ضد استعماری ایران هرگز فراموش نخواهد کرد فداکاریها، صداقت ایمان اعتقاد مصدق را در راه مبارزات طولانی او چه پیش از رژیم ننگین پهلوی و چه در زمان سلطنت رضاخان قلدرد و پسر عفریت او. در طول تاریخ ۱۵۰ ساله استعمار سیاه، و کودتای ۲۸ مرداد علیه او و خیانت سلسله منحوس پهلوی نهایت بیدادگری استعمار و سرآغاز بزرگترین هجوم به استقلال و آزادی و فرهنگ ایران و غارت بیرحمانه ثروت ملی و منابع این مملکت را بوجود آورد.

برای درک عظمت پیشوائی مصدق و رهبری او کافی است که توجه نمائیم به عظیمترین خیانتها بیدادگریها و تجاوز به همه ارکان ملی ایران از این تاریخ آغاز شده است یعنی از زمانیکه او را به بند کشیدند و به یکباره ایران و تمامی ملت ایران را به سهمناکترین اسارتها تاریخ درآوردند و امروز بیاری یزدان پاک و رهبری آگاهانه امام خمینی و به همت ملت مبارز ایران از هر قشر و طبقه از

این اسارت رهائی یافت و امروز پس از ۱۲ سال اولین مراسم سالگرد مرگ رادمرد بزرگ انقلاب ایران دکتر مصدق را گرامی میداریم و بر مزار آن قهرمان آزادانه سوگند یاد میکنیم که نام مصدق برای ابد همگام با استقلال و آزادی ایران همراه است و جانبازها و روح پاک آزادیخواه او رهنمون رهبران عظیم ایران است.

یاران و کارکنان بازرگانی کارون
فریدون، کارون

پیام کارگران و کارمندان شرکت ایران کاوه دنیای بردگی همه مرگ است و نیستی است معنای زنده بودن آزاد بودن است

دروود به روان پاک پیشموی ملت ایران مصدق کبیر که زنجیرهای استعمار و استبداد را درهم پیچید و یک تنه در مقابل بزرگترین امپراطوری دنیا قد علم نمود و ندای ملت ستمدیده ایران را در مجامع بین المللی بگوش جهانیان رسانید.

فلسفه جهان بینی مصدق ناشی از اراده ملت و براساس سیاست موازنه منفی استوار بود او زمانی که ایران در اشغال متفقین جنگ دوم جهانی بود ندا سرداد: «ایرانی باید خانه خودش را خودش اداره نماید».

اصل سیاست موازنه منفی مبتنی بر آزادی و استقلال ایران بود و هر نوع وابستگی سیاسی را به کشورهای شرق و غرب محکوم میساخت.

فلسفه سیاست موازنه منفی دکتر مصدق برپایه «خودباز - یافتن» است او معتقد بود که سرنوشت و آینده ایران باید بدست ایرانی سپرده شود او گفت: «ثانفس دارم برای آزادی و استقلال این مملکت مبارزه میکنم» و تا آخرین لحظه حیات نیز یکدم از مبارزه دست نکشید.

مصدق کبیر گفت: «چه زنده باشم و چه نباشم امیدوارم بلکه

یقین دارم که این آتش خاموش نخواهد شد و مردان بیدار این کشور مبارزه ملی را آنقدر دنبال میکنند تا به نتیجه برسند».

امروز آرزوی پیشوای بزرگ ملت به حقیقت پیوسته و ایران از چنگال مهره اصلی وابسته به صهیونیسم و امپریالیسم نجات پیدا نموده است. اما تنها روبروی استثمار و استعمار تغییر نموده و همه نهادهای ریشه‌ای آن رژیم منحط در همه شئون فرهنگی و اجتماعی باقی است. ملت ایران باید هوشیار باشد و تمام بنیادهای زیربنایی اقتصادی و فرهنگی رژیم گذشته را درهم بکوبد.

ایران باید دارای یک اقتصاد ملی متکی بخود بوده کلیه بساط صنایع مونتاژ وابسته را برچیند. ما سانسور و اختناق را بهر نوع و شکل آن در رسانه‌های گروهی محکوم ساخته و از دولت قویاً خواستاریم که نسبت به اعاده آزادیهای انسانی که در منشور دفاع از آزادی و حقوق بشر پیش‌بینی شده اقدام نماید.

ما معتقدیم که در این برمه حساس که همه در راه سازندگی و آبادی ایران تلاش مینمایند باید همه احزاب سیاسی بتوانند آزادانه فعالیت نمایند تا از تعاطی قطرات و افکار آنها دست‌آوردهای انقلاب به نتیجه قطعی و غائی خود نائل آید.

ما هرگونه تجزیه طلبی را در هر گوشه ایران محکوم ساخته و با صدای بلند اعلام میداریم که از کرانه‌های بحر خزر تا سواحل خلیج فارس سراسر همه خاک عزیز ایران است و یک وجب خاک ایران را جدا از سرزمین خود نمی‌پنداریم.

ما در آستانه مزار پیشوای بزرگ ملت ایران متعهد و هم‌قسم میشویم تا آخرین نفس از استقلال و حاکمیت ملی ایران دفاع نمائیم.

درد برجبه ملی ایران پاسدار پاینده ایران

برقرار باد اسلام و اهداف و آرمانهای ملی دکتر محمد مصدق

پاینده ایران - برقرار باد اسلام

پیام سازمانهای دولتی و آموزشی

تلگراف

تهران

کمیته تدارک برگزاری بزرگداشت دکتر محمد مصدق

اکنون که بیاری پروردگار نهضت ملی ایران پیروز گردیده و ملت پس از ۱۲ سال توفیق مشارکت در این فرضیه ملی را بدست آورده است با درود و تجلیل فراوان آرزو دارد همه ما نیروهای ملی با شرکت در این مراسم و یادآوری دوران پرافتخار مبارزات دکتر محمد مصدق در به‌ثمر رساندن هدفهای ملی هم‌پیمان گردیده و پایه‌های اتحادی مستحکم را که ضامن پیروزی است پی‌ریزی نمایند.

مهندس مقدم مراغه‌ای
استاندار آذربایجان

کارکنان سازمان برنامه و بودجه

پس از ۱۲ سال این نخستین روزاست که ازبرکت آزادی برمزار رهبر آزاده مردم ایران دکتر محمد مصدق گردآمده ایم. نهضت بزرگ مردم ایران به رهبری او ملی، ضد امپریالیستی و آزادیخواهانه بوده، در راه کوتاه کردن دست استبداد و مظهر پلید آن شاه خائن همت گمارد.

به همین علت نیز آن تبهکار چنین کینه‌ای به دوست، خدمتگزار و پیشوای مردم می‌ورزید و می‌کوشید تا نام ارجمند و پیرانه‌تنها از خاطره جوانان، بلکه از صفحه تاریخ بزدايد. «زهی تصور باطل زهی خیال محال».

انقلاب ملت ایران نشان داد که باهیچ فشار و اختناق و کشتاری، باهیچ وسیله و نیروئی نمی‌توان عشق به استقلال ملی و آزادی، را خاموش کرد و ملت ایران با سالها مبارزه بی‌امان، باایثار خون بهترین جوانان و آزادگان و به همت والای رهبری دیگر توانست به پیروزی‌های تازه‌تری دست یابد.

اکنون که آن خائن فراری و دست متجاوز و خونین امپریالیسم از گلوی ملت ایران برداشته شده در این مرحله از پیروزی و مبارزه برماست که به راه مصدق، به اندیشه و عمل او وفادار بمانیم، استقلال ملی را پاس داریم، درمبارزه با امپریالیسم ازپا ننشینیم و نعمت آزادی را که با جانفشانی‌های بیدریغ بدست آمده، از دست ندهیم تا در اجتماعی آزاد، همه فرزندان این ملت سخن خود را بگویند و سخن دیگری را بشنوند.

در خانه درود بی‌پایان کارکنان سازمان برنامه و بودجه را نثار روان پاک خفته عزیز دکتر محمد مصدق رهبر آزاده ملل شرق می‌نمائیم.

ازطرف جامعه کارکنان سازمان برنامه و بودجه

بنام خدا

کارکنان وزارت امور اقتصادی و دارائی

ما امروز برمزار کسی گرد آمده‌ایم که همه عمر خود را درمبارزه بااستبداد و استعمار گذراند. ملت ایران مبارزات اصیل و ملی‌سردار بزرگ شرق را با بیدادگری و چپاولگری داخلی و استثمار و استعمار بین‌المللی فراموش نمی‌کند. سرداری که از صدر مشروطیت برای آزادی ملت ایران مبارزه کرد. پیش‌بینی اسارت ملت ایران بود که این مرد بزرگ را از ابتدا به مخالفت با سلطنت پهلوی واداشت. هم او بود که سازمان مالیه مملکت را سامان بخشید و مستشاران خارجی را از مالیه بیرون راند.

پیروزی عظیم ملت ایران در ملی کردن نفت برعبری این رادمرد بزرگ صفحه نوینی دراستقرار حاکمیت ملی و استیفای حقوق ملت ما گشوده بازده طبیعی مبارزات اصیل و ملی این ابرمرد تاریخ ایران پیروزی بزرگ ملت ایران درمبارزه با خفقان و استبداد است که ملت مبارز ایران امروز برای اولین بار می‌تواند آزادانه برمزار این مرد بزرگ گرد آید و از او تجلیل نماید.

درود بی‌پایان همه مبارزین به روان پاک شهیدان راه آزادی و رهبر فقید ملت ایران دکتر محمد مصدق.

کارکنان وزارت امور اقتصادی و دارائی

مرکز آمار ایران

مصدق ای سردار بزرگ - کاش در قلعه‌ای که تا آخرین لحظه حیاتت در آن به‌زنجیرت کشیده بودند حضور داشتی تا ببینی ازبذر اندیشه‌ای که در مزرعه افکار پاشیدی. نسلی روئیده است که جز به جهاد نمی‌اندیشد.

مصدق بزرگ، مبارزه ضد استعماری و ضد استبدادی تو در

آن روزهای تاریک به همراه خلق ما بارقه‌ای بود که در قلب همه آزادیخواهان و عدالت‌جویان جهان، در قلب همه خلق مستضعف پرتوی از امید به رهائی افکند و استمرار خونین مبارزه‌ای که تو آغاز کردی امروز ملت ما را در آستانه عصر جدیدی از حیات پر - کوشش و پرنیج و تلاش خود قرار داده است .

ما امروز بر مزار تو گرد آمده‌ایم تا در سالگرد درگذشتت از تو به عنوان سمبل خدشه‌ناپذیر آزادی و عدالت و استقلال تجلیل کنیم. یادت را گرامی می‌داریم به روان تابناکت درود می‌فرستیم و بار دیگر در این مکان پیمان دیرین خویش را با تو تجدید می‌کنیم که در راه ایجاد ایران آباد، آزاد و مستقل، از هیچ کوششی فروگذار نکنیم.

کارکنان مرکز آمار ایران

بنام خدا

پیام شورای مرکزی هماهنگی سازمانهای دولتی و ملی

در تاریخ نهضت‌های ضدامپریالیستی کشورهای آسیائی و افریقائی نام دکتر محمد مصدق همچون ستاره‌ای راه‌گشای نیروی بی‌امان است حکومت استبدادی و دست‌نشانده امپریالیزم جهانی در ۲۵ سال گذشته با تلاشی عبث در راه محو نام این رادمرد بزرگ تاریخ ایران کار توطئه را بجائی رسانید که با صرف مبالغ گزاف نام مصدق را از دائره‌المعارف‌های جهان حذف کرد. صداقت و پایداری دکتر محمد مصدق و اصولی بودن وی در راهی که از آغاز تا انتهای زندگی سیاسی‌اش پیمود موجب شد تا نام او جاودانه ثبت تاریخ شود .

به اعتقاد او نهضت ملی ایران آنچنان نهضتی است که تمام افراد و سازمانهایی را که علیه استبداد و استعمار مبارزه میکنند دربر گیرد او هرگونه جدائی طلبی و انحصارخواهی در نهضت ملی ایران را محکوم می‌شمارد .

کارکنان سازمانهای دولتی و ملی که از آغاز این روزهای اعتصابات درهم کوبنده حکومت دست‌نشانده پهلوی دست به ایجاد شورای مرکزی هم‌آهنگی سازمانهای دولتی و ملی زدند معتقدند که این شورا نقطه عطفی در تاریخ اتحادیه کارکنان دولت بشمار می‌آید سازمانهای وابسته به این شورا باشرکت در مراسم دوازدهمین سالگرد فقدان سردار پیر نهضت ملی ایران یادش را گرامی میدارند و راهش را تا محو کامل ارتجاع و امپریالیزم ادامه خواهند داد .

دزود بردکتر محمد مصدق

پیروز باد نهضت ملی ضد امپریالیستی ایران
شورای مرکزی هماهنگی سازمانهای دولتی و ملی

کارکنان وزارت کار

خاطره تابناک دکتر محمد مصدق را به عنوان پرچمدار مبارزات ضد استبدادی و ضد استعماری گرامی می‌داریم .

اتحاد کلیه نیروهای مترقی و مبارز که خصلت ضد استبدادی و ضد استعماری دارند از جمله مهمترین دروسی است که از آن معلم پیر به‌یادگار مانده و ما به‌عنوان جزئی از ملت خواستاریم که اتحاد این نیروها عملی شود تا انقلاب ایران از گزند حوادث مصون بماند و با حداکثر سرعت و توان به‌بازسازی جامعه نوین ایران اقدام شود .

هیئت مؤسس کانون کارکنان وزارت کار و سازمانهای تابعه

پیام جمعی از کارکنان صنعت آب و برق کشور

مشت‌های استوار، فریادهای رسا، در سرزمینهای ستمدیده
و استعمار شده جهان از هر رنگ و نژاد و مکتب روز ۱۴ اسفند ۱۳۴۵
بلرزه درآمد و بامرگ مصدق احساس تنهائی و اندوه شدید در دل
هرآزاده‌ای جوانه زد و از آن خشم بزرگ و کینه عمیق برعلیه
امپریالیست متولد شد و نهالی پرورد که امروز ما شاهد شکوفه‌های
رنگین و خونین آن هستیم.

یادش بخیرمردی را که اراده ملت را برترین اراده‌ها میدانست -
نامش جاوید ابرمردی که یک دم از مبارزه برعلیه امپریالیسم نفت -
خوار جهانی و شرکتهای چند ملیتی غفلت نکرد و تا دم آخرین آزادی
مهرملت را در آزادی اقتصادی کشورش میدانست. نامش جاوید
یادش نیکی.

جنبش امروز فراگیری عمومی دارد و از اینرو از این نیروی
بالنده باید سود جست و دست مردمی را که در سرنگونی رژیم جابر
و خونخوار نقش اساسی و مؤثر داشته در اداره امور و تعیین
سرنوشت خویش بازگذاشت.

چگونه میتوان به مردمی که با شهادت هزاران فرزند خود
به پیروزی رسیده است گفت که به خانه‌ات برگرد اکنون دیگر وقت
دروست و ترا نیازی نیست و سازندگی این جامعه و تعیین نقش
و سرنوشت آن بعهده گروه خاص و منحصری است که در تمام
دوران اختناق دستی از دور بر آتش داشتند و باوجود سالها
برخورداری از نعمات گوناگون فرنگ امروز مدعی رسالت پابرهنه
شده‌اند و با عوام فریبی آنگونه عنوان میکنند که تمام مبارزات
درون جامعه ایران از قل و زنجیر و شکنجه و مرگ و شهادت همه
بازی و بیهوده بوده است و این جریان انقلابی از خارج یعنی از
مجالس فرنگی آمریکا و اروپا رهبری میشده است.

کجا بودی برادر تازه از راه رسیده زمانی که در این زندان
بزرگ یعنی ایران برای نفس عمیق و بلند خود اجازه میگرفتیم و
آنان که اجازه نگرفتند یا شهید شدند و یا در زندانهای کوچکتری
پوسیدند؟

کجا بودی آنزمانی که درختان قطور ریشه‌دار هم درمقابل باد

طاعوتی و سمی رژیم پهلوی لرزیدند و گاه از ریشه درآمدند و اکنون
در این فضای آماده ادعا میکنی من بیدی نیستم که از این بادها
بلرزم؟

نکنند انقلاب ایران این طوفان ریشه برکن سهمگین را شما از
فرنگ برگشته‌ها ساخته‌اید؟ و ما نمیدانیم. بملت پابرهنه از جان
گذشته، سنگری که با مسلسل مجهز بود حمله کرده و با دادن
هزاران شهید سنگر را از دست دشمن گرفته است و اکنون بعضی
فرماندهان چکمه‌پوشان مطمئن از راه رسیده بر بالای سنگر
سخت‌ترائی میکنند که ملت پابرهنه من مدافع حقوق شما خواهم بود
اصلاً چه نیازی به توسل زمانی که انقلاب بارور شده و سنگر
مسخر.

فراموش نکنید، با شما هستیم که خود را رهبران انقلاب ایران
میدانید زمانی که اجازه ندادید مردم در تعیین سرنوشت خویش
سهمیم بیاخذند یعنی مردم را کنار گذاشتید یعنی خلاق
بودند برای کسب مقامها و پست‌های شما بدانید که از همان لحظه
مردم مبارزه را با شما آغاز خواهند کرد.

ما نچنگیده‌ایم که برای شما پست و مقامی تهیه کنیم، خون
نداده‌ایم که از راه رسیده‌ی نابخردی برای مردم ادعای رهبری و
رسالت کند و بگوید اکنون دیگر بس است و به لانه‌ات برگرد گوش
بفرمان من باش تا هر موقع صلاح دانستیم دوباره صداقت کنم.

رهبری انقلاب تنها برای یک روحانی مبارز پابرجاست بنام
آیت‌الله خمینی که زعامتش را مردم پذیراند که صداقتش را مردم
لمس کرده‌اند که هدایتش را مردم باور دارند و لاغیر. اگر عده‌ای
بدین تصور هستند که از نام و سابقه مبارزات و صداقت و ایمان
استوار ایشان سوء استفاده کرده بر مردم حکم رانند در اشتباهند
چه مردمی که با عراده‌های دولتی و فشار و حيله‌های امپریالیسم
جنگیده‌اند قادر خواهند بود با فرصت طلبان حاشیه نشین بدون
هویت در سایه مانده مبارزه کنند.

مردم را در تعیین سرنوشت خویش سهمی است که هرگز آنرا
به امثال شما نخواهند داد حتی با عوام فریبی‌ها و لفاظی‌ها و ادعا-
های رسالت.

انتصاب هرگز نمیتواند حلال مشکلات ملتی باشد که سالها

پیام کارکنان شرکت مخابرات

دکتر محمد مصدق رهبر نهضت ملی ایران که به همه مسائل مبتلا به جامعه ایرانی با دیدی وسیع و برپایه منافع ملی می‌نگریست، بموازات ملی کردن صنایع عظیم نفت که شاعرگ حیاتی و زیربنای اقتصادی کشور محسوب میشد امر ملی کردن را در رشته‌هایی که در مرتبط ساختن آحاد و افراد ملت و گسترش ارتباطات ملی و اجتماعی نقش اساسی داشت نیز تعمیم داد. به پیروی از همین سیاست ملی و میهنی بود که لایحه ملی کردن ارتباطات تلفنی را در سراسر کشور، به مجلس برد. این لایحه که در تاریخ بیست و پنجم آذر ماه ۱۳۲۱ به تصویب رسید، ارتباطات تلفنی را در سراسر کشور ملی نمود. و بدین ترتیب یک مسأله مهم مملکتی با املت والای این رهبر ملی از حالت انتفاعی و محدود خود خارج گردید و در خدمت جامعه ایرانی قرار گرفت تا علاوه بر تأمین ارتباط جامعه ایرانی، در قالب برنامه‌های رفاه اجتماعی، بعنوان شبکه ارتباط ملی و سراسری در امر بازسازی و توسعه اقتصاد مملکت نیز نقش اساسی خود را ایفا کند. بهمین مناسبت کارکنان شرکت مخابرات ایران کوششهای آن رادمرد بزرگ تاریخ ایران را ارج می‌نهند و یادش را بعنوان پایه‌گذار نهضت اصیل ملی گرامی میدارند.

کارکنان شرکت مخابرات

پیام کارکنان وزارت راه و ترابری

سردار پیر

تا روشنی برآید و نیکی مدد کند
سردار پیر حمله بر دیو و دد کند
تاشب فرو بمیرد و برآشیاں صبح
خورشید عدل و داد ره ظلم سد کند

تسادست ملقی بدرآید ز آسئین

تا شیر پیر بار دگر خلع ید کند

فریادشوق از دل هر مرد وزن بیاست

سردار پیر ساحل شهر طلا کجاست؟

ای روح پرفتوح، ای قهرمان ملل رنج‌دیده شرق، ای سردار رشید ملت ایران، ای چهره تابناکی که با آنهمه رنج و تلاش و کوششی که در راه روشنگری ملل زیر ستم بویژه ملت محروم و دردمندت بکار بردی دریغا که اکنون در میان ما نیستی تا ببینی که درد آشنایانت بعنوان نمایندگان ملت در آرامگاهت گرد آمده‌اند و روح مقدست را خطاب قرار داده و یکصدا میگویند ای سردار بزرگ سرانجام ناکام نماندی و آرزوی بزرگ تو برآورده شد زیرا ملت مبارز و پیشتاز ایران همواره آرمان و ایده‌هایت را برعهبری زعیمی دیگر پیگیری کرد تا به پیروزی رسید.

یاد تو هرگز از دلها نرود و راحت همواره ادامه یابد.

جامعه کارکنان وزارت راه و ترابری

پیام کارکنان شرکت نفت ایران و ایتالیا

وابسته به شرکت ملی نفت ایران

ما کارکنان شرکت نفت ایران و ایتالیا که با شور و شوق زائدالوصفی در بزرگداشت دکتر محمد مصدق پیشوای فقید ملت ایران و قهرمان مبارزه ملی نمودن صنعت نفت شرکت نموده‌ایم به روان این رادمرد بزرگ درود می‌فرستیم.

از اینکه سالها بعد از درگذشت این رهبر بزرگ ملی برای اولین بار فرصت کرده‌ام آبی بر مزار پاکش نصیبمان شده است مغروریم اما این غرور موقعی تکامل خواهد یافت که با ادامه راه او و برآوردن بزرگترین آرزویش که ریشه‌کن کردن استعمار از تمام شئون ملی و میهنی مخصوصاً صنعت نفت که بزرگترین منبع چپاول و

غارت ثروت‌های ملی ما بوسیله استعمارگران بوده برآورده سازیم و فقدان جسمانی او را در این انقلاب بزرگ ملت ایران بالهام از روح پرفتوحش و پیگیری هدفهای ملیش جبران نمائیم. افسوس که او اکنون در بین ما نیست تا به چشم ظاهر ببیند که چطور پیش - بینیهایش به حقیقت پیوسته و بزرگترین دستگاه استبداد و خفقان نتوانست روح این ملت را اسیر کند.

اکنون که نهضت انقلابی ایران در آستانه پیروزی قرار گرفته است و ملت ایران آگاه‌تر و مبارزتر از گذشته براه مبارزه ادامه می‌دهد و تا کوتاه کردن دست اجانب از ثروت ملی خود بازسازی و ترمیم خرابیهای ناشی از خودکامگیها و تجاوزات رژیم منفور پهلوی و عمال دست نشانده‌اش ازپ نخواهد نشست و باهوشیاری از آزادیهای بدست آمده پاسداری خواهد نمود و اجازه نخواهد داد که در صفوف متحد ملت تفرقه بیفتد و بهانه بدست دشمنان ملت بدهد که واقعه تأسّف بار ۲۸ مرداد تکرار شود. نام مصدق بعنوان پرچمدار مبارزه ضد استعماری و ضد امپریالیستی همیشه در قلب ملت ما خواهد درخشید.

جاوید باد نام دکتر محمد مصدق
زنده باد پویندگان راه مصدق

شورای انقلاب هما

شورای انقلاب کارکنان هواپیمائی ملی ایران «هما» خاطره مبارزات مردانه‌ی دکتر محمد مصدق پایه‌گذار نهضت ملی ایران را گرامی میدارد و بروان پاکش درود میفرستد. دکتر محمد مصدق، آزاد مردی که برای آزادی مستضعفان ایران عمری را در تبعید و زندان بسر برد، شعله‌ای بود که اول بار بر جان طاغوت افتاد و آرزوی جز استقلال و آزادی ملت نداشت. او در مجلس چهاردهم فریاد زد:

«ایرانی خود بهترین کسی است که میتواند خانه‌ی خود را اداره نماید، مشروط بر اینکه دیگران در امور ما دخالت نکنند...»
روانش شاد باد

شورای انقلاب هما

شورای پاسداران انقلاب در وزارت کشور

یاد دکتر محمد مصدق، مبارز راستین ضد استبداد - ضد استعمار را
بزرگ بداریم

زنده یاد دکتر محمد مصدق، در تاریخ یکصد ساله مبارزه ضد استبدادی - ضد استعماری ملت قهرمان ایران، یکی از چهره‌های درخشان و فراموش نشدنی است و نه تنها مردم مبارز ما بلکه همه ملت‌های دربند دنیا، از این مبارز راستین و خستگی ناپذیر راه استقلال و دموکراسی به عنوان شخصیتی بزرگ و استثنائی یاد میکنند و خاطره او را همیشه ارج می‌نهند. زندگی این شخصیت بزرگ و نستوه، مشحون از مبارزه و مقاومت در مقابل خودکامگی حکومت - های سرسپرده و دربار منفور پهلوی و برعلیه سلطه بیگانگان در کشور است و مبارزات عظیم ملی شدن نفت، خلع ید از شرکت غاصب سابق نفت انگلیس و ایران و قطع نفوذ و سلطه امپریالیست - های انگلیسی و سایر غارتگران جهانی از ایران، به رهبری مبارز راستین صورت گرفت. راهی که مصدق آغازگر آن بود، سرآغاز مبارزات ضد امپریالیستی ملت‌های دربند خاورمیانه و سایر کشور - های جهان سوم میباشد. مصدق مبتکر سیاست موازنه منفی بود و در طول زمامداری خود که کشور در محاصره اقتصادی جهانخواران قرار داشت اقتصاد بدون نفت را با اتکاء به نیروی لایزال مردم مبارز ایران پیش برد. کودتای ننگین ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ که توسط محافل ارتجاعی داخلی و باکمک امپریالیزم آمریکا صورت گرفت و در جهت تخطئه مبارزات ضد استبدادی - ضد استعماری ملت قهرمان ایران بود، حکومت ملی دکتر مصدق را سرنگون کرد و ۲۵

سال خفقان و ترور پلیسی را برملت ما تحمیل نمود که در طول آن دربار منصور پهلوی امکان هرچه بیشتر غارت و چپاول ثروت‌های ملی ما را توسط جهانخواران امپریالیست و در رأس آنها امپریالیزم یانکی فراهم نمود. ولی ملت قهرمان ما در اینمدت آنی از مبارزه و مقاومت بازنايستاد و بالهام از آرمانهای آزادیخواهی و ضد امپریالیستی دکتر محمد مصدق مبارزه مرگ و زندگی را بر علیه استبداد ارتجاع و امپریالیزم تا پیروزی نهائی ادامه داد و اینک مردم مبارز ما موفق شده‌اند که طی مبارزه مستمر و پیگیر خود به حیات نظام منحص شاهنشاهی و سلطه جابرانه حکومت کودتا و نفوذ و سلطه بیگانه در کشور خاتمه بدهند. در این روزهای تاریخی و فراموش نشدنی که ملت قهرمان ما شاهد پیروزی را در آغوش گشیده است جای دکتر محمد مصدق، رهبر بزرگ و نستوه ضد استبدادی-ضدامپریالیستی در بین ملت ایران خالی است و مردم ما خاطره این رهبر بزرگ نهضت عظیم ملی را بزرگ میدارند.

شورای پاسدار انقلاب در وزارت کشور

سازمان هواپیمائی کشوری

سلام بر مصدق قهرمان

سلام برتوباد

سلام برتو، ای فرهادزمانه... که با تیشه‌های پراز صداقت و پایمردیت، پایه‌های طاغوتی کاخ فرعونى آخرین خسرو جباران را فروریختی.

سلام برتو

— که عظیم‌ترین حماسه‌ی ضدامپریالیستی تاریخ معاصر ایران را شکل دادی برتو سلام باد.

— که با صداقتی نجیبانه، فریادزدی، باید شهید داد تابهار آزادی را در آغوش گشید... برخیز... برخیزای ابرمرد تاریخ— برخیز

تماشاکن که رزمندگان راحت بادادن صدها هزار شهید نظاره‌گر بهار آزادی هستند.

سلام برتو

— ای از میان مارفته و در جمع مانسسته، برخیز، در چنین روزهای خون‌آلود و سرشار از حماسه جاویدان.. بنگر چگونه رزمندگان راحت سپاس‌گویان مقدم آزادی را بشارت میدهند.

— برخیز.. یاران شهید و گلگون‌کفن را بنگر که با تمام هستی به صلیب شهادت نشسته‌اند.

سلام برتو... انسان بزرگ که با نخستین گامهای عظیم پراز صداقت مقام رهبری را به رفیع‌ترین غله‌های ایمان و وطن‌پرستی— رساندی.

سلام برتو

— که از پایمردیت، از سالاریت عظیم‌ترین حماسه‌ی تاریخ معاصر جهان شکل گرفت.

آیا صدای شهادت را با نفیر گلوله‌های سینه سوز و بانک الله اکبر را شنیدی؟

ای فرهاد زمانه این صدای تیشه‌های شهیدان راه تو بود که به بارگه شاه فرود می‌آمد.

ای سالار عاشقان

نامت به نام باد و مهرت در دل ما نام و مهر و بیادت و رجاوندباد.

سازمان هواپیمائی کشوری

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

ای ابرمرد ، ای مبارز ملی ، ای که نامت زینت بخش تاریخ
مبارزات ملت ایرانست .

دروود بر تو ، یادت گرامی باد که هرگز این ملت فراموش
نخواهد کرد .

روانت شاد ، که نصیری مرد و بگورستان تاریخ پیوست و
تو همواره زنده ای . بزودی ملت ایران در مرگ خصمان دیگر
شادمان خواهند شد .

دیدی که ملت آرام ننشست و به آرمانت جان بخشید؟

خداوردی درخشید ، روح اسلام را در کالیدهای نیمه جان در
چنگال طاغوت دمید ، ملت بجوش آمد و خروشید ، آوای این خروش
از مرزها گذشت و جهانی را پرلوله کرد .

تو آنروز نفت را ملی کردی ، امروز او ایران را ملی نمود .

کارکنان وزارت امور اقتصادی و دارایی

پیام کارکنان مؤسسه خاکشناسی و حاصلخیزی خاک، وزارت کشاورزی و عمران روستائی

«بنام خدا»

پس از گذشت ۱۲ سال از مرگ رهبر جنبش ضد امپریالیستی
ایران بر مزارش گردهم آمده ایم تا پیمان وفاداری خویش را در راه
از میان برداشتن ریشه های استبداد و استعمار و استثمار تجدید
نموده و راه آن رادمرد بزرگ را ادامه دهیم .

مصدق بدون شک در تاریخ جهان یکی از خردمندترین ، باارزش-
ترین و آزاده ترین رهبران سیاسی بوده و سالهای زمامداری او
نقطه عطفی در مبارزات سیاسی ایران محسوب میگردد .

مبارزات او در سراسر جهان و در خاورمیانه بطور اخص سر -
آغازی بود برای مبارزات ضد استعماری و احیاء جنبشهای ملی .
زندگی وی چون سررهبر ملی در جهت مبارزات ضد امپریالیستی
همراه با نشیب و فراز فراوان بوده و در دوران زندگی سیاسی
پرتلاطمش به زندان رفت و تبعید شد . گرچه عمال استعمارکوشیدند
نام وی را از صفحه تاریخ عصر خود محو نمایند و منکر مکتب
تعلیمات او شوند ، اما جای او همواره در قلب خلق ضد استعمار و
مبارز ایران محفوظ بوده و حماسه مصدق چون افسانه قهرمانان دیگر
راه آزادی و استقلال ایران سینه بسینه بنسل امروز رسیدوبی شک
تاابد باقی خواهد ماند .

مصدق بما آموخت آزادی و استقلال سیاسی بدون استقلال
اقتصادی ممکن نیست مردم ایران باید با اتکاء به نیروی خود در راه
تأمین هدفهای سیاسی و اجتماعی گام بردارند . مصدق گرچه در میان
ما نیست اما یاد او همیشه بعنوان پرچمدار نهضت مبارزین سرسخت
مردم ایران علیه امپریالیست جهانخوار جاویدان است .
ای روح مصدق سلام مبارزان جنبش انقلابی مردم مسلمان
ایران بر تو باد

از طرف کارکنان مؤسسه خاکشناسی و حاصلخیزی خاک

پیام دانش آموزان مدارس به مناسبت دوازدهمین سالگرد
(خاموشی) رهبر کبیر ملت ایران دکتر محمد مصدق

همه ما امروز در اینجا گرد آمده ایم تا دوازدهمین سالگرد
خاموشی رهبر ملت ایران را ارج بنهیم ولی آیا او واقعاً آنچنانکه
گفتم خاموش است؟ نه ، این امکان ندارد ، این امکان ندارد که
مبارز کبیری همچو او که چه هنگام و کالتش در مجلس و چه هنگام
نخست وزیریش در کنار ملت راحتی و آسایش ستمگران و نوکران
استعمار را می ربود خاموش باشد . حتی اگر بعضیها ظنین صدای
او را که جلوه صدای رنجبران و زحمتکشان واقعی بود فراموش

کرده باشند، دشمنان او هرگز فراموش نخواهند کرد. چه، وقتی که او در مجلس فریاد برمی آورد: دولت نباید هزینه گزافی برای تعمیر قصرها و کاخهای سلطنتی و زندانها خرج کند ولی در عوض مردمی باشند که شبها در گوشه خیابان بخوابند، مویر تنشان راست می‌شد و از وحشت آنکه مبادا آرامشی را که در چپاول منافع ملت داشتند از دست بدهند، شروع به توطئه چینی علیه او کردند. بیماری و ناتوانی نتوانست او را از احساس مسئولیت در مقابل ملتی که برآستی او را می‌خواست و نقطه عطف این خواستن ۳۰ تیر بود باز دارد. مصدق همیشه در کنار ملت بود چه در دیوان بین‌المللی لاهه - چه در جریان ملی کردن نفت که بحق او خود پیشاهنگش بود و بالاخره چه در مقابل انگلیس که حاضر نبود از منافع سرشار خود در ایران چشم پوشی کند. در طول جریان ملی کردن نفت رعایت سیاست موازنه منفی دکتر مصدق و قاطع بودن موضع او در مقابل آمریکا برای همیشه دهان یاه - گویانی را که او را به وابستگی به آمریکا متهم می‌کردند بست. او برآستی شاگرد مکتب علی (ع) بود و پناه رنجبران و ستمدیدگان.

(جاودانه باد راه رهبر کبیر ملت ایران دکتر محمد مصدق)

سالگرد درگذشت شادروان رهبر مبارز ملی ایران مرحو مه‌جناب آقای دکتر مصدق را بعموم ملت ستمکشیده ایران بالاخص هم‌زمان آن شادروان و خانواده‌های وابسته خصوصاً نوه محترم جناب آقای دکتر هدایت‌الله متین دفتری تسلیت عرض نموده پیشرفت و موفقیت هرچه بیشتر ملت ایران را در نابودی استعمار و قطع دست ایادی جنایت‌کارش را بر رهبری زعیم عالیقدر رهبر بزرگ شیعه امام‌خمينی و یاری و همکاری کلیه آیات عظام و آزادگان ایران از خداوند قادر متعال مسئلت دارد.

از طرف علاقه‌مندان شهید مرحوم محمد مسعود مدیر سرسخت و مبارز مرد امروز - سید حسین کمالی.

کمیته هماهنگی دانش آموزان پایتخت

با درود فراوان به تمامی مبارزان راه حق و تمامی شهیدان گلگون کفن این دیار پهناور و با سلامی گرم به رهبر عزیز انقلاب حضرت آیت‌الله خمینی، ما دانش‌آموزان دبیرستانهای تهران با قلبی آکنده از عشق به وطن و شور بازسازی میهن عزیز، امروز برهزار یکی از بزرگترین رهبران آزادی‌خواهی و استقلال‌طلبی کشورمان دکتر محمد مصدق گرد آمده‌ایم.

در بزرگداشت مصدق فقید و در این سالگرد تاریخی، ما دانش‌آموزان با درس‌گیری از مبارزات سالهای قبل از کودتا و جمع‌بندی از نکات مثبت و منفی و دلیل شکست نهضت در ۲۸ مرداد ۳۲ به این نظر رسیده‌ایم که حمایت و تقویت دولت بازرگان و وثیقه خوبی برای ادامه انقلاب و رسیدن به دستاوردهای بیشتر است باید تمام نیروهای ملی و استقلال‌طلب با هم متحد شوند و در برابر توطئه‌های بیگانگان هشیار باشند.

یاد مصدق بزرگ رهبر مبارزات
ضد امپریالیستی را گرامی داریم

کمیته هماهنگی دانش‌آموزان پایتخت

پیام از طرف عده‌ای از فرهنگیان ناحیه ۵ تهران

با غرور و افتخار هرچه تمامتر فرهنگیان که سهم بزرگی در مبارزات ضد استعماری و استبدادی دارند در این روز بزرگ و تاریخی همبستگی گسست‌ناپذیر خود را با مبارزات ضد استعماری و امپریالیستی مصدق بزرگ رادمرد و ابرمرد راستین انقلاب ایران که یادش را در این روز بزرگ گرامی می‌داریم اعلام داشته و سوگند وفاداری می‌خوریم که تا آخرین نفس و قطره خون پاک هر ایرانی وطن پرست مبارزات رهائی‌بخش این مرز و بوم را در راه شکستن

زنجیرهای فاسد رژیمهای گذشته علیه ظلم و استبداد و فسادهای جامعه محروم طبقه کارگر و زحمتکش و روشنفکر ایرانی و تبادل و تارسیدن بهدفعهای بزرگ و انسانی مصدق کبیر و یاران وفادار آن رادمرد مجاهد ازپای فنشستیم .

درود جاودانه و صمیمانه ملت مبارز ایران بمصدق بزرگ سرباز و مجاهد راستین راه حق و آزادی .

سلام برمصدق محبوب و یاران وفادار او که تا آخرین روزهای نبرد برضد استعمار و استثمار دست از مبارزه حق طلبانه خود برنداشتند درود بردکتر سید حسین فاطمی سرباز مجاهد میهن .

از طرف عدهای از فرهنگیان و معلمین ناحیه ۵ تهران

پیام جامعه فارغالتحصیلان ایرانی مقیم آلمان

سلام بر شما مردم زحمتکش و قهرمان ایران
سلام به شجاعانی که با نابود کردن سلطنت پهلوی به رهبری حضرت آیتالله خمینی به یکی از آرزوهای دیرین ملت ما جامعه عمل پوشانید .

سلام به شما زنان و مردانی که در راه مصدق ، در راه آزادی مطلق ایران از استثمار و استعمار تلاش میکنند . ما فارغالتحصیلان ایرانی مقیم آلمان در برابر خاطره همه شهدای بزرگ خلق ایران با نهایت فروتنی سر تعظیم فرود می آوریم و یکبار دیگر در سر مزار مصدق بزرگ پیمان وفاداری خود را با ملت ایران تجدید نموده و اعلام میداریم که در خدمت به خلق ایران ، در راه استقرار حکومت مردم بر مردم ، در راه استقرار آزادی اندیشه و بیان و آنچه که مصدق میخواست در راه ایجاد حکومتی که جای رنجبر باشد پای استقامت خواهیم فشرده - مصدق یقین داشت که آتش مبارزه ملت ما علیه تسلط بیگانگان و ایادی آنان هرگز خاموش نخواهد شد و قهرمانیهای شما و جانبازیهای شما نشان داد که مصدق در این یقین خود حق داشت .

مبارزه مردم برای استقرار جمهوری در ایران از نظر مبارز و اجتماعی ادامه و تکمیل مبارزه مردم برای ملی شدن صنعت نفت است . ایران و دنباله همان مبارزه ای است که خلق ما از نیمه دوم قرن نوزدهم برای رهائی از تسلط استعمار خارجی و استثمار داخلی آغاز نموده بود . مبارزه برای نابودی سلطنت و استقرار جمهوری وجه داخلی و تکمیل مبارزات ضد استعماری است و این مبارزه اجتماعی تازمانی که منافع و خواست اکثریت مطلق مردم ایران تأمین گردد ادامه خواهد داشت .

ما ایمان داریم که حق از آزادی جدا نیست و آنکس که طرفدار آزادی است ، جانبدار حق است و راه مصدق راه آزادی و رهائی است .

درود به روان پاک مصدق بزرگ و همه شهدای راه آزادی مستحکم باد اتحاد تمام زنان و مردانی که در راه آزادی قطعی ایران از استثمار و استعمار مبارزه میکنند .
مستقر باد آزادی و عدالت اجتماعی

عیئت مدیره جامعه فارغالتحصیلان ایرانی مقیم آلمان غربی

کانون آزادی دانشکده علوم سیاسی اجتماعی

سعیدامرد نکو نام نمیرد هرگز مرده آنست که نامش به نکویی نبرند
درود به روان پاک و تابناک فرزند خلف ملت ایران شادروان دکتر محمد مصدق رهبری که نه فقط ایران و ایرانی بلکه شرق و به بیانی صحیحتر تمامی ملل مستنثر جهان برخاستن و آزادی خود را مدیون افکار و تلاشهای انسانی او هستند .
کرچه این نخستین بار است که ملت ایران آزادانه مراسم سالگرد درگذشت عزیزش را برپا میدارد ولی به مصداق آتشی که نمیرد همیشه در دل ماست یاد مصدق و راه مصدق همیشه یاد مردم و راه مردم بوده است .

سازمان ملی پزشکان و دندانپزشکان ایران

دوازده سال پیش به‌چنین روزی در این دهکده کوچک مردی چشم از جهان فرو بست که بی‌هیچ شک یکی از قهرمانان بزرگ آزادیخواهی و مبارزان نمونه راه آزادی در تاریخ بشری است . دکتر محمد مصدق که از آغاز جوانی راه خویش را در جهت دفاع از حقوق محرومان و زحمتکش‌ان جامعه ایرانی انتخاب کرده بود، پس از شهریور ۱۳۲۰ مبارزات سیاسی خود را با شدت مرچه تمامتر با سلطه استعمار و بمنظور رسوا کردن عوامل سیاست های خارجی بخصوص شرکت نفت انگلیس و ایران آغاز کرد و با بسیج مردم محروم و ستمدیده کشور و تلاش پیگیر و از خودگذشتگی بی‌حد صنعت نفت را در سراسر کشور ملی و دست عوامل خارجی را از دخالت در امور ایران کوتاه نمود.

سیاست‌های خارجی برای حفظ منافع خود بکمک شاه خائن و عوامل مزدور داخلی با اجرای کودتائی ننگین حکومت ملی وقانونی مصدق را سرنگون کردند و او را بجرم وطن پرستی و مردم دوستی به محاکمه کشیدند...

حاصل این محاکمات رسوائی مزدوران و محکومیت یک خدمتگذار واقعی به میهن بود . نوکران سیاست‌های استعماری در ایران برای زدودن کامل نام او از تاریخ به عزلت مطلق محکومش کردند و حتی مرگ او را نیز از جهانیان پنهان نگاه داشتند . مبارزات ملت ایران برعه‌ری دکتر محمد مصدق علیه سیاست استعماری انگلیس را باید سرآغاز یک نبرد جهانی برای رهائی از استعمار و ظلم و ستم بیگانه دانست . این مبارزات پایه‌های استعمار انگلیس را نه‌تنها در ایران و خاورمیانه بلکه در همه جهان بلرزه درآورد و بنای حکومت چند صد ساله استعماری را فرو ریخت و درهم کوبید .

اگر مصدق یکی دوهزار سال پیش از این در ایران چشم به جهان می‌گشود ، تولد و زندگی و مرگش را هاله‌ای از افسانه‌های گوناگون فرا میگرفت و تاریخ و ادبیات ما از او اسطوره‌ای می‌ساخت که دهان به دهان میگشت و هرکس برآن پیرایه‌ای میبست ، ولی در جهان امروز، که همه چیز برهمه کس آشکار است ، ملت ایران

ملت ایران امروز چیزی جز شکوفه‌های آزادی برای نثار برمزار آن فقید بزرگ ندارد شکوفه‌های درختی که نهال آنرا دکتر مصدق خود کاشت و ملت ایران با خون جوانانش آنرا آبیاری نمود ما دانشجویان کانون آزادی دانشکده علوم سیاسی و اجتماعی بسا شرکت در این مراسم سوگند می‌خوریم که با الهام از نظریات مصدق کبیر در راه آزادی و استقلال ایران عزیز از همه چیز خود بگذریم .

دانشکده علوم سیاسی و اقتصادی

کانون آزادی

پیام جامعه فارغ‌التحصیلان پلی‌تکنیک تهران

خواهران و برادران :

گرامی میداریم یاد بزرگ مرد تاریخ ایران دکتر محمد مصدق را که در راه پیکار با استبداد و استعمار نه تن به سازش داد و نه از پای نشست و بیاد او گرامی میداریم وحدت کلیه نیروهای متمدنی جامعه ایرانی را با تصفیه کردن جنبش از عناصر فرصت طلب و سازشکاری که همواره تیشه بریشه نهادهای مردمی زده‌اند .

با درود فراوان به سازمان چریکهای فدائی خلق ایران
با درود فراوان به سازمان مجاهدین خلق ایران
با درود فراوان به جبهه ملی ایران

فارغ‌التحصیلان پیشگام پلی‌تکنیک تهران

او را بسیار ساده بعنوان یک ایرانی وطن‌پرست و مردم دوست می‌شناسد ، که چیزی بجز عشق به ایران و ایمان به حقانیت مردم در سر نداشت .

میراث مصدق جرأت و شهامت ، درس او حقیقت و درستکاری و سلاحش عشق به میهن و اعتقاد به نیروی ملت بود. زندگی مصدق را باید تمام و کمال بعنوان یک تندیس راستین از او دانست. حال که او مرده است به بشریت تعلق دارد .

سازمان ملی پزشکان و دندانپزشکان ایران دربرابر این مرد بزرگ تاریخ با نهایت خضوع سر تعظیم فرود می‌آورد و یاد او را همواره گرامی میدارد.

انجمن فیزیوتراپی ایران

انجمن فیزیوتراپی ایران در سالروز درگذشت ابرمرد تاریخ ایران مصدق کبیر خاطره این سمبل ضد استعمار را گرامی میدارد.

رئیس هیأت مدیره انجمن فیزیوتراپی ایران
عضو و مسئول جبهه ملی ایران -
میدلند انگلستان - محسن هاشمی

پیمان آزادی

هدیه صدمین سالروز تولد دکتر مصدق

نامت

گواهی آزادیست

چونان که زندگیت .

صدای گامهای تو در معبر خونین آزادی میهنم .

طنین سرود مقاومتیست که قدمهای رهروان را

منظم می کند،

و راه را بیدار نگاه میدارد .

رعیوی سالخورده آزادی!

صد ساله مرد!

همراه با بهار رهایی به تهنیت زاد روز تو آمده ایم

با خرمن

خرمن

شقایق پرپر

به تهنیت تو که آزادی را موعبتی همزاد آدمی باور داشتی

خود اگر دوست بود یا دشمن .

رعیوی پیر بسته به زنجیر !

تا در بهار آزادی تنفسی کنیم،

از فصلهای کبود و تاریک شکنجه و زندان گذر کرده ایم .

دیدید پدر چگونه می گذرانندیم

چندان که از پس پشت دیوارهای بلند قلعه زندانت

می توانستی شنیدی،

نسیمها به زمزمه از توفانهای در راه خبر می دادند !

و چندان که در آسمان محصور ، طلوع ستارگان را نگران می بودی ،

خورشیدهای خشم فرزندان جوانت ،

– فرزندان فدائی و مجاهدت –

چنان به انفجار

شبستان این میهن را ستاره باران می‌کرد ،
که اهریمن دل می‌ترکاند .
و خلق ، دل می‌یافت .
دیدى پدر چگونه جوانانت ،
شب را به صبح رساندند !
اینان که خون پاک جوان‌شان
چندان در آینه آسمان ایران تابید
که شفق شرمگین شد

و زمزمه‌ها فریاد
و فریادها ، توفان
و آنگاه

سیل عظیم خلق به راه افتاد
نابودی تمامی یک دوره را .

نامت

پیمان آزادی‌ست
صد ساله مرد !

ای به آزادی زیسته و در زنجیر جان سپرده !
بن ریشه درخت مبارک هزار میوه آزادی ،
که تو اش پرورده بودی ،
و آذرخش کینه غارتگرانش سوخته بود ،
سیراب شد چنان زخون جوانان که باز ، شاخه برآورد .
اینک به پاسداری این نودمیده آرزوی دیرین
این نوبرانه
این ودیعه خون هزاران شهید

به جان ایستاده‌ایم
هم اگر چند ،

این نودمیده ، خون تازه بخواند !*

م. آزرم

۲۸ اردیبهشت ۱۳۵۸

مرثیه درخت *

دیگر کدام روزنه دیگر کدام صبح
خواب بلند و تیره دریا را
- آشفته و عبوس -
تعبیر می‌کند ؟
مل می‌شنیدم از لب برگ
- این زبان سبز -

در خواب نیمشب که سرودش را
در آب جویبار ، بدینگونه شسته بود :

- در سوکت ای درخت تناور !
ای آیت خجسته در خویش زیستن !
ما را
حتی امان گریه ندادند .

من ، اولین سپیده بیدار باغ را
- آمیخته به خون طراوت -
در خواب برگهای تو دیدم
من ، اولین ترنم مرغان صبح را
- بیدار روشنائی رویان رودبار -
در گل فشمائی تو شنیدم .

دیدند بادها
کان شاخ و برگهای مقدس
- این سال و سالیان که شبی مرگواره بود -
در سایه حصار تو پوسید
دیوار ،
دیوار بیکرانی تنهائی تو -

* نقل از چاپ اول کتاب از زبان برگ تاریخ انتشار ۱۳۴۷ .

(*) - نقل از هفته نامه آزادی شماره ۹ - دوم خرداد ۱۳۵۸

یا

دیوار باستانی تردیدهای من
نگذاشت شاخه‌های تو دیگر
در خنده سپیده ببالند

حتی ،

نگذاشت قمریان پریشان
(اینان که مرگ یک گل نرگس را
با ماه پیشتر
آنسان گریستند)
در سوک ساکت تو بنالند .

گیرم ،

بیرون ازین حصار کسی نیست
گیرم در آن کرانه نگویند
کاین موج روشنائی مشرق
- بر نخلهای تشنه صحرا ، یمن ، عدن ...
یا آبهای ساحلی نیل -
از بخشش کدام سپیده‌ست
اما ،

من از نگاه آینه

- هرچند تیره ، تار -

شرمنده‌ام که : آه

در سوکت ای درخت تناور ،
ای آینه خجسته درخویش زیستن ،
بالیدن و شکفتن ،
در خویش بارور شدن از خویش ،
در خاک خویش ریشه دواندن
ما را
حتی امان گریه ندادند .

شفیعی کذکنی - م. سرشک
۱۳۴۵/۱۲/۱۵

گذر از تاریکی

احمد آباد نه آن غمگده بسته است
این قفس نیست که مردی در آن
می‌تا

تنها می‌رفت
تنها می‌آمد
و عصای او
همره و تنها همپایش بود .
ورد آزادی
آوایش بود .

محشری برپاست
اینک آن دهکده را غوغاست
همه یارانش اینجا
همگانش اینجا
ملی و دینی
توده در اینجا است

دل ما تنگ است
مهربان عقده‌گشایی کن
گذر از تاریکی است
دشمنان انبوه
با چراغی ما را راه‌نمایی کن

رفتی و ...
روز بد آمد
بد چندان چندان
صد به صد آمد
باز ایران بلادیده زندان شد
با درون خود زندانی
خانه‌مان خانه بیگانه

و هر آبادی ویرانه
چه ستمها رفت
چه کشیدیم در آن ایام
تا در آن چیرگی بیداد
از نشست کارد
استخوان آمد در فریاد
زخمی خفته بهوش آمد

خون بجوش آمد
خلق در جوش و خروش آمد
وان ستمکاره پتیاره زهرچاره
واماند .
رفت و تنها ماند .

پیری از راه فراز آمد
با کتابش در دست
تحفه ، جان داری پیوند و پیمان
آورد .
پیک ایمان آورد .

امروز
احمدآباد تو آغوش است .
احمدآباد مصب همه شطهاست .
خلق اینجا همه در جوش است
احمدآباد تو ایران است
و تنت باغ گل از خون شهیدان است
روی رگ و گل خون می خوانیم
در کنار تو و با تست که می رانیم
سخن از آزادی
عم به آئین تو می گوئیم
غول استعماری
غول استبدادی

سیاوش کسرائی

تسلی و سلام

دیدی دلا ، که یار نیامد
بگذاخت شمع و سوخت سرپای
آراستیم خانه و خون را
دل را و شوق را و توان را
آن کاخها ز پایه فرو ریخت
سوزد دلم به رنج و شکایت
بشکفت بس شکوفه و پژمرد
خوشید چشم چشمه و دیگر
ای شیر پیر بسته به زنجیر
سودت حصار و پیک نجاتی
زی تشنه کشتگاه نجیبیت
یکی از آن قوافل پر با
ای نادر نواذر ایام
دیری گذشت و چون تو دلیری
افسوس کان سفاین حری
وانرنج بی حساب تو، در داک
وز سفله یاوران تو در جنگ
من دانم و دلت که غمان چند
چندانکه غم به جان تو بارید

گرد آمد و سوار نیامد
و آن صبح زرنگار نیامد
و آن ضیف نامدار نیامد
غم خورد و غمگسار نیامد
و آن کرده‌ها بکار نیامد
ای باغبان ، بهار نیامد
اما گلی به بار نیامد
آبی به جویبار نیامد
کز بندت ایچ عار نیامد
سوی تو و آن حصار نیامد
جز ابر زهر بار نیامد
ران گهر نثار نیامد
کت فروبخت یار نیامد
در صف کار زار نیامد
زی ساحل قرار نیامد
چون میچ در شمار نیامد
کاری بجز فرار نیامد
آمد و آشکسار نیامد
باران به کوسسار نیامد

تهران فروردین ۱۳۳۵

مهدی اخوان ثالث «م. امید»

مصدق کجائی که با چشم خود
برآور سر از خوابگاه عدم
که آه شرببار خونین دلان
که از آهنین عزم رزمندگان
مصدق کجائی که فرمان دهی
بپاخیز تا دست باری دهی
خمینی که او را خدا برگزید
از این ملک ویران گریزان کند
بیک گام ملت بمقصد رسید
کجائی که بینی در این انقلاب
که از خون هم رزم تو فاطمی
جوانان در خاک و خون خفته را
که کردند از خون خود بارور
درختی که آزادی آرد ببار
ببینی نهاده سر و جان بدست
که مردانه کشتند و بستند دست
زن و مرد و پیر و جوان در نبرد
کشیدند از تخت شامی بخاک
گر اقبال یکچند شد یار او
عمل کرد دستور بیگانه را
به بیگان بردگی کرد ، برد
برفتند بیگانگان از وطن
نه بیگانه ماند و نه بیگانه دوست
برآورده شد آرزوهای تو
بجای تماشای آن شوره زار
تورفتی ولی رسم و راه تو گشت
چو دادی به بیگانه اعلان جنگ
همه خلق ایران بفرمان تو
ولی پول بیگانه پیروز کرد
شد آلوده پیروزی او به ننگ

ببینی شکست ستمکار را
تماشا کن این جنگ و پیکار را
چه خونها به دل کرد خونخوار را
چه آمد بسر آن تبهکار را
به پیکار سرباز و سالار را
امام گرانقدر احرار را
که آسان کند کار دشوار را
سیه دلترین فرد اشرار را
چه بگشود او راه عموار را
جهاد گروهی فداکار را
نمودند گلوگونه رخسار را
شهیدان جان داده بردار را
درخت ، سعادت بر و بار را
درختی که گل میکند خار را
بهر سرزمینی خلق بسیار را
ستم پیشه مردم آزار را
شکستند درهای دربار را
زبون ، بخواری سزاوار را
کنون میکشد رنج ادبار را
چو سرباز فرمان سردار را
از این بردگی سود سرشار را
چو دیدند آشفته بازار را
ز کشور چو راندند اغیار را
چرا بسته ای چشم بیدار را
شکفته ببین باغ و گلزار را
چو سرمشق مردان هشیار را
که کوتاه کنی دست غدار را
نمودند مردانه پیکار را
حریف تو آن را دید کار را
که فرمانبری کرد اغیار را

بغارتگران جهانی فروخت
بگرد مزار خود اکنون ببین
گروهی ز خصم تو بیزار را
ببین با چه سوزی بر این خاک
بهمین رهبر خلق بیدار را
گردمی ز خصم تو بیزار را
بجنگ اجانب سپهدار را
بدوزید چشمان خونین بار را

ابوالحسن ورزی
۲۴ اسفند ۱۳۵۷

(هرگ آرزو)

در گوشه ای کنار افق دور از نگاه
جائی که آسمان و زمین دست هم گرفت
آنجا که پای کس نرسد بی هراس و بیم
آنجا که نیست جز ستم و رنج و سوز آه
آنجا که بی جهت ننماید گذر نسیم
جائی که نام منزل اندوه و غم گرفت

* * *

یک مشت استخوان بهرگ و پوست بسته ای
بحری ز علم ، معدنی از عقل و فهم و هوش
دنیائی از صفای جهانی ز عشق و شور
لیکن زدست جور زمان زار و خسته ای
با آن دو چشم نافذ پر از شرار و نور
چون موج در تلاطم ، چون رعد در خروش

* * *

مرغی است پر شکسته ، بکنج قفس اسیر
گنجی است پربها که به ویرانه کرده جای
دری که در درون صدف قعر آب بود
یا گوهری که خورد بجهان بود بی نظیر
برجان دشمنان همه تیر شهاب بود
هم خلق را فکنده بر سایه همای

* * *

ای اشکها ز دیده مبادا روان شوید
ای ناله‌ها ز حنجره بر سینه جا کنید
عفریت قهر و مرگ بهرحال بر در است
ای باغها بفصل بهاران خزان شوید
خورشید رفته ، ظلمت شب خوف او راست
برپا بساط ماتم و سوک و عزا کنید

* * *

ای قدسیان عالم بالا به پیشواز
آئید کاین مسافر چون جان عزیز ماست
ای ساکنان باغ جنان ، ای فرشتگان
درهای بسته جمله برویش کنید باز
آن روح پیرفتوح که برشد به آسمان
جولان گهش به ملک بقا، عرش کبریاست

(سخا)

سرهنگ فنی هوائی بازنشسته سال ۱۳۴۲

دانشمند معظم آقای حاج شیخ احمد بهار بمناسبت ورود جناب
آقای دکتر محمد مصدق تاریخچه ذیل را راجع بتحوالات نفتی
سروده‌اند .

تاریخچه الغاء استعمار نفتی

مردی بزرگ قوه زبزدان ما گرفت
نیرو ز پایداری و ایمان ما گرفت
فرمان ز هردو مجلس و سلطان ما گرفت
دست خدای دست ز ایران ما گرفت
تا نفت را ز دست حریفان ما گرفت

امروز روز رجعت دکتر مصدق است
حیران جهان ز همت دکتر مصدق است
ایران جوان به نهضت دکتر مصدق است
چشم جهان به دولت دکتر مصدق است
او نفت را بحکم و بفرمان ما گرفت
امروز روز شادی مشرق زمین بود
روزی که خواست ملت ایران همین بود
آثار هر حکومت ملی چنین بود
تا عزم و تا اراده ما آهنین بود
بتوان زمام کار بعنوان ما گرفت
این آن مصدقی است که در حبس و بند بود
در بند بود و جایش در بیرجند بود
لیکن بنزد ملت خود ارجمند بود
نزد عمه بزرگ و مقامش بلند بود
سی سال جای در دل و در جان ما گرفت
پنجاه سال ملت ایران اسیر بود
برروی گنج گرسنه بود و فقیر بود
شرکت بکار ملک مشار و مشیر بود
بر دزدهای داخلی ما امیر بود
هر روز لقمه دگر از نان ما گرفت
بامکروفن بکشور ما سخت یافت دست
عهدی که بسته بود بما بارها شکست
انداخت کار را بکف زنگیان مست
هر دزد پست فطرت و هر بد نهاد پست
با پول و زور جای در ایران ما گرفت
روز سپید ایران بگذشت و شب رسید
درد و بلا بجای سرور و طرب رسید
دوران حبس و کشتن ورنج و تعب رسید
جان تمام ملت ایران بلب رسید
خون راه را بدیده گریان ما گرفت
زندان پر از رجال نیکوکار راد شد
با ظلم و زجر خون مدرس بباد شد

بر امتیاز نفت دو قرنی زیاد شد
 شرکت ازین شکار طلا بار شاد شد
 هر لحظه قسمت دگر از خوان ما گرفت
 جاسوسها در ایران مسند نشین شدند
 نیکان ما بهرنج و مشقت قرین شدند
 زندان نشین به پیشت در آهنین شدند
 دزدان زمامدار در ایران زمین شدند
 اندوه و فقر و فاقه گریبان ما گرفت
 آن پیشوا که عمر شریفش بغم گذشت
 دائم برنج غربت و بند ستم گذشت
 عمرش با استراحت بسیار کم گذشت
 از صد هزارها خطر دمدم گذشت
 تصمیم رهنمائی وجدان ما گرفت
 شوری بخاور از روی همت بپا نمود
 با جان خود حمایت دین خدا نمود
 ما را ز بندگان اجانب جدا نمود
 راه خدا بکشتی بسی ناخدا نمود
 در نیمه راه راه بشیطان ما گرفت
 شد پشتیبان دکترا دانای را عبیر
 بهر دفاع کشور شد سینه اش سپر
 کشتی نجات یافت زهر غرق و هر خطر
 مدم شدند سید و دکتر بیکدیگر
 اقبال و بخت آمد و دامان ما گرفت
 جمعی بنام جبهه ملی علم شدند
 خار ره عدو بزبان و قلم شدند
 پادار در برابر جور و ستم شدند
 با این پیشوای وطن همقدم شدند
 این جبهه زود وجهه به تهران ما گرفت
 این جبهه با حمایت ملت رشید شد
 آثار رشد در عمل او پدید شد
 در انتخاب شانزدهم روسفید شد
 مجلس دچار با وکلانی جدید شد

میدان برای منطق و برهان ما گرفت
 صد آفرین و تحسین بادا به مجلسین
 در کار نفت هیچ نکردند غمض عین
 کردند با شهامت و جرئت ادای دین
 شرکت برفت پاک بذر اصلشان ز بین
 روحی جدید جای به ارگان ما گرفت
 با رأی مردم مجلس و فرمان خدا
 شد خلع ید ز شرکت منفور روسیاه
 شد انگلیس از ایران در لاهه دادخواه
 دیوان ستمگران را چون بود پایگاه
 ایرادها بکار نمایان ما گرفت
 دیوان بحق ما ستمی بی حساب کرد
 بیداد و ظلم را بجهان باز باب کرد
 حق را ز پیشگاه عدالت جواب کرد
 دیوان لاهه پاک خودش را خراب کرد
 آتش بحکمش از دل سوزان ما گرفت
 باز انگلیس طرح بساط دگر نمود
 شورای عالی بشری را سپر نمود
 دکتر مصدق از وطن خود سفر نمود
 آفاق را زمکر عدو با خبر نمود
 سرتاسر جهان را طوفان ما گرفت
 شوری بکار ایران رائی صواب داد
 دنیای غرب گوش بحرف حساب داد
 بیلر در آن میان گل خوبی به آب داد
 جیب را شهامت تسارابکین جواب داد
 مبعوث شوروی ره احسان ما گرفت
 دکتر مصدق آمد و خوب آمد از سفر
 دنیا زکار ایران گردید با خبر
 گذاشت بهر کشور خود بهترین اثر
 ای ملت نجیب باین پیشوا نگر
 کو در زمانه رسم نیاکان ما گرفت

ای قائد رشید خدایت مدد کند

بافتح و نصرت از همه آفات رد کند
حق از تو دفع شر حسود و حسد کند
بریان شود دلی که بحق تو بد کند
زان آتشی که در دل بریان ما گرفت

دوست بزرگوار جناب آقای دکتر هنین دفتری

باعرض سلام ، قصیده‌ای که در شب ولادت شادروان دکتر محمد مصدق، دوسال پیش، در این بزرگداشتی که در منزل آقای فروهر برگزار شد ، قرائت کردم اینک که بهمت و کوشش جنابعالی بیادبود درگذشت پیشوا ، این سزاوار مقام بزرگ وی برپا میشود و این قصیده بمناسبت درگذشت آن شادروان سروده شده

مرگ قهرمان

کوس رحیل کوفت، مگر پیشوای ، وای
کآمد برون زنای و درون در آی وای
از باخت و خاور ایران، کلان و خرد
گویند یکزیان ، : «زغم پیشوای وای»
گوید مر آنکه در گهرش مهر مین است
از درگذشت رهبر فرخنده‌رای ، وای
سر داده در مصیبت جانکاه ؟ ؟ ؟
- در صحن باغ - بلبل دستان‌سرای ، وای
بر کاروان که بگذرد ، آتش نهد به جای
از کاروان است، غباری بجای ، وای
کشند آتشی که بر افروخت کاروان
در تیره شب ، به رهبری رهگشای ، وای
از «غرب» و موج حادثه‌انگیز آنها
بر ما گذشت حادثه‌ای جانگزای ، وای
در کام ورطه رفت فرو ، کشتی امید
فرمان ربوده شد ز کف ناخدای وای !

آن آتش مقدس کانون زر دهشت

افسرد آز «هریمن» ناپارسای وای
ماهی ، که نور او ، نفس شروان گرفت
بنهفت چهره ، در دهن ازدهای وای
آمد نگین آصف دوران ، نصیب دیو
گردون شکست آینه‌ی حق نمای وای
بیچاره مردمی که در آن قهرمان یکیست
و آن قهرمان اگر بدر آید ز پای وای
بر ما ، جهان گریست ، که دادیم رایگان
از کف ، یگانه قائد ملت گرای وای
افراشت او ، به قدرت ملی ، نوای داد
شد واژگون، ز توطئه‌ی ناروای وای
میخواست تا به «عدل مظفر» دهد قوای
بگسست پی ، ز رفتن او ، این‌سرای وای
مسعودوار ، جان و تنش ، از حصار رنج
آسوده‌گشت و دست از این تنگنای ، وای
مسعود ناله داشت، اگر ، از حصار نای
بر این حصار مانده زبندی جدای ، وای
این نارسا، رثای تو را میزند رقم
یا سال رحلتت ؟ که بر این بینوای وای
پرداختم به مرثیه ، بی‌تی که باشدش
تاریخ شمسی و قمری محتوای وای :
(دنیا بجا بمرگ مصدق عزا گرفت)

(منکر نداشت پاس ودا وای وای وای)

۱۳۴۵

۱۳۸۶

بعد از تو، ای زعیم گرانقدر «تابناک»

بر این محیط تیره‌ی وحشت فزای وای
بر آن شتاب بارقه‌ی مردمی دریغ!
از این نمونه‌ی ستم دیرپای وای
محو نشان و نام تو میخواست مدعی
خندید عقل و گفت «بر این هرزه لای وای!»

«بنام خدا»

این اشعار بیاس خدمات ارزنده مرحوم دکتر محمد مصدق (ناجی ملت ایران) در سالهای ۳۱-۱۳۳۰ بوسیله شاعر آزاده مرحوم میرزا سیفعلی بهمنی ساکن کاغذکان (منطقه‌ای مابین شهرستانهای میانه - زنجان - خلخال) سروده شده بود که بعد از کودتای وطن فروشان امپریالیسم شاه خائن در ۳۰ تیر بواسطه خفقان و سانسور مطبوعات تا امروز بچاپ نرسیده است که اینک نثار خاک پای مرحوم دکتر مصدق نخست وزیر ملی ایران میگردد . تقدیم دارنده :

سید جلال ارجمند

عدل مصدق که چو بنیاد شد

این دل غمدیده ما شاد شد

فصل خزان رفت و برآمد بهار

شد ز صبا صحن چمن لاله زار

از اثر فیض و جود سحاب

قطره شبنم سر گلها نثار

باد روانبخش زهرسو وزید

عطر عبیر است چو زلف نگار

صبح سعادت که بمیهن دمید

ای صنم سرو قد گل‌عذار

محنت دی رفت و چمن خنده زد

موسم عیش است و بیا می بیار

آب زجو رفته بجوی گشت باز

عمت آن رهبر پراقتدار

نفت که ملی شده از لطف اوست

جنبش ملت بهمین اعتبار

بسکه ز دلها دل شبهای تار

عدل مصدق که چو بنیاد شد

این دل غمدیده ما شاد شد

مدح و ثنا هرچه بگویم رواست

آنکه به یک ملت و دین پیشواست

عمت و زحمت همه بهر حقوق

از سر لطف است و نه روی ریا است

بهر ثبات شرف و عز و جاه

گرنگری هر طرفی را دعا است

کوکب ماسرزده چون آفتاب

موقع گلچیدن و سپهر و صفا است

طالع منحوس برون بردرخت

کوکب مسعود وطن در ضیا است

همچو شبی روز وطن تیره بود

حمد خدا را همه شب روشن است

این همه نعمت که بملت رسید

شکر خدا گر نکند ناخدا است

لیک ندانم ز چه از دهر دون

رنجبران را همه جور و جفا است

هر چه خطا کرد غنی عیب نیست

مرد فقیر آنچه بگوید خطا است

رنجبر از ملت اسلام نیست؟

یا که ره حکم شریعت دوتا است؟

قسمت منعم عمه ناز و نعیم

رنجبران را عمه مشتی قفا است

از چه رعیت همه خوار و ذلیل

عفت خویش هدر و بی بها است

کی رسد آخر غم ما انتها

یا که غم خسته دلان بی دوا است

قسمت ما از ازل آمد چنین

یا پس هر فتنه دو صد فتنه ها است

خاک وطن رشته ره معرض و آرز

غم خورد آنکس که وطن را کجا است

مطرب میخانه به چنگ و رباب

گفت به آهسته که کلک قضا است

عدل مصدق که چو بنیاد شد
این دل غمدیده ما شاد شد
ملت بدبخت خزان دیده را

روح روان بخش خدا داد شد
گلشن میهن زغم افسرده بود
بزم طرب حجله داماد شد
گرچه ز جور ستم اجنبی
کان تحمل همه بر باد شد
برده به بیغما ثمر ملک و دین
کی ستمی همچو زشداد شد
زمزمه شور ز هر بزم خاست
داد کجا رفت که بیداد شد
صیت هم از همه سو زد صفیر
رنگ تعلق همه آزاد شد
یکسره گفتند و باهنگ خوش
آب ز جو رفته ما یاد شد
مژده در این شور ز غییم رسید

مملکت از یمن وی آباد شد
عدل مصدق که چو بنیاد شد
این دل غمدیده ما شاد شد

«بنام خدا»

این اشعار در سالهای ۲۲-۱۳۳۰ بوسیله شاعر آزاده مرحوم میرزا سیفعلی بهمنی ساکن کاغذکنان (منطقه‌ئی مابین شهرستانهای: میانه - زنجان - خلخال) سروده شده بود که بعد از کودتای وطن فروشان امپریالیسم شاه خائن در ۳۰ تیر بواسطه خفقان و سانسور مطبوعات تا امروز دیوانش بچاپ نرسیده است.

تقدیم دارنده: سید جلال ارجمند

آنجا که ز قانون عدالت اشری نیست
در گلشن اوصلاح و صفارا ثمری نیست
در محکمه شحنه و شیخش همه مستند
امید از آن محکمه دفع خطری نیست
بیهوده مکن جلوه تو ای واعظ ناصح
در میهن ما جز خبر از بیخبری نیست
ابفاء بشر را نگری در سر هرسوق
کاری دگر از رشوه خوری مفتخری نیست
تا پرزده بر مرغ دلم تیر نگاهمی
آن نرگس مستت که دگر بال و پری نیست
در آتش عشق رخت از سیل سرشکم
بی رخنه در این شهر نشد بام و دری نیست
تنها نه من از جور غمت دیده بخونم
نی رامگه عشق تو خونین جگری نیست
پروانه همی سوزد و همچون من بیدل
غافل مگر آن شمع که آه سحری نیست
دلها همه غارت شده از چشم خرابت
یک تیر ز صد تیر دعا کارگری نیست
سودی نبرد هر که در این دایره عشق
چون بهمنی در راه طلب در بدری نیست
گلشنی را که چو بیگانه بساو در نظر است
باید آتش زد و هر آنچه در او ز خشکوتر است
بلبلی را چه ثمر هست ز نزهتگه گل
از حریم حرمش زاغ و زغن درگذر است
اعلمو اسمعو ایها الاحباب غیر
وجب الدفع عن الخصم لکم در خبر است
عقده از دل بگشا حب وطن را بنمای
مملکت سر بسر از دشمن دین در خطر است
عفر آن نیست که خون دل مسکین خوردن
غیرت آنست که در حفظ وطن شعله ور است
ملتی را که اجانب ببرد هر چه در اوست
زنده کی قامت آن راست ز مردن بتر است

شاهبازیکه خورد طعمه آن مرغ اسیر
عید خون میکند آنجا که باو زیر پر است
کوس رحلت زده چون حیل و نیرنگ و نفاق
کار فرما همه جا متفق کارگر است
بهمنی خامه نگهدار در این دیر خراب
ز آنکه ابناء بشر در صد دشو و شراست



شورای تاسیران و کتابفروشان